



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

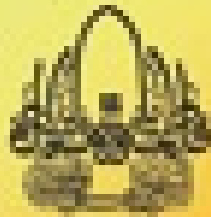
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

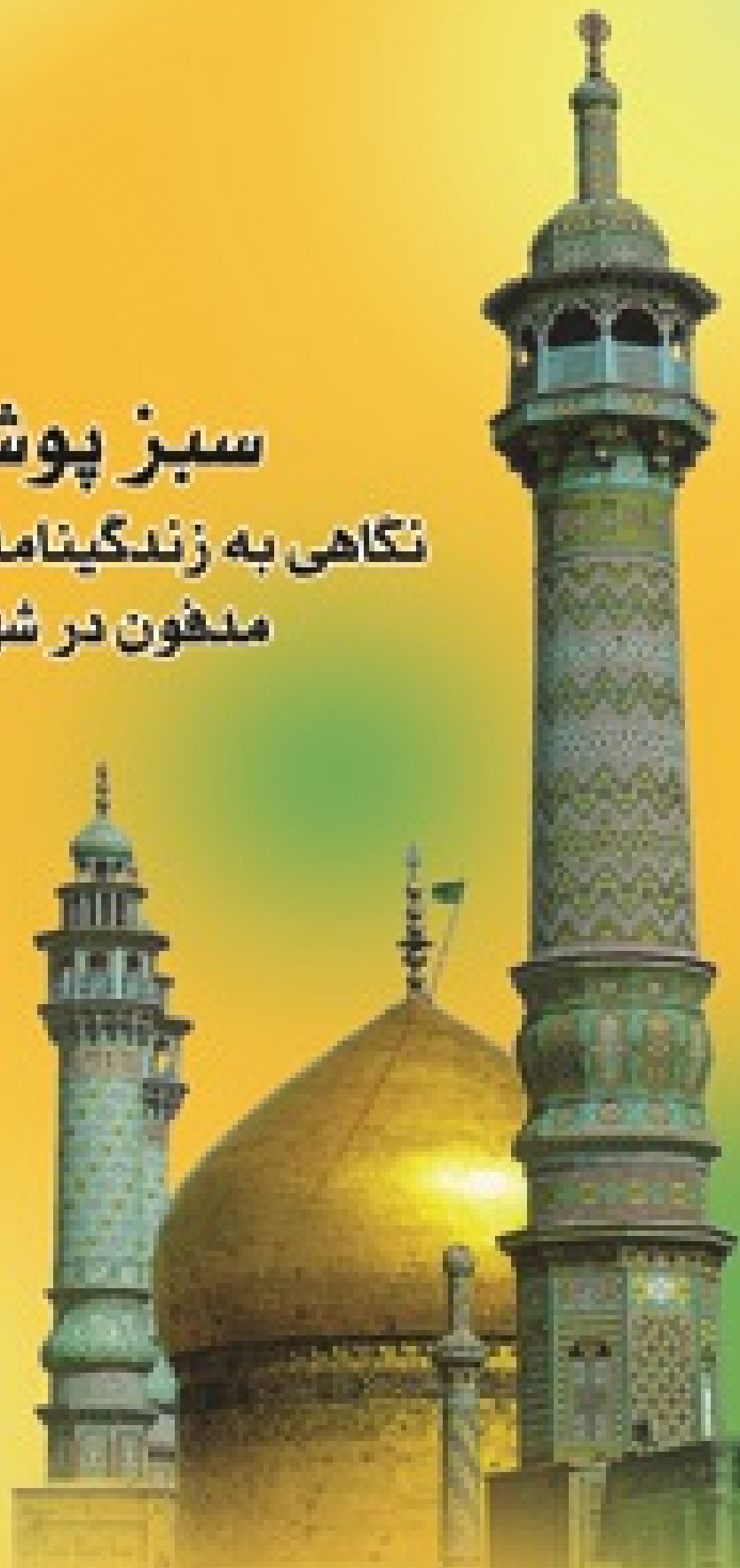
و کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۳۶

سبز پوشان

نگاهی به زندگینامه امام زادگان
ملفون در شهر قم

احمد محیطی اردکانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سبزپوشان: نگاهی به زندگینامه امام زادگان مدفون در شهر مقدس قم

نویسنده:

احمد محیطی اردکانی

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	سبزپوشان: نگاهی به زندگینامه امام زادگان مدفون در شهر مقدس قم
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۶	مقدمه کنگره
۳۰	پیشگفتار
۳۴	بخش اول امام زادگان مدفون در جهت غرب رودخانه قمرود
۳۴	امام زاده ابراهیم
۳۴	اشاره
۳۸	سلسله نسب
۳۹	خاندان
۴۰	بارگاه امام زاده ابوجعفر محمد
۴۰	اشاره
۴۱	اجداد
۴۱	ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام
۴۵	موسی ابو سُبْحه
۴۵	اشاره
۴۷	گنبد و بارگاه
۵۰	امام زاده جعفر
۵۰	اشاره
۵۱	سلسله نسب
۵۳	گنبد و بارگاه
۵۴	امام زاده حارث بن احمد (امام زاده خاک فرج)

- ۵۴ اشاره
- ۵۴ سلسله نسب
- ۵۷ گنبد و بارگاه
- ۵۷ امام زاده صفورا و محمد بن جعفر
- ۵۷ اشاره
- ۵۸ سلسله نسب
- ۶۰ تباری پاک
- ۶۱ عمر اطرف
- ۶۱ اشاره
- ۶۱ گنبد و بارگاه
- ۶۲ امام زاده سید عبدالله (قلعه صدری)
- ۶۲ اشاره
- ۶۲ سلسله نسب
- ۶۳ تباری پاک
- ۶۴ گنبد و بارگاه
- ۶۵ امام زاده سید معصوم
- ۶۵ اشاره
- ۶۵ سلسله نسب
- ۶۶ گنبد و بارگاه
- ۶۶ امام زاده سید جمال
- ۶۶ اشاره
- ۶۹ گنبد و بارگاه
- ۷۰ بخش دوم امام زادگان مدفون در جهت شرق رودخانه قمرود
- ۷۰ اشاره
- ۷۲ امام زاده سید علی (شاه سید علی)
- ۷۲ اشاره

۷۲	سلسله نسب
۷۳	تباری پاک
۷۴	مهاجرت به قم
۷۴	فرزندان
۷۵	گنبد و بارگاه
۷۸	امام زاده ابو احمد محمد (امام زاده میانی)
۷۸	اشاره
۷۸	سلسله نسب
۸۰	شجره طوبی
۸۱	فرزندان محمد حنفیه
۸۲	گنبد و بارگاه
۸۳	امام زاده حسین بن علی و سه فرزندش (چهار امام زاده)
۸۳	اشاره
۸۳	سلسله نسب
۸۵	احتمالات دیگر در سلسله نسب آن ها
۸۷	تباری پاک
۸۸	گنبد و بارگاه
۸۹	امام زاده ناصر الدین علی (شاه زاده ناصر الدین)
۸۹	اشاره
۹۰	سلسله نسب
۹۱	تباری پاک
۹۳	کرامات
۹۴	فرزندان
۹۴	گنبد و بارگاه
۹۷	امام زاده حمزه
۹۷	اشاره

- ۹۷ سلسله نسب
- ۹۸ احمد بن اسحاق جدّ امام زاده حمزه
- ۹۸ اشاره
- ۹۹ گنبد و بارگاه
- ۱۰۱ امام زاده موسی مبرقع
- ۱۰۱ اشاره
- ۱۰۲ تباری پاک و معصوم
- ۱۰۴ بازگشت به مدینه
- ۱۰۴ ازدواج با سمانه مغربیه
- ۱۰۵ منزلت سمانه
- ۱۰۶ شباهت به مادر
- ۱۰۸ دوران کودکی
- ۱۰۹ دیانت و پرهیزکاری
- ۱۱۱ در منظر علمای رجال
- ۱۱۷ هجرت به قم
- ۱۲۰ رحلت
- ۱۲۲ احمد بن محمد اعرج
- ۱۲۲ اشاره
- ۱۲۴ گنبد و بارگاه
- ۱۲۶ روایات موسی مبرقع
- ۱۲۷ سوالات یحیی بن اکثم از موسی مبرقع
- ۱۴۰ چهل اختران
- ۱۴۰ اشاره
- ۱۴۳ بقعه و بارگاه
- ۱۴۵ امام زاده زید (شاه زاده زید)
- ۱۴۵ اشاره

- ۱۴۵ سلسله نسب
- ۱۴۶ تباری پاک
- ۱۴۷ گنبد و بارگاه
- ۱۴۹ امام زاده اسماعیل (سید سربخش)
- ۱۴۹ اشاره
- ۱۵۱ سلسله نسب
- ۱۵۲ شهادت
- ۱۵۳ گنبد و بارگاه
- ۱۵۵ امام زاده علی موسی الزّضا
- ۱۵۵ اشاره
- ۱۵۵ سلسله نسب
- ۱۵۵ گنبد و بارگاه
- ۱۵۵ امام زاده احمد بن قاسم
- ۱۵۵ اشاره
- ۱۵۶ خاندان
- ۱۵۸ هجرت از مدینه
- ۱۵۸ مزار احمد بن قاسم
- ۱۵۸ اشاره
- ۱۶۲ گنبد و بارگاه
- ۱۶۴ بازسازی بارگاه
- ۱۶۴ سلطان محمد شریف
- ۱۶۴ اشاره
- ۱۶۵ تولد
- ۱۶۵ سلسله نسب
- ۱۶۵ شجره نامه
- ۱۶۶ تباری پاک

- ۱۶۹ کسب لقب «سلطان»
- ۱۷۰ فضیلت و شرافت
- ۱۷۱ وفات یا شهادت
- ۱۷۲ فرزندان
- ۱۷۳ گنبد و بارگاه
- ۱۷۴ امام زاده ابراهیم موسوی
- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۵ سلسه نسب
- ۱۷۷ تباری پاک
- ۱۸۰ فرزندان احمد بن موسی
- ۱۸۱ گنبد و بارگاه
- ۱۸۲ امام زاده علی بن جعفر علیهما السلام
- ۱۸۲ اشاره
- ۱۸۳ تباری پاک و معصوم
- ۱۸۴ تولد
- ۱۸۶ امام هفتم و دیگر برادران علی بن جعفر
- ۱۸۷ اسماعیل
- ۱۸۸ عبدالله افطح
- ۱۸۹ اسحاق بن جعفر
- ۱۸۹ محمد بن جعفر
- ۱۸۹ عباس بن جعفر
- ۱۹۰ پیرو حق
- ۱۹۰ همگام برادر
- ۱۹۱ اوضاع نابسامان مردم در عصر امام کاظم علیه السلام
- ۱۹۵ در محضر امام رضا علیه السلام
- ۱۹۷ جنبش ها در زمان امام رضا علیه السلام

- ۲۰۱ تسلیم ولایت
- ۲۰۹ در منظر اهل نظر
- ۲۱۲ اساتید و شاگردان
- ۲۱۵ شاگردان
- ۲۲۱ رحلت
- ۲۲۲ مرقد شریف در عرزیض
- ۲۲۳ مزاری در قم!
- ۲۲۶ بقعه «در بهشت»
- ۲۲۷ مرقدی در سمنان
- ۲۲۸ آثاری تا به امروز
- ۲۳۱ سید کمال الدین
- ۲۳۲ سید علی امامی
- ۲۳۲ سلطان سید علی در نایین
- ۲۳۳ سادات عریضی در یزد
- ۲۴۱ انوار تابناکی از علی بن جعفر
- ۲۴۲ هر سخنی بر زبان جاری مساز
- ۲۴۳ هم رتبه با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۴۳ خزانه داران پروردگار
- ۲۴۴ فرمانی که پیروی نشد
- ۲۴۴ منزلت امیر مؤمنان علی علیه السلام
- ۲۴۵ گفتاری به هنگام وفات
- ۲۴۵ غیبتی که به طول انجامد
- ۲۵۶ امام زادگان مدفون در استان قم
- ۲۵۶ دیباچه
- ۳۴۹ منابع و مأخذ
- ۳۵۷ درباره مرکز

سبزپوشان: نگاهی به زندگینامه امام زادگان مدفون در شهر مقدس قم

مشخصات کتاب

سرشناسه: محیطی اردکانی، احمد، ۱۳۳۵-

عنوان و نام پدیدآور: سبزپوشان: نگاهی به زندگینامه امام زادگان مدفون در شهر مقدس قم / تهیه و تنظیم احمد محیطی اردکانی؛ [به سفارش] کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم.

مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص.

فروست: کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و مکانت فرهنگی قم. مجموعه آثار؛ شماره ۳۶.

شابک: ۱۳۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۵۶۷-۲۶-۳

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۹۵] - ۳۰۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: نگاهی به زندگینامه امام زادگان مدفون در شهر مقدس قم

موضوع: قم -- امامزادها.

شناسه افزوده: کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه (ع) و مکانت فرهنگی قم (۱۳۸۳: قم)

رده بندی کنگره: BP۲۶۴/۳/م ۳ ۱۳۸۴ ۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶۷۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۳۸۷۴۱

ص: ۱

اشاره

↔

کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه و مکانت فرهنگی قم

مجموعه آثار شماره ۳۶

سبزپوشان

نویسنده: احمد محیطی اردکانی

صفحه آرا: محمدعلی محمدی

ناشر: زائر _ آستانه مقدسه قم

لیتوگرافی: بیات _ قم

چاپخانه: باقری _ قم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۰۰۰

بهاء: ۱۳۰۰ تومان

شابک: ۳-۲۶-۸۵۶۷-۹۶۴

کلیه حقوق نشر برای آستانه مقدسه قم محفوظ است.

مرکز پخش: قم، میدان شهداء (چهار راه بیمارستان)

تلفن: ۷۷۴۲۵۱۹ ص.پ. ۳۵۹۷-۳۷۱۸۵

ص: ۲

فهرست مطالب

مقدمه کنگره ۱۰۰۰

پیشگفتار ۵۰۰۰

بخش اول: امام زادگان مدفون در جهت غرب رودخانه قمرود

۴۳-۹

امام زاده ابراهیم ۱۱۰۰۰

سلسله نسب ۱۳۰۰۰

خانندان ۱۴۰۰۰

بارگاه امام زاده ابو جعفر محمد ۱۵۰۰۰

اجداد ۱۶۰۰۰

ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام ۱۶۰۰۰

موسی ابو سُبْحه ۲۰۰۰۰

گنبد و بارگاه ۲۲۰۰۰

امام زاده جعفر ۲۵۰۰۰

سلسله نسب ۲۶۰۰۰

گنبد و بارگاه ۲۸۰۰۰

امام زاده حارث بن احمد (امام زاده خاک فرج) ۲۹۰۰۰

سلسله نسب ۲۹۰۰۰

ص: ۳

گنبد و بارگاه ۳۲۰۰۰

امام زاده صفورا و محمد بن جعفر ۳۲۰۰۰

سلسله نسب ۳۳۰۰۰

تباری پاک ۳۵۰۰۰

عمر اطرف ۳۶۰۰۰

گنبد و بارگاه ۳۶۰۰۰

امام زاده سید عبدالله (قلعه صدری) ۳۷۰۰۰

سلسله نسب ۳۷۰۰۰

تباری پاک ۳۸۰۰۰

گنبد و بارگاه ۳۹۰۰۰

امام زاده سید معصوم ۴۰۰۰۰

سلسله نسب ۴۰۰۰۰

گنبد و بارگاه ۴۱۰۰۰

امام زاده سید جمال ۴۱۰۰۰

گنبد و بارگاه ۴۴۰۰۰

بخش دوّم: امام زادگان مدفون در جهت شرق رودخانه قمرود

۲۲۸-۴۵

امام زاده سید علی (شاه سید علی) ۴۷۰۰۰

سلسله نسب ۴۷۰۰۰

تباری پاک ۴۸۰۰۰

مهاجرت به قم ۴۹۰۰۰

فرزندان ۴۹۰۰۰

ص: ۴

گنبد و بارگاه ۵۰۰۰۰

امام زاده ابو احمد محمد (امام زاده میانی) ۵۳۰۰۰

سلسله نسب ۵۳۰۰۰

شجره طوبی ۵۵۰۰۰

فرزندان محمد حنفیه ۵۶۰۰۰

گنبد و بارگاه ۵۷۰۰۰

امام زاده حسین بن علی و سه فرزندش (چهار امام زاده) ۵۸۰۰۰

سلسله نسب ۵۸۰۰۰

احتمالات دیگر در سلسله نسب آن ها ۶۰۰۰۰

تباری پاک ۶۲۰۰۰

گنبد و بارگاه ۶۳۰۰۰

امام زاده ناصر الدین علی (شاه زاده ناصر الدین) ۶۴۰۰۰

سلسله نسب ۶۵۰۰۰

تباری پاک ۶۶۰۰۰

کرامات ۶۸۰۰۰

فرزندان ۶۹۰۰۰

گنبد و بارگاه ۶۹۰۰۰

امام زاده حمزه ۷۲۰۰۰

سلسله نسب ۷۲۰۰۰

احمد بن اسحاق جدّ امام زاده حمزه ۷۳۰۰۰

گنبد و بارگاه ۷۴۰۰۰

امام زاده موسی مبرقع ۷۶۰۰۰

یوسف آل محمد صلی الله علیه و آله ۷۶۰۰۰

ص: ۵

تباری پاک و معصوم ... ۷۷

ازدواج با سمانه مغربیه ... ۷۹

منزلت سمانه ... ۸۰

شبهت به مادر ... ۸۱

دوران کودکی ... ۸۳

دیانت و پرهیزکاری ... ۸۴

در منظر علمای رجال ... ۸۶

هجرت به قم ... ۹۲

رحلت ... ۹۵

احمد بن محمد اعرج ... ۹۷

گنبد و بارگاه ... ۹۹

روایات موسی مبرقع ... ۱۰۱

سئوالات یحیی بن اکثم از موسی مبرقع ... ۱۰۲

چهل اختران ... ۱۱۵

بقعه و بارگاه ... ۱۱۸

امام زاده زید (شاه زاده زید) ... ۱۲۰

سلسله نسب ... ۱۲۰

تباری پاک ... ۱۲۱

گنبد و بارگاه ... ۱۲۲

امام زاده اسماعیل (سید سربخش) ... ۱۲۴

سلسله نسب ۱۲۶۰۰۰

شهادت ۱۲۷۰۰۰

گنبد و بارگاه ۱۲۸۰۰۰

ص: ۶

امام زاده علی موسی الرضا ... ۱۳۰

سلسله نسب ... ۱۳۰

گنبد و بارگاه ... ۱۳۰

امام زاده احمد بن قاسم ... ۱۳۰

خاندان ... ۱۳۱

هجرت از مدینه ... ۱۳۳

مزار احمد بن قاسم ... ۱۳۳

گنبد و بارگاه ... ۱۳۷

بازسازی بارگاه ... ۱۳۹

سلطان محمد شریف ... ۱۳۹

تولد ... ۱۴۰

سلسله نسب ... ۱۴۰

تباری پاک ... ۱۴۱

کسب لقب «سلطان» ... ۱۴۴

فضیلت و شرافت ... ۱۴۵

وفات یا شهادت ... ۱۴۶

فرزندان ... ۱۴۷

گنبد و بارگاه ... ۱۴۸

امام زاده ابراهیم موسوی ... ۱۴۹

سلسله نسب ... ۱۵۰

تباری پاک ۱۵۲ ...

فرزندان احمد بن موسی ۱۵۵ ...

گنبد و بارگاه ۱۵۶ ...

ص: ۷

امام زاده علی بن جعفر علیهما السلام... ۱۵۷

تباری پاک و معصوم... ۱۵۸

تولد... ۱۵۹

امام هفتم و دیگر برادران علی بن جعفر... ۱۶۱

اسماعیل... ۱۶۲

عبدالله افطح... ۱۶۳

اسحاق بن جعفر... ۱۶۴

محمد بن جعفر... ۱۶۴

عباس بن جعفر... ۱۶۴

پیرو حق... ۱۶۵

همگام برادر... ۱۶۵

اوضاع نابسامان مردم در عصر امام کاظم علیه السلام... ۱۶۶

در محضر امام رضا علیه السلام... ۱۷۰

جنبش ها در زمان امام رضا علیه السلام... ۱۷۲

تسلیم ولایت... ۱۷۶

ناچار از حکم قیافه شناس!... ۱۸۱

در منظر اهل نظر... ۱۸۴

اساتید و شاگردان... ۱۸۷

اساتید... ۱۸۷

شاگردان... ۱۹۰

رحلت ۱۹۵۰۰۰

مرقد شریف در عَرِيض ۱۹۶۰۰۰

مزاری در قم! ۱۹۷۰۰۰

ص: ۸

بقعه «در بهشت» ... ۲۰۰

مرقدی در سمنان ... ۲۰۱

آثاری تا به امروز ... ۲۰۲

سید کمال الدین ... ۲۰۵

سید علی امامی ... ۲۰۶

سلطان سید علی در نایین ... ۲۰۶

سادات عریضی در یزد ... ۲۰۷

انوار تابناکی از علی بن جعفر ... ۲۱۴

هر سخنی بر زبان جاری مساز ... ۲۱۵

هم رتبه با پیامبر صلی الله علیه و آله ... ۲۱۶

خزانه داران پروردگار ... ۲۱۶

فرمانی که پیروی نشد ... ۲۱۷

منزلت امیر مؤمنان علی علیه السلام ... ۲۱۷

گفتاری به هنگام وفات ... ۲۱۸

غیبتی که به طول انجامد ... ۲۱۸

بخش سوم: امام زادگان مدفون در استان قم به ترتیب حروف الفبا

۲۲۹-۲۹۴

دیباچه ... ۲۳۱

منابع و مآخذ ... ۲۹۵

ص: ۹

حضرت امام صادق علیه السلام:

«حرم ما اهل بیت علیهم السلام، شهر قم است. آنجا بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دفن می شود، بهشت بر هر که او را زیارت کند، واجب می گردد»(۱).

قم که به لقب «حرم اهل بیت علیهم السلام» مفتخر گردید، نه تنها به جهت وجود مردمی است که در آن به حسن عبادت و توحید عبادی در قیام و رکوع و سجود شناخته شده اند(۲)، و در آرمان شهر اسلامی گرد حضرت مهدی اجتماع کرده و به یاری آن حضرت قیام خواهند نمود، و نه صرفاً به جهت وجود بزرگ ترین حوزه علمی و حدیثی و معرفتی شیعه در آن، بلکه این شهر مفتخر است که چونان صدفی زمینی، گوهر آسمانی و ملکوتی فرزند باب الحوائج الی الله را در بر گرفته و مسجد اولیای الهی گردیده است. اگر در گذشته شهر قم محل محدثان بزرگ و

ص: ۱

۱- ۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲- ۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۲۰۶.

معبد و سجده گاه فاطمه معصومه علیها السلام بوده، امروزه نیز پرچم دار فرهنگ ناب فقه جعفری علیه السلام و معنویت و عرفان بوده و ضمن تربیت و پرورش یاران امام عصر ارواحنا فداه، زائران حضرتش را با معارف بلند دینی میزبانی می کند. آری، «زبید اگر خاک قم به عرش کند فخر(۱)».

قم، شهری است که بر ولایت و مودت اهل بیت علیهم السلام پایه گذاری شده و به همین جهت، پایگاهی برای علویان و شیعیان و دژ تسخیرناپذیری علیه ستمگران بوده است و ائمه علیهم السلام با تعبیراتی خاص و بلند از این شهر یاد کرده اند(۲).

از هنگامی که شهر قم مسکن حضرت سستی، فاطمه معصومه علیها السلام گردید، بُعد فرهنگی و معنوی آن در کنار تحولات اجتماعی و سیاسی متحوّل و شکوفا شد، و از چنان موقعیتی برخوردار شد که جناب حسین بن روح رضوان الله علیه، از نواب اربعه، تأیید محتوای یک کتاب علمی و فقهی را مشروط به نظر مساعد علمای قم نمود(۳). وجود حوزه غنی و بزرگ شیعه، در این شهر و دفاع علمی از اسلام راستین به وسیله تألیف کتابها، اعزام مبلغان و زادگاه انقلاب اسلامی بودن و... همه و همه به برکت وجود فرزند رسول خدا، کریمه اهل بیت علیهم السلام در این شهر است.

ص: ۲

۱-۱. دیوان امام خمینی، ص ۲۵۷.

۲-۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۳-۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۰.

از آنجا که سال ۱۳۸۳ ه. ش. با یک هزار و دویست و پنجاهمین سالگرد ولادت آن حضرت، و نیز با پایان تجدید طلاکاری گنبد مطهر _ که در زیبایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است _ مقارن شده، به منظور معرفی بیشتر آن حضرت و تبیین جایگاه ویژه شهر قم در ترویج فرهنگ تشیع، به دستور تولیت عظمای آستانه مقدّسه، حضرت آیه الله مسعودی دام عزه «کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم» شروع به فعالیت نمود. و در چهار موضوع ذیل:

الف. حضرت معصومه علیها السلام و آستانه مقدّسه؛

ب. قم و فرهنگ تشیع؛

ج. حوزه علمیه قم؛

د. انقلاب اسلامی در قم،

با محوریت آستانه مقدّسه، دهها جلد کتاب در موضوعات فوق که اکثر آنها جنبه تألیف داشته و برخی دیگر جنبه تراشی دارد و توسط محققان تألیف و تصحیح شده، اهتمام ورزیده است.

آثاری که در محورهای فوق تدوین و نگارش یافته تنها قدم کوچکی است که می تواند نقطه شروعی برای تحقیقات گسترده و عمیقی باشد که سزاوار موضوعات یاد شده است.

کتاب ارزشمند «سبزپوشان» از جمله آثار کنگره است که به قلم توانای فاضل ارجمند جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای محیطی اردکانی نگارش یافته، که لازم است در اینجا کمال تقدیر و سپاس خود

ص: ۳

را از ایشان ابراز داشته، همچنین از تولیت آستانه مقدسه، حضرت آیه الله مسعودی، معاون محترم اداری مالی آستانه، جناب آقای فقیه میرزایی و مدیریت فرهنگی حجه الاسلام والمسلمین عباسی که تلاش فراوانی در این امر داشته اند، نهایت امتنان و سپاس را داریم.

بر خود لازم می دانم که اذعان و اعتقاد قلبی خود را ابراز دارم که اگر توفیقات خدای متعال و عنایات کریمه اهل بیت علیهم السلام نبود، از برداشتن کوچک ترین قدمی در این راه عاجز و ناتوان بودیم.

و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت و الیه انیب.

احمد عاب_دی

دبیر کنگره

ص: ۴

در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «أَلَا وَإِنَّ قُمَّ الْكُوفَةَ الصَّغِيرَةَ، أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ، ثَلَاثَةٌ مِنْهَا إِلَى قُمَّ، تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، وَتَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ»^(۱)

«قم کوفه کوچک است و بهشت هشت در دارد، سه در آن به روی قم باز است و بانویی از فرزندان من در آن جا دفن خواهد شد که فاطمه دختر موسی نام دارد و با شفاعت وی همه شیعیان من وارد بهشت می شوند».

با ورود عبد الرحمن بن محمد بن اشعث همراه هفده نفر از علمای تابعین و شیعیان برجسته و پارسا، مانند سعید بن جبیر به قم در حدود سال ۸۳ ه. ق و هجرت آل اشعث در دو دهه آخر قرن اول هجری به این سرزمین،^(۲) قم پایگاه مهمی برای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام گردید.

بدین جهت وقتی حضرت معصومه علیها السلام در ساوه بیمار

ص: ۵

۱- ۱. مجالس المؤمنین، قاضی نور الله تستری، ج ۱، ص ۸۳، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۸.

۲- ۲. حضرت معصومه چشمه جوشان کوثر، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۳۷، به نقل از کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۸۲.

شد، درخواست کرد تا او را به قم ببرند. با ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم و وفات و دفن شدن آن حضرت در این سرزمین، قم رونق بیشتری یافت و فرزندان و احفاد ائمه معصوم علیهم السلام که بر اثر فشار حکام ظالم و دشمنان اهل بیت علیهم السلام در تنگنای شدید بودند، گروه گروه به سوی ایران مخصوصاً به شهر قم و اطراف آن که پایگاه شیعیان بود روی آوردند. و در کنار دوستداران اهل بیت با احترام زیاد زندگی کردند و پس از رحلت در قم دفن گردیدند.

زندگینامه حضرت معصومه علیها السلام و معرفی شخصیت والای آن حضرت و امامزادگان مدفون در جوار روضه مطهره آن بزرگوار و یا در گوشه و کنار شهر مقدس قم، کتابی مستقل می طلبد که در این زمینه تألیفات خوبی وجود دارد.

در این نوشتار سعی شده است، سیری کوتاه و مختصر در زندگی نامه سایر امام زادگان که در شهر مقدس قم دارای قبه و بارگاهی هستند، ارائه گردد.

در این راستا از کتب بسیاری که در این زمینه به رشته تحریر در آمده، مانند: «گنجینه آثار قم»، «بدر فروزان»، «انجم فروزان»، تألیف مرحوم عباس فیض، «تاریخ قم»، تألیف حسن بن محمد، و «تاریخ قم»، ناصر الشریعه، «عمده الطالب» ابن عنبه «منتهی الآمال»، محدث قمی، «انوار المشعشعین»، شیخ محمد علی کچوئی، و «انوار پراکنده»، تألیف محمد مهدی فقیه محمدی گیلانی و دیگر کتبی که در فهرست منابع، بیان گردیده است استفاده نمودیم. از همه مؤلفین محترمی که در این

زمینه زحمت کشیده اند قدردانی و تشکر می شود.

تألیف این کتاب به پیشنهاد دبیرخانه کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم انجام شده لذا سعی گردید تا زندگی نامه این امام زادگان بزرگوار به صورت گویا و مختصر نوشته شود. به جز زندگی نامه علی بن جعفر که قبلاً در فرصتی بیشتر و مفصل تر تحریر یافت و به این مجموعه اضافه گردید.

کتاب در سه بخش تنظیم یافت:

۱_ امام زادگان مدفون در غرب رودخانه قمرود

۲_ امام زادگان مدفون در شرق رودخانه قمرود

۳_ امام زادگان مدفون در استان قم به ترتیب حروف الفبا.

و در بخش اول و دوم امام زادگان مدفون در هر خیابان پشت سر هم قرار گرفت تا بدین صورت نظم خاصی پیدا کند. امید است مرضی حضرت حق و مورد قبول اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و قرار بگیرد.

احمد محیطی اردکانی

اردیبهشت ۱۳۸۳

ص: ۷

بخش اول امام زادگان مدفون در جهت غرب رودخانه قمروود

امام زاده ابراهیم

اشاره

ص: ۹

در شهر مقدس قم دو قبه و بارگاه به نام امام زاده ابراهیم (شاه ابراهیم _ شاه زاده ابراهیم) معروف و مشهود است.

۱. امام زاده ابراهیم که در طرف غرب قم در خیابان امام زاده ابراهیم نزدیک ایستگاه راه آهن است و در کنار پدر بزرگوارش به نام سید ابو جعفر محمّد در یک ضریح و زیر یک گنبد، مدفون می باشند و در بعضی از کتب وی را با لقب «بخشی» معرّفی نموده اند.

۲. امام زاده ابراهیم که در کنار گلزار شهدای «در بهشت» نزدیک مشهد منسوب به علی بن جعفر، آخر خیابان چهارمردان جهت شرق قم واقع است و زندگینامه وی در بخش دوم خواهد آمد.

۱ _ امام زاده ابراهیم (بخشی) و پدرش ابو جعفر محمّد.

مرحوم فیض می نویسد: «در این بقعه (۱) دو امام زاده جلیل (پدر و پسر) به اسامی ابوجعفر، محمد بن محسن بن ابراهیم عسکری، ابن موسی ابی الشّیحه، ابن ابراهیم المرتضی، ابن امام موسی الکاظم علیه السلام، و فرزندش ابو اسماعیل ابراهیم مدفونند. که به واسطه آثار تألیفی امام زاده ابراهیم این قبه و بارگاه به نام وی شهرت یافته است. (۲)

ص: ۱۱

۱- ۱. بقعه امام زاده ابراهیم نزدیک ایستگاه راه آهن، در جهت غرب قم.

۲- ۲. گنجینه آثار قم، عباس فیض، چاپ اوّل، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۲۶۲.

در کتیبه ایوانچه ورودی بقعه بر روی کاشی های ملون چنین نوشته شده:

«بسم الله الرحمن الرحيم، در این بقعه مبارکه به طوری که آقای ابو المعالی شهاب الدین مشهور بالنجفی الحسینی المرعشی تعیین نموده اند: دو نفر از خاندان حضرت رسالت، یکی سید جلیل ابو اسماعیل ابراهیم، بن ابی جعفر محمد، ابن ابی طالب المحسن، بن ابی الحسن ابراهیم العسکری، بن موسی الثانی ابی السُّبحه، بن ابراهیم المرتضی، بن سیدنا و مولینا الامام موسی بن جعفر علیهما السلام و دیگری سید ابو جعفر محمد، پدر بزرگوار ایشان مدفون می باشد، و سید ابو جعفر محمد با عم خود اسحاق _ که بین ساوه و آوه در بقعه معروف به شاه زاده اسحاق مدفون است _ از عراق عرب مهاجرت به قم نمودند. نظر به این که شاه زاده ابراهیم از بزرگان علما و محدثین بوده و کتب بسیاری از جمله کتاب «الامامه» و کتاب «القضاء» و غیرهما تألیف نموده، بقعه منوره به اسم ایشان مشهور شده است. شاه زاده ابراهیم در حدود سنه چهارصد هجری وفات یافت. ساختمان روضه منوره او را بنا به فرمایش مؤلف منتقله الطالبین و به طوری که در سفرنامه خوزستان مرحوم نجم الدوله حاجی میرزا عبد الغفار خان مهندس، نوشته شده بین سنه هفتصد و هشتصد هجری بوده است. و جناب مستطاب آقای حاجی حسینعلی گرجی آشتیانی بانی شده به سعایت جناب حاجی میرزا محمد و حاجی میرزا محمد علی، اخوان شاکری خرازی قمی به تعمیرات این بقعه اقدام و در اول شهر رجب هزار و سیصد و پنجاه و هفت هجری قمری تعمیر آن خاتمه یافت.

ص: ۱۲

همان گونه که در ایوانچه ورودی بقعه منوره نوشته شده، نسب این سید جلیل با پنج واسطه به امام کاظم علیه السلام می رسد که در میان آن ها، علما، محدثین و صالحان برگزیده وجود دارند.

نمودار زیر بیانگر سلسله نسب وی و هم نامش ابو القاسم ابراهیم بن احمد بن موسی و بعضی از امام زادگان بزرگوار می باشد که با تفحص در کتب انساب تنظیم گردیده است. (۱)

ص: ۱۳

۱- ۱. ر.ک. عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، ص ۱۸۳-۱۹۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۷؛ رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۲۴؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۴.

اما بعضی از نسب شناسان احتمالات دیگری در سلسله نسب وی داده اند که مورد تأیید همه نمی باشد.

ناصر الشریعه، سه احتمال در نسب وی و پدرش ذکر کرده است:

۱_ ابراهیم، بن محمد، بن حسن، بن ابراهیم، بن احمد، بن موسی، بن ابراهیم، بن موسی بن جعفر علیه السلام.

۲_ محمد بن حسن، بن احمد، بن اسحاق، بن ابراهیم، بن احمد، بن موسی، بن ابراهیم، بن موسی بن ابراهیم، بن موسی بن جعفر علیهما السلام.

۳_ محمد بن اسحاق، بن موسی، بن اسحاق، بن ابراهیم، بن موسی، بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام.

و این احتمالات را از روی کتب انساب می داند. (۱) اما با تدبیر در کتب انساب (۲) به خوبی آشکار می شود که هیچ کدام از این احتمالات در سلسله نسب امام زاده ابراهیم و پدر بزرگوارش مورد تأیید نیست و شواهدی بر ضعف آن ها موجود می باشد، سلسله نسب این دو سید جلیل القدر همان است که آیه الله نجفی مرعشی _ قدس سره _ استخراج نموده اند.

خاندان

پدر بزرگوار امام زاده ابراهیم، سید ابو جعفر محمد است که با

ص: ۱۴

۱- ۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۸.

۲- ۲. ر.ک. الشجره المبارکه فی انساب الطالبيه، فخر رازی، طبع اول، ص ۷۷. ۸۶ و الفخری فی انساب الطالبيين، مروزی اروزقانی ص ۱۲؛ عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، ص ۱۸۳ و ۱۹۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۶۵ و ۲۶۷.

عموی خود اسحاق(۱) بن ابراهیم عسکری فرزند موسی ابوشیحه، فرزند ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام از عراق عرب به قم مهاجرت نموده است.

علت مهاجرتشان را این گونه می توان بیان کرد: که در آن ایام سادات و ذراری پیامبر صلی الله علیه و آله در عراق تحت فشار حکام جور قرار داشتند. و عرصه زندگی برای آن ها بسیار تنگ بود. اما ایران به ویژه شهر قم، مرکز دوستداران اهل بیت علیهم السلام و روایان حدیث و عالمان دین بود که به ائمه معصومین علیهم السلام و منتسبین به آن ها عشق می ورزیدند و آن ها را با احترام و اکرام در کنار خود می پذیرفتند. بدین جهت سادات بزرگوار به سوی ایران و قم مهاجرت نموده در جای جای ایران خصوصا در قم سکنی گرفتند.

قابل توجه این که هیچ یک از علمای نسب شناس ذکر نکرده اند که وقتی ابوجعفر محمد همراه عموی خود اسحاق، وارد قم شد فرزندش ابراهیم را نیز همراه خود آورد. از این مطلب می توان حدس زد که ابراهیم در قم متولد شده است و در این شهر که در آن روز مرکز علم و دانش و تقوا بود رشد و نمو نمود و صاحب علم و کمال گردید.

بارگاه امام زاده ابوجعفر محمد

اشاره

ابوجعفر محمد مورد احترام و اکرام مردم قم بود و تا آخر در این

ص: ۱۵

۱-۱. امروز بین ساوه و آوه گنبد و بارگاهی به نام شاه زاده اسحاق معروف است که محل دفن وی می دانند.

شهر مقدّس ماند. سرانجام در حدود نیمه دوم قرن چهارم (۱) دار فانی را وداع، و به دیدار معبود متعال شتافت. بدن مطهّر وی را در مکانی که امروزه به امام زاده ابراهیم معروف است به خاک سپردند.

اجداد

درباره ابوطالب محسن و پدرش ابوالحسن ابراهیم عسکری، دو تن از اجداد امام زاده ابراهیم اطلاع زیادی در دست نیست، و تاریخ نویسان و علمای نسب شناس درباره اوصاف این دو بزرگوار و مکان زندگی آن ها مطلبی بیان نکرده اند. اما درباره موسی ابوشبّه و ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام دو جدّ دیگر وی مطالبی ذکر کرده اند که به اختصار بیان می گردد.

ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام

ابراهیم ملقب به مرتضی فرزند بلا- فصل امام موسی بن جعفر علیهما السلام است وی سیدی کریم، بزرگوار، شجاع و با سخاوت بود. حضرت امام موسی کاظم علیه السلام قبل از ولادتش خبر داد که: یکی از همسرانم فرزندی به دنیا می آورد که در میان فرزندانم (۲) در سخاوت و شجاعت و عبادت کسی از او پیشی نخواهد

ص: ۱۶

۱- ۱. هیچ یک از تاریخ نویسان و علمای انساب، تاریخ وفات وی را ذکر نکرده اند؛ ولی از این که فرزندش ابراهیم حدود سال چهارصد هجری قمری از دنیا رفته، می توان حدس زد که وی در حدود نیمه دوّم قرن چهارم دعوت حق را لبیک گفته است.

۲- ۲. البته مراد غیر از علی بن موسی الرضا(ع) است زیرا هیچ کس از امام معصوم پیشی نمی گیرد.

گرفت سؤال شد: نام او چه خواهد بود، حضرت کاظم علیه السلام فرمود: ابراهیم که مادرش نجیه نوبیه است. (۱)

ابراهیم شخصی امین و متولی زمین های موقوفه پدرش بود. امام کاظم علیه السلام درآمد آن زمین ها را بر بینوایان و زنان بی همسر وقف نمود تا کمک هزینه زندگی آنان باشد.

حضرت فرمود: «هذا ما تصدَّقَ بِهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، تَصَدَّقَ بِأَرْضِهِ فِي مَكَانٍ كَذَا وَ كَذَا... وَ جَعَلَ صَدَقَتَهُ هَذِهِ إِلَى عَلِيِّ وَ اِبْرَاهِيمَ فَإِذَا انْقَرَضَ أَحَدُهُمَا دَخَلَ الْقَاسِمُ مَعَ الْبَاقِي مِنْهُمَا...» (۲)

این چیزی است که موسی بن جعفر آن را صدقه قرار داده و زمینی را که در فلان مکان... قرار دارد وقف می کند... و متولی آن علی (امام هشتم) و ابراهیم است، هر گاه یکی از آنان از دنیا رفت. قاسم با آن کسی که از فرزندان آن دو باقی مانده عهده دار تولیت بر موقوفه های من باشد.

در این که امام کاظم علیه السلام چند فرزند به نام ابراهیم داشته است، دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه این است که ابراهیم از اولاد امام کاظم علیه السلام یک فرد بیش نیست. و ظاهر عبارت اکثر علما و تاریخ نگاران مانند شیخ مفید، اربلی، طبرسی (۳) و... همین است زیرا در

ص: ۱۷

۱- ۱. رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۱؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- ۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۹۶، باب نصّ و اشاره برای ابو الحسن موسی علیه السلام، ح ۱۵.

۳- ۳. ر.ک. ارشاد شیخ مفید، با ترجمه، ج ۲، ص ۲۳۶، کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۳، ص ۲۹-۳۰؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۶.

فرزندان امام کاظم علیه السلام نام یک ابراهیم بیشتر نبرده اند.

اما «ابن عنبه» نسب شناس مشهور و شیخ ابونصر بخاری و شیخ تاج الدین و... بر این باورند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام دو فرزند به نام ابراهیم داشته، یکی ابراهیم اکبر و دیگری ابراهیم اصغر.

ظاهراً متعدد بودن ابراهیم قوی تر است همان طوری که ابن عنبه و دیگر نسب شناسان مشهور به آن تصریح کرده اند. و دیگران تصریح به عدم تعدد نکرده اند. بلکه یک ابراهیم برای امام کاظم علیه السلام بیشتر نام نبرده اند و این منافات با تعدد ندارد. (۱)

تاج الدین ابن زهره حسینی می نویسد: ابراهیم مرتضی سیدی جلیل، عالم و فاضل بود، از پدرانش حدیث نقل می کرد، در زمان قیام «ابو السّیرایا» به یمن رفت و مدتی امیر یمن گردید، و مردم را به امامت برادرش علی بن موسی الرضا علیه السلام دعوت می کرد، این خبر به مأمون رسید. ولی با شفاعت بعضی، مأمون متعرضش نگردید. وی [با کشته شدن ابو السّیرایا] به بغداد بازگشت و در آن جا ماند تا وفات نمود و قبرش در مقابر قریش نزد پدر بزرگوارش در مدفنی جداگانه معروف است. (۲)

ص: ۱۸

۱- ۱. ر.ک. عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، ص ۱۹۶-۱۸۳، رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۲۴.
۲- ۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۳؛ رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۱ و ۴۳۴. در رجال سید بحر العلوم آمده است که قبر وی در کربلا پشت ضریح ابا عبدالله الحسین علیه السلام به فاصله شش ذراع قرار دارد. و در توجیه این اختلاف می نویسد: که شاید بعد از دفن وی در مقابر قریش، به کربلا منتقل شده است مانند آنچه درباره پدر بزرگوار سید مرتضی و سید رضی، ابو احمد حسین نقل شده است.

در ارشاد آمده: ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام مردی با سخاوت و کریم بود و در ایام مأمون از جانب محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، که «ابو السّرایا» در کوفه با او بیعت کرده بود، امیر یمن گردید. و زمانی که ابو السّرایا کشته گشت و طالبیین متفرّق و متواری شدند، مأمون، ابراهیم را امان داد. (۱)

باید توجه داشت. کسانی که برای امام کاظم علیه السلام بیش از یک ابراهیم قائل نیستند، تمام این صفات و قیام در زمان ابو السّرایا و امارت یمن را، متوجه یک نفر می دانند. اما همان گونه که بیان شد: حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام دارای دو فرزند به نام ابراهیم بوده است، بدین جهت به تصریح بعضی از نسب شناسان مشهور مانند ابن عنبه و ابو نصر بخاری و... آن کسی که در ایام ابو السّرایا خروج کرد و والی یمن گردید ابراهیم اکبر است و او یکی از پیشوایان زیدیه و بدون نسل می باشد و ابراهیم اصغر ملقب به مرتضی است و مادرش ام ولد (۲) نوبّه به نام «نجیه» است او دو پسر به نام های موسی ابو سُبّحه و جعفر دارد که نسل او از این دو نفر ادامه یافته است (۳) و بعضی وی را صاحب سه پسر دانسته اند و اسماعیل را به آن دو اضافه کرده اند. (۴)

ص: ۱۹

۱- ۱. ارشاد، شیخ مفید، با ترجمه، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲- ۲. ام ولد به کنیزی گفته می شود که از مولایش صاحب فرزند شود و سپس آزاد گردد.

۳- ۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۴؛ رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۰.

۴- ۴. الشجره المبارکه، فخر رازی، ص ۸۲؛ سراج الانساب، ص ۷۷.

از بعضی از روایات استفاده می شود که ابراهیم نسبت به پدر بزرگوارش موسی بن جعفر علیه السلام عقیده به وقف داشته است. (۱) که این نیز در صورت صحت، با قرائن و شواهد موجود متوجه ابراهیم اکبر است و ساحت وجود ابراهیم اصغر از این نسبت پاک و مبرا است. (۲)

موسی ابو سُبْحه

اشاره

یکی از اجداد امام زاده ابراهیم، موسی ابو سُبْحه فرزند ابراهیم اصغر (مرتضی) است وی عالمی صالح، باتقوا و اهل عبادت بود. بیشتر اوقات با تسبیحی ملون مشغول ذکر گفتن بود، بدین جهت وی را «ابو سُبْحه» (۳) می نامیدند.

علاوه بر این وی یکی از راویان حدیث نیز بود، چنانچه حدیث معروف _ «سلسله الذهب» _ که امام هشتم علیه السلام در شهر نیشابور در حالی که کاتبان بسیاری برای دریافت آن حدیث جمع شده بودند برای مردم بیان کرد _ به وسیله موسی ابو سُبْحه نیز از اجداد طاهرینش

ص: ۲۰

۱- ۱. در اصول کافی آمده:.... محمد بن علی بن اسباط، قال: قلت للرضا علیه السلام ان رجلاً _ اعنى اخاك ابراهيم _ فذكر له: ان اباك في الحياه و انك تعلم من ذلك ما يعلم، فقال: سبحان الله يموت رسول الله و لا يموت موسى... رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۲۲، از کافی، ج ۱، ص ۳۸۰، ولی مرحوم مامقانی در تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۴ با ادله کافی این اتهام را رد می کند.

۲- ۲. رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۴-۴۳۰؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۴.

۳- ۳. در رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۱، به نقل از عمده المطالب وی را با کنیه «أبو سُبْحه» ذکر نموده و قائل است که این ضبط اکثر علمای نسب شناس است و سپس می نویسد: در نسخه دیگری از عمده الطالب «ابو سُبْحه» ضبط شده است.

نقل شده است.

در غایه الاختصار آمده است: رایت له کتابا فی سلسله الذهب یروی عنه الموافق و المخالف، کان یقول: «اخبرنی ابی ابراهیم، قال حدثنی أبی موسیٰ الکاظم علیه السلام، قال: حدثنی الامام الصادق جعفر بن محمد، قال حدثنی محمد الباقر، قال: حدثنی ابی زین العابدین، قال حدثنی ابی الامام شهید کربلا، قال: حدثنی ابی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام قال: حدثنی رسول الله - صلی الله علیه و آله - قال: حدثنی جبرائیل عن الله تعالی - انه قال: «لا إله إلا الله» حصنی. فمن قالها دخل حصنی. و من دخل حصنی امن من عذابی»^(۱).

از او - موسی ابوسبحه - کتابی در (حدیث) سلسله الذهب مشاهده کردم که موافق و مخالف از آن کتاب روایت می کنند: او می گوید: از پدرم ابراهیم [اصغر] شنیدم و او از پدرش موسی کاظم او از پدرش جعفر صادق، او از پدرش محمد باقر، او از پدرش زین العابدین، او از پدرش امام حسین شهید کربلا، او از پدرش امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام او از پیامبر صلی الله علیه و آله او از جبرئیل، او از خداوند متعال نقل کرد که خداوند متعال فرمود: کلمه «لا اله الا الله» دژ محکم من است هر کس این کلمه را بگوید داخل دژ محکم من می شود و هر کس داخل دژ محکم من شد از عذاب من در امان است.

وی دارای فرزندان زیادی بود. که از هشت فرزند وی نسل او ادامه یافت از آن جمله، ابوجعفر محمد اعرج است که پدر موسی الاصغر

ص: ۲۱

۱ - ۱. غایه الاختصار، تاج الدین ابن زهره حسینی، ص ۸۷. رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۴؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۳.

ملقب به ابرش و جدّ ابو احمد حسين است که ابو احمد حسين نقيب علويين در بغداد و پدر بزرگوار سيد مرتضى و سيد رضى است و جلالت شأن آن ها بر كسى پوشيده نيست.

فرزند ديگر موسى ابوشيبه، ابو الحسن ابراهيم عسكرى، پدر ابو طالب محسن و جدّ شاهزاده ابو جعفر محمد است، (پدر امام زاده ابراهيم) مى باشد.

سيد تاج الدين در «غايه الاختصار» مى نويسد: موسى ابوشيبه در بغداد از دنيا رفت و قبرش در مقابر قریش در جوار پدر و جدّش قرار دارد. و من از قبرش جستجو نمودم، موضعی در دهليز حجره كوچكى كه جزء ملك و منازل جوهرى هندی بود، به من نشان دادند. (۱)

و در «رجال» سيد بحر العلوم آمده است: كه قبر وى نزديك ضريح امام حسين عليه السلام در كربلا، کنار قبر پدرش ابراهيم بن موسى و فرزندانش مى باشد. در جمع اين اختلاف چنين آمده است كه شايد بعد از دفن در مقابر قریش مانند پدر بزرگوارش به كربلا منتقل گرديده است. (۲)

گنبد و بارگاه

مرحوم فيض مى نويسد: گنبد و بارگاه امام زاده ابراهيم در سابق، خارج قم بود. ولى اکنون بر اثر گسترش و توسعه شهر، در ميان شهر واقع شده است. اين بقعه تا چهل سال قبل در ميان گورستانى ترسناك و

ص: ۲۲

۱- ۱. منتهی الآمال، همان.

۲- ۲. رجال، سيد بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۰، ۴۳۵.

ناهموار قرار داشت. گنبد آن در سال ۱۳۱۰ ق. از ناحیه متولی آن روز، مرحوم آقا سید علی نقی، تعمیر و آجرکاری شد.

در سال ۱۳۵۶ ق. به اهتمام آقای حاج حسینعلی گرجی آشتیانی تعمیر و ایوان مدخل آن کاشی کاری و گنبد آن به خشت کاشی آراسته گشت. در سال ۱۳۷۷ به وسیله مرحوم دکتر احسان که طبیبی خیر و بلند همت بود مسجد و حسینیه و آب انباری در آن جا ساخته شد و رونق بیشتری یافت. با مساعی آقای حاج سید محمد شاه ابراهیمی، گورستان اطراف امام زاده ابراهیم، تسطیح و در محوطه جنوبی آن نزدیک چاه آب، حوضی با دو لبه بالا- و پایین از سنگ تراش احداث [شد]، و وضوخانه مردانه و زنانه [ای]، با جدار کاشی کاری [شده] در ضلع شرقی آن بنا نهاد [شد]. (۱)

هم اکنون با تعمیراتی که به کمک و سرپرستی اداره اوقاف انجام شده در مدخل صحن دروازه و ایوان باشکوهی همراه با دو گلدسته مزین به کاشی های گره ای الوان موجود می باشد که در بالای درب بزرگ ورودی صحن با خط نستعلیق سفید در زمینه آبی چنین نوشته شده:

«بسم الله الرحمن الرحيم، آستان مقدس عالم جلیل القدر حضرت امام زاده ابراهیم و پدر بزرگوار ایشان ابو جعفر محمد. از احفاد امام کاظم علیه السلام. بنای این ساختمان در سال ۱۳۶۸ ه. ش توسط اوقاف و امور خیریه قم به اتمام رسید»

در نتیجه افزایش بناهای مذکور و پس از احداث سردر و تعمیرات

ص: ۲۳

مهم دیگر و دفن شهدای دفاع مقدّس در گورستان مجاور امام زاده ابراهیم، توجه عمومی به این بارگاه رفیع بیشتر گردید و احداث بقعه ها و حجرات و تالارهایی در دو ضلع جنوبی به عنوان مقبره های خانوادگی، باعث شد تا صحن بزرگ امام زاده از چند طرف محفوظ و از نظر معماری از جلوه زیبایی برخوردار گردد.

بقعه امام زاده ابراهیم به صورت هشت ضلعی متساوی چهار متری است، در هر ضلع آن نمایی از کاشی های ملوّن می باشد که سراسر کاشی های جدار بقعه و گنبد به رنگ آبی مزین گشته است.

در جهت راست و چپ ایوانچه ورودی اصلی به روضه مقدسه امام زاده ابراهیم، کتیبه ای است با خط سفید نستعلیق بر روی کاشی های آبی که در آن چنین نوشته شده است: با تحقّق یافتن جمهوری اسلامی ایران به رهبری حضرت آیه الله العظمی امام خمینی _ قدّس سرّه _ و با تشکیل اولین هیئت امنای آستان مقدس امام زاده ابراهیم در سال ۱۳۶۱ شمسی تعمیرات اساسی و کاشی کاری اطراف بقعه متبرّکه شروع و در سال ۱۳۶۴ ه . ش اتمام یافت».

بالای همین ایوان در طرفین آن دو گلدسته مزین به کاشی کاری های گره بندی به رنگ آبی و دو خط ۱۰ سانتی متری زرد در اوّل و آخر آن مشاهده می گردد.

در وسط بقعه ضریحی از نقره و طلا بر روی قبر امام زاده ابراهیم و پدرش ابو جعفر محمّد قرار دارد که آقایان احمد و عباس پرورش آن را ساخته اند و توسط حسین عباس پور قلم زنی شده و حاج نعمت الله

حیدر زاده اصفهانی نجاری آن را به عهده داشته است.

جدار روضه مقدسه، سراسر تا ابتدای سطح بام از سنگ های مرمر پوشیده شده و بر فراز آن گنبدی کلاه خودی فاقد عنق مزین به کاشی های فیروزه فام دوالی، که بر تارکش میله برنجی که در رأس آن تاج کیانی است، به چشم می خورد.

در این اواخر سازمان اوقاف و امور خیریه استان قم و افراد خیر در صدد توسعه بقعه امام زاده ابراهیم برآمده و مسجد و حسینیه ای متصل به روضه منوره بنا نمودند که به واسطه دو در از طرف راست و چپ ورودی اصلی روضه به آن [مسجد و حسینیه] متصل می باشد.

امام زاده جعفر

اشاره

در شهر قم دو امام زاده به نام جعفر مدفون می باشند.

۱ _ در خیابان امام زاده ابراهیم

۲ _ در جاده کاشان نزدیک قبرستان بقیع و مسجد جمکران

۱ _ امام زاده جعفر موسوی

مرحوم ناصر الشریعه می نویسد: نزدیک شاه ابراهیم به مسافتی جزئی بالاتر از آن بقعه ای واقع است و گنبدی متوسط از کاشی دارد که کاشی آن ریخته و همچنین کتیبه بقعه ریخته و محو شده و ظاهراً از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام است (۱)

مرحوم فیض می نویسد: «مدفون در این گنبد شخصیت برجسته و

ص: ۲۵

مورد احترام و تعظیمی به نام سید جعفر موسوی است. که به نصّ کتیبه قدیمی که بر روی کاشی های قرن هفتم یعنی همزمان با بنیان بقعه نوشته شده است به عزّ شهادت نائل آمده است»^(۱).

در معرفی ابوالمعالی اسماعیل (سید سربخش) بیان گردید که در یورش سپاه مغول به قم دو تن از سادات و نقیب های بزرگوار قم به شهادت رسیدند. یکی از آن دو امام زاده جعفر موسوی بود.

سلسله نسب

در میان علمای انساب درباره سلسله نسب وی اختلاف است.

ناصر الشریعه سه احتمال ذکر کرده است. او می نویسد: «نسب او از این قرار است: جعفر الدّقاق بن محمّد بن احمد بن هارون بن موسی بن جعفر علیه السلام و بنا بر احتمالی: جعفر بن علی بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام، و احتمال می رود: جعفر بن حسین بن علی بن محمّد بن امام جعفر صادق علیه السلام باشد از موقوفاتش قطعه زمین واقع در مزرعه براودستان و قطعه زمین واقع در مزرعه مزدیجان است»^(۲).

صاحب «انوار المشعشعین» نوشته است: «احتمال می رود شاه زاده ای که در قم معروف و مشهور و مدفن او در خارج شهر قم در

ص: ۲۶

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۸.

اراضی «هندیجان» است و از شهر تا بقعه او قریب ربع فرسنگ^(۱) راه باشد جناب امام زاده جلیل یعنی جعفر اشعری بن الحسین که پدر شاه زاده محمّد جمال بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر الصادق علیه السلام باشد و یا این که محتمل است جناب شاه زاده جعفر دقاق بن محمّد بن احمد بن هارون بن امام موسی کاظم علیه السلام بوده باشد.^(۲) مرحوم فیض می نویسد: آنچه که بعضی از مؤلفین در تعیین نسب شاه زاده جعفر نوشته اند، ناشی از قَلت تتبع می باشد. زیرا اولاً: امام زاده هایی که به نام جعفر در قم و اطراف آن وجود دارند زیاد است.

ثانیا: جعفر دقاق کشته نشده بلکه به طور طبیعی از دنیا رفته، ولی مدفون در بقعه مورد نظر به عنوان شهید شناخته شده است.

و ثالثاً: جعفر دقاق نقیب نبود. و مدفون در این بقعه جزء نقباء شمرده شده است.^(۳)

با این وجود: در این گنبد همان گونه که مرحوم فیض^(۴) بیان نموده: سید جلیل شاه جعفر موسوی است که از نقبا و شرفای علویه در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم بوده است. که شجره نامه اش در دسترس نمی باشد. وی در یورش سپاه مغول به قم در سال ۶۱۷ ه. ق در حادثه قتل عام مردم قم به شهادت رسیده است ۵۰ سال پس از وقوع حادثه قتل وی در سال ۶۶۷ ه. ق بقعه ای مجلل بر مزار وی بنا نهادند.

ص: ۲۷

-
- ۱-۱. این بقعه قبلاً خارج شهر بود ولی امروز با گسترش شهر، داخل شهر قرار گرفته است.
 - ۲-۲. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۱۵۴.
 - ۳-۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۵۴.
 - ۴-۴. همان.

بقعه امام زاده جعفر موسوی (شهید) کمی بالاتر از بقعه امام زاده ابراهیم است و دارای سه درب ورودی به بقعه می باشد که یکی از آن ها مقابل خیابان امام زاده ابراهیم و با چند پله که متصل به راهرو بزرگی که به حسینیه نیز راه دارد و از آن به داخل روضه مقدسه وارد می شوند. و یکی از درب ها در طرف شمال بقعه و درب دیگر در ابتدای کوچه هشت متری واقع است و هر دو در به صحن بزرگ و مشجر متصل می شود. در وسط این صحن حوض بسیار بزرگ نمایان است. در اطراف این صحن رواق و حجراتی بنا نموده اند که برای برپایی مراسم و اسکان زوار مورد استفاده قرار می گیرند.

در وسط این بقعه روضه مطهر امام زاده وجود دارد. که دیوار آن تماماً با سنگ مرمر پوشیده شده و ضریح منور شاه زاده جعفر نقره ای و مطلقاً می باشد. روی سنگ قبر مطهر نوشته شده: «بسم الله الرحمن الرحيم، این مرقد مطهر مدفن سید جلیل القدر و شریف حضرت جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب [علیه السلام است] که در تاریخ ۶۱۷ هجری به عزّ شهادت نائل گردیده است.

سازندگان ضریح مطهر آقایان احمد و عباس پرورش می باشند و قلم زنی آقای حسین عباس پور و نجاری حاج نعمت الله حیدرزاده صورت گرفته و در سال ۱۳۶۸ ه. ش به اتمام رسیده و نصب گردیده است.

بالای این مرقد گنبد دو جداره بسیار زیبا که به ارتفاع تقریبی ۷ متر از سطح بام مشاهده می گردد، روی آن از کاشی های الوان گره ای به صورت گل های کوچک و بزرگ ترنج مزین است و در زیر آن، آیات قرآنی در زمینه صورتی؛ و خط سفید به زیبایی گنبد افزوده است سقف گنبد هم با کاشی های الوان، مزین به آیات قرآن و اسماء جلاله همراه با گل و بوته های بسیار زیبا منقش است.

امام زاده حارث بن احمد (امام زاده خاک فرج)

اشاره

در اواخر خیابان خاک فرج در جنب بیمارستان و داروخانه الهادی مرقدی تازه تعمیر وجود دارد که به بقعه امام زاده خاک فرج (۱) مشهور است.

سلسله نسب

عباس فیض درباره نسب این امام زاده چنین نوشته است: در این بقعه پدر و پسری از سادات سجادی مدفون می باشند که سلسله آن دو چنین است: ابو الحسین احمد بن ابی الخیر محمد بن علی بن عمر بن حسن افطس بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام و

ص: ۲۹

۱- ۱. علت شهرت این امام زاده به خاک فرج را چنین ذکر کرده اند: در زمان های گذشته نزدیک امام زاده نقطه گودی بود که مردم برای احتیاجات ساختمانی از آن جا خاک می بردند و به «خاکبرک» معروف بود. کم کم با تعریب این کلمه و تبدیل حرف «با» به «فا» و کاف آخر به جیم به «خاک فرج» شد. و این کلمه به قدری شهرت یافت که خیابان و نام امام زاده را تحت الشعاع قرار داد و به امام زاده خاک فرج مشهور گردید و خیابان را نیز به همین نام ذکر می کنند. ر.ک. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۲.

یکی از شواهدی که این نسب را تأیید می کند این است که: در لوح قدیمی این مزار که از آثار قرن هفتم است و همزمان با بنای بقعه نوشته شده و امروز در موزه ایران باستان در تهران نگهداری می شود همین نام را ذکر کرده است.

شاهد دیگر این که در «تاریخ قم» آمده است، دیگر از امام زادگانی که از فرزندان عمر بن حسن افسس به قم آمدند جناب شاه زاده محمد بن علی بن عمر بن حسن افسس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام بود و از او در قم دو پسر به نام ابو الحسین احمد و ابو عبدالله حسین به وجود آمدند و مادر آن ها هم دختر حسن بن علی بن عمر بن امام زین العابدین علیه السلام بود.

ابو الحسین احمد بن محمد در قم ماند و با وجه معاشی که داشت اکتفا می نمود و در این شهر از وی ابو القاسم علی ملقب به حارث به وجود آمد و از علی الحارث بن احمد هم دو پسر به نام ابوالفضل و ابوسهل به وجود آمدند. اما ابوعبدالله حسین بن محمد از قم به بغداد هجرت کرد و در آن جا سکونت گزید تا در سال ۳۷۵ ه. ق وفات نمود. (۲)

بدین طریق امام زاده ابوالحسین احمد در اولین جدّ خود «علی بن عمر بن حسن افسس» با پدر امام زاده ابو عبدالله حسین بن علی بن عمر بن حسن افسس و فرزندانش که در بقعه چهار امام زاده مدفون

ص: ۳۰

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ۲۸۱.

۲-۲. تاریخ قم، ص ۲۳۶، و انجم فروزان، ص ۱۵۴.

می باشند متحد می گردند در واقع امام زاده خاک فرج و چهار امام زاده که تقریباً در یک ردیف به خاک سپرده شده اند از فرزندان و نوادگان و احفاد علی بن عمر بن حسن افطس بن علی اصغر فرزند امام سجاد علیه السلام می باشند.

بعضی احتمال داده اند که فضل علی و سهل علی که در کوه های نزدیک ساوه مدفونند. از نوه های ابوالحسین احمد و از فرزندان علی الحارث (امام زاده خاک فرج) باشند، ولی عباس فیض این احتمال را بعید شمرده است. (۱) احتمالی دیگر در سلسله نسب امام زاده خاک فرج این که مرحوم ناصر الشریعه می نویسد: «از قراری که بعضی از ثقات روی قبر را دیده بودند و امروز جایش را با گچ پر کرده اند نوشته بود، حارث بن زید بن علی بن الحسین علیهما السلام، ولی این زمان معروف شده است به شاه زاده احمد از اولاد امام زین العابدین علیه السلام، و اگر نام احمد صحیح است به احتمالی که بعضی داده اند، محتمل است که احمد بن محمد بن علی بن عمر بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام باشد. (۲) اما احتمال اول وی قابل قبول نیست چون در هیچ یک از کتب انساب و تاریخ برای زید شهید فرزندی به نام حارث ثبت نشده، و هیچ کدام از فرزندان هم ملقب به حارث نبوده اند. پس همان احتمال دوم ایشان که با دلایل و شواهد زیادی تأیید گردید، صحیح می باشد.

ص: ۳۱

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۶.

گنبد و بارگاه جدید التأسيس این دو امام زاده بزرگوار چنین است که: اصل بقعه به صورت هشت ضلعي منتظم و منقش به نمای آجری که مدخل اصلی آن از خیابان باز می شود و خود بقعه فاقد حجرات و بیوتات است و مطابق بناهای بقاع قرن هفت و هشت هجری ساخته شده که ارتفاع تقریبی گنبد از سطح زمین ۱۰ متر و از سطح بام ۴ متر می باشد و به شکل هرمی بنا شده است که حدود سه متر آن را به کاشی های الوان به رنگ آبی با بوته های گل مزین نموده اند. تحت گنبد مزبور هم صورت یک قبر که مدفن دو امام زاده می باشد به چشم می خورد و خود قبر را به اندازه ۵۰ سانتی متر بالا آورده و اطراف آن را با سنگ مرمر مزین نموده اند که به جهت حفاظت از سنگ روی قبر، شیشه ای به ارتفاع ۳۰ سانتی متر به طول مرقد و عرض آن کشیده تا از استلام و اندراس مصون بماند. جدار روضه مطهر تا ارتفاع ۵۰/۱ سانتی متر با سنگ مرمر پوشیده شده است و ما بقی آن تا جدار داخلی گنبد مزین به کاشی کاری گره ای آبی منقش به گل و بوته و آیات قرآن و اسماء جلاله می باشد.

امام زاده صفورا و محمد بن جعفر

اشاره

پشت بقعه امام زادگان علی حارث و پدر بزرگوارش احمد در خیابان خاک فرج کنار بیمارستان و داروخانه الهادی بقعه متبرکه ای وجود دارد که به امام زاده صفورا معروف است که بر اثر قدمت و مرور

زمان بخش زیادی از آجرهای آن خراب شده و احتمال دارد بنای آن به کلی فرو ریزد شاید به همین علت مدّتی است که در امام زاده به روی زائرین بسته است.

سلسله نسب

در میان علمای انساب و مورّخین اختلاف است که در این بقعه چه کسی مدفون می باشد، تا جایی که در بین مردم به غلط شهرت یافته که مدفون در این بقعه صفورا دختر حضرت شعیب پیغمبر علیه السلام می باشد^(۱). بعضی از مورّخین وی را امام زاده جلیل القدری از احفاد عمر بن علی بن ابی طالب می دانند^(۲) و مستند قول خود را مطالبی می دانند که در تاریخ قدیم قم آمده است به این که: «دیگر ساداتی که به قم آمدند عمریه اند از فرزندان عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام»^(۳). در تاریخ قدیم قم نام وی را ذکر نکرده، فقط کنیه او را آورده و می گوید: یک نفر از فرزندان عمر بن علی بن ابی طالب به قم آمد که کنیه اش ابو عبدالله است سپس می نویسد: ابو عبدالله سیدی فاضل بود و در قریه کمیدان^(۴) قم نزول نمود و در همان جا وفات یافت.^(۵)

سپس از دو زن از فرزندان عمر بن علی علیه السلام که وارد قم

ص: ۳۳

۱- ۱. انجم فروزان، ص ۱۴۶.

۲- ۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۷، و انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳- ۳. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن، ص ۲۳۸.

۴- ۴. کمیدان نام مزرعه و قلعه ای در همین خاک فرج بوده است.

۵- ۵. تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۳۸.

شده اند. نام برده است، اما نام آن ها را متذکر نشده است.

مرحوم فیض با توجه به مطالب «تاریخ قم» چنین نتیجه ای می گیرد: که مدفونین در این بقعه شاه زاده محمّد بن عبدالله بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام و برادرزاده اش، صفورا می باشد.^(۱) اما شواهد و قرائن نشان می دهد که یکی از مدفونین در این بقعه فرزندی از جعفر بن احمد بن عبدالله بن محمّد بن جعفر بن محمد بن عمر الاطرف بن امام علی بن ابی طالب علیه السلام به نام «محمد» است. زیرا اولاً: چند تن از علمای نسب شناس به سلسله نسب محمد بن جعفر بن احمد تصریح کرده اند و او را مدفون در این بقعه معرفی نموده اند.^(۲)

در کتاب «مهاجران آل ابی طالب» آمده است: برخی از اولاد جعفر بن [احمد بن عبدالله بن] محمد بن جعفر بن محمد بن عمر الاطرف که به قم وارد شدند عبارتند از: محمد، علی و یعقوب^(۳).

و ثانیاً: چنان که نقل کرده اند؛ تاریخ وفات صفورا خاتون سال ۳۷۸ ه. ق است^(۴) و وفات محمد بن عبدالله بن عمر در نیمه قرن دوم است و لازمه آن این است که صفورا بالغ بر دو بیست سال در قید حیات بوده باشد. که این بعید به نظر می رسد.

و ثالثاً: در «تاریخ قم» تعیین نشده است که از چندین نسل عمر

ص: ۳۴

۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۷؛ انجم فروزان ص ۱۴۷.

۲- ۲. ر.ک. تهذیب الانساب، ص ۳۰۳، الشجره المبارک، ص ۲۰۲؛ المجدی، ص ۲۴۹؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳- ۳. مهاجران آل ابی طالب علیه السلام، ص ۳۳۹.

۴- ۴. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۸.

اطرف به شهر قم هجرت نموده و وفات کرده است، پس می توان نتیجه گرفت که مدفونین در این بقعه عبارتند از: محمد بن جعفر بن احمد بن عبدالله بن محمد بن جعفر بن محمد بن عمر اطرف و برادرزاده اش «صفورا خاتون» می باشد و چون سیده صفورا نخستین شخصیتی است که در این بقعه به خاک سپرده شده این بقعه به نام وی معروف است. (۱)

تباری پاک

در کتب انساب آمده است که نسل عمر بن امام علی علیه السلام از یک فرزند به نام محمد ادامه یافته است، چون محمد بن عمر بن علی علیه السلام چهار پسر داشته به نام های ۱ _ عبدالله ابو محمد ۲ _ عبیدالله ابو الحسن ۳ _ عمر الثانی الاصغر که مادر این سه نفر خدیجه خاتون دختر امام سجاد علیه السلام بوده است ۴ _ جعفر که مادرش ام ولد می باشد.

عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام: مردی عقیف و بخشنده و محدث بوده و در سن ۵۷ سالگی فوت نموده و نسل وی از چهار فرزندش باقی مانده است: ۱ _ یحیی ابو محمد الصالح الصوفی، ۲ _ عیسی الاکبر که محدث و نسابه و شاعر بوده است. ۳ _ احمد، ۴ _ محمد ابو عمر الاکبر که ما در این چهار تن فاطمه ام حسین دختر عبدالله بن امام محمد باقر علیه السلام است. (۲)

ص: ۳۵

-
- ۱- ۱. انوار پراکنده، ج ۱، ص ۵۲۳.
 - ۲- ۲. ر.ک. الشجره المبارکه، ص ۱۸۹؛ عمده الطالب، ص ۳۳۱؛ منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۶۱؛ تهذیب الانساب، ص ۲۹۱؛ انجم فروزان، ص ۱۴۶؛ المجدی، ص ۲۵۹؛ الفخری، ص ۱۷۳.

جدّ اعلاى امام زاده صفورا و محمد بن جعفر، عمر اطرف كوچك ترين فرزند امام على عليه السلام است وى به جهت اين كه شرافتش فقط از جهت پدرش مى باشد به عمر اطرف ملقب شده است. به خلاف عمر اشرف كه فرزند امام سجاد عليه السلام است كه از طرف مادر هم به صديقه طاهره فاطمه زهرا عليها السلام مى رسد. مادر عمر اطرف بنا به قولى صهباء ثعلبیه دختر عباد بن ربیع بن یحیی است. بعضی می گویند وى در جنگ یمن اسیر شد و حضرت على عليه السلام او را خریدارى كرد. صهباء زنى عقیف و فصیح و خوش سخن بود. بدین جهت امیر المؤمنین او را به همسرى خویش پذیرفت. (۱) وى داراى شش فرزند (سه دختر و سه پسر) بوده است به نامهاى: ۱ _ ام حبيب ۲ _ ام موسى ۳ _ ام یونس ۴ _ محمد ۵ _ على ۶ _ ابو ابراهیم اسماعیل كه نسل محمد اطرف تنهابه واسطه او ادامه یافت. (۲)

گنبد و بارگاه

بقعه مورد نظر فاقد هر گونه تزئینات و حجرات و بیوتات می باشد. تاریخ بنای اصلی آن را در سال ۳۷۸ هـ . ق دانسته اند و نوشته اند کلمه «صفورا» ماده تاریخ وفات سیده صفورا و تاریخ بنای بقعه می باشد.

ص: ۳۶

۱- ۱. سراج الانساب، ص ۱۷۵.

۲- ۲. المجدی، ص ۲۲۴.

در کتاب «تربت پاکان» بنای بقعه فعلی را متعلق به قرن نهم و دهم هجری دانسته و تعمیرات بعدی آن را در سال ۱۳۳۴ ه. ق به محمدرضا میرزا قاجار نسبت داده است.^(۱)

ساختمان بقعه از خارج شش ضلعی منتظم می باشد بر فراز این بقعه گنبدی عرقچینی است که مزین به کاشی های آجری فیروزه رنگ می باشد ارتفاع گنبد از سطح زمین به طور تقریبی پنج متر است.

امام زاده سید عبدالله (قلعه صدری)

اشاره

در انتهای خیابان نیروگاه بعد از پل اتوبان کمربندی، نزدیک دهکده قلعه صدری بقعه امام زاده عبدالله قرار دارد. قبلاً از شهر قم تا آن جا یک فرسخ فاصله بود ولی امروز به جهت توسعه جزء شهر محسوب می گردد.

سلسله نسب

مرحوم ناصر الشریعه به تبع تاریخ قدیم قم می نویسد گویند مدفون در این بقعه: «شاه زاده عبدالله از اولاد امام زین العابدین علیه السلام است. و ظاهراً نسب او از این قرار است عبدالله بن عباس بن عبدالله الشهید بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام».^(۲)

در «تاریخ قم» آمده: «دیگر از امام زاده هایی که به قم آمدند؛ عبدالله

ص: ۳۷

۱- ۱. تربت پاکان، ج ۲، ص ۸۷.

۲- ۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۹.

بن عباس بن عبدالله الشهید بن حسن افسس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام بود که از بصره به قم آمده او با علی بن محمد علوی صاحب زنج در بصره بود، چون صاحب زنج را در بصره به قتل رساندند، عبدالله با برادرش حسن بن عباس از بصره... به قم آمد و متوطن شد» (۱).

بعضی احتمال داده اند که این عبدالله فرزند عباس، در شهر ری دفن باشد چون که در ری نیز مقبره ای به همین نام وجود دارد. اما بنابر تصریح بعضی از مورّخین (۲) امام زاده مدفون در شهر ری، جناب حسین بن عبدالله ایض مکنی به ابو عبدالله می باشد. در تابلویی که بر درب ورودی روضه مطهره وی نصب گردیده و چند تن از علمای ری نیز به آن تصریح نموده اند. به این حقیقت اشاره شده است.

در «عمده الطالب» آمده است: ابو نصر بخاری نقل کرده است که مدفون در ری ابو عبدالله حسین بن عبدالله ایض است وی در سال ۳۱۹ ه. ق وفات یافت. (۳)

تباری پاک

جدّ امام زاده عبدالله ایض جناب سید جلیل القدر امام زاده عبدالله شهید فرزند حسن افسس بن علی اصغر بن امام زین العابدین

ص: ۳۸

۱-۱. تاریخ قدیم قم، ص ۲۲۹.

۲-۲. الشجره المبارکه، ص ۱۷۷؛ منتقله الطالبيه، ص ۱۶۴؛ تهذیب الانساب، ص ۲۵۵.

۳-۳. عمده الطالب، ص ۳۴۹؛ الشجره المبارکه، ص ۱۷۷.

علیه السلام است. وی به دست برامکه به قتل رسید هنگامی که حسین بن علی شهید فخر علیه خلیفه وقت قیام نمود جناب عبدالله بن حسن هم به یاری وی شتافت.

پس از شهادت حسین بن علی شهید فخر، عبدالله بن افضس به دست سپاهیان هارون الرشید اسیر شد و در زندان افتاد. هارون الرشید او را به حبس جعفر بن یحیی برمکی انتقال داد تا این که جعفر برمکی در شب عید نوروز، سر عبدالله را از بدن جدا کرد. روز عید سر مطهر او را با تحفه های دیگر برای خلیفه هدیه فرستاد سپس به تصور این که خلیفه از این عمل ظالمانه اش تحسین و تقدیر خواهد کرد شخصا به نزد هارون حاضر گشت و سرپوش را از روی طبق برداشت و هدایا را به خلیفه اظهار نمود چون چشم هارون به سر بریده عبدالله افتاد در غضب شد و پس از رفتن وی به خادم خود دستور داد که سر جعفر را از بدن جدا کند، و مسرور خادم هارون رفت سر او را برید. (۱) مرقد مطهر عبدالله شهید جد بزرگوار سید عبدالله ایض در «سوق الطعام» بغداد است (۲).

کتابد و بارگاه

با این که این امام زاده بزرگوار با چهار واسطه به امام سجاد علیه السلام می رسد، ولی متأسفانه بقعه او هنوز در کمال سادگی

ص: ۳۹

۱-۱. عمده الطالب، ص ۳۴۹؛ انجم فروزان، ص ۱۶۴.

۲-۲. همان.

می باشد در داخل صحن بزرگ بقعه ای بسیار محقر، دارای دو کفش کن شمالی و جنوبی است و جدار خارجی بقعه از آجر و خالی از هر گونه تزئین می باشد. بر فراز آن گنبد عرقچینی خشتی به چشم می خورد و زیر گنبد مرقد مطهر امام زاده عبدالله ایض است که با ضریح سبز رنگ چوبی مشبک محفوظ می باشد.

امام زاده سید معصوم

اشاره

در انتهای خیابان نیروگاه بقعه امام زاده سید معصوم واقع است.

سلسله نسب

مرحوم ناصر الشریعه می نویسد: «به قدر یک میدان بالاتر از بقعه شاه جعفر بقعه مختصر و محقری است که گویند مدفن سید معصوم از اولاد امام زین العابدین علیه السلام است از موقوفاتش قطعه زمین واقع در اراضی ابرستیجان است»^(۱)

در کتاب «تربت پاکان» آمده است: «در اراضی مزدیجان در غرب شهر بقعه ای ساده و کوتاه، از دوره قاجار موجود می باشد»^(۲)

در تابلویی که بر دیوار امام زاده سید معصوم نصب شده چنین آمده شجره طئبه سید معصوم ابن احمد بن حسن بن امام زین العابدین امام علی بن الحسین علیهما السلام

ص: ۴۰

۱-۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۹.

۲-۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۰۳.

بقعه مورد نظر به شکل مربع است که بر فراز آن گنبدی عرقچینی از خشت و آجر قرار دارد و داخل بقعه هیچ آثار هنری و باستانی وجود ندارد. زیر گنبد مرقد مطهر سید معصوم واقع شده که بر روی آن ضریح مشبک چوبی نصب گردیده. در کنار آن حسینیه بزرگی برای استفاده در مراسم گوناگون بنا گردیده است.

امام زاده سید جمال

اشاره

در قم و اطراف آن سه امام زاده به نام سید جمال وجود دارد.

۱_ در خیابان اراک اول اتوبان کمربندی شهر

۲_ در جاده کاشان جنب قبرستان بقیع معروف به شاه جمال غریب

۳_ در خارج دهکده لنگرود سر راه قم به کاشان.

اما مدفون در بقعه واقع در خیابان اراک چه کسی است؟ نظرات مختلفی وجود دارد. مرحوم ناصر الشریعه می نویسد: «بقعه امام زاده شاه جمال در جاده ای که به سمت سلطان آباد عراق (اراک) می رود واقع

است و قریب یک فرسخ (۱) تا شهر مسافت دارد بقعه و گنبدی محقر و چند ایوان دارد، گویند از اولاد موسی بن جعفر علیهما السلام است و احتمالی که در حق شاه جمال غریب داده شده در حق این امام زاده داده می شود... از موقوفاتش قطعه زمینی است جزء مزرعه ابرستیجان و قطعه زمینی واقع در مزرعه برادستان» (۲).

در «انوار المشعشعین» آمده است که: در قم بقعه و مزاری است مشهور به شاه زاده جمال و ظاهرا در همان بقعه، نوه امام زاده حسین به نام محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج ابن امام جعفر الصادق علیه السلام مدفون می باشد. (۳)

عباس فیض نیز می نویسد: «ناگفته نماند در قسمت شرقی و یک فرسنگی خارج شهر قم (نزدیک مسجد جمکران) بقعه و مزاری است که به شاه زاده جعفر غریب معروف و دارای بقعه و گنبد و صحن قدیمی و در نزدیکی آن بقعه هم، امام زاده دیگری است به نام شاه زاده جمال که اگر گفته شود آن دو مزار یکی از جعفر بن حسین و دیگری از فرزند محمد جمال است اقرب به صواب و انسب خواهد بود» (۴).

وی در کتاب دیگرش می نویسد: «مدفون در بقعه لنگرود... شاه زاده

ص: ۴۲

-
- ۱-۱. اکنون بر اثر توسعه شهر مقدس قم، جزء شهر محسوب می شود.
 - ۲-۲. یعنی ممکن است مدفون در این بقعه امام زاده محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد بن دیباج ابن امام جعفر الصادق علیه السلام باشد. ر.ک. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.
 - ۳-۳. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۱۹۵.
 - ۴-۴. انجم فروزان، ص ۲۲۵.

محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر الصادق علیه السلام است. که زیاده با حشمت و ثروت بود و چون صاحب مواشی و شتران بسیار شد او را «جمال» به تشدید هم می خواندند که به این نام هم شهرت یافت»^(۱).

وی اضافه می کند که مدفون در بقعه جاده اراک: «به شهادت نام و لقب یکی از شرفاء قم سید ابو المعالی محمد جمال الدین نقیب سادات قم و آوه در قرن هشتم مدفون است»^(۲).

صاحب کتاب «انوار پراکنده» می نویسد: «چون ورود احفاد امام سجاد علیه السلام در قم در اکثر کتب تاریخی و انساب ثبت شده و اکثر قبور و مشاهد متبرکه که موجود در قم هم منسوب به اولاد و احفاد آن حضرت می باشد و با تصریح مؤلف کتاب «سراج الانساب» در ص ۱۶۵ مبنی بر وفات دو تن از احفاد امام سجاد علیه السلام از نسل شاه جمال الدین محمد و با تأیید مرحوم فیض مبنی بر مدفون بودن شخصیتی در قرن هشتم در این بقعه، پس به طور قوی احتمال داده می شود که مدفون در این بقعه: سید جلیل القدر شاه زاده محمد بن علی بن محمد بن محمد بن حسن بن زید بن داعی بن مهدی بن اسماعیل بن حسن بن محمد بن نجم بن حسین بن علی بن حسن بن حسین بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام باشد»^(۳).

ص: ۴۳

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲-۲. همان.

۳-۳. انوار پراکنده، ج ۱، ص ۵۷۴.

مدخل اصلی امام زاده صحن بزرگ مشجر است که اطراف آن حجراتی زیبا همراه با ایوان های هم کف بسیار با شکوه و مجلل ساخته شده که برای قبور خانوادگی و استراحت گاه زوار از آن، استفاده می شود. این بقعه دارای چهار مدخل و ایوان های متعدد می باشد که هم اکنون در حال بازسازی است.

روی تابلویی که درب ورودی امام زاده نصب است چنین نوشته شده:

پروژه: بازسازی ساختمان بقعه امام زاده جمال الدین

مساحت: ۱۲۰۰ متر مربع

بانی: حاجیه خانم حُسناء الخفاف

مجری: دفتر فنی و عمران اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قم

بر فراز بقعه گنبدی عرقچینی کوتاه با آجر و خشت که در مرکز آن گنبد کوچکی شلجمی سراپا آراسته به کاشی های گرهی الوان وجود داشت که آن به کلی از بین رفته و الان گنبد بزرگ آجری بر مزار آن بقعه ساخته شده و در حال تعمیر است. زیر گنبد نیز هنوز هیچ گونه تزیینی وجود ندارد و در حال ساخت است. زیر گنبد، ضریح بسیار زیبا از نقره و طلا روی قبر نصب شده است که روی درب ضریح با خط برجسته طلایی چنین نوشته است: «این ضریح مطهر در سال ۱۳۸۲ به همت خانم حُسناء مهدی الخفاف و پسران محمد و احمد و با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قم ساخته شد».

بخش دوم امام زادگان مدفون در جهت شرق رودخانه قمروود

اشاره

ص: ۴۵

اشاره

یکی از امام زادگانی که بسیار مورد توجه اهالی قم و توابع بوده، و مرکز اجتماع و محل نذورات صاحبان حاجت قرار دارد، امام زاده سید علی معروف به شاه سید علی می باشد. مزارش در خارج دروازه ری (بلوار ۱۵ خرداد) در قسمت شمال شرقی قم واقع است.

سلسله نسب

آنچه در بین مردم شهرت یافته که وی از نوادگان حضرت ابوالفضل العباس فرزند امیر المؤمنین علیه السلام می باشد، خالی از حقیقت و غیر مقرون به صحت است؛ زیرا در هیچ یک از کتب انساب و تاریخ های عمومی و خصوصی دیده نشده است که از اعقاب حضرت ابوالفضل العباس کسی به شهر قم آمده باشد. (۱)

در تابلویی که بر دیوار امام زاده نصب شده و همچنین در لوح کاشی مرقدش نیز همین اشتباه وجود دارد. سلسله نسب وی در تابلو چنین است: «مرقد شریف امام زاده سید علی ابن ابراهیم ابن ابی جعفر حسن ابن

ص: ۴۷

۱ - ۱. ر.ک. الفخری، انساب الطالبین، ازروقانی، ص ۱۶۹-۱۶۵؛ الشجره المبارکه، ص ۱۸۴؛ سراج الانساب، ص ۱۷۵؛ انجم فروزان، ص ۱۴۴.

عبدالله بن سیدنا و مولانا الشہید السقا ابوالفضل العباس، علیہ السلام».

در سراج الانساب آمده: «نسل عباس بن امیرالمؤمنین علیہ السلام به غایت اندک است، در عراق عجم و خراسان کسی از ایشان ندیدم، غالباً در شیراز و طبرستان بوده اند و بیشتر نسل عباس علیہ السلام در حجاز و مغرب اند».^(۱) سلسله نسب وی چنان چه در «تاریخ قم» و «مهاجران آل ابی طالب» آمده، چنین است: «علی بن احمد بن محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر اصغر بن عبدالله بن جعفر بن محمد حنفیہ بن علی بن ابی طالب علیہ السلام و کنیہ وی ابوالحسن است».^(۲)

تباری پاک

پدر بزرگوار شاه سید علی، در زهد و تقوا به مقامی رسید که وی را به عنوان احمد زاهد می شناختند و در زیبایی چهره و درخشندگی به حدی بود که با لقب «باهر» معرفی می گردید. ابو عبدالله حسین فقیہ یکی از برادران امام زاده سید علی می باشد که در قزوین مدفون است و ابو زید محمد برادر دیگرش که در شهر ری به خاک سپرده شده است و در کتب انساب، برادران دیگری برای وی ذکر کرده اند.

در «تہذیب الانساب» عیبدلی آمده است: که مادر امام زاده سید علی و چند تن از برادرانش، دختر کسائی کوفی بوده است.^(۳)

ص: ۴۸

۱- ۱. سراج الانساب، ص ۱۷۵؛ عمدہ الطالب، ص ۳۵۷، ۳۶۰.

۲- ۲. تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی، ص ۲۳۴؛ مهاجران آل ابی طالب، ص ۱۰۷ و ۳۳۹؛ انجم فروزان، ص ۱۴۴.

۳- ۳. ر.ک. مهاجران آل ابی طالب، ص ۱۰۷ و ۳۳۹؛ و تاریخ قم، ص ۲۳۴.

نخستین فرد از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله که از نصیبین وارد شهر ری گردید، احمد پدر بزرگوار شاه زاده سید علی بود، وی در حالی که پسر خردسالش سید علی را همراه داشت به شهر ری وارد شد. سید علی در «ری» رشد و نمو و تربیت یافت و به کمال رسید. سپس به همراه پدرش به قم مهاجرت نمود. پس از مدتی پدرش به ری برگشت و در آن جا ماند تا از دنیا رفت. پسرش سید علی در شهر قم ماند تا دار فانی را وداع گفت (۱) و در خارج دروازه ری، در محل کنونی مزارش به خاک سپرده شد. و از همان روز تا به امروز مزار وی مورد توجه و زیارت مشتاقان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است.

فرزندان

امام زاده سید علی در شهر قم ساکن گردید و از زنان متعدد دارای پنج دختر و هفت پسر به نام های: محمد، حسین، احمد، حسن، طاهر، ابوالقاسم حمزه و اسماعیل گردیده از فرزندش محمد در شهر قم پسری به نام ابوحمزه به دنیا آمد که پس از آن به شهر «ری» رفت و در آن جا از زن جعفریه دختری آورد. و خود در آن جا بلاعقب در گذشت ولی نسلش ادامه پیدا نکرد.

ابوالقاسم حمزه هم بدون فرزند وفات یافت.

از فرزند دیگرش به نام حسین، دو پسر به نام ابوطالب محسن

ص: ۴۹

عزیزی و ابوالفضل عباس و یک دختر به دنیا آمد. که ابوطالب محسن از قم به ری هجرت کرد و در آن جا از دختر عموی خود (محمد بن علی) دو پسر به نام محمد و علی و یک دختر آورد. ابوالفضل عباس بن حسین بن شاه سید علی در قم وفات نمود و در جوار پدرش حسین بن علی در قبرستان محمدیه مدفون می باشد و از برای او فرزندی ذکر نشده است.

شاید با غفلی در سلسله نسب ابوالفضل العباس فرزند حسین بن علی که از نوادگان شاه زاده سید علی می باشد. باعث شده تا اشتباهی در نسب شاه زاده سید علی پیش آید. و به جای این که گفته شود: ابوالفضل العباس از نوادگان شاه زاده سید علی است. بر عکس گفته شده شاه زاده سید علی از احفاد ابوالفضل العباس است.

فرزندان و نوادگان امام زاده سید علی همه از بزرگان و رؤسا و علمای روزگار خودشان در شهرهای مختلف بودند. ابونصر بخاری نقل می کند که: سادات محمدیه که در شهر قزوین از رؤسا و در قم از علما و در ری بزرگ و سرور بودند همه از احفاد همین شاه زاده سید علی می باشند. (۱)

گنبد و بارگاه

بقعه شاه زاده سید علی از داخل به صورت هشت ضلعی مختلف الاضلاع به دهانه ۷ و ارتفاع ۹ متر است، در جهت جنوبی بقعه ایوانی به

ص: ۵۰

دهانه تقریبی ۵ متر و عرض و ارتفاع ۷ متر خالی از کاشی کاری است و جلو ایوان صحن نسبتاً بزرگی است که دارای اشجاری زیبا می باشد.

بقعه و صحن بیش از یک متر بلندتر از سطح خیابان است که با چندین پله به خیابان وصل می شود در صحن امام زاده صورت زیادی از قبور مؤمنین و مؤمنات و شهداء دفاع مقدس وجود دارد که در این مکان مقدس به خاک سپرده شده اند.

عصرهای پنج شنبه و شب های جمعه صحن و سرای شاه زاده سید علی مملو از زائرین آن حضرت و قبور مؤمنین و مؤمنات و شهداء انقلاب است که با خیرات میوه و شیرینی یاد گذشتگان خود و امام زاده سید علی را گرامی می دارند.

بر فراز بقعه گنبدی شلمجی است سراپا آراسته به کاشی های گره سازی الوان به ارتفاع ۷ و قطر ۷ متر دارای عنقی استوانه ای به ارتفاع ۴۰/۲ متر مزین به کاشی کاری معقلی با چند کمر بند دندان آجری که پیش داده شده و در مقرنس آجری بر روی یکدیگر که نیز پیش آمدگی دارند و در داخل هر حوضچه مقرنس چند پارچه کاشی کوچک کلوکی فیروزه رنگ و یا مشکی به کار برده شده است.

بالای آن ها کتیبه ای است به عرض ۴۵٪ سانتی متر از کاشی های خشتی به خط ثلث سفید در زمینه لاجوردی که روی آن آیه مبارکه نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ تَأْتِي مِنَ الْمَشْرِقِ» (هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (صدق الله العظيم فی سنه ۱۳۴۲ حرره حسین ارسطو) خوانده می شود.

و تارک گنبد شلمجی آراسته به کاشی های گرهی است که روی آن

در بالا چند نام جلاله و در وسط چند اسم محمد و در پایین در محاذات آن ها چند نام علی به طور متعکس از کاشی های الوان تجلی یافته است.

در مدخل بقعه زیر ایوان یک جفت درب مثبت کاری بود که این اشعار در چهارچوب و اطراف آن به خط نستعلیق مثبت شده بودند:

یا علی آن بنده مضطر منم بر در اکرام تو احقر منم

هشتم ذی الحجّه ۱۳۳۴ استاد محمد بن ابوالحسن

هر کس به علی روی توئی نکند در باغ جنان به حشر مأوی نکند

بالله به جز از علی و اولاد علی دردی ز کسی، کسی مداوا نکند(۱)

در سال های اخیر، از طرف سازمان اوقاف و امور خیریه استان قم، تعمیرات و توسعه شایان ذکری یافته از آن جمله نصب ضریح مطهر از نقره و مطلا که سازنده آن آقایان احمد و عباس پرورش می باشند و قلم زنی آن توسط حسین عباس پور و نجاری توسط حاج نعمت الله حیدرزاده در اصفهان به سال ۱۳۷۰ ه. ش به اتمام رسیده و نصب گردیده است و اشعاری اطراف ضریح مطهر مانند اشعار ضریح امام زاده علی بن جعفر علیه السلام قلم زنی شده است. که چند بیت از آن چنین است:

چشمی که هست محو تماشای اهل بیت بیند جمال دوست به سیمای اهل بیت

وجه خدا که رنگ تعلق پذیر نیست پیداست در جمال دل آرای اهل بیت

ص: ۵۲

نور خدا که موسی عمران طلب کند بین جلوه گر به سینه سینای اهل بیت

هر کس که دید نقد دل ز دست داد ای جان فدای طلعت زیبای اهل بیت (۱)

امام زاده ابو احمد محمد (امام زاده میانی)

اشاره

در نزدیکی امام زاده سید علی، بارگاه شاه زاده ابو احمد محمد یکی از نوادگان محمد حنفیه قرار دارد که زیارت گاه اهالی قم و دوستداران اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله می باشد این بقعه چون در میان بقعه چهار امام زاده و امام زاده سید علی واقع شده به امام زاده میانی شهرت یافته است.

سلسله نسب

در لوح مزار وی، احمد بن محمد حنفیه ضبط شده که مخفف ابو احمد محمد بن محمد حنفیه است. بدون شک بین ابو احمد محمد تا محمد حنفیه وسائلی نیز بوده که طبق معمول سنگ نوشته ها در امام زادگان برای اختصار، آن وسائط حذف شده است.

با تصریحی که «انساب مجدی» به ورود ابو احمد محمد فرزند عبدالله ثانی به قم دارد، (۲) و شواهد دیگری چون تطبیق بر لوح مزار

ص: ۵۳

۱- ۱. انوار پراکنده، ج ۱، ص ۴۷۴-۴۷۱.

۲- ۲. انساب مجدی، ص ۲۲۷.

وی، سلسله نسب وی چنین است: «ابو احمد محمد بن عبدالله بن جعفر بن عبدالله بن محمد بن حنفیه بن امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام»^(۱) و لذا شاه زاده سید علی در جد سؤمش با پدر امام زاده ابو احمد محمد یعنی «عبدالله بن جعفر» متحدند و در واقع امام زاده سید علی یکی از نوادگان عموی امام زاده ابو احمد محمد می شود. بعضی سلسله نسب وی را به گونه ای دیگر ترسیم نموده اند.

در «تاریخ قم» آمده است، «دیگر از اعقاب محمد بن حنفیه که به قم آمدند؛ ابو احمد عبیدالله بن احمد بن جعفر بن عبدالله بن محمد حنفیه بن امام علی علیه السلام است»^(۲).

ابوالقاسم محمدی^(۳) روایت می کند که ابو احمد از کوفه به قم آمد و در این شهر ساکن شد و همچنان بود تا این که وفات یافت و او را به مقبره مالک آباد به خاک سپردند و از او فرزندی باقی نماند. بدین جهت بعضی احتمال داده اند که در این بقعه دو تن از احفاد محمد حنفیه مدفون باشند. ولی آن که با لوح مزار تطبیق دارد همان ابو احمد محمد است که سلسله نسب وی در اول ذکر گردید.

ص: ۵۴

-
- ۱- ۱. ر.ک. انجم فروزان، ص ۱۴۶.
 - ۲- ۲. تاریخ قم، ص ۲۳۴، ۲۳۵.
 - ۳- ۳. ابوالقاسم محمدی از فرزندان شاه زاده سید علی است، وی از شیوخ و معمرین سادات محمدیه بود و از کسانی که به حال طایفه خود بصیر و بینا بود. ر.ک. تهذیب الانساب، ص ۲۶۴.

برای حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از خوله دختر جعفر بن قیس بن مسلم (مسلمه) بن عبدالله بن ثعلبه بن یربوع بن ثعلبه بن الدئل بن حنفیه بن لجیم (الجیم) فرزند پسری به دنیا آمد که بنا به نقلی پیامبر گرامی اسلام قبل از تولدش به چنین فرزندی خبر داده و نام و کنیه خود را به او عطا کرده بود. (۱)

وی در ماه ربیع الاول سال ۸۱ ه. ق در سن ۶۵ سالگی از دنیا رفت محل دفن وی را بعضی طائف و بعضی مدینه و در بقیع می دانند. بنابراین ولادتش باید در سال ۱۶ هجری قمری باشد.

غیر از محمد حنفیه کسی را این افتخار نبود که نام و کنیه رسول خدا در او جمع شود ولی به اعطاء خود پیامبر صلی الله علیه و آله نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم بود اما چون از مادری از قبیله حنفیه متولد گردید، به محمد حنفیه مشهور گشت (۲).

محمد حنفیه بعد از حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام بزرگ ترین پسر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و مردی عالم و شجاع و قوی بود. در «کشف الغمه» نوشته شده: که به جناب محمد حنفیه گفتند: پدر بزرگوارت علی علیه السلام تو را به میدان می فرستد و در فرستادن حسن و حسین علیهما السلام به میدان جنگ بخل می ورزد؟

جواب داد: «هُمَا عَيْنَاهُ وَ أَنَا يَدُهُ وَ الْأَنْسَانُ يَقِي عَيْنَيْهِ بِيَدِهِ؛ حسن و حسین

ص: ۵۵

۱- ۱. ر.ک. منتهی الآمال، محدث قمی، ج ۱، ص ۳۵۳؛ عمده الطالب، ص ۳۵۲.

۲- ۲. همان.

[به منزله] دو چشم پدرم و من به مانند دست اویم، بدیهی است که انسان چشم های خود را به وسیله دستش حفظ می کند.

بار دیگر در جواب گفت: «أَنَا وَلَمُدَّهُ وَهُمَا وَلَمُدَّا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ من فرزند پدرم علی علیه السلام هستم ولی حسن و حسین فرزندان رسول خدا می باشند یعنی به جاست که من پیش مرگ آنان باشم». وی هیچ گاه ادّعیای امامت نداشت در حالی که در زهد و تقوا و علم و دانش و شجاعت و قوت سرآمد دیگران بود. بدین جهت جماعت کیسائیه او را مهدی آخر الزّمان پنداشتند و می گویند در کوه رضوی غائب(۱) شده است.

فرزندان محمد حنفیه

در تعداد فرزندان محمد حنفیه میان علما اتفاق نظر است، مورّخین برای وی ۱۴ پسر و ۱۰ دختر که جمعا ۲۴ فرزند می شود، ذکر کرده اند و ادامه نسل وی را از دو فرزندش «علی» و «جعفر» دانسته اند، و از نسل وی اعقابی عالم، متّقی در شهرهای مختلف چون قم، اصفهان، فارس و دیگر شهرها زندگی می کردند و مردم از نور وجود آن ها بهره مند می شدند.(۲) امروز نیز مرقد بعضی از آنان چون شاه زاده ابو احمد محمد، و شاه زاده سید علی در قم، چون ستاره ای درخشان نورافشانی می کنند. و مردم از فیوضات و کرامات آن ها بهره مندند.

ص: ۵۶

-
- ۱- ۱. ر.ک. منتهی الآمال، همان، ص ۳۵۵؛ سراج الانساب، ص ۱۷۲؛ عمدۀ الطالب، ص ۳۵۳؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰.
 - ۲- ۲. منتهی الآمال، ص ۳۵۵؛ سراج الانساب، ص ۱۷۳.

بقعه شاه زاده ابو احمد محمد نسبتاً در وسط صحن واقع شده، که در جانب شرقی و مدخل آن ایوانچه ای است به دهانه ۵/۲ متر، عرض ۲ متر با جدار ساده سفیدکاری شده و پوشش مقرنس گچی که در حسن قطار و زیبایی ممتازند در داخل هر یک از حوضچه های مقرنس اسامی مقدّسات و صلوات بر معصومین گچ بری شده بود که در تعمیرات قابل خواندن نمی باشد. در زیر همین مقرنس، کتیبه ای از کاشی خشتی که روی آن به خط نستعلیق سفیدی عبارت «شاه زاده احمد بن محمد حنفیه» نوشته شده است.

در روی بقعه گنبدی هرمی است به ارتفاع تقریبی ۴ متر که نماسازی آن با جوزه های ساده آجری که اسپر هر نمای مزین به کاشی های الوان و فیروزه ای که متضمن کتیبه ای به خط بنایی از کاشی های الوان که روی بعضی از آن به جمله های «الملک لله» یا «لا ملک الا لله» و در قسمتی نام مبارک امام متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به طور تکراری دیده می شود و همچنین در اطراف و منتهی الیه عنق گلوبندی زنجیری است که کلمات سابق الذکر در آن به طور مکرر به چشم می خورد و بدنه هرمی گنبد هم آراسته به کاشی های دوالی است که روی هر ترکی از بالا به پایین نام جلاله و اسم محمد صلی الله علیه و آله و دو نام علی به طور متعکس به خط کوفی بنایی مزین گشته است.

در زیر گنبد روی طاقچه ها کتیبه ای است به عرض ۶۰ سانتی متر که بسیار زیبا و با خط برجسته ثلثی که آراسته به گل و بوته می باشد، سوره

مبارکه «اَنَا فَتَحْنَا» به طور کامل گنج بری شده است که جا دادن این سوره بدون کم و کاست در این کمر بند کمال مهارت استاد آن را نشان می دهد. بنای این بقعه در سال ۹۳۲ ه. ق به امر شاه طهماسب حسینی موسوی صفوی بوده که الان کاشی های مربوط به آن تخریب و منهدم گشته است (۱).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تو جهات زیادی به بقعه مبارکه امام زاده ابو احمد محمد مبذول گشته است، که ساخت مدخل بزرگ به صحن و حصار اطراف بقعه و مسطح نمودن اطراف صحن و تعمیر بقعه و نصب ضریح آلومینیم از جمله اقدامات مهمی است که صورت گرفته است.

امام زاده حسین بن علی و سه فرزندش (چهار امام زاده)

اشاره

در منطقه اراضی جمر و سعدآباد، بین امام زاده خاک فرج و امام زاده ابو احمد محمد بن محمد حنفیه مدفن چهار امام زاده بزرگوار است که زمانی این بقعه شریف به اسم خادمش «ملاّ آقا بابا» نیز معروف بوده است. این بقعه در ابتدای خیابان ۱۵ خرداد به فاصله کمی بعد از میدان جهاد، در خیابان فرعی به نام ۲۰ متری حائری در جنب مدرسه علمیه امام خمینی (قدّس سرّه) قرار دارد.

سلسله نسب

تعیین مدفونین در این بارگاه شریف به طور دقیق کار آسانی نیست ذکر احتمالاتی که مورّخین داده اند شاید راه گشای تعیین آن ها در

ص: ۵۸

آنچه عباس فیض اختیار نموده و در بازسازی جدید امام زاده در سال ۱۳۶۸ ه. ش، بر سنگ قبر آنان حجاری شده چنین است: «سید جلیل القدر حضرت ابو عبدالله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام و سه فرزند ایشان به نام های «ابو محمد حسن» و «ابو علی محمد» و «ابو طالب محسن»^(۱) شواهدی که در کتب انساب و تاریخ به چشم می خورد، این سلسله نسب را تا اندازه زیادی تأیید می کند. زیرا در تمام کتب انساب و تاریخ نسل علی الاصغر فرزند امام زین العابدین علیه السلام را از حسن افطس می دانند^(۲) و حسن افطس دارای فرزندان بسیاری بود، اما نسل وی از پنج پسر باقی ماند: ۱ _ علی الحوری^(۳)، ۲ _ ابو محمد الحسن المكفوک، ۳ _ عبدالله الشهید ۴ _ الحسین، ۵ _ عمر^(۴).

اما نسل عمر بن حسن افطس بن علی از یک پسر به نام علی ملقب به بَرَطْلَه ادامه یافته است و نسل علی بن عمر بن حسن افطس از پنج پسر به نام های: ۱ _ ابو طاهر ابراهیم، ۲ _ عمر، ۳ _ ابوالحسن محمد،

ص: ۵۹

-
- ۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۹۱.
 - ۲- ۲. ر.ک. الفخری فی انساب الطالبیین، از روقانی، ص ۸۰؛ عمدۀ الطالب، ص ۳۰۴؛ تهذیب الانساب، ص ۲۵۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۵۷.
 - ۳- ۳. الحِوَری، منسوب به حِوَرَه، قریه ای در اطراف فرات، و در الفخری، ص ۸۰ و عمدۀ الطالب، ص ۳۰۶، به جای کلمه «الحوری» «الحَزْرَی» یا «الحریری» آمده است.
 - ۴- ۴. عمر بن حسن افطس از کسانی است که همراه حسین بن علی علیه السلام در فتح حاضر شد و شهید گردید. ر.ک. المجدی، ص ۲۲۰؛ الفخری، ص ۸۴.

مرحوم فیض می نویسد: ابو عبدالله الحسین در اصفهان ساکن بود و دارای دو دختر و سه پسر به اسامی: ابوطالب محسن، ابو محمد حسن و ابوالحسن علی بَرطَله بوده است که با این پنج فرزند به قم هجرت کرده است و در این شهر هم از او پسری به نام ابو علی محمد رئیس به دنیا آمده است. (۲) از آن میان، ابو الحسن علی برطله از قم به «آوه» نقل مکان کرد و در آن جا برای وی پسرانی به نام های: ابو جعفر محمد، و ابو محمد حسن برطله، و ابوالعباس طیب و ابوالحسین طاهر به دنیا آمدند. که شاه زاده طیب و طاهر از آوه به قم آمده متوطن شدند و در همین شهر وفات یافتند که الآن بقعه متبرکه آن ها در جاده سراجیه مزار مؤمنین می باشد. با این شواهد و تصریح بعضی از مؤلفین کتب انساب، مدفونین در این بقعه همان گونه که ذکر شد: ابو عبدالله حسین بن علی بن عمر بن حسن افضس فرزند علی اصغر ابن امام زین العابدین علیه السلام و سه فرزند وی با اسامی که بیان گردید می باشند.

احتمالات دیگر در سلسله نسب آن ها

ناصر الشریعه بعد از پذیرش این که در این بقعه شریف چهار امام زاده مدفون می باشند در سلسله نسب آن ها چند احتمال را ذکر کرده است:

ص: ۶۰

۱- ۱. در عمده الطالب، ص ۳۰۱، تصریح شده که ابو عبدالله الحسین در قم ساکن بوده است.

۲- ۲. ر.ک. المجدی، ص ۲۲۰؛ عمده الطالب، ص ۳۷۹؛ الشجره المبارکه، ص ۸۵.

۱_ احتمال دارد که شاه زاده حسین، جناب حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام باشد.

۲_ شاید حسن (که در این بقعه مدفون می باشد) پدر همین حسین باشد.

۳_ احتمال دارد که شاه زاده حسن جناب حسن بن عباس بن عبدالله الشهید ابن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام باشد.

۴_ احتمال دارد که شاه زاده حسین، جناب حسین بن علی بن عمر بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام باشد. (۱)

اما سه احتمال اول وی، دلیل و شاهی برای آن وجود ندارد و در کتب انساب از ورود آن ها به قم ذکری به میان نیامده است.

و احتمال چهارمی که ذکر نموده است همان است که ما قبلاً با شواهد و قرائن تأیید و آن را اختیار نمودیم.

صاحب «انوار المشعشعین» نیز ابتدا مطابق مشهور بین مردم و موافق لوح قدیم مزارشان، مدفونین در این بقعه را چهار تن از احفاد حضرت امام سجاد علیه السلام به نام های: حسین، محمد، احمد و حسن تعیین کرده و بیانات خود را به زیارت نامه ای که در بقعه موجود بوده است متکی نموده سپس به استناد کتاب «تاریخ قم» احتمالاتی در سلسله نسب آن ها یا احیاناً تغییر نامی از آن ها ذکر نموده است:

احتمالات انوار المشعشعین:

۱_ حسن بن عباس بن عبدالله الشهید بن حسن افطس بن علی بن

ص: ۶۱

امام زین العابدین علیه السلام.

۲_ محمد بن حسن بن عباس بن عبدالله الشہید بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام.

۳_ عبدالله ایض ابن عباس بن عبدالله الشہید ابن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام.

۴_ احمد بن عباس بن عبدالله ایض بن عباس بن عبدالله الشہید بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام.

باز همو گوید احتمال دارد سلسله نسب آن ها چنین باشد:

ابوالفضل حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس بن امام زین العابدین علیه السلام و فرزندش محمد بن حسین، و فرزند محمد به نام ابوالعباس احمد بن محمد بن حسین، و حسن بن عباس بن عبدالله الشہید بن حسن افطس. (۱) ولی دلایل و شواهدی که برای این احتمالات ذکر کرده است خالی از ضعف نیست.

تباری پاک

همان گونه که گذشت شاه زاده حسین از نوادگان علی اصغر فرزند امام زین العابدین علیه السلام است. علی اصغر کوچک ترین فرزند امام سجاد علیه السلام می باشد که آن حضرت او را به نام برادرش که در کربلا شهید شد نامید، مادرش ام ولد و کنیه اش ابوالحسن، صاحب شرافت و جلالت قدر و آثار فضائل و مناقب در او هویدا بود. علی اصغر در سن سی

ص: ۶۲

سالگی در ینبع فوت کرد و قبرش در همان جا می باشد. (۱)

نسل علی اصغر از فرزندش حسن افضس ادامه یافت، قبل از این که حسن افضس از مادرش که ام ولد بود متولد گردد پدرش از دنیا رفت. حسن کم کم رشد کرد و جوانی رشید و شجاع گردید، وی با محمد بن عبدالله بن حسن نفس زکیه قیام نمود و پرچی سفید در دست داشت هیچ کس در شجاعت مانند او در سپاه نفس زکیه یافت نمی شد، او به سبب طول قامت رمح آل ابی طالب نامیده می شد. چون محمد نفس زکیه و افراد او به شهادت رسیدند، حسن افضس مخفی گردید و هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق هجرت کرد، نزد خلیفه منصور دوانقی رفت و به او فرمود آیا می خواهی به رسول خدا صلی الله علیه و آله احسانی کرده باشی؟

منصور گفت: بلی یا ابا عبدالله!

امام صادق فرمود: از حسن افضس در گذر. خلیفه هم پذیرفت و حسن از مخفی گاه خود بیرون آمد (۲).

گنبد و بارگاه

بقعه چهار امام زاده یکی از مشاهد بسیار زیبا و پرمعنویت شهر قم است در صحن اطراف آن درختانی بلند وجود دارد که زائرین از سایه این درختان استفاده می کنند. این بقعه دارای دو مدخل به صحن است

ص: ۶۳

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۹؛ المجدی، ص ۲۱۱.

۲- ۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۹.

یکی از سوی خیابان که متصل به کفشکنی حرم است. و دومی آن از کوچه پشت امام زاده به صحن مشجر آن باز می شود در وسط صحن حوضی به طول و عرض تقریبی ۴ متر وجود دارد. در مقابل همین حوض، مدخل اصلی روضه مطهر از صحن به حرم است.

ضریح مطهر با سنگ مرمر سنگ گاری شده و در هر طرف این ضریح دو پنجره مشبک از نقره و مطلقاً به عرض و ارتفاع ۴۰ سانتی متر که برای دیدن قبر و انداختن نذورات به داخل مرقد استفاده می شود. در دو طرف ضریح مطهر دو حجره باز و متصل به روضه مقدسه وجود دارد که برای زواری که قصد توسل دارند جای وسیعی است.

بر مزار بقعه گنبدی هرمی شانزده تَرکی به ارتفاع تقریبی ۴ متر از سطح بام، آراسته به کاشی های الوان به رنگ فیروزه که با گل های کوچک مزین شده است و در هر قسمت آن از بالا به پایین اول اسم جلاله «الله» و بعد اسماء مبارک پنج تن آل عبا به ترتیب «محمد صلی الله علیه و آله»، «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام به چشم می خورد که به زیبایی گنبد افزوده است.

امام زاده ناصر الدین علی (شاه زاده ناصر الدین)

اشاره

روبه روی درب شمالی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام مرقد مطهر امام زاده ناصر الدین علی واقع است.

وی مردی جلیل القدر و دارای شخصیتی برجسته بود که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم می زیست.

ص: ۶۴

آن گونه که در کتب انساب آمده و روی سنگ قبر نیز حکاکی شده سلسله نسب وی چنین است: «سید جلیل القدر ناصر الدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالرحمن بن محمد البطحانی (۱) بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام» (۲).

بر روی سنگ قبر چنین حکاکی شده: «بسم الله الرحمن الرحيم: مرقد مطهر سید جلیل ناصر الدین علی بن مهدی بطحانی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام که در سال ۸۲۸ هجری قمری در قم رحلت یافت به نقل از کتاب «گنجینه آثار قم» بازسازی ۱۴۱۱ هجری قمری اداره اوقاف قم» و اطراف این نوشتار سلسله نسب وی همان گونه که در ابتدا ذکر شد حکاکی شده است.

مرحوم فیض معتقد است که بعضی از افراد از سلسله نسب وی ساقط شده و بر این عقیده استدلالی نیز ذکر کرده است (۳) اما آن چنان که محدث قمی و دیگر علمای انساب تصریح کرده اند (۴) سلسله نسب وی همان است که ذکر گردید.

ص: ۶۵

-
- ۱- ۱. بطحانی و به روایتی بطحانی، محله ای است در مدینه و بعضی او را منسوب به بطحا دانسته اند، ر.ک. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۰۰.
 - ۲- ۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۵ و ۱۲۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۶.
 - ۳- ۳. انجم فروزان، ص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۶.
 - ۴- ۴. منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۰۰؛ عمده الطالب، ص ۵۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۶ و ۶۸۵.

محدث قمی از صاحب «عمده الطالب» نقل کرده است که ناصر الدین در مدرسه ای واقع در محله سورانیک (۱) در بازار قم مدفون می باشد.

تباری پاک

در سلسله نسب امام زاده ناصر الدین علی افراد برجسته و فرهیخته ای وجود دارد جد اعلای وی ابوالحسن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام است. شیخ مفید رحمه الله علیه می نویسد: او متولی صدقات رسول الله صلی الله علیه و آله بود. وی شخصی جلیل القدر و کریم الطبع و طیب النفس و کثیر الاحسان بود، شعرا او را مدح نموده و در فضائل او بسیار سخن گفته اند. و مردم برای بهره مندی از احسان او از راه های دور به خدمتش می رسیدند.

تاریخ نویسان ذکر نموده اند: که سلیمان بن عبد الملک وقتی بر مسند خلافت نشست به حاکم مدینه نوشت. «اما بعد فاذا جاءك كتابي هذا فاعزل زيدا عن صدقات رسول الله و اذفعها الي فلان بن فلان رجل من قومه و اعنه ما استعانك عليه و السلام»

یعنی وقتی این نامه من به دست رسید، زید را از سرپرستی صدقات رسول الله عزل کن و به دست کس دیگری از قوم خودش بسپار و او را کمک کن و السلام.

ص: ۶۶

۱-۱. این کلمه اکنون استعمال نمی شود و ظاهرا اسم این محله است و در انجم فروزان، ص ۱۰۷، راه هایی برای وجه تسمیه آن ذکر شده است.

حاکم مدینه حسب الامر سلیمان، زید را از تولیت صدقات عزل کرد و دیگری را متولی ساخت. وقتی خلافت به عمر بن عبد العزیز رسید به وسیله نامه ای به حاکم مدینه دوباره سرپرستی صدقات رسول الله را به زید بازگرداند.

زید بن حسن نود سال عمر کرد و چون از دنیا رفت جماعتی از شعرا در مرثیه او شعر سرودند. (۱)

همسر زید بن حسن، لبابه دختر عبدالله بن عباس است که قبلاً همسر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بود. چون آن حضرت در کربلا شهید شد زید او را به تزویج خود در آورد. و از او دو فرزند به نام حسن و نفیسه دارد.

ابو محمد حسن بن زید، مردی با سخاوت بود که از جانب منصور دوانیقی پنج سال حکومت مدینه را داشت، پس از آن منصور بر او غضب کرد و او را عزل نمود. اموالش را مصادره و او را در بغداد حبس کرد. تا این که منصور از دنیا رفت و مهدی خلیفه شد. مهدی او را از زندان بیرون آورد. و اموالی که از او مصادره شده بود به او بازگرداند و در نهایت حسن بن زید در راه سفر حج در «حاجز» وفات کرد.

حسن بن زید هفت پسر داشت. که بزرگ ترین همه، ابو محمد قاسم بود، مادرش ام سلمه دختر حسین اثرم است. او مردی پارسا، پرهیزگار و صاحب چهار پسر و دو دختر بود. یکی از فرزندانش محمد بطحانی است که از اجداد ناصر الدین علی می باشد. او به سبب طول اقامتش در

ص: ۶۷

بطحان یا ساکن بودن در بطحان، بطحانی خوانده می شد. وی نیز صاحب اولاد و عشیره و فقیه و عالم و پدر قبایل بود(۱).

کرامات

تمام امام زادگان بزرگوار دارای کرامت هستند. اما خیلی از کرامات این بزرگواران در جایی ثبت و ضبط نشده است.

اما درباره امام زاده ناصر الدین، بعضی از کراماتش در کتابی به نام «کرامات شاه زاده ناصر» چاپ شده و چاپ اول آن در زمستان ۱۳۸۲ منتشر شده است. در این کتاب بیش از ۲۵ کرامت از این امام زاده بزرگوار ثبت شده که به عنوان نمونه یکی از آن ها را ذکر می کنیم:

در تاریخ ۹ / ۱۰ / ۸۰ جوانی وارد امام زاده شد گفت آقا شما خادم این جا هستید گفتم بله گفت خوشا به حالت! گفتم چطور، گفت: آقا شما را خیلی دوست داشته که خادم این مکان مقدس شدید. پرسیدم چرا؟ پاسخ داد خیلی آقا است. گفت برادری دارم که ۱۹ سال دارد. ایشان دچار دل درد و تهوع شدید شده بود همه جا دکتر بردم و آزمایش دادم ولی نتیجه نگرفتم. جواب آزمایشات چیزی را نشان نمی داد. یک شب ساعت دو بعد از نیمه شب حالش بدتر شد. او را به بیمارستان بردم. پس از این که حالش کمی بهتر شد به طرف منزل به راه افتادیم. در راه راننده تاکسی سؤال کرد چه اتفاقی افتاده؟ من هم ماجرا را گفتم سپس راننده گفت: چرا او را به امام زاده ناصر الدین نمی برید. بعد ما را آورد

ص: ۶۸

مقابل درب امام زاده، متوسل به امام زاده ناصرالدین شدیم و نذر کردم اگر برادرم خوب شود فردا صبح زود به پابوست
خواهم آمد و یک گوسفند قربانی کرده، گوشت آن را بین فقرا تقسیم می کنم. بعد به طرف خانه حرکت کردیم برادرم
حالش به یک باره خوب شد. و دیگر آثاری از دل درد و حالت تهوع باقی نماند. از آن روز هر هفته به پا بوس آقا می
آیم. (۱)

فرزندان

ناصرالدین علی دارای فرزندان بوده که نام یکی از آن ها در کتب تاریخ آمده: محمد بن ناصرالدین علی، یکی از فرزندان
امام زاده ناصرالدین می باشد که او نیز اعقابی در قم داشته است. یکی از آن ها عبدالله بن محمد بن ناصرالدین علی است وی
نیز فرزندی به نام محمد داشته که فرزندش عبدالله بن محمد بن عبدالله بن ناصرالدین در پایین پای حضرت فاطمه
معصومه سلام الله علیها مدفون است. (۲)

گنبد و بارگاه

بارگاه ناصرالدین علی بدون صحن و بیوتات و از آثار قرن دوازدهم یا اواخر دوره صفویه است که هم زمان با ایوان
مسجد امام حسن

ص: ۶۹

۱- ۱. کرامات شاهزاده ناصر بدون ذکر مؤلف، انتشارات ظهور، چ اول زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۲ و ۱۳، در امام زاده ناصر به
فروش می رسد.

۲- ۲. انجم فروزان، ص ۱۵۷، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۴.

عسکری علیه السلام بنا گردیده است.

این بقعه به صورت مربع مختلف الاضلاع به طول تقریبی ۴ و عرض ۵/۳ متر است در وسط آن ضریح بسیار عالی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به زعامت رهبر بزرگ جهان اسلام حضرت امام خمینی رحمه الله علیه ساخته شده و نصب گردیده است جدار این بقعه با کاشی های فیروزه فام ساده و خشتی کاشیکاری و آئینه کاری شده می باشد.

سازندگان ضریح سید مصطفی و سلیم حمدانی و شیخ شبانی می باشند و نجاری آن توسط حاج اکبر خموشیان صورت گرفته و در اصفهان به اتمام رسیده است و در سال ۱۳۷۰ بر سر تربت این امام زاده نصب گردیده است. و آیات قرآن از سوره فتح بالای این ضریح مطهر را مزین نموده و زیر آن این اشعار محتشم قلم زنی گردیده است :

باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

تا آخر این ابیات .

بر بالای بقعه گنبدی کوچک به ارتفاع ۳۵/۱ متر و دو گلدسته به ارتفاع ۱۵/۱ متر بدون تزیین و کاشی کاری می باشد.

بعضی این بقعه را متعلق به احمد بن اسحاق دانسته، احتمال داده اند که وی نیز در این بقعه مدفون باشد. برای توضیح این مطلب باید گفت در قم دو نفر به نام احمد بن اسحاق زندگی می کردند.

۱ _ احمد بن اسحاق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن امام

ص: ۷۰

موسی کاظم علیه السلام که در فاصله حدود ۷ متر از امام زاده حمزه روبه روی میدان کهنه مدفون می باشد و دارای بارگاه مستقلی است. اما محدث قمی، احتمال داده است که وی در بقعه ناصرالدین علی مدفون باشد. (۱)

۲_ احمد بن اسحاق اشعری که از ناحیه امام حسن عسکری علیه السلام در قم وکیل آن امام همام بود و در مراجعت از سامرا در «حلوان» که امروز آن را سر پل ذهاب می نامند وفات کرد و در همان جا مدفون گردید و مزارش تا به امروز زیارتگاه مردم است.

رمز انتساب این بقعه به احمد بن اسحاق این است که وی زمانی که مسجد امام را به امر امام حسن عسکری علیه السلام بنا نمود، آن بقعه را جهت مدفن خویش آراسته نمود. تا این که وی در سر پل ذهاب از دنیا رفت و همان جا به خاک سپرده شد. این بقعه بدون استفاده و رو به خرابی می رفت.

در عصر سلطان «برکیارق امیرایپک» مدرسه ای بنا شد و این بقعه یکی از حجرات آن مدرسه گردید. وقتی ناصرالدین علی بطحانی در سال ۸۲۸ ق. در قم وفات یافت جسد مطهر او را در این بقعه که بدون مانع بود به خاک سپردند. (۲) بدین جهت این بقعه به نام احمد بن اسحاق اشتهار داشت.

ص: ۷۱

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲- ۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۴؛ عمده الطالب، ص ۵۱؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۵.

اشاره

در خیابان آذر (طالقانی) روبه روی میدان تره بارفروشی (میدان کهنه) داخل کوچه، مرقد مطهر امام زاده حمزه قرار دارد. بنا به تصریح علمای انساب وی در جوار پدر بزرگوارش حسین و جد ارجمندش احمد بن اسحاق مدفون می باشد، ولی به واسطه شهرت و فضیلتی که حمزه داشته این مجموعه به نام وی شهرت یافته است. (۱)

بنا به تصریح تاریخ قم، امام زاده حمزه فرزند حسین در قم دارای موقعیت بزرگی بوده وی مردی عالم، فاضل، و در همین شهر وفات یافته و در همین مکانی که به نام وی می باشد دفن گردیده است.

سلسله نسب

در این که در این بقعه چه کسی مدفون است، نظرات مختلفی وجود دارد. و هر کدام برای عقیده خود دلایلی اقامه نموده اند. که نقل اقوال و نقض و ابرام آن بحث را طولانی می کند.

آنچه مسلم است و مورد تأیید اکثر تاریخ نویسان و علمای انساب می باشد سلسله نسب امام زاده حمزه مدفون در این بقعه از این قرار است:

حمزه بن ابو عبدالله حسین بن احمد بن اسحاق بن ابراهیم المعسکر بن موسی ابی السَّبیحه بن ابراهیم المرتضی بن امام موسی کاظم علیه السلام. (۲)

ص: ۷۲

۱-۱. بدر فروزان، ص ۱۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۴۱ و ۴۴۲؛ بدر فروزان، ص ۱۰ و ۶۷؛ تاریخ قم باب سوم، ص ۲۲۱.

در چهار موضع دیگر نیز به نام امام زاده حمزه بارگاه وجود دارد که هر کدام از آن ها سلسله نسب خاص دیگری دارند که در جای خودش ثابت شده است آن چهار موضع عبارتند از: ۱- شیراز، ۲- ترشیز (کاشمر) ۳- سیرجان ۴- ری (در جوار عبدالعظیم حسنی)^(۱).

احمد بن اسحاق جدّ امام زاده حمزه

اشاره

امام زاده ابو علی احمد بن اسحاق موسوی جدّ امام زاده حمزه متوفای اواسط قرن چهارم هجری در بقعه ای جداگانه در طرف جنوب مرقد امام زاده حمزه مدفون می باشد.^(۲) وی همان گونه که در بخش امام زاده ناصرالدین علی بیان شد، غیر از احمد بن اسحاق اشعری قمی است که وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود و در راه بازگشت از سامرا در سر پل ذهاب درگذشت و مرقد وی در همان جا زیارتگاه مؤمنین است. مرقد احمد بن اسحاق موسوی در ۷ متری مزار نوه اش امام زاده حمزه واقع است.

روی قبرش که با کاشیکاری ملوّن، با رنگ های زرد و آبی لاجوردی مزین است با خط سفید در زمینه سبز چنین نوشته شده: «احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام».

ضریح مشبک از جنس آلومینیم روی قبر قرار دارد. زیر گنبد آئینه کاری است در کمربندی داخل گنبد با خط زرد و زمینه آبی نوشته

ص: ۷۳

۱- ۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۱۶.

۲- ۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۸۸.

شده: «این بنا با همت حاج میرزا علی بزرگ زاده و کمک افراد خیر در سال ۱۳۹۷ ه. ق به اتمام رسید، با معماری حاج مهدی خداداد». سپس اسماء ائمه معصومین علیهم السلام با خطی زیبا نوشته شده است. بر مزار این بقعه قبه ای عرقچینی و آجرپوش وجود دارد مانند گنبد امام زاده احمد بن قاسم که در دروازه قلعه مدفون است.

ابو عبدالله حسین فرزند احمد بن اسحاق موسوی و پدر بزرگوار امام زاده حمزه، مردی عاقل و عالم بود. وی دختر ابوالقاسم حمزه، فرزند امام زاده سید علی (مدفون در بیرون دروازه ری قم) را به همسری خود در آورد و از وی چهار پسر به نام حمزه و ابوالحسن علی، و ابوالفضل محمد و ابو محمد حسین و همچنین چهار دختر به دنیا آمد. (۱) مرحوم فیض معتقد است وی در بقعه پدرش احمد بن اسحاق مدفون می باشد و کس دیگری به این مطلب اشاره نکرده است. (۲) اسحاق بن ابراهیم، جدّ اعلای امام زاده حمزه نیز در ساوه مدفون است و دارای گنبد و بارگاه مجللی است. (۳)

گنبد و بارگاه

بقعه امام زاده حمزه مشتمل بر رواق های مجلل و ایوان و کفشکن ها و حجرات گوناگونی است که به شهادت سبک بنا از آثار قرن هشتم می نماید علاوه بر این که لوح کاشی مرقد وی نیز مؤید این سخن است.

ص: ۷۴

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲-۲. بدر فروزان، ص ۶۷ و ص ۱۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۴۳.

۳-۳. همان.

و در عصر شاه طهماسب صفوی تزیین و تعمیر کلی و اساسی یافته است. بر مزار بقعه گنبدی از آثار اتابک اعظم است که در سال ۱۳۰۱ ه. ق همزمان با بنای گلدسته های بلند و ایوان آئینه و صحن بزرگ فاطمه معصومه سلام الله علیها ساخته شده است. سبک ساختمان از ابتکارات مرحوم استاد حسن معمار قمی است که در نوع خود یگانه است و در هیچ یک از مشاهد متبرکه دیگر برای آن شبیهی وجود ندارد.

ارتفاع گنبد از سطح بام حدود هشت متر و نیم و سراپا مزین به کاشی های گرهی و احیانا دوالی فیروزه فام می باشد. در جانب شرقی بقعه ایوانی است با شکوه از آثار صفویّه که تزیینات کاشی آن به فرمان اتابک تعمیر شده است.

در پیشانی ایوان بزرگ کاشی خشتی زمینه لاجوردی است که به خط نستعلیق سفید روی آن عبارات و آیاتی نوشته شده است. و این سه بیت متن کتیبه است:

این کفشکن سلیل موسای کظیم کو طعنه زند به طور موسای کلیم

بنیاد اصغر ابراهیم است چونان که بنای کعبه کرد ابراهیم

این واد مقدّس است فاخلع نعلیک وین باب خداست فادخلوا للتعظیم

بقعه امام زاده حمزه از سه جهت شمالی و جنوبی و شرقی، محاط به سه صحن و از جانب غربی محدود به رواق یا حسینیه است. و صحن شرقی نسبتا وسیع و معمور است. زیر گنبد بزرگ روضه مطهر امام زاده حمزه وجود دارد که دیوار و زوایای روضه مقرنس کاری و با آئینه های بزرگ و کوچک مزین می باشد.

در وسط روضه ضریح امام زاده حمزه که بسیار زیبا و مطلاً و نقره کاری شده موجود می باشد این ضریح را جناب آقایان احمد و عباس پرورش ساخته اند و قلم زنی آن توسط حسین عباس پور و نجاری حاج نعمت الله حیدرزاده، در سال ۱۳۷۱ ه. ق در اصفهان صورت گرفته و بر سر تربت شاه زاده حمزه نصب گردیده است. بالای ضریح مطهر بعد از بسم الله آیاتی نوشته شده و زیر آن آیات اشعاری قلم زنی گشته است. در بالای درب ورودی ضریح مطهر بعد از آیه «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ» اسامی سازندگان و قلم زن و نجار آن حک گردیده است، و بر اطراف ضریح اسماء ائمه علیهم السلام قلم زنی شده است. (۱)

امام زاده موسی مبرقع

اشاره

یوسف آل محمد صلی الله علیه و آله

ابو احمد، موسی مبرقع فرزند حضرت امام جواد علیه السلام (۲) در

ص: ۷۶

-
- ۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۵۲-۴۴۴.
- ۲- ۲. در تعداد فرزندان امام جواد علیه السلام میان علمای رجال و تاریخ مورد اختلاف است: شیخ مفید (ره) می نویسد: فرزندان وی عبارتند از: دو پسر و دو دختر به نام های: ۱- علی بن محمد (امام دهم شیعیان) ۲- حضرت موسی مبرقع ۳- فاطمه ۴- امامه. ر.ک. الارشاد، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۸۴. شیخ مفید تصریح می کند که امام جواد علیه السلام به غیر از این دو پسر، پسر دیگری نداشته است. ابن شهر آشوب پسران آن حضرت را مانند شیخ مفید نقل کرده است (علی بن محمد و موسی مبرقع) ولی در تعداد دختران اختلاف دارد و چنین می نویسد که آن حضرت سه دختر داشت به نام های ۱- حکیمه، ۲- ام کلثوم، ۳- خدیجه، ر.ک. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۸۰. مرحوم محدث قمی به نقل از سید فاضل نسابه، ضامن بن شدقم حسنی می نویسد که امام جواد علیه السلام چهار پسر و چهار دختر به این اسامی داشت: ۱- ابوالحسن امام علی النقی علیه السلام ۲- ابو احمد موسی مبرقع ۳- ابو احمد حسین ۴- ابو موسی عمران ۵- فاطمه ۶- خدیجه ۷- ام کلثوم ۸- حکیمه. ر.ک. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۸. پس آنچه همه بر آن اتفاق نظر دارند آن است که موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام است.

تاریخ ۲۱۴ هـ . ق دو سال بعد از میلاد علی بن محمد، امام هادی علیه السلام در مدینه متولد شد. (۱)

تباری پاک و معصوم

پدر بزرگوارش، نهمین امام معصوم، حضرت محمد بن علی، جواد الائمه علیه السلام است. وی در دهم رجب سال ۱۹۵ هـ . ق در مدینه متولد شد. پدر ارجمندش، علی بن موسی الرضا علیه السلام هنگام تولدش چنین فرمود: «قَدْ وُلِدَ لِي شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، فَالِقِ الْبَحَارِ، وَ شَبِيهُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ قُدَّسَتْ أُمُّ وَ لَدَتْهُ» (۲).

فرزندی برای من به دنیا آمد که شبیه حضرت موسی بن عمران علیه السلام شکافنده دریاها و نظیر حضرت عیسی علیه السلام، مادرش زنی پاک و مقدس است.

و نیز فرمود: «هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ عَلَى شِيعَتِنَا بَرَكَهٌ مِنْهُ» (۳) این نوزادی است که مولودی برای شیعیان ما پر برکت تر از او به

ص: ۷۷

۱-۱. گنجینه آثار قم، فیض، ج ۲، ص ۵۴۶؛ ستاره درخشان آسمان ولایت، سید مصطفی برقی، ص ۱۶۸.

۲-۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۱۵.

۳-۳. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۳ و ۳۵؛ اصول کافی، با ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص ۱۰۶ با این تفاوت که در اصول کافی چنین آمده: «... أَعْظَمُ بَرَكَهٌ عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ».

دنیا نیامده است». خاندان حضرت امام رضا علیه السلام شیعیان، از حضرت جواد علیه السلام به عنوان «مولودی پر خیر و برکت» یاد می کنند، و این عنوان از این رو به آن حضرت داده شده است که امام رضا علیه السلام مکرر او را به این عنوان یاد می کرد. (۱)

پس از شهادت حضرت رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ ه. ق. مأمون در سال ۲۰۴ به بغداد رفت و آن جا را دارالخلافه قرار داد. در همان جا برای امام جواد علیه السلام که در مدینه بود، نامه نوشت و او را به بغداد دعوت کرد. امام جواد علیه السلام به ناچار، این دعوت را پذیرفت و مدینه را به قصد بغداد ترک کرد، هنگامی که وارد بغداد شد، مورد احترام شایان مأمون قرار گرفت، مأمون آن حضرت را در یکی از خانه های مجاور خانه خودش، اسکان داد و دخترش زینب را که با کنیه امّ الفضل خوانده می شد به عقد ازدواج امام جواد در آورد. (۲)

ص: ۷۸

۱- ۱. ر.ک. فروع کافی، ج ۶، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۵؛ الارشاد شیخ مفید، با ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲- ۲. منتهی الآمال، محدث قمی، ج ۲، ص ۳۷۰، ۳۷۵. در کتاب زندگانی سیاسی امام جواد علیه السلام، تألیف جعفر مرتضی عاملی، ترجمه سید محمد حسینی، ص ۹۳ آمده است: «اقدام مأمون به تزویج دخترش ام الفضل برای امام جواد علیه السلام با هدف تظاهر به دوستی و احترام به آن حضرت صورت گرفته است، این رفتار بیش از آن چیزی نیست که پیش از او در مورد پدرش امام رضا علیه السلام انجام داده بود و دخترش را به همسری آن حضرت در آورده و به اظهار احترام و تعظیم او می پرداخت تا آن جا که برای ولایت عهدی او بیعت گرفت همان طور که آن اقدامات و اعمال قطعا و یقینا از روی زیرکی و تزویر و سوء نیت بوده است در این مورد نیز باید همین طور باشد. به خصوص که دلایل و توجیهاات برای ادامه آن مکر و فریب ها همچنان وجود دارد. یکی از قراین و شواهد این است که مأمون، امام جواد علیه السلام را مورد آزمون قرار می دهد. و جلساتی برای این کار اختصاص می دهد و یحیی بن اکثم سؤالات سختی را مطرح می کند... در پاورقی همین صفحه آمده است: از آن جا که ما شکی نداریم در این که امام علیه السلام مقاصد و اهداف واقعی مأمون را از این گونه کارها می دانست و یقین داشت که این مرد همان کسی است که دیروز مرتکب جنایت قتل پدرش امام رضا علیه السلام شده،... آیا تن دادن امام علیه السلام به این ازدواج بر اثر فشاری بوده است که از پیش مأمون بر امام وارد کرده است؟ یا این که خود امام مصلحت در انجام چنین ازدواجی می دانسته است. مانند ازدواج پیامبر اکرم (ص) با عایشه و جز او؟ در جواب می گوئیم. شاید قسمت اول سؤال به حقیقت نزدیک تر باشد زیرا ازدواجی این چنین آشکارا به مصلحت مأمون بوده است نه به مصلحت امام علیه السلام. ر.ک. «الحیاه السیاسیه للامام الرضا علیه السلام، ص ۲۱۱-۲۰۸».

از بعضی از روایات فهمیده می شود، مأمون اصرار داشت که امام جواد علیه السلام در بغداد بماند، ولی امام جواد علیه السلام سکونت در مدینه را ترجیح می داد، از این رو امام در سال ۲۰۴ یا ۲۰۵ ق به عنوان شرکت در مراسم حج با همسرش امّ الفضل از بغداد به سوی مکه رهسپار شد، سپس به مدینه بازگشت و حدود پانزده سال در مدینه سکونت نمود. (۱)

ازدواج با سمانه مغربیه

از ازدواج امام جواد با امّ الفضل دختر مأمون سال ها گذشت ولی

ص: ۷۹

دارای فرزند نشد، چرا که او عقیم و نازا بود، بدین جهت امام جواد علیه السلام، با کنیزی پاک سرشت به نام «سمانه» از اهالی مغرب (بین آفریقا و اندلس) ازدواج کرد و از او در سال ۲۱۲ ه. ق دارای فرزندی شد که همان حضرت هادی علیه السلام است. (۱)

دو سال بعد (۲۱۴ ق) فرزند دیگرش از سمانه متولد شد که او را «موسی» نام نهاد.

منزلت سمانه

این بانوی بزرگوار در فضایل معنوی ممتاز بود و او را سیده و مادرِ ارزش ها می نامیدند. (۲) در زهد و تقوا در عصر خود بی نظیر بود، بیشتر روزها، روزه مستحبی می گرفت. هنگامی سمانه با کاروان مغرب، به مدینه آمد و توسط محمد بن فرج به خانه امام جواد علیه السلام راه یافت و همسر وی گردید، امام جواد در شأن او چنین فرمود:

إِنَّ إِسْمَهَا سَمَانَةٌ وَ أَنَّهَا أُمُّ عَارِفَةَ بِحَقِّي وَ هِيَ مِنَ الْجَنَّةِ لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ، وَ لَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ هِيَ كَانَتْ بِعَيْنِ اللَّهِ
الَّتِي لَا تَنَامُ وَ لَا تَخْلَفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصَّادِقِينَ وَ الصَّالِحِينَ.

نام او سمانه است، او بانویی است که حقّ من را می شناسد، او از بانوان بهشت است. شیطان سرکش به او نزدیک نشود، و نیرنگ طاغوت عنود به او راه نیابد، او همواره مورد نظر لطف خداوندی که

ص: ۸۰

-
- ۱-۱. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.
 - ۲-۲. مناقب آل ابوطالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۰۱، «أُمُّ أُمَّمٌ وَ لِدٍ يُقَالُ لَهَا سَمَانَةُ الْمَغْرِبِيَّةِ وَ يُقَالُ إِنَّ أُمَّهُ الْمَعْرُوفَةَ بِالسَّيِّدَةِ أُمِّ الْفَضْلِ»، و بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۱۴.

هرگز خواب ندارد قرار دارد و در داشتن مقام والای معنوی در ردیف مادران صدیقان و صالحان است. (۱)

عالم بزرگ، سید مرتضی در کتاب «عیون المعجزات» در شأن حضرت سمانه می نویسد: «وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتَاتِ» او از بانوانی بود که در مقام عبادت خدا نهایت خضوع و خشوع را داشت. (۲)

یک بانو می تواند به مقامی برسد که به فرموده امام جواد علیه السلام شایستگی مادری صدیقان و صالحان را پیدا کند و از وی فرزندانی چون امام هادی علیه السلام و موسی مبرقع به وجود آید.

شبهت به مادر

هنگامی که امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ ق به دعوت اجبار آمیز معتصم عباسی از مدینه به سوی بغداد حرکت کرد پس از آن که به جانشینی امام هادی علیه السلام تصریح فرمود او را که در آن هنگام حدود هشت سال داشت، در آغوش گرفت، و فرمود: چه چیزی دوست داری تا از عراق برای تو سوغات بیاورم؟

حضرت هادی علیه السلام گفت: شمشیری که چون آتش شعله ور است. سپس امام جواد علیه السلام به پسر دیگرش موسی که حدود شش سال داشت متوجه گردید و فرمود: تو چه دوست داری تا از عراق برایت به عنوان هدیه بیاورم؟

ص: ۸۱

۱- ۱. ریاحین الشریعه، ذبیح اله محلاتی، ج ۳، ص ۲۳.

۲- ۲. همان.

موسی عرض کرد: یک اسب سواری.

امام جواد علیه السلام فرمود: «أَشْبَهَنِي أَبُو الْحَسَنِ وَأَشْبَهَهُ هَذَا أُمَّهُ» ابوالحسن (امام هادی) علیه السلام به من شباهت دارد، و موسی به مادرش. (۱)

امام جواد علیه السلام در این بیان گهربارش به یک نکته بسیار مهم درباره امامت اشاره فرمود و آن این که هیچ کس نمی تواند به مقام و منزلت امام معصوم برسد. در این جا با نوع انتخاب سوغات، برتری حضرت هادی علیه السلام که امام و پیشوای شیعیان خواهد بود بر برادرش موسی مبرقع آشکار گردید خواسته امام هادی علیه السلام از پدر، نشانه شجاعت ذاتی او است. او شمشیر بُرّان جهاد و دفاع خواست تا از حریم دین و عدل اسلامی نگهبانی کند. اما خواسته موسی مبرقع، یک چیز معمولی است که هر فرزندی ممکن است از پدرش درخواست نماید.

اما نکته ای قابل توجه است و آن شباهت موسی به مادرش سمانه است که در کمالات و فضائل به مقام و منزلتی رسیده که او را مادر ارزش ها (ام الفضل) نامیدند. در زهد و تقوا در عصر خود بی نظیر بوده، به فرموده امام جواد علیه السلام شیطان سرکش به او نزدیک نمی شده، و همواره مورد لطف خداوند و از بانوان بهشت و هم طراز مادران صدیقان و صالحان بوده است، و این نهایت ارج و منزلت موسی مبرقع نیز خواهد بود.

ص: ۸۲

موسی مبرقع دوران کودکی خود را در شهر مدینه، در دامن مادری پاک و باتقوا، در کنار پدر بزرگوارش امام جواد علیه السلام و برادرش امام هادی علیه السلام سپری نمود، و شالوده علم و تقوای خود را در خانه وحی و امامت، زهد و تقوا پایه ریزی نمود.

با تبعید پدر بزرگوارش از مدینه به بغداد در حالی که جز شش بهار از زندگی وی نمی گذشت. روح لطیف او در غم فراق پدر تحت فشار زیاد قرار گرفت. ولی سعی کرد با تحصیل علوم دینی و احکام شریعت از برادر ارجمندش به کمالات بالایی دست یابد. (۱) سرانجام او در این راه به مرتبه ای رسید که مردم وی را به عنوان شخصیتی برجسته در علم و تقوا می شناختند. و لذا گاهی مسائل دینی خود را از وی سؤال می کردند، ولی او به خاطر احترام زیادی که برای برادرش امام هادی علیه السلام قائل بود سعی می کرد برای پاسخ مسائل به وی مراجعه نماید، و بدون اجازه او به مسائل مهم پاسخ ندهد.

از باب نمونه می توان به این حدیث که خود راوی آن است توجه کرد: او می گوید: در دیوان عمومی با یحیی بن اکثم (۲) برخورد کردم و او

ص: ۸۳

۱- ۱. اضاء علی حیاة موسی المبرقع و ذریته، ص ۱۲۸.

۲- ۲. یحیی بن اکثم به فضل و دانش موصوف و در بحث و جدل معروف و در سن بیست و یک سالگی در شهر بصره به سَمَت قضاوت برگزیده شد و تدریجا مرتبه اش رفیع تر گردیده خود را به خلفای عباسی نزدیک ساخت و در بغداد و سامراء به مقام قاضی القضاة ارتقاء یافت تا این که در سال ۲۴۲ ه. ق در قصبه ربنده وفات یافت. ر.ک. سیره چهارده معصوم، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۸۳۸.

از من مسائلی پرسید، من نزد برادرم علی بن محمد علیه السلام (امام هادی) رسیدم و میان من و او پندهایی رد و بدل شد که من را در اطاعت از خودش آگاه و بینا کرد. به او گفتم: قربانت! یحیی بن اکثم نامه ای برای من نوشته و مسائلی از من پرسیده تا به او پاسخ دهم.

امام هادی علیه السلام لبخندی زد، فرمود: پاسخ او را دادی؟!

گفتم: نه. فرمود: آن سؤال ها چیست؟...

یکی یکی سؤال ها را بیان کردم و برادرم امام هادی علیه السلام جواب فرمود. (۱)

از این روایت به خوبی استفاده می شود که موسی مبرقع در مدینه و عراق به عنوان یک شخصیت برجسته علمی، مورد توجه بزرگان بوده است. (۲) پس از مهاجرت به قم نیز مورد احترام علمای بزرگی چون احمد بن عیسی اشعری و احمد بن اسحاق و محمد بن یحیی که ریاست دینی و دنیایی مردم قم را دارا بودند، واقع می شود. (۳)

دیانت و پرهیزکاری

پرهیزکاری، امانت و تقوای موسی مبرقع نزد پدرش، امری مسلم بود تا به آن جا که حضرت امام جواد علیه السلام او را بعد از برادرش امام هادی علیه السلام متولی موقوفات و صدقات خود نمود، بی آن که ناظری بر وی بگمارد.

ص: ۸۴

-
- ۱-۱. تحف العقول، ترجمه کمره ای، ص ۵۰۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۵۵.
 - ۲-۲. اضاء علی حیاة موسی المبرقع و ذریته، ص ۱۲۸.
 - ۳-۳. شاید هم می خواسته اند، برادر امام را در برابر وی به عنوان مرجع و رهبر مطرح کنند.

این موضوع در وصیتنامه امام جواد علیه السلام به صراحت بیان شده است:

واسطی گوید: از احمد بن ابی خالد، خادم ابو جعفر علیه السلام شنیدم که آن حضرت او را بر این وصیت گواه گرفته است و چنین نگاشته است: که «گواهی می دهد احمد بن ابی خالد، خادم ابو جعفر بر این که: ابو جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام، او را گواه گرفت که او به پسرش علی وصیت کرد درباره امور خودش و خواهرانش و نیز امر موسی را بعد از بلوغ به خودش وا گذاشت. و عبدالله بن مساور را سرپرست املاک و اموال و مخارج و بردگان و سایر ترکه خود نمود. تا زمانی که علی بن محمد بالغ شود(۱) و آن گاه عبدالله بن مساور آن ها را به او تحویل دهد تا او به کار خود و خواهرانش قیام کند، و کار موسی را به خود او واگذارد تا او هم بعد از فوت علی النقی علیه السلام و ابن مساور، در کار خود مستقل شود و طبق شرط پدرشان راجع به صدقاتی که می دهد قیام کند. به تاریخ یکشنبه سوم ذوالحجّه سنه ۲۲۰.

احمد بن خالد گواهی را با دست خود نوشت و حسن بن محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام معروف به «جَوّانی» گواهی خود را مثل گواهی احمد بن ابی خالد در بالای این مکتوب نوشت و آن را با دست خود هم نوشت، و

ص: ۸۵

۱-۱. این عمل از نظر تقیه بود و مقصود این است که به حدّ امامت برسد.

نصر خادم هم گواهی داد و گواهی‌اش را با دست خود نوشت. (۱)

در منظر علمای رجال

هیچ یک از علمای رجال درباره موسی مبرقع، قدح و وضعی نقل نکرده اند، بلکه جمعی از بزرگان شیعه که هیچ گاه از افراد ضعیف و غیر موثق روایت نمی کنند. با اذعان به عدالت و وثاقت و دیانت حضرت موسی مبرقع، از وی روایاتی نقل کرده اند. و به مفاد آن ترتیب اثر داده اند.

ثقه الاسلام کلینی در «الکافی»، شیخ طوسی در «تهذیب الاحکام»، و شیخ مفید در «الاختصاص» ابن شعبه در «تحف العقول» (۲) و... از وی روایاتی نقل کرده اند که حاکی از وثاقت وی می باشد. تنها یک روایت

ص: ۸۶

۱- ۱. الاصول من الکافی، کلینی، ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص ۱۱۲ و ۱۱۳: ... عن محمد الحسین الواسطی أنه سمع أحمد بن أبي خالد مولى أبي جعفر يحكي أنه أشهدته على هذه الوصية المنسوخة: «يشهد أحمد بن أبي خالد مولى أبي جعفر أن أبا جعفر محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام أشهدته أنه أوصى إلى عليّ إليه، بنفسه و أخواته و جعل أمر موسى إذا بلغ إليه، و جعل عبد الله بن المصور قائما على تركته من الضياع و الأموال و النفقات و الرقيق و غير ذلك إلى أن يبلغ عليّ بن محمد، صير عبد الله بن المصور ذلك اليوم إليه، يقوم بأمر نفسه و أخواته و يصير أمر موسى إليه، يقوم لنفسه بعيدهما على شرط أبيهما في صيدقاته التي تصدق بها، و ذلك يوم الأحد لثلاث ليال خلون من ذي الحجة سنة عشرين و مائتين». و كتبت أحمد بن أبي خالد شهادته بخطه و شهد الحسن بن محمد بن عبد الله بن الحسن بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام، و هو الجواني عليّ مثل شهادته احمد بن ابى خالد فى صدر هذا الكتاب و كتب شهادته بيده و شهد نصر الخادم و كتب شهادته بيده.

۲- ۲. ر.ك. الكافي، ج ۷، ص ۱۵۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۵۵؛ الاختصاص، ص ۹۱، تحف العقول، ص ۵۳.

ضعیف در کتاب «ارشاد» شیخ مفید(۱) نقل شده است که بعضی از جاهلان را بر آن داشته تا به استناد این حدیث مجعول به موسی مبرقع (نعوذ بالله) نسبت ناروای شراب خواری بدهند.

آنچه در کتاب «ارشاد» آمده چنین است:

و روی الحسین بن الحسن الحسنى قال: حدّثنی ابو الطیب یعقوب بن یاسر قال: «كَانَ الْمُتَوَكِّلُ يَقُولُ: وَيَحْكُمُ قَدْ أَعْيَانِي أَمْرُ ابْنِ الرِّضَا وَجَهْدْتُ أَنْ يَشْرِبَ مَعِيَ وَ أَنْ يُنَادِيَ مِنِّي فَأَمْتَنَعَ وَ جَهَّدْتُ أَنْ أَجِدَ فُرْصَةً فِي هَذَا الْمَعْنَى فَلَمْ أَجِدْهَا؟ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ مَنْ حَضَرَ: إِنْ لَمْ تَجِدْ مِنْ ابْنِ الرِّضَا مَا تَرِيدُهُ مِنْ هَذِهِ الْحَالِ فَهَذَا أَخُوهُ مُوسَى قِصَافٌ عَزَافٌ يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يَعْشُقُ وَ يَتَخَالَعُ، فَاحْضَرُهُ وَ أَشْهَرُهُ، فَإِنَّ الْخَبَرَ يَشِيْعُ عَنِ ابْنِ الرِّضَا بِذَلِكَ، فَلَا يُفَرِّقُ النَّاسُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَخِيهِ وَ مَنْ عَرَفَهُ إِنَّهُمْ أَخَاهُ بِمِثْلِ فِعَالِهِ، فَقَالَ: اكْتُبُوا بِأَشْخَاصِهِ مُكْرَمِيًا، فَأَشْخَصَ مُكْرَمِيًا، فَتَقَدَّمَ الْمُتَوَكِّلُ أَنْ يَلْقَاهُ جَمِيعَ بَنِي هَاشِمٍ، وَ الْقَوَادِ وَ سَائِرِ النَّاسِ، وَ عَمِلَ عَلَى أَنَّهُ إِذَا وَافَى أَقْطَعَهُ قَطِيعَةً وَ بَنَى لَهُ فِيهَا وَ قَوْلَ إِلَيْهَا الْخَمَارِينَ وَ الْقِيَانَ، وَ تَقَدَّمَ بِصَلْتِهِ وَ بَرِّهِ وَ أَفْرَدَ لَهُ مَنَزِلًا سَرِيًّا يَصْلُحُ أَنْ يَزُورَهُ هُوَ فِيهِ.

فَلَمَّا وَافَى مُوسَى تَلَقَّاهُ أَبُو الْحَسَنِ (ع) فِي قَنْطَرِهِ وَ صَيْفٍ وَ هُوَ مُوضِعٌ يَتَلَقَّى فِيهِ الْقَادِمُونَ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ وَفَّاهُ حَقَّهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ أَحْضَرَكَ لِيَهْتَكَكَ وَ يَضَعُ مِنْكَ، فَلَا تَقَرَّ لَهُ إِنَّكَ شَرِبْتَ نَبِيذًا قَطُّ، وَ اتَّقِ اللَّهَ يَا أَخِي أَنْ تَزْتَكِبَ مَحْظُورًا، فَقَالَ لَهُ مُوسَى: وَ إِنَّمَا دَعَانِي لِهَذَا فَمَا حِيلَتِي؟ قَالَ: فَلَا تَضَعْ مِنْ قَدْرِكَ وَ لَا تَعْصَ رَبِّكَ وَ لَا تَفْعَلْ مَا يَشِينُكَ فَمَا غَرَضُهُ إِلَّا هَتَّكَ، فَأَبَى عَلَيْهِ مُوسَى فَكَرَّرَ عَلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ الْقَوْلُ وَ الْوَعْظُ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَى خِلَافِهِ. فَلَمَّا رَأَى أَنَّهُ لَا يُجِيبُ قَالَ: أَمَا أَنْ

ص: ۸۷

الْمَجْلِسِ الَّذِي تُرِيدُ الْإِجْتِمَاعَ مَعَهُ عَلَيْهِ، لَا تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ أَنْتَ وَهُوَ أَبَدًا قَالَ: فَأَقَامَ مُوسَى ثَلَاثَ سِنِينَ يَبْكُ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بَابِ الْمُتَوَكَّلِ فَيُقَالُ لَهُ: قَدْ تَشَاغَلَ الْيَوْمَ فَيُرْوَحُ وَيَبْكُ فَيُقَالُ لَهُ: قَدْ سَكَرَ، فَيَبْكُ، فَيُقَالُ لَهُ: قَدْ شَرَبَ دَوَاءً. فَمَا زَالَ عَلَى هَذَا ثَلَاثَ سِنِينَ حَتَّى قُتِلَ الْمُتَوَكَّلُ، وَ لَمْ يَجْتَمِعْ مَعَهُ عَلَى شَرَابٍ:

«حسین بن حسن از یعقوب بن یاسر روایت کرده که گفت: متوکل (با اطرافیانش) می گفت: وای بر شما کار ابن الرضا (امام هادی علیه السلام) من را درمانده و عاجز کرده، هرچه کوشش کرده ام که با من میگساری و هم نشینی کند او خودداری می کند. و هرچه کوشش کرده ام که فرصتی از او در این باره به دست آورم، چنین فرصتی نیافته ام (که در نتیجه او را پیش مردم میگسار و گنهکار معرفی کنم).

یکی از حاضرین گفت: اگر آنچه خواهی از او به دست نیاید و چنین فرصتی از او پیدا نکنی پس به وسیله برادرش موسی این مقصود را انجام ده، که او تا بتواند در خوانندگی و نوازندگی و لهو و لعب کوتاهی نکند. می خورد و می نوشد و عشق می ورزد و میخوارگی می کند. پس او را بخواه و در انظار و برابر چشم مردم او را به این کارها وادار کن و در نتیجه در میان مردم خیر بیچند که ابن الرضا چنین کرده و مردم میان او و برادرش فرقی نگذارند. هر کس نیز که او را بشناسد (وقتی چنین بداند) برادرش را نیز متهم به کارهای او می کند (و مقصود تو در هر حال انجام خواهد شد) متوکل گفت: بنویسید او را محترمانه به سامرا بفرستند. پس موسی را با احترام تمام به سامرا فرستادند. و متوکل دستور دارد همه بنی هاشم و سرلشکران و دیگر مردمان به استقبال او

روند، و تصمیم متوکل بر این بود (یا با موسی قرار بسته بودند) که چون به سامرا رود زمین هایی را به او واگذار کند و ساختمانی در آن جا برایش بنا کند، و میگساران و زنان خواننده نزد او بفرستد و دستور داده بود با او احسان کنند و درباره اش خوش رفتاری شود. و خانه زیبایی جداگانه برایش آماده سازند که خود متوکل در آن جا به دیدنش برود.

چون موسی به سامرا رسید حضرت هادی علیه السلام در پل و صیف که جایی بود برای استقبال از آنان که به شهر سامرا وارد می شدند. به دیدار موسی رفت و بر او سلام کرد و احترامات لازم را به جا آورد آن گاه به او فرمود: همانا این مرد تو را به این شهر آورده که آبرویت بریزد، و پرده حرمت بدرد، و از ارزش تو بکاهد، هیچ گاه مبادا نزد او اقرار کنی که شراب خورده ای؟ ای برادر از خدا بترس که مرتکب گناه شوی! موسی گفت: اکنون که من را برای این کار خواسته است چاره کار من چیست؟ فرمود: از ارزش و رتبه خود مکاه و نافرمانی پروردگار خویش مکن و کاری که آبرویت را بریزد انجام مده. زیرا این مرد مقصودی جز ریختن آبرو و پرده دری تو ندارد. موسی نصیحت حضرت هادی علیه السلام را نپذیرفت. و آن حضرت هر چه به او اصرار کرد و او را پند داد او از سخن خود دست برنداشت و زیر بار نصیحت های آن حضرت نرفت، همین که حضرت دید موسی اندرز او را نمی پذیرد فرمود: حال که چنین است پس بدان که آن مجلسی که تو می خواهی با او در آن یک جا جمع شوی هرگز فراهم نخواهد شد. راوی گوید: موسی سه سال در سامرا ماند و هر روز به در

خانه متوکل می آمد (که به نزد او رود) به او می گفتند: امروز متوکل سرگرم کاری است (که ملاقات با او میسر نیست) آن روز می رفت و فردا می آمد به او می گفتند: امروز مست است، روز دیگر می آمد، می گفتند: امروز دوا خورده، و هم چنان سه سال بر این منوال گذشت تا این که متوکل کشته شد و موسی در مجلس شراب و میخوارگی با او نشست».

با تمام جلالت شأن و وثاقت و عدالت شیخ مفید، این روایت از جهات مختلف ضعیف و مردود شمرده شده، هیچ یک از علمای شیعه و حدیث شناس به آن ترتیب اثر نداده اند:

۱ - حسین بن حسن و یعقوب بن یاسر که راوی این حدیث اند، در هیچ یک از کتب رجالی نامی از آن ها برده نشده، و لذا محدث نوری رحمه الله علیه می گوید این دو مجهول الحال و غیر معروفند. (۱)

۲ - چنانچه محدث نوری می گوید، از مفاد خبر برمی آید که ابو الطیب یعقوب بن یاسر، از خواص ندیمان متوکل بوده است که در مجلس عیش و نوش وی شرکت داشته، بر قبایح کردار و رفتار و حتی بر اسرار وی واقف بوده است، و چه بسا که پدرش یاسر همان یاسر خادم مخصوص مأمون بوده باشد. و لذا استناد به خبر چنین شخص فاسقی هیچ اعتبار ندارد.

اما استناد شیخ مفید رحمه الله علیه به این روایت در مقام اثبات منقبت امام هادی علیه السلام است، زیرا برای اثبات مناقب، استشهاد به گفته مخالفان و معاندان، دلنشین تر و تأثیرش بیشتر است

ص: ۹۰

چون که: «الْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ؛ فَضِيلَتِ أَنْ اسْتِ كَه دَشْمَنَانِ بَه أَنْ شَهَادَتِ بَدَهْنَد». ولی بَه اتْفَاقِ آراءِ، بَه اسْتِنادِ یَکِ چَنینِ خَبَری بَر جَرَحِ وَ فَسْقِ اَحْدی نَمی تِوانِ حَکَمِ کَرَد. چَه اینِ کَه رِوایاتی قوی تر از این را هم کَه در ذَمِّ بَعْضی از رِواتِ نَقْلِ گَرْدیدَه اسْتِ از طَرَفِ عِلْمایِ رِجالِ طَرَحِ گَرْدیدَه وَ بَه آن تَرْتیبِ اَثَرِ دادَه نَشَدَه اسْتِ. پَس تَفَوُّه بَه این نَسبَتِ های نارِوا عَمَلی جَزِ افْتِرا وَ تَهْمَتِ وَ عِنوانی جَزِ بَهْتانِ وَ اِهانتِ نَدارد. (۱)

۳- در مَقابِلِ این رِوایتِ ضَعیفِ یا بَهْتَرِ بَگَویم رِوایتِ مَجْعولِ این رِاوی فاسِقِ اَخْبارِ مَعْتَبَری در شَأْنِ وَ عِلْوِّ دَرجاتِ موسی مَبْرَقِ عِبارتِ شَدَه اسْتِ. (۲) کَه با رِوایتِ جَعَلی یَعقُوبِ بَنِ یاسِرِ مَعارَضَه دَارد. چَگونه آن رِوایاتِ مَعْتَبَرِ را اِنکارِ نَکنیم وَ بَه این رِوایتِ ضَعیفِ با رِاوی فاسِقِ مَتَمَسِّکِ شویم! این عَمَلِ خِلافِ سِیرَه عِلْمایِ رِجالِ اسْتِ.

۴- یکی دِیگَرِ از عِلامَتِ های جَعَلی بَودنِ این حَديثِ این اسْتِ کَه مَوْرَخانِ شِیعَه وَ سَنّی غَیرِ از این رِوایتِ جَعَلی، هِیچِ رِوایتِ دِیگَری از یَعقُوبِ بَنِ یاسِرِ نَقْلِ نَکَرَدَه اِنْد.

۵- تَزَلُّزِ مَتْنِ حَديثِ نِیزِ یکی دِیگَرِ از دَلایلِ مَجْعولِ بَودنِ آن اسْتِ زِیرا دَعوتِ خَلیفَه از موسی مَبْرَقِ بَه بَغدادِ با آن هَمه تَجَلیلِ وَ اسْتِقبالِ با این رِفتارِش کَه موسی مَدّتِ سَه سالِ هَمه رِوزَه دَرَبِ خانَه مَتَوَكَّلِ

ص: ۹۱

۱- ۱. ر.ک. اصول کافی با ترجمه کمره ای، ج ۲، ص ۱۱۲، که امام جواد علیه السلام موسی مبرقع را وصی خود قرار می دهد. فروع کافی، ج ۷، ص ۱۵۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۵۵؛ اختصاص شیخ مفید، ص ۹۱، که روایاتی از وی نقل شده و حاکی از وثاقت و عدالت وی می باشد.

۲- ۲. بدر مشعشع در حال ذریه موسی مبرقع، محدث نوری، ص ۲۴-۳۲.

برود و هر روز به بهانه ای او را نپذیرد، سازگار نیست. در نتیجه، این روایت هیچ قابل اعتنا نیست و ساحت مقدس موسی مبرقع از تمام تهمت ها پاک و مبرا است.

علاوه بر این که، یکی از شگردهای دشمنان دین در طول تاریخ چنین بوده است که برای فریب دادن مردم و پراکنده کردن آن ها از اطراف پیشوایان راستین، تهمت های ناروا به آن ها یا فرزندان یا اصحاب آن ها نسبت می دادند. و این روایت یکی از نمونه های بارز آن است. شاهد بر این، مطلبی است که در صدر این روایت مجعول آمده است که متوکل، از این که امام هادی علیه السلام را گنهکار جلوه دهد عاجز مانده، و با پیشنهاد یکی از ندیمانش این تهمت ناروا را نسبت به برادرش روا می دارد.

هجرت به قم

اکثر تاریخ نویسان و محدثان و علمای انساب اتفاق دارند بر این که موسی مبرقع از کوفه به قم هجرت نموده و در همین شهر رحلت کرده و در محلی که هم اکنون در خیابان آذر (طالقانی) محله چهل اختران معروف است به خاک سپرده شده است. (۱)

در «تاریخ قم» چنین آمده: «دیگر از سادات حسینیّه از سادات رضائیّه از فرزندان امام رضا علیه السلام، موسی بن محمد بن علی بن

ص: ۹۲

۱- ۱. ر.ک. عمده الطالب، ابن عنبه، ص ۱۸۲؛ بدر مشعشع، نوری، ص ۴-۲؛ گنجینه دانشمندان، رازی، ج ۶، ص ۱۸۸؛ منتهی الآمال، محدث قمی، ج ۲، ص ۳۹۹.

موسی الرضا علیهم السلام صاحب رضائیه است ابو علی الحسین بن محمد بن نصر بن سالم گوید: که اول کسی که از سادات رضویّه به قم آمدند از کوفه،^(۱) ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیهم السلام بود، وی در سنه ست و خمسین و مأتین (۲۵۶ ه. ق) از کوفه به قم آمد، و به قم مقام کرد...^(۲).

محدث قمی رحمه الله علیه با استفاده از «تاریخ قم» می گوید: موسی مبرقع جدّ سادات رضویّه است و رشته اولادش تا به حال _ بحمدالله _ منقطع نگشته است و بسیاری از سادات، نسب ایشان به او منتهی می شود. و او اول کسی است که از سادات رضویّه در سال ۲۵۶ ه. ق به قم وارد شده است.^(۳)

ص: ۹۳

۱- این که وی از کوفه به قم هجرت نموده، حاکی از آن است که قبل از سال ۲۵۶ ه. ق مدتی در کوفه ساکن بوده است بعضی بر این عقیده اند که او در سن سی سالگی یعنی در سال ۲۴۴ ه. ق از مدینه به بغداد رفت و در سال ۲۴۷ ه. ق پس از قتل متوکل به کوفه هجرت نمود. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۴۶.

۲- تاریخ قم، حسن بن محمد، ترجمه حسن بن علی، ص ۲۱۵، البته عبارت تاریخ قم خالی از تشویش نیست و متن عربی آن نیز در دست نمی باشد، بدین جهت بعضی از علمای انساب مثل عباس فیض در گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۴۹، به استناد همین عبارت ها قائل شده به این که موسی مبرقع به قم هجرت نکرده است و اول کسی که از سادات رضویّه به قم هجرت کرده فرزند وی، «محمد» است که کنیه اش ابوجعفر می باشد. و برای این عقیده اش دلایل و قرائنی اقامه کرده است که مورد پذیرش همه نمی باشد. در کتاب مهاجران آل ابوطالب ترجمه منتقله الطالیّه، ابراهیم بن ناصر، ترجمه عطائی، ص ۳۳، نیز از مهاجران از کوفه به قم «محمد بن موسی» را معرفی می کند. و تاریخ وفات وی را ۲۹۶ ه. ق ذکر می نماید.

۳- ۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۵۳.

ابن فندق، علی بن زید بیهقی متوفای ۵۶۵ ق در کتاب «لباب الانساب» می نویسد: موسی مبرقع به قم هجرت کرد و در آن جا مدفون می باشد. (۱)

در «تاریخ قم» آمده است: موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام وقتی وارد قم شد، پیوسته روی خود را با برقع می پوشاند، رؤسای عرب مقیم قم، به او پیغام دادند که باید از مجاورت و همسایگی ما بیرون روی. موسی به کاشان رفت، و مورد تجلیل و احترام احمد بن عبد العزیز بن دُلف عجللی واقع شد، هدایای گران قیمتی دریافت کرد. احمد بن عبد العزیز برای وی، هزار مثقال طلا و یک اسب زین کرده به عنوان مقرری سالانه تعیین نمود و به وی تسلیم کرد.

پس از آن ابو الصّمدیم، حسن بن علی بن آدم اشعری و یکی دیگر از رؤسای عرب، با پی جویی علّت بیرون رفتن موسی مبرقع از قم، اهالی قم را به خاطر این عمل ناشایست تویخ کردند. و عده ای از بزرگان عرب را به کاشان فرستادند و با عذرخواهی، او را به قم بازگرداندند. احترام و اکرام نموده، از مال خود برای او خانه ای خریدند. چند سهم از قریه «هنبرد» و «اندریقان» و «کاریز» را به او واگذار نموده، مبلغ بیست هزار درهم به او عطا کردند.

در روایتی دیگر از غیر ابو علی نقل شده است: که چون عرب قم به موسی مبرقع پیغام دادند که باید از همسایگی ما بیرون روی، او برقع از روی خود برداشت و ایشان او را شناختند، پس درباره موسی همّت و

ص: ۹۴

اعتقادشان محقق شد و این خانه و سهام و اموال را به او بخشیدند.^(۱)

از این دو روایت به خوبی استفاده می شود که یکی از علل بیرون کردن وی از قم نشناختن او بوده است. وقتی او را شناختند بسیار تجلیل و اکرام نمودند.

موسی مبرقع با این اموالی که در اختیارش قرار دادند. چند روستا، و زمین های کشاورزی خریداری کرد. و به یک زندگی خوبی نائل آمد. آن گاه خواهرانش:، زینب، ام محمد، و میمونه و دخترش بریهه به قم آمدند، و تا پایان عمر در قم ماندند.^(۲)

رحلت

موسی مبرقع در سال ۲۵۶ ه. ق در سن ۴۲ سالگی وارد قم شد و بعد از آن وقایعی که ذکر شد مدت ۴۰ سال در قم مقیم بود و به عنوان یکی از شخصیت های برجسته از خاندان امامت و ولایت مورد تکریم علما و بزرگان و اهالی قم قرار داشت. تا این که در شب چهارشنبه آخر دی ماه، هشت روز مانده به آخر ربیع الثانی سال ۲۹۶ ه. ق در سن ۸۲ سالگی دار فانی را وداع و روح بلندش به ملکوت اعلی پیوست.^(۳)

امیر قم، عباس بن عمرو غنوی بر او نماز خواند و در سرای خودش موضعی که امروز به مشهد موسی مبرقع در محله چهل اختران معروف

ص: ۹۵

۱-۱. تاریخ قم، ص ۲۱۵، ۲۱۶.

۲-۲. همان، ص ۲۱۶.

۳-۳. همان، و بدر مشعشع، ص ۱۶.

از همان روز تاکنون مزار وی مورد احترام مؤمنین و دوستان اهل بیت علیهم السلام می باشد. حتی شیعیان دور از قم، مانند اهالی هندوستان، پاکستان و دیگر کشورها نیز وقتی به قم مشرف می شوند به زیارت موسی مبرقع می روند و احترام مرقد و ضریح بوسی وی را بر خود لازم می دانند. درباره تعداد فرزندان موسی مبرقع میان علمای انساب و مورخان اختلاف است.

۱- در «تحفه الازهار» آمده است که وی دارای پنج پسر به اسامی: ابوالقاسم حسین، علی، احمد، محمد و جعفر بود. (۲)

۲- بعضی وی را صاحب دو پسر به نام احمد و محمد و چهار دختر به اسامی: زینب، ام محمد، میمونه و بریهه دانسته اند. (۳)

بدون تردید همه علما اقرار دارند که موسی مبرقع، حداقل دارای دو پسر به نام احمد و محمد بوده (۴) که محمد دارای فرزند نشده و نسل موسی مبرقع از فرزند دیگرش، احمد ادامه یافته است. و سادات رضوی، تقوی، نقوی، برقی، مبرقی، رضایی و... همه از نسل محمد

ص: ۹۶

۱- ۱. گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۱۸۹، در تاریخ قم، ص ۲۱۶ آمده است که سرای موسی مبرقع که او را در آن دفن کردند، در قدیم سرای محمد بن حسن بن ابی خالد اشعری ملقب به «شیبوله» یا «شنبوله» معروف بوده است. محدث قمی در منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹ می نویسد: محمد بن حسن یکی از روایت قم و از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام و وصی سعد بن سعد احوص اشعری قمی بوده است.

۲- ۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۹۹.

۳- ۳. انجم فروزان، ص ۱۱۱.

۴- ۴. ر.ک. عمده الطالب، ص ۱۸۲؛ بدر مشعشع،

اعرج فرزند احمد بن موسی مبرقع می باشند که تا به امروز از بین آن ها علما و صلحا و افراد برجسته ای به وجود آمدند و مؤمنین از وجود پر فیض آن ها بهره مند گردیدند.

احمد بن محمد اعرج

اشاره

زیر گنبد و در کنار مرقد مطهر موسی مبرقع، یکی از نوادگان وی به نام ابوعبدالله احمد بن محمد بن موسی مبرقع مدفون می باشد.

احمد بن محمد در سال ۳۱۱ ه. ق در قم متولد گردید، کودکی خود را در کنار پدر بزرگوارش محمد اعرج که عهده دار سمت نقابت(۱) و ریاست مردم بود، سپری نمود و از علوم وی بهره مند گردید او سیدی والا مقام و برجسته بود. که در زهد، تقوا، کرامت، سخاوت و عبادت به مقامی رسیده بود که علاوه بر نقابت و ریاست عامه مردم _ که بعضی دیگر از نوادگان موسی مبرقع نیز عهده دار بودند _ بر دل ها نیز حکومت می کرد. مردم از صمیم قلب او را دوست می داشتند.

احمد بن محمد، با تمام محبوبیتی که در میان مردم داشت و اهالی قم پروانه وار دور شمع وجودش جمع و از فضائل و کمالات او بهره می بردند. بیش از ۴۶ سال عمر نکرد و در صفر ۳۵۷ ق چشم از جهان

ص: ۹۷

۱- ۱. کسی که از طرف خلیفه یا حاکم، عهده دار رسیدگی به امور اولاد حضرت ابوطالب یا اولاد عباس یا اصنافی از مردم می شد، او را نقیب می گفتند. و نقیب ها از میان افراد برجسته از حیث خانواده و علم و کمال انتخاب می شدند تا برازنده این سمت شریف و بزرگ باشند و مردم در امور زندگیشان بهتر مطیع و فرمانبردار آن ها باشند (الاحکام السلطانیه، ابو یعلی، ص ۹۰).

فرو بست و به دیدار معبود خویش شتافت. مردم قم از فراقش در سوگ نشستند و با غم و اندوه فراوان بدن مطهرش را با عظمت خاصی تشییع نمودند و در کنار مرقد جدّ بزرگوارش موسی مبرقع به خاک سپردند. هم اکنون در زیر گنبد موسی مبرقع، صورت دو قبر وجود دارد که یکی مرقد مطهر موسی مبرقع فرزند بلا فصل امام جواد علیه السلام است و دیگری احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع است.^(۱)

نظر میرزای شیرازی رحمه الله علیه نسبت به سادات رضوی

بر اثر بعضی از ابهاماتی که در میان مردم شایع شده بود و بدون تردید دست دشمنان شیعه در آن بی دخالت نبود. نسبت به بعضی از سادات کشمیری که نسب شریفشان به موسی مبرقع منتهی می شد، تعرّض هایی واقع شد که موجب اذیت و آزار واقع گردیدند. بدین جهت به محضر آیه الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی (مجدّد الشریعه) نامه ای ارسال، و از انساب سادات رضویه، استفسار نمودند. که خلاصه آن بدین قرار است:

س: سادات رضویه صحیح النسب از اهل کشمیر، سلسله خود را تا موسی المبرقع فرزند حضرت امام محمد تقی _ علیه و علی آبائه الصّلاه و السلام _ می رسانند. بعضی از جهّال در آن جا اشتباه در عوام انداختند

ص: ۹۸

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۴۰۰، می نویسد: بعضی خیال کردند قبر دوم متعلق به احمد بن موسی فرزند بلا فصل موسی مبرقع است که صحیح نیست زیرا به قم آمدن احمد بن موسی معلوم نیست، و بعضی مثل عباس فیض چنین معتقد است که مدفونین در این بقعه، محمد بن موسی مبرقع و ابوعلی محمد بن احمد بن موسی می باشند و این نیز حاکی از اختلافی است که در اصل ورود موسی مبرقع به قم وجود دارد.

که از موسی مبرقع یا از محمد اعرج که از نواده آن بزرگوار است، نسلی باقی نمانده است. به سبب آن به فقرای سادات رضویه ضرر کلی رسیده. جواب با صواب مرقوم فرمایید.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم، آنچه متفق علیه نسایین است، بقای نسل محمد اعرج است از سید احمد که مکئی است به ابو عبدالله. و نقابت قم، چنانچه در «عمده الطالب» و «تاریخ قم» است راجع به او بوده و اولاد و احفاد او در قم نقابت طالبین داشتند و از جمله اشراف اهل البیت محسوب می شدند. و حالات ایشان در «تاریخ قم» که از کتب معتمده شیعه است معلوم می شود. و از احفاد او است سید عبدالله بن موسی بن احمد که ترجمه او در «فهرست» شیخ منتجب الدین (۱) مذکور است. و از جمله مشایخ شیعه بوده است و اولاد او غالباً در قم و ری بودند و از آن جا به قزوین و همدان و خراسان و کشمیر و هند و سایر بلاد منتشر شدند و الان در بلاد شیعه از اعظم و اعز طوائف سادات و اشرافند. زاده هم الله سؤددا و شرفا، حرره الاحقر محمد حسن الحسینی. (۲)

کتابد و بارگاه

کتابد و بقعه موسی مبرقع از آثار قبل از صفویه است که در زمان شاه طهماسب صفوی تعمیراتی در آن صورت گرفته است، اما تمام

ص: ۹۹

۱- ۱. در فهرست شیخ منتجب الدین که در بحار الانوار، ج ۱۰۵، به چاپ رسیده در ص ۲۴۴ نام او را سید عبیدالله بن موسی بن احمد... ذکر کرده است.

۲- ۲. بدر مشعشع، نوری، ص ۳۱، و اضواء علی حیاة موسی مبرقع، ص ۱۴۰-۱۳۹.

آثار باستانی بقعه فرسوده شدند و با ساختن گنبد جدید، تمام آن آثار از بین رفت و فقط ضریحی مشبک از چوب در وسط بقعه زیر گنبد باقی مانده است.

تاریخ تعمیر بقعه بر کتیبه ای که بر دیوار نصب شده از این قرار است:

«تاریخ تعمیر بقعه متبرکه حضرت شاه زاده اعظم موسی مبرقع ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام به سال ۱۳۳۵ که کتیبه آن اشعار زیر است»:

در همایون عهد میمون عهد احمد شاه عادل کز دعای دولتش پاینده شد چرخ مُلَمَّح

حضرت شهزاده موسی یوسف آل محمد کز رخس کسب تشعشع کرده خورشید مشعشع

سال ها طوف حریمش بود دربار سعادت گرچه هر دم در مزار او ملایک بود مجمع

کیست اندر کنز مخفی شأن او بودی که آمد افسرش از گوهران غیرت عرف مرصع

بود همنام محمد با علی در لفظ و معنی کز پی این خدمت از شاه خراسان گشت مرجع

آمد از مشهد به قم اجرای این شایسته خدمت سر برون آورد که از جیب دو سر با یک مرقع

ص: ۱۰۰

سرور آل رضا سید محمد در کمر زد با بنی عم معظم کرد و طالع شد مطلع

همت قائم مقام تولیت فرخنده پورش امتحان داد و نهاد اجرای خدمت را به موقع

از پی تاریخ تحسین بنا گفتم صبوری رونق جاوید دارد طور موسای مبرقع (۱)

روایات موسی مبرقع

تفسیری از آیه مباهله

۱_ عن محمد بن سعید الأردنی، عن موسی بن محمد بن الرضا، عن اخیه ابی الحسن علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (۲) وَ لَوْ قَالَ: تَعَالَوْا نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ «عَلَيْكُمْ» لَمْ يَكُونُوا يُجِيبُونَ لِلْمُبَاهَلَةِ وَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ نَبِيَّهُ مُؤَدِّ عَنهُ رِسَالَاتِهِ وَ مَا هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ. (۳)

موسی مبرقع از برادرش امام هادی علیه السلام: درباره آیه مباهله این چنین نقل می کند: که اگر خداوند متعال به جای «فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» فرموده بود، «لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» یعنی بر شما لعنت خدا باد. آن ها پیشنهاد مباهله را نمی پذیرفتند. با این که خدا می دانست پیغمبرش همه پیام های او را می رساند و از دروغگوها نیست.

ص: ۱۰۱

۱-۱. گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۱۹۰.

۲-۲. سوره آل عمران، آیه / ۶۱.

۳-۳. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲_ در این جا حدیثی است که یحیی بن اکثم سؤالات متعددی از موسی مبرقع پرسیده است یا بنا بر بعضی تعبیر برای موسی مبرقع به صورت مکتوب فرستاده است و او از برادرش امام هادی علیه السلام، با جمله «جُعِلْتُ فِدَاكَ؛ جانم فدایت»، یکی یکی سؤال نموده و جواب آن ها را دریافت کرده است در بیشتر جوامع حدیثی ذکر شده است.

در «الاختصاص» شیخ مفید رحمه الله علیه و «مناقب آل ابی طالب»، ابن شهر آشوب و «بحار الانوار»، علامه مجلسی، و «تحف العقول» ابن شعبه و... (۱) با کمی اختلاف مسندا و مرسلأ ذکر گردیده است، اینک متن حدیث با ترجمه آن:

قال موسی بن محمّد بن الرضا: لقيت يحيى بن أکثم في دارالعامّة، فسألني عن مسائل، فجنّث إلي أخي علي بن محمّد عليهما السلام فدار بيني وبينه من المواعظ ما حملني و بصرني طاعته، فقلت له: جعلت فداك إن ابن أکثم كتب يسألني عن مسائل لأفتيه فيها، فضحك عليه السلام ثم قال: فهل أفتيته؟ قلت: لا، لم أعرفها، قال عليه السلام: و ما هي؟

قلت: كتب يسألني عن قول الله: «قال الّذي عنده علم من الكتاب أنا آتيك به قبل أن يرتد إليك طرفك» (۲) نبيّ الله كان محتاجا إلى علم آصف؟

ص: ۱۰۲

۱- ۱. الاختصاص، چاپ جامعه مدرسین، ص ۹۱ تا ۹۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۰۳؛ تحف العقول، با ترجمه کمره ای، ص ۵۰۳ تا ۵۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۷۲-۱۶۵، و در بعضی از نقل ها آمده است که جواب سؤال ها را ابن سکیت نوشته است.

۲- ۲. سوره نمل: ۲۷: آیه ۴۰.

و عن قوله: «و رفع أبويه على العرش و خَرُّوا له سَجْدًا» (١) سجد يعقوب و ولده ليوسف و هم أنبياء؟

و عن قوله: «فإن كنت في شكِّ مما أنزلنا إليك فسئل المذنبون القرآن» (٢) من المخاطب بالآيه؟ فإن كان المخاطب النبي صلى الله عليه و آله فقد شكَّ. و إن كان المخاطب غيره فعلى من إذا أنزل الكتاب؟

و عن قوله: «و لو أن ما في الأرض من شجره أقلام و البحر يمدُّه من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمات الله» (٣) ما هذه الأبحر و أين هي؟

موسی بن محمد بن الرضا عليه السلام گوید در ایوان عمومی به یحیی بن اکثم برخوردیم و از من مسائلی پرسید و من نزد برادر علی بن محمد علیه السلام (امام هادی) رسیدم و میان من و او پندها گفتگو شد مرا بر لازم بودن طاعت او آگاهی بخشید و بر اطاعت امر واداشت، به او گفتم قربانت شوم ابن اکثم نامه ای به من نوشته و مسائلی از من پرسیده تا به او در پاسخ فتوا بدهم، امام خنده ای کرد سپس فرمود: تو به او فتوا دادی؟ گفتم: نه، نمی دانستم چگونه فتوا دهم فرمود: آن مسائل چیست؟ گفتم از من پرسیده است:

١ _ از قول خدا که گفت: آن که در نزد او بود علمی از کتاب من آن را [تخت بلقیس] برای من آورم پیش از این که چشم برهم زنی _ آیا پیغمبر خدا (سلیمان) نیازمند بود به علم آصف؟»

ص: ١٠٣

١-١. سوره یوسف ١٢: آیه ١٠٠.

٢-٢. یونس ١٠: آیه ٩٤.

٣-٣. لقمان ٣١: آیه ٢٦.

۲- از قول خدا که: [یوسف] پدر و مادرش را بر تخت برآورد و همه برادرانش بر خاک افتاده سجده کردند _ آیا یعقوب و فرزنداناش که پیغمبر بودند برای یوسف سجده کردند؟».

۳- از قول خدا که: «اگر تو شک داری در آنچه به تو فرو فرستادیم بپرس از کسانی که کتاب می خوانند». آیا این آیه خطاب به کیست؟ اگر مخاطب خود پیغمبر است پس او در شک بوده است و اگر دیگریست قرآن بر چه کسی (جز پیامبر) نازل شده است؟»

۴- و از قول خدا که: و اگر هر آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا مرکب و به دنبالش هفت دریا باشد [شمارش و محاسبه] کلمات خدا به پایان نرسد _ این دریاها چیست و کجایند؟

و عن قوله: «و فیها ما تشتهیه الأنفسُ و تلذُّ الأعین» (۱) فاشتتت نفس آدم علیه السلام أكل البرِّ فأكل و أطمع [و فیها ما تشتهی الأنفس] فكيف عوقب؟

و عن قوله: «أو يزوَّجهم ذكرا و إناثا» (۲) يزَّوج الله عباده الذُّكران و قد عاقب قوما فعلوا ذلك؟

و عن شهادة المرأة جازت وحدها و قد قال الله: «و اشهدوا ذوی عدل منكم»؟ (۳)

و عن الخنثی و قول علیّ علیه السلام: «یورث من المبال» فمن ينظر إذا بال إليه؟ مع أنه عسی أن یكون امرأه و قد نظر إليها الرِّجال، أو عسی أن یكون رجلاً و

ص: ۱۰۴

۱- ۱. سوره زخرف ۴۳: آیه ۷۱.

۲- ۲. سوره شوری ۴۲: آیه ۴۹.

۳- ۳. سوره طلاق ۶۵: آیه ۲.

قد نظرت إليه النساء و هذا ما لا يحلّ. و شهاده الجارّ إلى نفسه لا تقبل؟

و عن رجل أتى إلى قطع غنم فرأى الرّاعي ينزو على شاه منها فلمّا بصر بصاحبها خلى سبيلها، فدخلت بين الغنم كيف تذبج؟ و هل يجوز أكلها أم لا؟

و عن صلاة الفجر لم يجهر فيها بالقراءة و هى من صلاة النّهار و إنّما يجهر فى صلاة اللّيل؟

و عن قول عليّ عليه السلام لابن جرّموز: «بشر قاتل ابن صفية بالنار فلم يقتله و هو إمام؟

و أخبرنى عن عليّ عليه السلام لم قتل أهل صفين و أمر بذلك مقبلين و مدبرين و أجاز على الجرحى، و كان حكمه يوم الجمل أنّه لم يقتل مؤلّيا و لم يجز على جريح، و لم يأمر بذلك، و قال: من دخل داره فهو آمن، و من ألقى سلاحه فهو آمن، لم فعل ذلك؟ فإن كان الحكم الأوّل صوابا فالثانى خطأ.

و أخبرنى عن رجل أقرّ باللواط على نفسه أيحّد، أم يدرأ عنه الحدّ؟

قال عليه السلام: اكتب إليه، قلت: و ما أكتب؟ قال عليه السلام: اكتب بسم الله الرحمن الرحيم و أنت فألهمك الله الرّشد أتانى كتابك فامتحتنتنا به من تعنتك لتجد إلى الطعن سبيلاً إن قصّرنا فيها، و الله يكافيك على نيتك و قد شرحنا مسائلك فأصغ إليها سمعك و دلّل لها فهمك و اشغل بها قلبك، فقد لزمك الحجّة و السّلام.

سألت عن قول الله جلّ و عزّ؟ «قال الذى عنده علم من الكتاب» فهو آصف بن برخيا، و لم يعجز سليمان عليه السلام عن معرفه ما عرف آصف لكنّه صلوات الله عليه أحبّ أن يعرّف أمّته من الجنّ و الإنس أنّه الحجّة من بعده، و ذلك من علم سليمان عليه السلام أودعه عند آصف بأمر الله، ففهمه ذلك لئلا يختلف عليه فى إمامته و دلّالته كما فهم سليمان عليه السلام فى حياه داود عليه السلام لتعرف

نَبَوْتَهُ و إمامته من بعده لتَأَكِّد الحِجَّةَ على الخلق.

۵_ و از قول خدا که: «در آن بهشت است آنچه دل خواهد و دیده خوش دارد» دل آدم خواست گندم بخورد و از آن خورد (اگر در آن است هر چه دل بخواهد) پس چرا عقوبت شد؟

۶_ از قول خدا که: «به آن ها جفت کند پسران و دختران» خدا به بنده هایش مردان را تزویج کرده با این حال قومی را که چنین عمل کردند عقوبت کرد؟

۷_ از گواهی یک زن که تنها نافذ است با این که خدا فرموده که: «گواه بگیرید دو مرد عادل از خود را».

۸_ از خنثی که به قول علی علیه السلام به نشانه ادرار بولش ارث برد، چه کسی نحوه بول او را واریسی کند، مردان وارسند بسا که او زن باشد و مرد به او نظر کرده باشند، و زنان وارسند بسا که مرد باشد و زن به او نظر کرده باشد و هر دو اینها حرام است، و گواهی خود او هم چون جلب نفع می کند پذیرفته نیست.

۹_ از مردی که بر سر رمه گوسفندی آمده و دیده چوپان با یکی از گوسفندان جماع میکند و چون چشمش به صاحب رمه افتد آن گوسفند را در میان رمه راه دهد [و تشخیص آن مشکل گردد پس جهت حلّیت این رمه] چگونه گوسفند این رمه ذبح شود و آیا خوردن گوشت این رمه جائز است یا نه؟

۱۰_ از نماز بامداد سؤال کرد که: چگونه قرائت حمد و سوره آن بلند باشد با این که از نمازهای روز است و همانا جهر به قرائت در

ص: ۱۰۶

۱۱_ و سؤال کرد از این که علی علیه السلام به ابن جرموز (قاتل زبیر) فرمود: «کشنده فرزند صفیه را به دوزخ مژده ده» ولی خود با این که امام بود او را _ که قاتل زبیر بود _ نکشت.

۱۲_ او نوشته است که: به من بگو علی علیه السلام چگونه در جنگ صفین فرمان به کشتن مخالفان داد در حال حمله و گریز و اجازه داده زخمی های آنان را بکشند. با این که در روز جنگ جمل حکم داد گریخته را نکشند، و اجازه داد زخم داران را بکشند، و به کشتن آن ها فرمان نداد، و فرمود: هر که به خانه خود پناهنده شود در امانست، و هر که اسلحه خود را بر زمین نهد در امانست، چرا چنین کرد و اگر حکم اول درست است دومی نادرست باشد.

۱۳_ و چنین نوشته است که: و به من بگو از حکم مردی که بر خود اعتراف به لواط کرده است حدّ دارد یا حدّ از او ساقط است؟

امام علیه السلام فرمود به او پاسخ بنویس گفتم چه بنویسم فرمود بنویس به نام خداوند بخشاینده مهربان نامه تو که هدایت به راه حق هدایت کند به من رسید و مقصودت آزمایش ما بوده است و رنج دادن ما تا بلکه راهی برای عیب جویی ما به دست آری اگر پاسخ نارسا باشد خدا تو را طبق نیتی که داری پاداش دهد ما پاسخ مسائلت را شرح دادیم خوب گوش بده و فهمت را رام آن ساز و بدان دل بده حجت بر تو تمام است و السلام.

۱_ از قول خدا پرسیدی که «گفت آن که علمی از کتاب داشت» او

آصف بن برخیا بود سلیمان علیه السلام از فهم آنچه آصف بن برخیا می دانست عاجز نبود ولی او خواست به امتش از جن و انس بفهماند حجت خدا پس از وی اوست، و همان که او می دانست از علم خدا سلیمان بود که به امر خدا نزد آصف به امانت گذارده بود و آن را به وی فهمانید تا درباره امامت و نشانه امامت و اختلافی نباشد. چنان چه به خود سلیمان فهمانده شده بود در زمان زندگی داود علیه السلام تا نبوت و امامتش پس از وی معلوم باشد، و حجت بر خلق تمام باشد.

و أما سجود یعقوب علیه السلام و ولده کان طاعه الله و محبه لیوسف علیه السلام كما أن السجود من الملائكة لآدم علیه السلام لم یکن لآدم علیه السلام و إنما کان ذلك طاعه لله و محبه منهم لآدم علیه السلام، فسجود یعقوب علیه السلام و ولده و یوسف علیه السلام معهم کان شکرًا لله باجتماع شملهم، ألم تره یقول فی شکره ذلك الوقت: «ربّ قد آتیتنی من الملك و علمتنی من تأویل الأحادیث» (۱) إلى آخر الآیه _ .

و أما قوله: «فإن كنت فی شكّ ممّا أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرؤون الكتاب» فإنّ المخاطب به رسول الله صلی الله علیه و آله و لم یکن فی شكّ ممّا أنزل إلیه و لكن قالت الجهله: کیف لم یبعث الله نبیًا من الملائكة؟ إذ لم یفرق بین نبیّه و بیننا فی الاستغناء عن المآكل و المشارب و المشی فی الأسواق، فأوحى الله إلی نبیّه «فسئل الذین یقرؤون الكتاب» بمحضر الجهله، هل بعث الله رسولاً قبلك إلاّ و هو یا کل الطّعام و یمشی فی الأسواق و لك بهم أسوه. و إنّما قال: «فإن كنت فی شكّ» و لم یکن شكّ و لكن للنصفه كما قال: «تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و

ص: ۱۰۸

نساءنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنه الله على الكاذبين» و لو قال: عليكم لم يجيبوا إلى المباهله، و قد علم الله أن نبيه يؤدى عنه رسالته و ما هو من الكاذبين، فكذلك عرف النبي أنه صادق فيما يقول و لكن أحب أن ينصف من نفسه.

و أما قوله: «و لو أن ما فى الأرض من شجره أقلام و البحر يمده من بعده سبعة أبحر ما نفدت كلمات الله» فهو كذلك لو أن أشجار الدنيا أقلام و البحر يمده سبعة أبحر و انفجرت الأرض عيوناً لنفدت قبل أن تنفذ كلمات الله و هى عين الكبريت و عين النمر و عين [ال] برهوت و عين طبريه و حمه ماسبندان و حمه إفريقيه يدعى لسان و عين بحرون، و نحن كلمات الله التى لا تنفذ و لا تدرك فضائلنا.

و أما الجنة فإن فيها من المآكل و المشارب و الملاهى ما تشتهى الأنفس و تلذ الأعين و أباح الله ذلك كله لآدم عليه السلام و الشجره التى نهى الله عنها آدم عليه السلام و زوجته أن يأكلا منها شجره الحسد عهد إليهما أن لا ينظرا إلى من فضل الله على خلائقه بعين الحسد فنى و نظر بعين الحسد و لم يجد له عزما.

و أما قوله: «أويزوجهم ذكرا و إناثا» أى يولد له ذكور و يولد له اناث، يقال لكل اثنين مقرنين زوجان كل واحد منهما زوج، و معاذ الله أن يكون عنى الجليل ما لبست به على نفسك تطلب الرخص لارتكاب المآثم «و من يفعل ذلك يلق أثاما يضاعف له العذاب يوم القيامة و يخلد فيه مهانا»^(١) إن لم يتب.

و أمّا شهادة المرأه وحدها التى جازت فهى القابله جازت شهادتها مع الرضا، فإن لم يكن أرضى فلا أقل من امرأتين تقوم المرأتان بدل الرجل للضرورة، لأن الرجل لا يمكنه أن يقوم مقامها، فإن كانت وحدها قبل قولها مع يمينها.

ص: ١٠٩

و أمّا قول على عليه السلام فى الخنثى فهى كما قال: ينظر قوم عدول يأخذ كل واحد منهم مرآه و تقوم الخنثى خلفهم عريانه و ينظرون فى المرايا فيرون الشّبح فيحكمون عليه.

و أمّا الرّجل النّاظر إلى الرّاعى و قد نرى على شاه فإن عرفها ذبحها و أحرقتها. و إن لم يعرفها قسم الغنم نصفين و ساهم بينهما، فإذا وقع على أحد النّصفين فقد نجا النّصف الآخر، ثمّ يفرّق النّصف الآخر فلا يزال كذلك حتّى تبقى شاتان فيقرع بينهما فأيتها وقع السّهم بها ذبحت و أحرقت، و نجا سائر الغنم.

و أمّا صلاه الفجر فالجهر فيها بالقراءة، لأنّ النّبىّ صلى الله عليه و آله كان يغلّس بها فقراءتها من اللّيل.

و أمّا قول على عليه السلام «بشر قاتل ابن صفية بالنار» فهو لقول رسول الله صلى الله عليه و آله و كان ممّن خرج يوم النهروان فلم يقتله أمير المؤمنين عليه السلام بالبصرة، لأنّه يقتل فى فتنة النهروان.

و أمّا قولك: إنّ علينا عليه السلام قتل أهل الصّيفين مقبلين و مدبرين و أجاز على جريحهم؛ و إنّ يوم الجمل لم يتبع مؤلّيا و لم يجز على جريح و من ألقى سلاحه آمنه و من دخل داره آمنه، فإنّ أهل الجمل قتل إمامهم و لم تكن لهم فتنة يرجعون إليها و إنّما رجع القوم إلى منازلهم غير محاربين و لا مخالفين و لا منابذين، رضوا بالكفّ عنهم، فكان الحكم فيهم رفع السيف عنهم و الكفّ عن أذاهم، إذ لم يطلبوا عليه أعوانا، و أهل صقّين كانوا يرجعون إلى فتنة مستعدّه و إمام يجمع. لهم السّلاح و الدّروع و الرّماح و السيوف و يسنى لهم العطاء، يهتّى لهم الأنزال و يعود مريضهم و يجبر كسيرهم و يداوى جريحهم و يحمل راجلهم و يكسوا حاسرهم، و يرُدّهم فيرجعون إلى محاربتهم و قتالهم، فلم يساوبين الفريقين فى الحكم لما

عرف من الحكم في قتال أهل التوحيد، لكنه شرح ذلك، فمن رغب عرض على السيف أو يتوب من ذلك.

و أما الرجل الذي اعترف باللواط فإنه لم تقم عليه بينه و إنما تطوع بالإقرار من نفسه و إذا كان للإمام الذي من الله أن يعاقب عن الله كان له أن يمن عن الله؛ أما سمعت قول الله: «هذا عطاؤنا» _ الآية _ قد أنبأناك بجميع ما سألتنا عنه فاعلم ذلك.

۲ _ و اما سجده يعقوب و فرزندانش برای اطاعت خدا و دوست داشتن یوسف علیه السلام بود چنان چه سجده فرشته ها بر آدم علیه السلام برای خود آدم نبود و همانا طاعت خدا بود و اظهار دوستی فرشته ها با آدم علیه السلام، و سجده يعقوب و فرزندانش که یوسف با آن ها بود شکر خدا بود بر این که پراکندگی آن ها را جمع آوری ساخته بود آیا ننگری که یوسف علیه السلام در این وقت برای شکر خدا می گفت پروردگارا تو به من ملک دادی و تأویل احادیث آموختی _ الی آخر آیه.

۳ _ و اما قول خدا «اگر در شکی، از آنچه نازل کردیم به سوی تو، پیرس از کسانی که کتاب می خوانند»، مخاطب همان رسول خدا صلی الله علیه و آله است و او خود در آنچه بر او نازل می شد شکی نداشت ولی نادانان می گفتند: چگونه خداوند رسولی از فرشته ها مبعوث نکرده، و میان ما و پیغمبر او که فرقی نیست درباره خوردن و نوشیدن و بازار رفتن، خدا به پیغمبرش وحی کرد از آن ها که کتاب می خوانند در حضور این نادان ها پیرس آیا خدا پیش از تو رسولی مبعوث کرده جز

این که غذا می خورده و در بازارها راه می رفته و توهم بمانند آنهايي. و همانا گفته: «اگر تو شکی داری» با این که خودش شکی نداشته برای مراعات انصاف در گفتار چنانچه فرموده بیاید پسران ما و پسران شما، و زنان ما و زنان شما، و خود ماها و خود شماها را دعوت کنیم و به درگاه خدا زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بخواهیم _ و اگر می فرمود: بر شماها بخواهیم پیشنهاد مباحله را نپذیرفتندی با این که خدا می دانست پیغمبرش همه پیام های او را می رساند و از دروغ گوها نیست و همچنین پیغمبر صلی الله علیه و آله هم می دانست که او را در آنچه می گوید راستگو است ولی دوست داشت از طرف خود عادلانه اظهار کند.

۴_ و اما قول او «اگر که آنچه درخت در زمین است قلم شود و دریا مرکب و در پی آن هفت دریا باشد کلمات خدا به پایان نرسند، واقع آن همچنین است اگر که همه درخت های دنیا قلم شوند و دریا را درما پی باشند و از زمین همه چشمه بجوشند به پایان رسند پیش از آنکه ثبت کلمات خدا به پایان رسند و آن دریاها چشمه کبریت است و چشمه نمر و چشمه برهوت و چشمه طبریه و چشمه گرم ماسبندان و چشمه گرم آفریقیه که زبانش خوانند و چشمه بحرون و مائیم کلمات خدا که به پایان نرسیم و فضائل ما درک نشوند.

۵_ و اما بهشت دارای همه خوردنی ها و همه نوشیدنی ها و بازی ها است که دل بخواهد و دیده خوش دارد و خدا همه را برای آدم مباح کرد، و آن درخت که خدا آدم و حوا را از خوردنش غدقن کرد درخت

حسد بود که به آن ها سفارش کرد تا به هر کس از خلائق که خدا فضیلتی داده به دیده حسد ننگرند و آدم فراموش کرد و به دیده حسد نگریست و تصمیمی برای او نیافت.

۶_ و اما قول خدا «یا به آن ها جفت کند مردان و زنان» یعنی برای او فرزند ذکور آید و یا فرزند اناث به هر دو تا که باهم باشند گویند زوجان هر یک جفت دیگری است و معاذ الله که خداوند والا را مقصود آن باشد که تو خود را بدان فریفتی و می خواهی برای ارتکاب گناه رخصت جویی «هر که این کار کند به گناه آلوده شده، عذابش دو چندان گردد در روز قیامت و جاویدان در آن خوار بماند» اگر توبه نکند.

۷_ و اما شهادت یک زن که نفوذ دارد آن ماما است با رضایت به وی و اگر رضایت نباشد حداقل باید دو زن باشند که به حکم ضرورت به جای مردند زیرا مرد را امکان جانشینی آن ها نیست و اگر تنها باشد قول او با قسم پذیرفته است.

۸_ و اما قول علی علیه السلام درباره خنثی چنان است که گفته: مردمی عادل که هر کدام آئینه ای به دست دارند بدو نگاه می کنند. آن خنثی برهنه پشت سر آن ها می ایستد و آنان در آئینه ها می نگرند و شبح او را می بینند و بدان حکم می کنند.

۹_ و اما مردی که بر شبانی نگاه کرده که بر گوسفندی جهیده اگر آن گوسفند را بشناسد سر ببرد و بسوزاند و اگر نشناسد رمه را دو بخش کند و قرعه کشد و چون قرعه به نام نیمی در آید نیم دیگر رها شود و این نیم را هم دو نیم کند و پیوسته چنین کند تا دو گوسفند بمانند و میان آن

دو قرعه کشد و به نام هر کدام در آمد آن را سر برد و بسوزاند و سایر رمه نجات یابند.

۱۰_ و اما نماز بامداد را قرائت به جهراست برای آن که پیمبرش در تاریکی می خواند و قرائتش ملحق به نماز شب ها شد.

۱۱_ و اما قول علی علیه السلام کشنده ابن جرموز را به دوزخ بشارت بده برای این بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده بود او در جنگ نهروان به همراه خوارج بود و علی علیه السلام او را در بصره نکشت چون می دانست در فتنه نهروان کشته می شود.

۱۲_ و اما این که گفتی علی علیه السلام اهل صفین را در هجوم و گریز هر دو می کشت و زخم دارشان را هم اجازه کشتن می داد و روز جمل به دنبال گریخته نمی رفت و زخم دار را نمی کشت، و هر که سلاح به زمین می گذاشت امانش می داد، و هر که به خانه خود پناهنده می شد امانش می داد، برای این بود که رهبر قشون جمل کشته شده بود و پشتیبانی نداشتند که بدان برگردند و دوباره جنگ را از سر گیرند و مردم به خانه خود برگشتند و دست از جنگ کشیده و مخالفت را کنار گذارده، و قصد تفرقه نداشتند راضی بودند که شمشیر از آن ها برداشته شود، حکم آنان برداشتن شمشیر و خودداری از آزارشان بود زیرا کمک برای ادامه جنگ نطلبیدند ولی مردم صفین به یک ستاد آماده و رهبر مقتدری برمی گشتند که اسلحه و زره و نیزه و شمشیر برایشان فراهم می کرد، و عطای وافر به آن ها می داد و از آن ها پذیرایی می کرد و بیمارشان را عیادت می کرد، و شکسته آنان را بست و بند می کرد، و

ص: ۱۱۴

زخم‌دارشان را درمان می کرد، و به هر که پیاده بود مرکب سواری می داد، و به هر که برهنه بود جامه می داد، و آن‌ها را به جنگ و کشتار برمی گردانید، و به این دو دسته یک حکم نکرد چون حکم محارب از خداپرستان را می دانست. بلی این را برایشان توضیح می داد و هر که رو گردان بود کشته می شد یا این که باید توبه کند.

۱۳_ و اما مردی که به لواط اعتراف کرده باشد بر او بینه اقامه نشده و خود به خود اعتراف کرده است، و امام به حق که می تواند از طرف خدا مجازات کند می تواند هم از طرف خدا مَنّت بر او نهد و عفو کند آیا نشنیدی گفته خدا را؟ «این است عطای ما» _ الایه _ ما تو را به همه چیزها که از ما پرسیدی خبر دادیم آن را بدان.

چهل اختران

اشاره

تعدادی از فرزندان و نوادگان موسی مبرقع در بقعه خانوادگی وی در کنار مرقدهش معروف به چهل اختران مدفون می باشند، و مورد احترام و زیارت مؤمنین قرار دارند.

تا زمان تألیف «تاریخ قم» (۱) به سال ۳۷۸ ه. ق، چهارده تن از سادات رضویه از خاندان موسی و جعفر در این بقعه به خاک سپرده شده بودند که نام آن‌ها در آن تاریخ ثبت گردیده است. و بعد از آن هم از همین خاندان جمع دیگری دفن شده اند که عدد آن‌ها را به چهل تن می رسانند. ولی منبعی برای معرفی نام و نسب اکثر آنان در دست نیست.

ص: ۱۱۵

در تابلویی که به پنجره های مشبک آلومینیومی آن آویخته است چنین نگاشته:

السلام علیک یا امام محمد التقی الجواد علیه السلام

بقعه مقابر رضویون در چهل اختران

آرامگاه خانوادگی امام زاده ابو جعفر موسی مبرقع علیه السلام

نسب مدفونین این بقعه مبارکه با فرزند بلافصل حضرت امام محمد تقی جواد علیه السلام یعنی امام زاده ابو جعفر موسی مبرقع

۱. ابو احمد محمد پسر ابو جعفر موسی مبرقع

۲. ابو علی احمد پسر ابو جعفر موسی مبرقع

۳. زینب دختر ابو جعفر موسی مبرقع

۴. ابو علی محمد الاعرج بن احمد (وفات ۳۱۵ق) نوه ابو جعفر موسی مبرقع

۵. ام محمد بنت احمد نوه ابو جعفر موسی مبرقع

۶. ام حبیب بنت احمد نوه ابو جعفر موسی مبرقع

۷. فاطمه بنت محمد بن احمد نتیجه ابو جعفر موسی مبرقع

۸. بریهه بنت محمد بن احمد نتیجه ابو جعفر موسی مبرقع

۹. ام کلثوم بنت محمد بن احمد نتیجه ابو جعفر موسی مبرقع

۱۰. ام سلمه بنت محمد بن احمد نتیجه ابو جعفر موسی مبرقع

۱۱. یحیی بن احمد بن محمد بن احمد نبیره ابو جعفر موسی مبرقع

۱۲. ابو جعفر محمد بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد ندیده ابو جعفر موسی مبرقع

۱۳. ابوالفتح عبدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد ندیده ابوجعفر موسی مبرقع

۱۴. بریهه بنت علی بن جعفر بن امام هادی زوجه محمد بن موسی مبرقع عروس ابوجعفر موسی مبرقع

در ذیل این تابلو چنین نوشته شده است: در خاتمه چند نکته قابل ذکر است:

۱. سابقاً در این محل صورت ۱۷ قبر مشهود بود و قبر بزرگ و برجسته ای در وسط به طور حتم قبر شریف محمد بن موسی مبرقع و شانزده قبر دیگر در اطراف آن نمایان بود.

۲. امام زاده های شماره ۱۱ _ ۱۲، ۱۳ در قم ساکن و نقیب [و] راوی اخبار بوده [اند] احتمالاً در این بقعه مدفون [شده اند] و سایر امام زاده های فوق الذکر طبق اسناد و مدارک معتبر به طور یقین در این بقعه مدفونند.

۳. [امام زاده] شماره ۲ _ احمد بن موسی مبرقع حفظ مطابق نقل کتاب «لباب الانساب» بیهقی، ص ۵۸۵ در قم و احتمالاً در همین بقعه مدفون است.

۴. امام زاده های شماره ۱ _ ۳ _ ۴ _ ۵ _ ۶ _ ۷ _ ۸ _ ۱۰ و ۱۴ در کتاب معتبر «تاریخ قدیم» تألیف سال ۳۷۸ ه. ق و اکثر کتب انساب محل دفن ایشان را در همین بقعه ذکر نموده اند.

۵. اسامی شماره های ۱۵ _ ۱۶ _ ۱۷ را نتوانستیم طبق اسناد و مدارک شناسایی کنیم لذا از محققین محترم تقاضا می شود ما را در این امر یاری فرمایند».

ص: ۱۱۷

در کتاب «گنجینه آثار قم» سه تن دیگر از مدفونین در این بقعه را نام می برد. به اسامی: ام ولد همسر ابوعلی محمد بن احمد بن موسی مبرقع و ابو جعفر و فخر الدین فرزندان یحیی صوفی فرزند جعفر بن امام علی النقی علیه السلام که شاید بتوان به عنوان امام زادگان شماره ۱۵ _ ۱۶ و ۱۷ ذکر نمود. (۱)

بقعه و بارگاه

گنبد چهل اختران با اینکه دارای جدار آجری است از بناهای باشکوه باستانی و تاریخی اصیل شهر قم است که تاریخ بنای آن را به سال ۹۵ ه. ق و نام بانی آن را شاه طهماسب صفوی و اسم معمار هنرمندش استاد سلطان قمی معرفی نموده اند که در کتیبه های داخلی آن هنوز نام وی موجود است.

در بالای سر درب بقعه در کتیبه ای که با خط ثلث و از گچ بری بیرون آورده شده، نوشته است: این مکان قبور جمعی از سادات و امام زادگان است که در اینجا مدفون شده اند و در تاریخ ۸۵۱ ه. ق این کتیبه نوشته شده که در سال ۹۵۳ ه. ق به امر شاه طهماسب صفوی سقفی بسیار مرتفع و بنایی عالی بر این مرقد برپا داشته است که اصل بقعه متساوی الاضلاع است و هر ضلع او پانزده ذرع می باشد که از بناهای بسیار خوب و عالی است و کمتر همچون بنایی دیده شده. بنا و معمار او استاد سلطان قمی است که از مشاهیر معمارهای عصر صفویه است و نام او

ص: ۱۱۸

در این مکان مضبوط است.

متأسفانه در تعمیرات قائم مقام فراهانی در سال ۱۳۳۳ ق آن کتیبه از بین رفته است. در این بقعه دو کتیبه موجود است. یکی به صورت نامرئی که روی زاویه جنوب شرقی زیر نیم طاق به صورت تابلوی مربع و مستطیل گچ بری شده که تا دقت نشود تشخیص داده نمی شود به این عبارت (بنائی عمل سلطان قمی) و کتیبه دیگر که بر فراز درب ورودی از صحن غربی به طول سه متر به خط ثلثی برجسته که روی آن عبارت ذیل گچ بری شده است موجود می باشد که چنین نوشته شده است: قد صدر الحکم المطاع ببناء هذه العماره الشریفه عن اعلی حضرت سلطان سلاطین الزمان ابوالمظفر بهادرخان شاه طهماسب خلد الله ملکه و سلطانہ و أفاض علی العالمین برّه و احسانه فی شهور سنه خمسين و تسعمأه.

بر فراز این بقعه گنبد عرقچینی و آجری قرار دارد که چهار هواکش در جهات اصلی آن به طور مشبک آجری دیده می شود و در وسط بقعه مرقدی است سراسری به ارتفاع یک [متر] و طول و عرض ۹ متر که روی سطح آن در چند ردیف قبر سازی شده و به وسیله کاشی های خشتی فیروزه ای فرش شده است. (۱)

در این اواخر روی این قبور، ضریحی از آلومینیوم از طرف اوقاف و امور خیریه نصب شده است. در صحن و سرای مجموعه چهل اختران تعداد زیادی از علما و صلحا و مؤمنین و مؤمنات مدفون

ص: ۱۱۹

۱- ۱. ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۶۳؛ تربت پاکان، ج ۲.

می باشند که جمع زیادی از مؤمنین در طول هفته به ویژه عصرهای پنج شنبه و شب های جمعه برای زیارت اهل قبور خصوصاً امام زادگان بزرگوار مدفون در این مکان در آن جا جمع می شوند. و برای شادی ارواح طیبه مدفونین در این مکان دعا و قرآن و حمد و سوره اخلاص می خوانند و ثوابش را نثار می کنند.

امام زاده زید (شاه زاده زید)

اشاره

در ضلع غربی صحن بزرگ چهل اختران بقعه شاه زاده زید واقع است.

سلسله نسب

مرحوم عباس فیض سلسله نسب وی را چنین ذکر کرده است:

«امام زاده جلیل القدر سید اجل جناب شاه زاده زید بن علی بن علی الاکبر ابن محمد السلیق ابن عبیدالله بن محمد بن الحسن بن الحسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام»^(۱)

به نظر می رسد امام زاده علی اکبر که در بازار تجریش تهران مورد احترام و زیارت عموم مؤمنین قرار دارد جدّ امام زاده زید باشد.

عباس فیض، سلطان محمود (فرزند محمد بن زید) مدفون در قریه «صرم» قم را از نوادگان وی می شمارد.^(۲)

ص: ۱۲۰

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۲۵. در منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۱ و سراج الانساب، ص ۱۴۴ محمد السلیق فرزند عبدالله ثبت شده ولی در عمده الطالب، ص ۲۷۸ عبیدالله به عنوان پدر معرفی شده است.

۲-۲. همان.

شیخ مفید می گوید: حسین بن علی بن الحسین علیه السلام [جدّ اعلای امام زاده زید] سیدی فاضل و صاحب کمال و ورع بوده و روایات زیادی از پدر بزرگوارش (۱) و از عمّه اش فاطمه بنت الحسین علیه السلام و از برادرش امام محمّد باقر علیه السلام نقل نموده است.

و روی احمد بن عیسی قال: حدّثنا اَبی قال: کُنْتُ اَرى الحُسَيْنَ بنِ عَلی بنِ الحُسَيْنِ عَلیهِ السَّلَامُ یَدْعُو فَکُنْتُ اَقُولُ: لا یَضَعُ یَدَهُ حَیَّتِی یُسْتَجَابُ لَهُ فِی الخَلْقِ جَمِیعاً؛ احمد بن عیسی از پدرش روایت می کند که گفت: حسین بن علی بن الحسین علیهما السلام را می دیدم که دعا می کرد. من (از آن مقام و تقوایی که او داشت) با خود می گفتم: که (این مرد) دست پایین نیاورد تا اینکه دعایش درباره همه مردم به اجابت برسد.

و حرب طحّان از سعید که ملازم حسن بن صالح بود روایت می کند که گفت: ندیدم کسی را از خدا ترسناک تر از حسن بن صالح، تا اینکه به مدینه رفتم و حسین بن علی بن الحسین علیهما السلام را دیدم، و کسی را نسبت به خدا ترسناک تر از او ندیدم. گویا داخل آتش شده بود و بیرون آمده بود به خاطر شدّت ترس و خوفی که داشت. (۲)

مرحوم محدث قمی می نویسد: حسین اصغر که کنیه اش ابو عبدالله بوده است، مردی عقیف و محدث و فاضل بوده است و جماعتی از وی

ص: ۱۲۱

۱-۱. ارشاد شیخ مفید، با ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲-۲. ارشاد شیخ مفید، ترجمه رسولی محلاتی، ص ۱۷۰ و ۱۷۱؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۸-۷۹.

حدیث نقل کرده اند. وی در سال ۱۵۷ ه. ق در سن ۶۴ سالگی وفات کرد و در بقیع به خاک سپرده شد. (۱)

جدّ دیگر امام زاده زید، حسن بن حسین بن علی بن الحسین علیهما السلام است. که محدث قمی وی را مردی محدث معرفی می نماید و در مکه ساکن بود سپس در سرزمین روم وفات نموده است. (۲) و نسل وی از محمّد اکبر و از محمّد پسرش «عبیدالله» [و بنا به نقل بعضی از کتب «عبیدالله»] ادامه یافت.

و از نسل عبیدالله [یا عبدالله] دو پسرش به نام محمّد السلیق و علی المرعشی و از محمّد السلیق علی و از وی نیز علی و از ایشان شاه زاده زید به دنیا آمد. (۳)

گنبد و بارگاه

بقعه امام زاده زید بنایی قدیمی است از خشت و گل و فاقد تزئینات هنری، که ایوان و کفشکن آن بعداً به آن افزوده شده است و گنبد آن نیز جدید می باشد.

بر فراز این بقعه گنبدی شلجمی بنا شده که فاقد کاشی کاری و تزئینات هنری دیگر است در وسط بقعه مرقد امام زاده زید قرار دارد با جدار گچی تعمیری که سطح آن با کاشیکاری خشتی آراسته

ص: ۱۲۲

۱- ۱. منتهی الامال، ج ۲، ص ۷۹.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. همان؛ عمده الطالب، ص ۲۷۸.

شده است و اطراف این مرقد ضریح مشبک از چوب به رنگ سبز قرار دارد.

در جهت شرقی بقعه ایوانی است که مدخل بقعه از اینجا باز شده و آراسته به کتیبه گچ بری زیبایی است. این ایوان به دهانه ۳ و عرض ۲/۱ و ارتفاع ۵/۳ متر که در قسمت پائینش تا دو متری ساده و بالای آن آراسته به گچ بری با رنگ آمیزی آراسته شده است که به خط ثلث برجسته در زمینه منقش به گل و بوته های نمایان متضمن آیه و حدیث و عباراتی حاکی از نام بانی _ خواجه بهاء الدین هبه الله قمی _ است که از وزرای ابوالمعز میرزا یوسف بن شاهرخ شاه بن امیر تیمور بوده است.

و تاریخ بنا به سال ۸۴۷ ه. ق به چشم می خورد. متن کتیبه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم، كل شيء هالك الا وجهه، له الحكم و اليه ترجعون. قال النبي الامي صلى الله عليه و آله من زار احداً من ذريتي كأنما زارني و من زارني فقد زار الله عزوجل، هذا مضع الإمام زيد بن الإمام زين العابدين علي بن الإمام الحسين بن علي عليهم السلام تشرف بهذا البناء الصدر الكبير خواجه بهاء الدين هبه الله القمي في شهر سنه سبع و اربعين و ثمانمائه.

در جانب شمالی بقعه که قبلاً مدخل ورودی بقعه بوده و ایوانی قرار داشته است که امروز به صورت رواق و انبار درآورده اند. این رواق نیز از بناهای ۹۷۹ ه. ق می باشد که در آن علاوه بر طاقچه های قدیمی مقرنس که فقط یکی از آن ها باقی مانده، دو اثر هنری باستانی و یک لوحه سنگ یشم وجود داشته _ که دو تای آن سالم و بقیه در تعمیرات از بین رفته است.

ص: ۱۲۳

۱. مقرنس گچی زیبا در چهار ردیف که بسیار خوش قطار و مثلث الشكل می باشد که جایگاه قرآن و چراغ بوده و مقداری از آن خراب شده است.

۲. لوحی از سنگ یشم که در جبهه درگاه ورودی بقعه به خط ثلث برجسته عبارات ذیل در چهار سطر بر آن حجاری شده است: چون داخل روضه شاه زاده زید بن امام زین العابدین شدی بگوی: بسم الله و بالله و علی مله رسول الله صلی الله علیه و آله [تا آخر اذن دخول]. بانی تعمیرات ایوان استاد علی اکبر. (۱)

امام زاده اسماعیل (سید سربخش)

اشاره

در خیابان آذر (طالقانی) داخل کوچه روبروی چهل اختران در محله ای به نام سید سربخش مرقد مطهر امام زاده اسماعیل معروف به سید سربخش وجود دارد.

بنا به عقیده مرحوم فیض (۲) در شهر قم دو بقعه مشهور به سید سربخش وجود داشته، که بر اثر توسعه خیابان آذر (طالقانی) یکی از آن دو به کلی ویران شده است. با قرائن و شواهدی که ذکر خواهد شد بقعه ای که امروز باقی است مربوط به امام زاده اسماعیل است که در سال ۶۱۷ ه. ق یعنی دو قرن و نیم پس از تألیف «تاریخ قم» به شهادت رسیده است و لذا نام و نسب وی در آن کتاب ذکر نشده است.

ص: ۱۲۴

۱- ۱. ر.ک: انوار پراکنده، ص ۴۴۳ و ۴۴۴.

۲- ۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۳ و ۳۸۴.

بقعه ای که ویران شده مربوط به محمّد عزیزی معروف به سید سربخش می باشد که نام وی در اکثر کتب تاریخ آمده، و گنبد و بارگاه وی در قسمت جنوبی تکیه درخت پیر قرار داشته که بر اثر احداث خیابان آذر (طالقانی) به کلی منهدم گردیده است.

در بعضی کتب انساب سلسله نسب وی را چنین بیان کرده اند: محمد بن عبدالله عزیزی بن حسین بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام صادق علیه السلام. (۱)

وی در نهروان به قتل رسید و در قم به خاک سپرده شد. (۲)

مهم ترین دلیلی که شاهد بر دفن امام زاده اسماعیل در این بقعه موجود می باشد این است که: نام امام زاده اسماعیل روی لوح مزار و کتیبه قدیمی کمربندی بقعه که مربوط به قرن ها پیش می باشد، ثبت گردیده است. ولی چون امام زاده اسماعیل در قرن هفتم می زیسته است و در تاریخ قم از او نامی نیست و امام زاده محمد عزیزی دو قرن و نیم قبل از او می زیسته و نامش در کتب تاریخ قم آمده و هر دو شهید شده اند و هر دو معروف به سید سربخش بوده اند. و هر دو در یک محله نزدیک به هم دفن شده اند جای این خلط و اشتباه بوده است که بعضی این بقعه را متعلق به محمد عزیزی بدانند. (۳)

محدث قمی (ره) می نویسد: از «تاریخ قم» نقل است که محمد

ص: ۱۲۵

۱- ۱. الشجره المبارکه، ص ۱۰۶؛ الفخری، ص ۵۲۷ به نقل از انوار پراکنده، ص ۴۴۸.

۲- ۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷؛ تاریخ قدیم قم، ص ۲۲۳.

۳- ۳. ر.ک: انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۳۴.

عزیزی از قم به بغداد رفت و او را در نهروان کشتند. جنازه اش به قم آوردند و نزدیک مسجد رضائیه او را دفن کردند... ظاهراً همین امام زاده است که به سید سربخش معروف است و سلسله نسب وی چنین می باشد: «محمد عزیزی فرزند عبدالله بن حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر صادق علیه السلام».(۱)

شاید چون محدث قمی نام شخص دیگری در «تاریخ قم» نیافته، احتمال داده این بقعه متعلق به محمد عزیزی باشد. و سلسله نسب وی را نیز با کمی تفاوت ذکر نموده است.

سلسله نسب

در کتب انساب سلسله نسب امام زاده اسماعیل را چنین رقم زده اند:

شاه زاده ابوالمعالی اسماعیل بن عبدالله بن حسین بن محمد بن احمد بن محمد بن عزیزی بن حسین بن محمد اطروش بن علی بن حسین بن علی بن محمد دیاج بن امام صادق علیه السلام.(۲)

آنگونه که از سلسله نسب امام زاده اسماعیل کاملاً مشهود است وی با پنج واسطه از نوادگان محمد عزیزی است (که مرقد وی در وسط خیابان آذر قرار گرفته و منهدم شده است) و بقعه موجود متعلق به امام زاده اسماعیل می باشد. وی پس از کسب علوم و اکتساب معارف اسلامی به نیشابور دارالملک خراسان رفت و به حدی رفعت

ص: ۱۲۶

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲- ۲. الشجره المبارک، ص ۱۰۶ _ ۱۰۵؛ الفخری، ص ۲۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۵.

و منزلت یافت که سلطان محمد خوارزمشاه او را به نقیب النقبائی کشور برگزید.^(۱)

شهادت

ابوالمعالی اسماعیل تا سال ۶۱۷ ه. ق بدون هیچ معارضی در سراسر کشور نقیب النقباء و رئیس بود و در کلیه امور مهم از نظر و فکر وی تبعیت می گردید چنانکه در حمله سپاه مغول هم ارکان دولت با نظر وی از تسلیم نیشابور خودداری به عمل آوردند، سپس ابوالمعالی به قم هجرت کرد و در محله رضاباد (رضائیه، که بیشتر جایگاه سادات رضائیه بود) اقامت گزید.

امیرزاده «جته نویان» پس از قتل مردم ری از راه قم عازم همدان بود. در بین راه چند تن از مخالفین مفسد که در سپاه مغول به نام راهنما راه یافته بودند، قتل مردم قم را به عنوان اینکه اینها رافضی مذهبند واجب دانسته و موجب اجر زیاد قلمداد می کردند و جته نویان را برای قتل مردم قم تحریک نمودند.

مردم قم نیز مقاومت نمودند اما پس از انهدام حصار قم و ورود

ص: ۱۲۷

۱- ۱. مقام نقابت نقباء از عناوین رفیع روحانی و سیاسی بود که از آغاز خلافت عباسیان در بغداد از ناحیه آنان برای ثبت و ضبط انساب سادات عباسی و علوی به افراد برجسته داده می شد. ولی سادات علوی از تبعیت نقبای عباسی خود داری کردند و در نتیجه برای آنان نقیب خاصی انتخاب می گردید که در اکثر ولایات نقیب با شخصیت به عنوان نقیب النقباء انتخاب می شد و در هر حال از وی تبعیت و جانب داری می گردید. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۵.

مغولان به داخل شهر چنان به قتل و غارت دست زدند که تمام شهر به ویرانه ای مبدل گردید. در این کشتار وحشیانه دو تن از نقباء سادات به شهادت رسید. یکی سید جعفر نقیب موسوی است که در نزدیکی امام زاده ابراهیم مدفون و دارای گنبد و بارگاه می باشد.

و دیگری شاه زاده ابوالمعالی اسماعیل معروف به سید سربخش می باشد. چون وی را مسبب عدم تسلیم مردم نیشابور معرّفی کرده بودند سر او را از تن جدا ساخته و نزد امیر زاده بردند. پس از آن که تن وی را در خانه مسکونیش در محله «رضاباد» به خاک سپردند، جته نویان از این منطقه دور شد. سر او را از میان سرهای بریده که روی هم انباشته بودند پیدا کرد و در نزدیک بدنش دفن نمودند.^(۱)

گنبد و بارگاه

بقعه امام زاده اسماعیل، گنجینه آثار هنری ابو شجاع علی بنّاء است و حاکی از بنای آن به سال ۷۷۴ ه. ق و نام بانی آن میر غیاث الدین محمد فرزند علی صفی شهریار عراق است.

درگاه بقعه کوتاه و تنگ و در جبهه آن کتیبه ای است از کاشی خشتی و روی آن به خط نستعلیق سفید چنین نوشته شده است: «شاهزاده اسماعیل بن محمّد بن جعفر الصادق علیه السلام» که سلسله اجداد امام زاده اسقاط گردیده است.

بر فراز این بقعه گنبدی هرمی شکل است و هشت تَرکی به ارتفاع

ص: ۱۲۸

۱- ۱. ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۴، ۳۸۹.

تقریبی ۴ متر آراسته به کاشی های دوالی فیروزه فام، تعمیری با نقوشی از کاشی های الوان که زیباتر از گنبد های هرمی سایر مشاهد متبرکه است.

در بالای محراب کتیبه ای است کمربندی به خط ثلث ممتاز و درشت که بغله ها و اسپر شاه نشین ها را هم زینت بخشیده و روی آن سوره مبارکه فتح و یازده آیه از اول سوره دهر خوانده می شود. بر فراز همین کتیبه، کتیبه دیگری به عرض ۵۰ سانتیمتر با دو حاشیه کنده کاری که در زمینه مزین به گل و بوته های برجسته عبارات ذیل گچ بری شده است: «امر ببناء هذه العمارة الرفیعة المنیعة مرقد الامام المعصوم المظلوم اسماعیل بن محمّد بن الامام جعفر الصادق علیه السلام الصاحب الاعظم الاعدل الاعلم والی اقالیم الفضل و الکرّم مستخدم (مستند) ارباب السیف و اصحاب القلم المنصور بنصره خیر الناصرین غیاث الحقّ والدّینا والدّین امیر محمّد بن المولی المخدم الاعظم الاعدل الاعلم جمال الحق والدّینا والدّین علی [بن] الصّافی اعلى الله شأنهما ورفع فوق الفرقدين مکانهما فی محرم الحرام سنه ۷۷۴ هـ. ق) یا (۷۷۶ هـ. ق). (۱)

وسط بقعه مرقدی است که در سال ۱۳۷۰ هـ. ش از طرف اداره اوقاف و امور خیریه، ضریحی از آلومینیوم بر آن نصب شده و کف روضه مطهر و جدار آن به ارتفاع یک متر و نیم از سنگ های مرمر آراسته و در جهت شرقی بقعه، مسجدی بنا گردیده که به داخل بقعه نیز راه دارد. و از آن برای مراسم های مذهبی استفاده می شود.

ص: ۱۲۹

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۹؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۰ - ۱۲۱؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۶۳.

اشاره

مقابل بیمارستان نکوئی داخل کوچه بقعه امام زاده علی موسی الرضا واقع شده است.

سلسله نسب

سلسله نسب این امام زاده بزرگوار به طور دقیق معلوم نیست.

مرحوم ناصر الشریعه می نویسد: «شهر به قدر یک میدان از دروازه ری از سمت کوره پزخانه ها که دور می شود بقعه مختصر محقر و مخروبه ای است که محاذی آن حوض مسقفی است، گویند امام زاده علی موسی الرضا است و از قراری که در لوح آن نوشته شده: امام زاده علی از اولاد امام موسی بن جعفر علیهما السلام است.^(۱)»

گنبد و بارگاه

بقعه کوچک وی داخل کوچه مقابل بیمارستان نکوئی، اخیراً تعمیر شده است. و قبر مطهر سید معصوم (امام زاده علی موسی الرضا) با سنگ مرمر به ارتفاع حدود ۵/۱ متر برجسته است، و داخل بقعه سفیدکاری شده است بدون هیچ تزئین دیگری.

امام زاده احمد بن قاسم

اشاره

در پایان خیابان معلم قم که از سوی بیت امام خمینی (قدس سره) به موازات خیابان چهارمردان ادامه دارد گنبد و بارگاه امام زاده بزرگوار

ص: ۱۳۰

۱-۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۳.

به چشم می خورد که در اینجا با زندگی وی آشنا می شویم:

نسب او [ابوالحسین احمد بن قاسم] با سه واسطه به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می رسد. پدر بزرگوارش قاسم بن احمد شعرانی، فرزند علی بن جعفر عریضی است که از روایان مورد اطمینان می باشد. (۱) و مادرش ام کلثوم، دختر عبدالله بن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن محمد بن علی زینبی است. (۲)

خاندان

قاسم بن احمد، پدر ارجمند امام زاده احمد بن قاسم، دارای دو فرزند دیگر به نام های علی و فاطمه نیز بوده است.

علی بن قاسم نیز مانند پدر از روایان مورد اطمینان بوده (۳)، اما از احمد بن قاسم به عنوان راوی ذکری به میان نیامده است.

فاطمه، خواهر امام زاده احمد بن قاسم، مادر یکی از امام زادگان بزرگوار مدفون در قم به نام محمد عزیزی است.

سید محمد عزیزی فرزند عبدالله بن حسین بن علی بن محمد بن

ص: ۱۳۱

۱- ۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، تحقیق مؤسسه آل البیت، ج ۱، ص ۳۸؛ انجم فروزان، تاریخ قم، عباس فیض، ص ۱۹۱.

۲- ۲. مهاجران آل ابوطالب، ابو اسماعیل، ابراهیم بن ناصر بن طباطبا، ترجمه محمدرضا عطایی، ص ۳۳۷.

۳- ۳. انجم فروزان، عباس فیض، ص ۱۹۱. در «عیون اخبار الرضا علیه السلام ابو جعفر الصدوق به تصحیح حسین اعلمی»، ج ۱، ص ۳۷ - ۳۶، ح ۱۵، و ص ۳۸، ح ۲۱، دو حدیث آمده که نام علی بن قاسم و پدر بزرگوارش در سلسله سند آنها می باشد.

الامام جعفر صادق علیه السلام است که به سید سربخش معروف می باشد. وی سیدی دلاور، تنومند و قوی بود، که در اواخر قرن سوم برای زیارت عتبات مقدس با کاروانی عازم بغداد شد. در نزدیکی نهروان با گروهی از راهزنان روبرو گردید و همراهانش از وی خواستند تا شر آنها را دفع نماید. سید با لباس فاخری که بر تن داشت شمشیر حمایل نموده، عمامه سبزی بر سر نهاد و نزدیک آنها رفت. ابتدا کوشید تا با نصیحت آنها را از این کار خلاف باز دارد اما نتوانست. کار به مشاجره کشید و سید محمد به قتل رسید. راهزنان سرش را از بدن جدا کردند و به پیش امیرشان فرستادند و تمام اموال کاروان را غارت نموده با خود بردند.

کاروانیان برهنه و گرسنه، بدون زاد و توشه از رفتن به عراق منصرف شده، به قم بازگشتند. غلامان سید، تن بی سر مولای خود را به کمک دیگران به قم آوردند و در خانه اش (نزدیک مسجد رضائیه، در خیابان آذر (طالقانی)، حوالی چهل اختران) به خاک سپردند. از آن سو یکی از نزدیکان وی به دنبال راهزنان به راه افتاد و نزد بزرگشان رفته، به هر کیفیت سر بریده سید محمد را از آنها گرفت، و چند روز دیرتر از کاروان به قم آمد و سر او را در گوشه بقعه، جدا از تن دفن کردند.^(۱)

ص: ۱۳۲

۱- ۱. گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲، ص ۳۸۹. در ص ۳۹۱ آمده است که بقعه وی کاملاً وسط خیابان افتاده است. وی معتقد است که در داخل شهر قم دو بقعه مشهور به سید سربخش وجود داشته که یکی از آنها به نام اسماعیل و مربوط به قرن هفتم است.

یکی از دلایل مهم مهاجرت سادات علوی از مدینه به ایران در اوایل قرن سوم، ورود حضرت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ ه. ق به ایران است.

احمد بن قاسم نیز در حدود همین سالها به همراه خواهرش فاطمه از مدینه به قم آمد و تا آخر عمر در این شهر ماند. (۱)

او سیدی فاضل و پرهیزکار بود. در اواخر عمر بر اثر بیماری آبله که در چشمش پیدا شد، نابینا گردید و بقیه عمر را در گوشه ای به تهجد و عبادت سپری نمود. (۲)

مزار احمد بن قاسم

اشاره

ابوالحسین احمد بن قاسم بن احمد شعرانی، فرزند علی بن جعفر عریضی از امامزادگان مشهور قم می باشد.

احمد بن قاسم، سیدی پرهیزگار و عابد بود که همراه خواهرش فاطمه، از مدینه به قم هجرت نمود و در این شهر به عبادت و ریاضت گذراند تا اینکه وفات نمود. جسد مطهر وی را در مقبره «مالون» در جنوب قم در محل دروازه قلعه به خاک سپردند. (۳)

ص: ۱۳۳

۱-۱. کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی، ترجمه حسن بن علی، ص ۲۲۵.

۲-۲. همان؛ گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲، ص ۳۷۵ - ۳۷۴.

۳-۳. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۳۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷؛ زندگی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم، مهدی صفی، صص ۶۷ - ۶۸؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، صص ۳۷۴ - ۳۷۵.

بعضی چنین نگاشته اند: احمد بن قاسم در اواخر عمر مریض و بر اثر آبله ای که در چشمانش پیدا شد، نابینا گشت.

بر طبق معمول آن روز، بر سر تربت پاکش سایبانی از بوریا ساختند. چون اصحاب خاقان مفلحی در سال ۲۹۵ ه. ق وارد قم شدند، آن سایبان را خراب کردند و مدتی کسی او را زیارت نمی کرد. تا اینکه در سال ۳۷۱ ه. ق یکی از صالحان قم، خواب دیده در اینجا مردی فاضل مدفون می باشد و زیارت کردن او دارای اجر و ثواب بسیار است. از آن پس دوباره بر آن قبر سایبانی ساختند و مردم برای زیارت و طلب شفا به آنجا رو آوردند.

در این مقبره خواهر احمد بن قاسم به نام فاطمه که همسر عبدالله بن حسین بن علی بن محمد دیباج فرزند امام جعفر صادق علیه السلام می باشد نیز مدفون است. (۱)

تاریخ بنای بقعه و بارگاهش را سال ۷۸۰ ه. ق نوشته اند. (۲)

در این اواخر از طرف اداره اوقاف و امور خیریه قم، تعمیر اساسی گردیده است و ضریح نقره ای و زرنگار مجللی روی قبر نصب نموده اند.

بعضی دیگر از فرزندان علی بن جعفر علیه السلام که وارد قم شدند، بدین شرح است:

۱. علی بن علی بن حسن بن علی بن عیسی نقیب، پسر محمد اکبر فرزند علی بن جعفر علیه السلام.

ص: ۱۳۴

۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۴ و ۳۷۵؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۸۷ به نقل از تاریخ قم.

۲- ۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، صص ۳۷۵ - ۳۷۶.

۲. ابو عبدالله حسین بن احمد بن حسین بن احمد شعرانی، فرزند علی عریضی.

۳. احمد بن حمزه بن محمد بن احمد بن حسین بن احمد شعرانی پسر علی عریضی. (۱)

وی پس از عمری تلاش و مجاهده در راه تهذیب نفس، بدون فرزند (۲) به دیدار معبود شتافت و دار فانی را وداع گفت، بدن مطهرش را در مقبره مالون (۳) (نزدیک دروازه قلعه) به خاک سپردند (۴) و بر فراز تربتش بر طبق معمول آن روز سایبانی از بوریا (۵) ساختند. (۶)

در سال ۲۵۸ ه. ق. (۷) معتمد عباسی برای اشغال شهرهای زنجان، ابهر، سلطانیه و قزوین، که در تحت تصرف یکی از سادات علوی به نام

ص: ۱۳۵

۱- ۱. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۳۷.

۲- ۲. مهاجران آل ابوطالب، ص ۳۳۷.

۳- ۳. مالون نام یکی از هفت قلعه قم بوده است. تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ص ۱۸۷.

۴- ۴. کتاب تاریخ قم، ص ۲۲۵.

۵- ۵. از دیرباز به حکم پاره ای از اخبار ظاهراً نخستین بنا بر روی مراقب امام زادگان در زمان دفنشان به صورت سایبانی ساده به وسیله علاقمندان به خاندان نبوت و ارادتمندان اهل بیت (علیهم السلام) به وجود می آمد و به مرور زمان نیکوکاران چیزی بر آن می افزودند تا اینکه زمان چندانی نمی گذشت که به صورت زیارتگاهی مجلل آشکار می گردید. دائره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۹۴.

۶- ۶. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۴؛ انجم فروزان، ص ۱۹۱؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷.

۷- ۷. در کتاب تاریخ قم، ص ۲۳۵ تاریخ آن را ۲۹۵ ذکر کرده که ظاهراً صحیح نیست چون که معتمد عباسی از ۲۶۵ تا ۲۷۹ بیشتر خلیفه نبود و در سال ۲۷۹ از دنیا رفت... تتمه المنتهی، محدث قمی، ص ۳۴۹.

حسین کوکبی بود و در آن منطقه حکومت مستقلی تشکیل داده بود، لشکری مجهز، به فرماندهی موسی بن بوغا (بُغا) به آن سو گسیل داشت. و به عبدالله بن طاهر (حاکم خراسان) نامه ای نوشت که او را کمک نماید. موسی بن بوغا، خاقان بن مفلح ترک را سردار لشکر خویش گردانید و به او مأموریت داد که در سر راه خود، شورش مردم قم را فرو نشانند و مالیات عقب مانده قم را وصول نماید و کسانی را که از دستوره‌های وی سرپیچی کنند، سرکوب کند و در ری به اردوی بغداد ملحق گردد.

ابن مفلح پس از چند روز تلاش، از حصار قم گذشت و وارد شهر گردید و تنی چند از سران را به قتل رسانید و مالیات چند ساله قم را وصول نمود. یکی از اعمال ناشایستی که انجام داد این بود که دستور داد سایبانی که روی مزار احمد بن قاسم ساخته بودند خراب کنند! سپس به جانب ری حرکت کرد.^(۱)

مدتی پس از خراب شدن سایبان کسی او را زیارت نمی کرد، تا اینکه در سال ۳۷۱ هـ. ق یکی از مردان صالح قم خواب دید در اینجا مردی فاضل مدفون می باشد و زیارت کردن او دارای اجر و ثواب بسیار است. از آن پس دوباره بر آن قبر سایبانی ساختند و مردم برای زیارت و طلب شفا به آنجا روی آوردند. پس از گذشت زمانی، مردم قم بر فراز تربت وی قبه ای بنا نهادند.^(۲)

ص: ۱۳۶

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲-۲. منتهی الآمال، محدث قمی، ج ۲، ص ۱۸۷.

این مقبره به مرور ایام رو به خرابی نهاد و بارها تعمیر و بازسازی شد تا اینکه در سال ۵۷۸۰ ه. ق از ناحیه علی بن عزالدین اسحاق (فرزند علی بن صفی الدین) حاکم عراق تجدید بنا شد و گنبد کنونی بر فراز مرقد شریف او بنا نهاده شد. (۱)

مؤلف «تاریخ قم» می نویسد:

بعضی از افراد مورد اعتماد چنین نقل کردند که عده ای از کسانی که دارای امراض صعب العلاج بودند و پزشکان از معالجه آنها ناامید گشتند به این بارگاه پناه آوردند و از این بزرگوار شفا گرفتند. (۲)

گنبد و بارگاه

در این بارگاه علاوه بر احمد بن قاسم، خواهرش فاطمه، مادر سید محمد عزیزی نیز مدفون است. (۳) گنبد آن، گنجینه آثار هنری و از بناهای اصیل باستانی است که تزئینات گچ بری آن تا به حال حفظ شده است و تاریخ بنای آن سال ۵۷۸۰ ه. ق می باشد. (۴)

ص: ۱۳۷

۱- ۱. قم نامه، مجموعه مقالات و متون درباره قم، سید حسین مدرسی طباطبایی، ص ۱۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- ۲. تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۲۵؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳- ۳. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، ج ۵، ص ۳۰.

۴- ۴. در گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۵ آمده است: این همان تاریخی است که مورد بحث و بررسی نویسندگان واقع شده و تنی چند از آنها به اشتباه افتاده اند و جمله «ثمانین و سبعمأه» را که بر اثر تراشیده شدن «عین»، «سبعمأه» را «ستمأه» خوانده اند، این گنبد را از آثار قرن هفتم دانسته اند. لکن با توجه به نام استاد هنرمندی که گچ بری این گنبد و چند گنبد دیگر در قم و حومه را انجام داده، صحت تاریخ فوق (۵۷۸۰ ه. ق) به خوبی روشن خواهد شد.

کتیبه ای که به طور سینه بندی و به خط ثلث برجسته در داخل گنبد وجود دارد و از جنبه تاریخی حائز اهمیت است و روی آن این عبارات گچ بری شده، نظر هر بیننده را به خود جلب می نماید:

«لله الاعانه والاغائه، امر ببناء هذه العماره الرفيعه والروضه المنيعه مرقد المعصوم المظلوم احمد بن قاسم بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابيطالب عليهم السلام صاحب الاعظم الاعدل الاعلم ملاذ طوايف الامم مستعبد ارباب السيف واصحاب القلم صاحب ديوان الممالك والامم ملجأ عظماء العالم موئل صناديد بني آدم، عميم المواهب والنعم عضد الخواقين المنصور بنصره خير الناصرين قوام الحق والدنيا والدين مغيث الخلايق اجمعين علي بن صاحب الاعظم السعيد عز الحق و الدنيا والدين اسحق بن علي الصفي الماضي عظم الله تعالى قدره بعمل ابن محمد علي ابو شجاع البّناء»^(۱)

در اینجا تذکر چند نکته ضروری است:

۱. در نسب نامه امام زاده اشتباهی در کتیبه مزبور راه یافته و نام موسی در سلسله انساب افزوده شده است.

۲. این کتیبه در بعضی نشریات با چند اشتباه نقل شده است.

۳. بانی این بنای تاریخی علی بن عزّ الدّین وزیر دولت شیخ ابواسحاق آل مظفر بوده است.^(۲)

ص: ۱۳۸

۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

۲- ۲. همان.

در این اواخر از طرف سازمان اوقاف و امور خیریه قم، این گنبد و بارگاه تعمیر اساسی گردید. ضریح نقره ای و زرنگار مجللی روی قبر نصب نموده اند که رویش این عبارات منقوش است:

«سازنده ضریح مطهر، احمد و عباس پرورش، قلمزنی علیرضا و حسن اسدی، نجاری حاج نعمت الله حیدرزاده، اصفهان ۱۳۶۹ شمسی»

روی قبر سنگ مرمر زیبایی قرار داده شده که این عبارات بر آن کنده شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم مرقد مطهر حضرت ابوالحسین احمد بن قاسم بن علی بن جعفر العریضی علیهم صلوات الله، از فرزندان امام صادق علیه السلام.»

مدفن مقدس حضرت فاطمه خاتون زوجه عبدالله بن عزیز بن حسین بن علی بن محمد دیباج، مادر بزرگوار سید سربخش که در قم مدفون است. (۱) بازسازی ۱۴۱۱ ه. ق / اوقاف قم.

سلطان محمد شریف

اشاره

یکی از امام زادگان بزرگواری که بسیار مورد تکریم و تعظیم اهالی قم و دوستداران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد، امام زاده سلطان محمد شریف است مرقد مطهر وی در خیابان چهار مردان (انقلاب) در محله ای به نام سلطان محمد شریف قرار دارد.

ص: ۱۳۹

تولد

وی در خانواده ای دینی و از پدری برگزیده و نقیب به نام علی بن حمزه در سال ۳۴۳ ه. ق از جاریه ترکیه متولد شد (۱). نامش را محمد و کنیه اش را ابوالفضل نهادند.

او چهار ساله بود که پدرش رحلت کرد و تحت تکفل عموی خود، ابو محمد حسن به کسب علم و معرفت پرداخت تا به سن رشد و کمال و بالندگی رسید پس ماترک پدرش را از سرپرست و عموی خود تحویل گرفت و خود در فضل و کیاست و ثروت و سخاوت و علو همت سرآمد زمان خود گردید و سمت نقابت سادات علویه قم و آوه به وی واگذار گردید. (۲)

سلسله نسب

در تابلویی که بر دیوار امام زاده سلطان محمد شریف نصب گردیده چنین آمده است:

شجره نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

«امام زاده جلیل القدر از جمله احفاد حضرت امام زین العابدین علیه السلام حضرت سلطان محمد شریف که ملقب به نقیب و مکئی به ابوالفضل است، مزار و آرامگاه مجلل آن بزرگوار در قم در

ص: ۱۴۰

-
- ۱- ۱. منتهی الآمال، محدث قمی، ج ۲، ص ۵۱.
 - ۲- ۲. انجم فروزان، ص ۱۴۹؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۳۷.

محلّه ای که منسوب به آن جناب است واقع می باشد و شجره نامه ایشان همانند ودایع اهل بیت علیهم السلام در کتب انساب رجال پوشیده بود، تا در تاریخ ۱۳۸۹ هجری نسابه عالیقدر و مرجع عظیم الشأن شهاب الدین حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، نسب نامه آن جناب را به این صورت مکشوف و مرقوم فرموده اند: این مرقم و آرامگاه حضرت سلطان العتره الطاهره ابوالفضل محمد شریف نقیب فرزند علی مکنّی به ابوالقاسم نقیب قم، و او پسر محمد و او پسر حمزه و او پسر احمد و او پسر اسماعیل و او پسر محمد و او پسر عبدالله باهر فرزند امام همام حضرت زین العابدین علیه السلام است و آن بزرگوار در سال «۳۴۳» متولد شد و در سال «۳۹۸» یعنی در ۵۵ سالگی در شهری به نام «ری» درگذشت و جنازه محترمش را نقل دادند به قم و در محلّه ای که اکنون به نام آن بزرگوار است به خاک آرمیده شد و آن جناب را اعقاب و احفاد فراوان است مطابق صورت فوق نسب والای این امام زاده عالیقدر با هفت واسطه به حضرت امام زین العابدین علیه السلام متصل است.»^(۱)

تباری پاک

ابوالقاسم علی بن محمد، پدر بزرگوار سلطان محمد شریف مردی هوشمند، فاضل، کامل، شجاع و با سخاوت بود. پس از عموی خود علی

ص: ۱۴۱

۱- ۱. در منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۱، و دیگر کتب انساب سلسله نسب وی بدین صورت آمده است.

بن حمزه، نقابت سادات علوی به او واگذار شد. در شوال سال ۳۴۵ به حج رفت، معزالدوله و سادات عراق و حجاز او را گرمی داشتند و در سال ۳۴۶ به قم بازگشت و همیشه پیشوای مؤمنین بود تا اینکه در سال ۳۴۷ ه. ق وفات کرد و در قبه متصل به مشهد پدرش در مقبره بابلان در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها دفن گردید.

ابو جعفر محمد بن حمزه قمی جد سلطان محمد شریف و حمزه بن احمد جد دیگرش از نقباء برگزیده زمان خود بودند. حمزه را بدان سبب قمی می گفتند که از ناحیه طبرستان به قم آمد، وی پس از وفات پدرش رئیس و پیشوای مردم قم گردید و کارهای مهمی برای آبادانی این شهر انجام داد. وی تا آخر عمر در قم ساکن گردید و به تحصیل معاش پرداخت تا اینکه دار فانی را وداع گفت و در مقبره بابلان در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن گردید. پدرش احمد بن محمد نیز در مزار بابلان مدفون می باشد. مرقد این سه بزرگوار دارای قبه و بارگاه (۱) بود که در توسعه های حرم مطهر از بین رفته است.

احمد بن محمد دارای پنج پسر (۲) به اسامی زیر بود.

۱. ابوالقاسم حمزه.

۲. ابوجعفر محمد الفقیه که به «قیرط» ملقب بود.

ص: ۱۴۲

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۱؛ انجم فروزان، ص ۶۸ و ۱۴۹؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲- ۲. سراج الانساب، ص ۹۵؛ الشجره المبارک، ص ۱۱۶.

۳. عبدالله مصری که در ایام مستعین بالله دوازدهمین خلیفه عباسی در سال ۲۵۲ هـ. ق در مصر خروج کرد و شکست خورد در حالی که ترس از سربازان و عمال خلیفه داشت. در سن ۵۵ سالگی مخفیانه از دنیا رفت و محل قبر وی معلوم نیست. (۱)

۴. حسین کوبی که با حمزه از یک مادر به نام رقیه دختر جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام، متولد گردید در زمان مستعین در قزوین خروج کرد و بعد از غلبه بر قزوین و ابهر و زنجان در سال ۲۵۵ هـ. ق به طبرستان رفت و مورد خشم داعی کبیر پادشاه آنجا قرار گرفت بدین جهت او را در برکه آب غرق نمود و به شهادت رساند برادرش حمزه در طبرستان با او بود، پس از شهادت وی به قم هجرت نمود. (۲)

۵. ابو عبدالله جعفر خداع

محمد بن اسماعیل بن محمد ارقط، جد دیگر سلطان محمد شریف است که رجاء بن ابی ضحاک او را با حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هـ. ق از مدینه به مرو، نزد مأمون برد. (۳)

ابو عبدالله محمد ارقط فرزند عبدالله باهر از محدثین مدینه بود که در سن ۵۸ سالگی از دنیا رفت.

عبدالله باهر فرزند امام سجاد علیه السلام، متولی صدقات حضرت

ص: ۱۴۳

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۱؛ الشجره المبارکه، ص ۱۱۶.

۲- ۲. تاریخ قم، ص ۱۴۵؛ انجم فروزان، ص ۶۸؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۱.

۳- ۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۵۱؛ تاریخ قدیم قم، ص ۲۲۸.

رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بود. او مردی فاضل و فقیه و مورد وثوق تمام علمای رجال می باشد و اخبار زیادی از وی روایت شده است.

عبدالله را به خاطر حسن جمال و درخشندگی صورت با لقب «باهر: درخشنده» می شناختند.^(۱)

کسب لقب «سلطان»

وی [محمد بن علی] به جهت خدمتی که به مجد الدوله نمود به عنوان نقیب النقبای عراق منصوب گردید. و لقب «سلطان» محمد شریف به خود گرفت.

چون فخر الدوله در سال ۳۸۷ ه. ق وفات نمود. فرزندش مجد الدوله صغیر بود و لذا مادرش به نیابت فرزند، با کمال اقتدار عهده دار مقام سلطنت گردید. وقتی مجد الدوله به سن رشد رسید، با مادر خود در امر سلطنت به منازعت برخاست، و عاقبت مادر بر فرزندش غلبه کرد، و او را به زندان انداخت.

در سال ۴۰۰ ه. ق شاه زاده محمد شریف که رئیس و نقیب النقبای قم و آوه بود به خواسته طرفداران مجد الدوله به شهر ری سفر کرد و روز عاشورا با لباس و عمامه سبز مجللی نزد ملکه بار یافت و زبان به شفاعت فرزند وی مجد الدوله باز نمود و چندان پند و نصیحت کرد تا ملکه را بر سر مهر آورد و مجد الدوله را آزاد

ص: ۱۴۴

گردانید و در ماه صفر او را بر سر تخت نشانید و سلطنت را از مادر به وی منتقل نمود.

از این وقت پادشاه مجد الدوله، شاه زاده محمد شریف را نقیب النقبای عراق ساخت و به عنوان «سلطان» محمد شریف خوانده شد و در سال ۴۲۹ ه. ق در حکومت علاء الدوله کاکویه در ری رحلت نمود و جسد مطهرش را با کمال تجلیل و احترام به قم نقل داده در کاخ و باغ تفریحگاه وی در شمال رودخانه به خاک سپرده شد که الآن این محل به کوی سلطان محمد شریف خوانده می شود. (۱)

فضیلت و شرافت

سلطان محمد شریف مردی متدین با فضل و کرامت و دارای نقابت سادات علویه و سعه صدر بود.

در «انوار المشعشعین» آمده است: «وَكَانَ دَيْنًا فَاضِلًا كَرِيمًا وَاسِعَ النَّفْسِ شَرِيفَ الْأَيْمَةِ وَلِيَّ النَّقْبَاءِ بِالرِّيِّ» (۲)؛

وی نقل می کند که جناب عمده العلماء آقای آشیخ محمدحسن قمی که در محله چهارمردان قم سکنی داشت خوابی دید و آن خواب چنین است: «در عالم رؤیا دیدم که مشرف شده ام به بقعه آن امام زاده واجب التعظیم والتکریم سلطان محمد شریف و شخصی به درب آن بقعه مبارکه ایستاده بود و در میان بقعه شخص جلیل القدری نشسته

ص: ۱۴۵

۱-۱. انجم فروزان، ص ۱۴۹؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲-۲. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۱۴۸.

و جنازه ای در نزد او می باشد و پارچه ای روی او کشیده شده، از بقعه بیرون آمدم، از آن شخص سؤال نمودم که این شخص کیست؟ و این جنازه چیست؟ جواب گفت: که این جنازه سلطان محمد شریف می باشد و این شخص جناب سید سجاد امام زین العابدین علیه السلام است که به دیدن فرزند خود آمده است»^(۱).

سزاوار است که مردم به زیارت این بزرگوار همت گمارند و از برکات وی بهره مند گردند.

وفات یا شهادت

صاحب کتاب «تربت پاکان» بر اساس نوشتاری که بر کاشی های لوح مزار سلطان محمد شریف نقش بسته و در آن نوشته: «هذا المضعج المبارك للسيد المظلوم المعصوم الشهيد شريف بن شريف من اولاد الامام المعصوم زين العابدين بن الامام الشهيد المعصوم ابو عبدالله الحسين بن الامام الهمام مولى جميع الأنام على بن ابى طالب عليه السلام». احتمال داده است که وی به شهادت رسیده است.^(۲)

ولی مدرک دیگری غیر از همین نوشته بر لوح مزار برای تأیید این احتمال یافت نشد. و در دیگر کتب انساب و تاریخ، وی را به عنوان شهید معرفی نکرده اند. و لذا درباره کیفیت وفات این امام زاده بزرگوار نمی توان به طور قطع اظهار نظر نمود.

ص: ۱۴۶

۱- همان، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲- ۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۰۱.

ابوالفضل سلطان محمد شریف که جوانی عاقل و بسیار باحیا و نیک خواه و شریف بود از دختر ابوالحسن علی بن احمد موسوی رازی که سیدی جلیل القدر و بزرگوار بود خواستگاری نمود و آن دوشیزه مجلّه را به همسری برگزید، و از او دارای دو فرزند شد.

در کتب انساب نام یکی از فرزندان وی را ذکر کرده اند، در کتاب «عمده الطالب»^(۱) آمده: از دختر ابوالحسن علی بن احمد پسری به نام ابوالحسن علی که بعد او را علی الزّکی خواندند به وجود آمد او نیز مثل اجدادش نقیب شهر ری بود.

شیخ منتجب الدین قمی در وصف او نوشته است: «السید الاجل الزّکی ذی الحسین ابی القاسم علی بن ابی الفضل محمد شریف...»^(۲)

مراد از «ذو الحسین» آن است که علی زکی، هم از طرف پدر و هم از طرف مادر دارای شرافت عظیمی بود؛ زیرا سلسله نسب وی از طرف مادر نیز به امام معصوم علیه السلام منتهی می شود.

علی الزّکی دارای دو پسر به نام های سید مطهر و حسین بود. شیخ منتجب الدین قمی درباره سید مطهر چنین می نویسد: «السعيد شرف الدولة والدين عز الاسلام والمسلمين السيد الاجل الامام المرتضى الكبير الاعلم الأزهد ذو الفخرين نقیب النقباء سید السادات مطهر بن السید الاجل الزّکی ذی الحسین ابی القاسم علی...»^(۳)

ص: ۱۴۷

۱- ۱. عمده الطالب، ص ۲۲۷.

۲- ۲. فهرست منتجب الدین ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۰۲.

۳- ۳. همان.

در بعضی از کتب انساب آمده: این سید جلیل القدر در فضل و کرامت نفس یگانه عصر خویش بود و تمام محاسن و خوبی ها در او جمع گردیده بود. وی عهده دار نقابت علما و متکلمین و نویسندگان و شعرای ری بود.

مادر سید مطهر سکینه دختر حسین بن محمد بن علی بن قاسم بن عبدالله بن امام موسی کاظم علیه السلام است.

سید مطهر در تمام علوم و فنون متبحر و دارای رسائلی لطیف بود. او در سفر حج از محضر مرحوم شیخ ابوجعفر طوسی بهره های وافری برد و جمعی از محدثین نیز از وی احادیثی نقل نموده اند.

سید مطهر دو پسر به نام محمد و علی داشت. محمد بن مطهر نیز پسری به نام علی داشت که ملقب به فخر الدین و در قم نقابت سادات را عهده دار بود. نوه و نتیجه های این سید بزرگوار در اطراف قم و تهران دارای مرقد بوده و قبور مطهر ایشان زیارتگاه عاشقان می باشد از آن جمله. ابوالقاسم عز الدین یحیی فرزند محمد بن علی بن مطهر بن علی الزکوی بن سلطان محمد شریف است که خوارزمشاه او را به شهادت رساند و در تهران مدفون می باشد. وی در قم نقیب النقباء طالبین قم و ری و آمل بود. امروز مرقد وی در تهران زیارتگاه مردم می باشد.

گنبد و بارگاه

اکنون بر فراز پوشش عرقچینی و گنبد هلالی شکل آن قبه ای از آجر شلجمی ساخته شده که طول ارتفاع گنبد از سطح بام حدود ۷ متر است

ص: ۱۴۸

که با کاشی های گره ای ملون ساخته و آراسته شده است. (۱) در مدخل بقعه ایوانچه ای است که الآن به عنوان حسینیّه در مراسم عزاداری استفاده می شود. در دو طرف این مدخل دو گلدسته بسیار زیبا و بلند به ارتفاع ۸ متر که بنا شده است که بر شکوه و عظمت بقعه افزوده است.

در زیر گنبد روضه مطهر امام زاده سلطان محمد شریف واقع شده که جدار آن گچی و زاویه های آن مقرنس بدون کاشی است در وسط این روضه هم ضریح نو بنیان وجود دارد که بر در ورودی آن بعد از بسم الله آیه شریفه «أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (۲) قلمزنی شده و در تحت همین آیه نوشته شده: «این ضریح مطهر همزمان با چهارمین سالگرد جمهوری اسلامی ایران به رهبری زعیم عالیقدر نائب الامام امام خمینی (قدّس سرّه) و به دستور آیت الله العظمی آقای مرعشی نجفی (قدّس سرّه) و به کمک مؤمنین ساخته و تقدیم گردید ۱۴۰۳ ه. ق.» که مطابق ۱۳۶۱ ه. ش می باشد سازنده آن آقای حسن پرورش می باشد و قلمزنی آن توسط آقای حسین اسکندری و نجاری آن توسط حاج اسدالله رهنما انجام شده است.

امام زاده ابراهیم موسوی

اشاره

بقعه ای در جهت شرق قم اواخر خیابان چهارمردان روبه روی گلزار شهدا، نزدیک بارگاه منسوب به علی بن جعفر، وجود دارد که به

ص: ۱۴۹

۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۳۸، ۴۳۹.

۲- ۲. سوره حجر ۱۵: آیه ۴۶.

عنوان امام زاده ابراهیم مورد توجه و زیارت اهالی قم و دوستداران اهل بیت علیهم السلام می باشد. نسب شناسان وی را با کنیه ابوالقاسم و لقب موسوی می شناسند.

سلسله نسب

بنابر تصریح اکثر علمای نسب شناس و به استناد کتیبه گچ بری شده داخل گنبد، وی فرزند احمد بن موسی (شاه چراغ) می باشد.

در کتیبه گچ بری شده با خط ثلث چنین نوشته شده:

«قد امرت بعماره هذه الروضة الرفيعة والمرقد المنيعه المشهد المنور المقدس المعطر للامام المعصوم الطاهر، ابي القاسم ابراهيم بن احمد بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن الامام المفترض الطاعه اسد الله الغالب ابي الحسن امير المؤمنين صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين. بمنه الخاتون العظمى البانوى (۱) الكبرى بلقيس العهد و الاوان خديجه العصر رابعه الدهر عصمه الدنيا و الدين صفوه الاسلام و المسلمین زیدت عصمتها و خلّدت عظمتها فی شهر شوال سنه خمس و ثمانمأه بمشقه العبد علی بن حسن الطوسی» (۲)

در تاریخ مذهبی قم آمده: در نزدیکی بقعه علی بن جعفر علیه السلام در وسط یک باغ. سه بقعه و در روبه روی آن یک بقعه دیگر به نام شاه زاده ابراهیم وجود دارد که از نظر بنا و کتیبه و گچ بری جزو بناهای نفیس و تاریخی است چون تا چند قرن قبل راه قم به

ص: ۱۵۰

۱-۱. البانوی، به طور تقریبی نوشته شد. چون که عبارت گچ بری خوانا نمی باشد.

۲-۲. تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشریعه، ص ۱۱۹؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۶۸.

کاشان از این باغ و بقعه ها می گذشته است طبعاً مسافران و جهان گردانی که از قم به کاشان می رفتند باغ مذکور و گنبدهای اطراف آن را می دیدند. از این جهت وصف باغ گنبد سبز و دو گنبد اطراف آن را _ که بعضی از جهان گردان آنها را با عنوان مقبره شیوخ و علی بن جعفر علیه السلام و شاه زاده ابراهیم نامیده اند _ می توان در سفرنامه های مربوط به دوره صفویه تا اواخر قاجاریه کم و بیش مشاهده نمود» (۱).

پس بدون تردید، بنابر آنچه مرحوم فیض بیان کرده است از نظر تاریخی مسلم می باشد که مدفون در این بقعه ابوالقاسم ابراهیم بن احمد بن امام موسی کاظم علیه السلام است. زیرا در «تاریخ قم» از هجرتش به قم خبر داده شده و در کتیبه کمربندی بقعه هم که در سال ۸۰۵ ه. ق گچ بری شده، به نام و نسب وی تصریح گردیده است.

وی می نویسد: مؤلف کتاب «انوار المشعشعین» بدون هیچ گونه مستندی برخلاف نصوص گذشته اظهار نموده: آنچه در کتیبه بقعه راجع به نسب وی قید شده از اغلاط مشهور و مشمول «رُبَّ مَشْهُورٍ لَا أَصْلَ لَهُ» می باشد. و مدفون در این بقعه: ابراهیم بن احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن علی الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام می باشد که در تاریخ قم مدفونش را نزدیک مشهد علی بن حسن العلوی العریضی به نزدیکی نهر سعد تعیین کرده است.

اما چنان چه واضح است دفن ابراهیم سجادی قرب بقعه علی بن حسن العریضی، دلیل بر دفن او در این بقعه نمی شود، زیرا بقعه مزبور

ص: ۱۵۱

گنبد دیگری است که در فاصله پنج متری صحن علی بن حسن عریضی است. و معلوم نیست چگونه آن بقعه از نظر مؤلف کتاب مزبور دور و مهجور افتاده است.

بالجمله این نظر به مصداق واقعی اجتهاد در مقابل نصّ و برخلاف منطوق کتیبه باستانی بقعه مورد نظر است و ابراهیم سجّادی با ابو العباس احمد پدر خود در بقعه مجاور صحن علی بن حسن مشهور به علی بن جعفر مدفون است. (۱) اما مرحوم فیض در کتاب «انجم فروزان» قائل شده است که به احتمال قوی در کنار امام زاده ابراهیم در زیر آن گنبد، ابو العباس احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن حسین بن حسن افضس ابن علی بن امام زین العابدین علیه السلام، مدفون می باشد. (۲)

بالای سردر ورودی بقعه امام زاده ابراهیم نام وی و نام احمد بن علی بن الحسین علیه السلام نیز نوشته شده و در زیارت نامه وی که بر دیوار بقعه نصب شده نام هر دو را آورده که مؤید دفن این دو بزرگوار در این بقعه می باشد.

تباری پاک

امام زاده ابراهیم، فرزند احمد فرزند امام موسی بن جعفر علیهما السلام است. احمد بن موسی معروف به (شاه چراغ) مدفون در شهر

ص: ۱۵۲

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۶۳-۳۶۲.

۲-۲. انجم فروزان، ص ۱۶۱.

شیراز، مردی کریم و بزرگوار، پارسا و مورد علاقه شدید پدرش موسی بن جعفر علیه السلام بود. به گونه ای که امام کاظم علیه السلام، او را بر دیگر فرزنداناش به غیر از علی بن موسی الرضا علیه السلام مقدم می داشت، مزرعه خود معروف به «یسیره» را به او بخشید، چنان چه نقل کرده اند احمد بن موسی در زمان خود هزار بنده آزاد کرد.^(۱)

شیخ مفید می نویسد: برای هر یک از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فضیلت و منقبتی جداگانه و مشهور است. و حضرت رضا علیه السلام در فضیلت بر دیگران مقدم بود.^(۲)

ام احمد، مادر احمد بن موسی از بانوان محترمی است که مورد لطف زیاد امام کاظم علیه السلام قرار داشت. ام احمد، از داناترین و باتقواترین زنان روزگار خویش بود امام کاظم علیه السلام، قبل از حرکت به سوی بغداد، ودیعه های امامت _ اشیاء موروثی از پیامبر صلی الله علیه و آله _ را به او سپرد و رازهای امامت را فقط به او بیان کرد. و به او فرمود: «كُلُّ مَنْ جَاءَكَ وَ طَالَبَ مِنْكَ هَذِهِ الْأَمَانَةَ فِي أَيِّ وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ فَاعْلَمْ بِأَنِّي اسْتَشْهَدْتُ وَ أَنَّهُ هُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي وَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ عَلَيْكَ وَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ» شخصی که به تو مراجعه کرد و این امانت را خواست در هر زمانی که باشد، بدان که من شهید شده ام و آن شخص جانشین بعد از من و امام واجب الطاعه بر تو و دیگر مردمان است.

امام کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ ه . ق روز ۲۵ رجب به دستور

ص: ۱۵۳

۱- ۱. ارشاد شیخ مفید، با ترجمه، ج ۲، ص ۲۳۷ _ ۲۳۸.

۲- ۲. همان.

هارون الرشید و توسط سندی بن شاهک پس از تحمل سختی های فراوان در زندان بغداد به شهادت رسید. علی بن موسی علیهما السلام اولین کسی بود که به شهادت پدر آگاهی یافت و نزد ام احمد رفت و فرمود: «هر آنچه پدر به تو سپرده بیاور» ام احمد بی درنگ فریادی کشید و سیلی بر رخسارش زد و گریانش را درید و گفت به خدا مولايم وفات کرد» حضرت رضا علیه السلام مانع گریه و زاری او شد و فرمود: مبادا سخنی بگویی تا خیر شهادت پدرم به حاکم مدینه برسد. آن گاه ام احمد زنبیلی را با دو یا چهار هزار دینار نزد ایشان آورد و به امام رضا علیه السلام تحویل داد و اولین کسی بود که با آن حضرت به عنوان امام بیعت کرد.

مردم مدینه برای عرض تسلیت به خانه «ام احمد» مراجعه می کردند و احمد بن موسی برادر علی بن موسی الرضا علیه السلام که در آن خانه بود جواب تسلیت ها را می دادند. احمد از پارساترین و عابدترین صالحان زمان خود و مردی کریم و بزرگوار بود. این منزلت احمد بن موسی سبب شد که مردم گمان ببرند که او جانشین پدرش می باشد.

احمد بن موسی متوجه منظور مردم گردید. و خود می دانست که جانشین پدر، علی بن موسی الرضا علیه السلام است چیزی به مردم مدینه نگفت. مردم هم با وی بیعت کردند. پس از بیعت گرفتن، احمد بر فراز منبر در مسجد النبی قرار گرفت، و خطبه ای در کمال فصاحت و بلاغت ایراد نمود آن گاه چنین لب به سخن گشود: «أَيُّهَا النَّاسُ كَمَا أَنَّكُمْ جَمِيعًا فِي بَيْعَتِي فَإِنِّي فِي بَيْعِهِ أَخِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاعْلَمُوا أَنَّهُ

الإمام وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ أَبِي وَهُوَ وَلِيُّ اللَّهِ وَالْفَرَضُ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ طَاعَتُهُ، بِكُلِّ مَا يَأْمُرُنَا» (۱).

ای مردم همچنان که تمام شما در بیعت من هستید، من نیز در بیعت برادرم، علی بن موسی الرضا علیه السلام می باشم، پیشوا و جانشین بعد از پدرم اوست آری او ولی خداست از طرف خدا و رسولش، بر من و شما واجب است به هر چه او فرمان داد فرمان برداری کنیم.

تمام آنان که شاهد جوان مردی و پارسایی احمد بودند، کلامش را از جان و دل پذیرفتند، در حالی که احمد بن موسی جلودارشان بود از مسجد خارج شدند و جلوی خانه علی بن موسی الرضا علیه السلام گرد آمدند و با او بیعت کردند. احمد بن موسی نیز مجدداً با امام خویش بیعت نمود و امام رضا علیه السلام در حق او دعا کرد. (۲)

کیفیت هجرت وی به ایران و شهادت و دفن او در شیراز و علت لقب یافتن وی به شاه چراغ در کتب مفصل بیان شده است.

فرزندان احمد بن موسی

فخر رازی می نویسد: از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام که علمای انساب اتفاق بر عدم نسل آن ها دارند، ده نفرند. یکی از آن ها جناب احمد بن موسی (شاه چراغ) (۳) است صاحب «تاریخ قم» می نویسد: یکی از کسانی که به قم وارد شده است ابراهیم فرزند احمد

ص: ۱۵۵

۱- ۱. ر.ک. بحار، علامه مجلسی، ج ۴۸، ص ۳۰۷.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، ص ۷۷، سراج الانساب، ص ۷۲.

بن موسی است و در قم دارای گنبد و بارگاه است.

برای جمع بین این دو قول می توان چنین گفت: که شاه زاده ابراهیم تنها پسر احمد بن موسی بوده و چون او نسلی نداشته است، علمای انساب احمد بن موسی را بدون نسل تصوّر کرده اند آیه الله العظمی علامه علم رجال آقای سید موسی زنجانی _ حفظه الله _ می فرماید: برای جناب احمد بن موسی دو فرزند پسر بوده و اعقابی از آن ها موجود می باشد. که متأسفانه علمای انساب خصوصاً از قرن پنجم به بعد نوعاً از ذکر آن غافل بوده اند. (۱)

گنبد و بارگاه

تاریخ بنای بقعه امام زاده ابراهیم سال ۸۰۵ ه. ق است. و به سبک قرن هشتم برهنه از رواق و بیوتات تابعه بنا شده است. و از ابنیه تاریخی این شهر به شمار می آید.

ساختمان این بقعه با تزیینات ممتاز گچ بری، بدون نیاز به تعمیر و تجدید تا به حال حفظ شده است. بر فراز بقعه، گنبدی است هرمی. شانزده تَرکی به ارتفاع شش متر، مزین به کاشی های فیروزه فام که حدوداً ۲۵ سال قبل از این تعمیر و تجدید شده، در قسمت بالای هر ضلع نام جلاله و زیر آن اسم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و پایین تر از آن نام علی علیه السلام با کاشی الوان چیده شده است. این گنبد دارای عنقی نمابندی به ارتفاع دو متر از آجر کاشی تعمیری است.

ص: ۱۵۶

بالای سردر ورودی بقعه، با خط نستعلیق به رنگ زرد و زمینه آبی لاجوردی، چنین نوشته: «بسمه تعالی، آرامگاه امام زادگان ابراهیم بن احمد بن موسی الکاظم علیه السلام، و احمد بن علی بن الحسین علیه السلام». روبه روی درب ورودی امام زاده ابراهیم، مسجدی به نام مسجد مسلم بن عقیل از بناهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می باشد. ساختن ضریح آلومینیومی و نصب آن و توسعه صحن و دیوارکشی اطراف آن از اقداماتی است که در این چند سال اخیر صورت گرفته است.

امام زاده علی بن جعفر علیهما السلام

اشاره

ابوالحسن (۱)، علی بن جعفر عَرِیضِی به سبب انتسابش به خاندان وحی و امامت، «حسینی» (۲)، «هاشمی» (۳) و «علوی» (۴) خوانده می شد و چون در مدینه رشد یافت، وی را «مدنی» نیز می خواندند. (۵)

اما مشهورترین نسبش که بر کسی جز او گفته نمی شود، «عَرِیضِی» است. چون بیشتر عمر شریفش در قریه «عَرِیض» (۶) (از توابع شهر

ص: ۱۵۷

۱- ۱. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، ص ۱۷۶.

۲- ۲. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ابو الفلاح عبدالحی بن المعاد، ج ۲، ص ۲۴.

۳- ۳. تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، ج ۷، ص ۲۹۳، رقم ۵۰۲.

۴- ۴. همان؛ تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ذهبی، ج ۱۴، ص ۲۶۳.

۵- ۵. رجال الطوسی، ص ۲۴۱؛ مروج الذهب، مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ص ۵۳۴.

۶- ۶. عَرِیض از قریه های مدینه است که در یک فرسخی آن واقع است. این قریه از آن امام باقر علیه السلام بود، هنگام وفات وصیت کرد که به فرزند بزرگوارش امام صادق علیه السلام داده شود. وی نیز هنگام رحلت به کوچکترین فرزندش، علی، بخشید. وقتی علی بن جعفر بزرگ شد، در آن قریه سکنی گزید (کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۲۴). اکنون این منطقه جزو شهر مدینه منوره و جانب شمال شرقی آن است و مقبره و مسجد علی بن جعفر در سال ۱۳۸۱ تخریب و جنازه دو نفر به بقیع منتقل شد.

مدینه) سپری شد و فرزندان وی نیز در آنجا به سر می بردند و به «عَرِیضیون» معروفند. (۱)

تباری پاک و معصوم

علی بن جعفر در خانواده عصمت و طهارت دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش امام جعفر صادق علیه السلام در سال ۸۳ ه ق، متولد و در سال ۱۴۸ ه ق در سن ۶۵ سالگی به تحریک منصور خلیفه عباسی مسموم و شهید شد. (۲)

امام جعفر صادق علیه السلام هفت فرزند پسر داشت (۳) که علی کوچکترین آنها بود. و در اوایل جوانی پدر را از دست داد. (۴) و با

ص: ۱۵۸

-
- ۱- ۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، مؤسسه آل البیت، ص ۱۷.
 - ۲- ۲. اصول کافی، کلینی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۳۷۷؛ تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ترجمه ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۳۷۳.
 - ۳- ۳. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۰۰ و ۲۰۱؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۱۴، ص ۲۶۳، در عمده الطالب فی انساب آل ابیطالب، ابن عنبه، ص ۱۸۴، فرزندان پسر وی را پنج نفر ذکر کرده که یکی از آنها «علی» است و در بعضی کتب دیگر شش نفر و بیشتر ذکر کرده اند. ر.ک: بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.
 - ۴- ۴. معجم رجال الحدیث، خویی، ج ۱۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ عمده الطالب، ص ۲۴۱؛ تاریخ قم، ص ۲۲۴؛ انجم فروزان، عباس فیض، ص ۱۷۹.

برادرش امام کاظم علیہ السلام رشد و نمو نمود و به درجات عالی علمی و اخلاقی نایل آمد. (۱)

تولد

در کتابهای رجال از تاریخ تولد علی بن جعفر یادی نشده است.

اما با دقت در بعضی از روایات به خوبی آشکار می شود که او از برادرش امام موسی بن جعفر علیہ السلام بیش از یک یا دو سال کوچکتر نبوده و سال تولدش نزدیک سالهای ۱۲۹ یا ۱۳۰ ه. ق می باشد.

در روایتی از فیض بن مختار، این گونه نقل شده است که گفت: ... روزی در حضور امام صادق علیہ السلام از جانشین وی سخن به میان آمد... حضرت برخاست و پرده ای که آویخته بود، بالا زد و پشت پرده رفت. بعد از لحظه ای مرا صدا زد و فرمود: ای فیض، داخل شو. داخل شدم، آن حضرت را در محل عبادت مشغول نماز یافتم. نمازش تمام شد. از قبله رو گرداند، روبرویش نشستیم. در این هنگام ابوالحسن (موسی بن جعفر علیہ السلام) در حالی که بیش از پنج بهار از عمر شریفش نمی گذشت و تازیانه ای در دستش بود، وارد شد.

امام صادق علیہ السلام فرزندش را بر زانوی خود نشانده و گفت: پدر و مادرم قربانت! این تازیانه در دستت برای چیست؟!

ص: ۱۵۹

۱- ۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ معجم المؤلفین، عمر رضا کتّاله، ج ۷، ص ۵۳.

ابوالحسن گفت: برادرم علی را دیدم که این تازیانه در دست دارد و حیوانات را آزار می داد، از دستش گرفتم...» (۱) حضرت امام صادق علیه السلام، به دنبال این گفتار امامت فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام را تبیین می کند. فیض بن مختار اولین کسی است که این خبر را می شنود و نقل می کند.

از این روایت معلوم می شود که علی بن جعفر، در آن موقع در سن سه یا چهار سالگی بوده، به طوری که می توانسته با تازیانه حیوانات را بیازارد. با توجه به اینکه علی بن جعفر کوچکترین فرزند امام صادق علیه السلام است، پس بیشتر از یکی دو سال کوچکتر از امام کاظم علیه السلام نمی باشد. در این صورت، وی هنگام شهادت پدر ۱۸ یا ۱۹ سال داشته است.

مامقانی می گوید: «لازمه اینکه علی بن جعفر از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام حدیث نقل کند؛ این است که وی هنگام رحلت پدر بین ۱۶ تا ۲۰ سال داشته باشد.» (۲) پس آنچه را که مؤلف «تاریخ قم» (۳) و محدث نوری (۴) ذکر کرده اند که وی هنگام وفات پدر، دو سال بیشتر نداشته، بعید است. (۵)

ص: ۱۶۰

-
- ۱-۱. اختیار معرفه الرجال، (المعروف برجال الکشی)، محمد بن حسن طوسی، ص ۳۵۵.
 - ۲-۲. تنقیح المقال فی علم الرجال، مامقانی، ج ۲، ص ۲۷۳.
 - ۳-۳. تاریخ قم، ص ۲۲۴.
 - ۴-۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۶۲۶.
 - ۵-۵. در تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۷۳ و در «مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۲»، دو ساله بودن وی هنگام وفات پدرش را به بعضی از دلایل ذکر شده، ناصحیح شمرده اند.

تاریخ نویسان مشهور، بر این عقیده اند که علی بن جعفر، دارای شش برادر به نامهای اسماعیل، عبدالله، اسحاق، محمد، عباس، و امام موسی بن جعفر علیه السلام و سه خواهر به نامهای ام فروه، اسماء و فاطمه می باشد. (۱)

ولی از این میان امام موسی بن جعفر علیه السلام است که در قدر و منزلت بزرگوارترین فرزند امام صادق علیه السلام شناخته می شود. وی در سال ۱۲۸ ه. ق. در ابواء (۲) متولد گردید. آوازه بزرگواریش از دیگر برادران بیشتر بود و در آن زمان از همه سخاوتمندتر و خوشرو و گرمی تر، در عبادت سرآمد مردم عصر و پرهیزگارترین آنان و در فهم و دانش از همگان برتر بود.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام عموم شیعیان پدرش، به امامت آن بزرگوار معتقد شدند. و در برابرش سر تعظیم فرود آوردند و از پدر بزرگوارش درباره امامت و جانشینی وی روایات و اشارات زیادی نقل کردند. (۳)

با این همه، امام هفتم در عهد بسیار تاریک و دشوار بعضی از خلفای عباسی چون منصور، هادی، مهدی و هارون با تقیه (۴) و سختی

ص: ۱۶۱

-
- ۱- ۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۰ و ۲۰۱؛ بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۱ و ۲۴۲ و المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۸۰.
 - ۲- ۲. ابواء: نام قریه ای بین مکه و مدینه است.
 - ۳- ۳. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۶.
 - ۴- ۴. تقیه یعنی هدف را با زیرکی خاص دنبال کردن و از دشمن حذر نمودن.

می زیست تا اینکه هارون پس از بازگشت از سفر حج به مدینه، دستور داد؛ امام را در حالی که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز بود، گرفته، به زنجیر کشند و زندانی کنند. پس از آن، حضرتش را از مدینه به بصره و از بصره به بغداد بردند و سالها از زندانی به زندان دیگر منتقل کردند تا اینکه در سال ۱۸۳ ه. ق در زندان بغداد، سندی بن شاهک وی را با سم شهید کرد. بدن مطهر او را در مقابر قریش که هم اکنون شهر کاظمیه نام دارد، دفن نمودند. مدت امامت آن حضرت پس از پدر بزرگوارش ۳۵ سال بود و در روز رحلت ۵۵ سال از عمر شریفش گذشته بود. (۱)

اسماعیل

اسماعیل، بزرگترین برادر و اولین فرزند امام صادق علیه السلام بود که آن حضرت بسیار او را دوست می داشت و نسبت به او بیش از دیگران نیکی و محبت می نمود.

گروهی از شیعه به موجب اینکه او بزرگترین فرزند امام صادق علیه السلام و محبوبترین آنان نزد پدر بود، گمان کردند پس از حضرت او امام و جانشین پدر است ولی اسماعیل در زمان حیات پدر در عریض از دنیا رفت و مردم جنازه اش را از آنجا تا مدینه (در حدود یک فرسخ راه) بر دوش حمل نمودند و نزد امام صادق علیه السلام

ص: ۱۶۲

۱- ۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۷؛ شیعه در اسلام، سید محمدحسین طباطبایی، ص ۱۴۰؛ کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴. در مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۳۶۵ سال شهادت وی را ۱۸۶ ه. ق ذکر کرده است.

آوردند. سپس در قبرستان بقیع دفن نمودند. چون امام صادق علیه السلام از دنیا رفت، گروهی به زنده بودن اسماعیل معتقد شدند و او را امام خود دانستند و دسته ای امامت را در فرزندان وی دانستند. این دو دسته را «اسماعیلیه» می نامند. (۱)

عبدالله افطح

پس از اسماعیل، عبدالله بن جعفر از دیگر برادران خود بزرگتر بود و چون در عقیده متهم به مخالفت با امام صادق علیه السلام بود، نزد پدر مقام و منزلتی مانند دیگر برادران نداشت.

عبدالله پس از پدر ادعای امامت کرد و برای اثبات این مدعا به بزرگتر بودنش از برادران دیگر استدلال می نمود. گروهی از اصحاب امام صادق علیه السلام ادعایش را پذیرفتند و ایشان را «فطحیه» لقب دادند. و این لقب بدان علت بود که پاها یا سر عبدالله، افطح (یعنی پهن) بود.

چنانکه امام صادق علیه السلام به فرزند عزیزش موسی بن جعفر علیه السلام فرموده بود؛ عبدالله مدتی اندک (هفتاد روز) پس از فوت پدر بزرگوارش درگذشت و چون پسری نداشت که جانشین وی شود معتقدان به وی دانستند که او امام نبوده است. به علاوه که برادرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وی را در حضور جمعی آزمود تا خود و پیروانش بدانند که او امام نیست.

عبدالله پس از مشاهده بی صلاحیتی خود برای عهده داری مقام

ص: ۱۶۳

امامت، و پس از آنکه در پاسخ پرسشهای مردم ناتوان شناخته شد، اگر چه به صراحت اظهار پشیمانی نکرد ولی از ادعاهایش دست برداشت و درحالی درگذشت که هنوز برخی او را امام می پنداشتند.^(۱)

اسحاق بن جعفر

وی مردی دانشمند و شایسته و پارسا بود و اهل حدیث از او احادیثی نقل کرده اند.

محمد بن جعفر

مردی با سخاوت و دلاور بود. روزها، یک روز روزه می گرفت و یک روز افطار می کرد. وی معتقد بود که امام کسی است که با شمشیر خروج کند. همسرش خدیجه، دختر عبدالله بن الحسین می گوید: نشد روزی که محمد با جامه ای از خانه بیرون رود و آن را به مستمندان نپوشاند. و چنان بود که روزی یک گوسفند برای واردین و مهمانان خود می کشت. وی در زمان مأمون در خراسان از دنیا رفت.

عباس بن جعفر

او نیز مردی دانشمند و شریف بود.^(۲)

ص: ۱۶۴

۱- ۱. ر.ک: فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۵۲ و ۳۵۳؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.
۲- ۲. ر.ک به الارشاد، ج ۲، صص ۲۰۲ _ ۲۰۶؛ بحار الانوار، ج ۴۷، صص ۲۴۲ _ ۲۴۱؛ فرق الشیعه، نوبختی، ترجمه جواد مشکور، صص ۱۱۳ _ ۱۱۱.

در ایام امامت امام کاظم علیه السلام، گروه‌های زیادی چون اسماعیلیه^(۱)، سمیطیه^(۲)، فطحیه و ... به وجود آمدند و نیز جوّ اختناق پیش آمده از سوی حاکمان وقت باعث شده بود که تشخیص حق یعنی امامت موسی بن جعفر علیه السلام کار آسانی نباشد. اما علی بن جعفر، حقیقت را یافته و هرگز از برادر بزرگوارش امام کاظم علیه السلام جدا نشد.

همگام برادر

علی بن جعفر نه تنها همراه و خدمتگزار برادرش موسی بن جعفر علیه السلام بود بلکه او را امام، جانشین و برترین فرزند پدر خویش می دانست.

محمد بن ولید می گوید: علی بن جعفر علیه السلام گفت: از پدرم جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که به گروهی از نزدیکان و اصحاب خود می فرمود: وصیت مرا درباره فرزندم موسی بپذیرید. زیرا او برترین فرزندان و یادگار من و جانشین من و پس از من حجت خدای

ص: ۱۶۵

۱- ۱. اسماعیلیه: لقبی است برای همه فرقه‌هایی که به امامت اسماعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام و پسرش محمد بن اسماعیل قائل بودند. شعبه‌هایی از این فرقه به نامهای دیگری چون؛ قرامطه، تعلیقات، باطنیه، سبعیه و ملاحده نیز خوانده شده اند. (فرق الشیعه نوبختی، ترجمه و تعلیقات محمدجواد مشکور، ص ۱۰۱، زیرنویس).

۲- ۲. سمیطیه: گروهی که بعد از امام صادق علیه السلام بر امامت محمد بن جعفر علیهما السلام ملقب به دیباج و فرزنداناش گردن نهادند و به نام پیشوای خود، یحیی بن ابی سمیط نامیده شدند. (فرق الشیعه، ص ۱۱۲).

تعالی بر همه مردم است. (۱) او در استفاده و بهره گیری احکام و اصول دین از برادر بزرگوارش کوشا بود و پاسخهای مسائل بسیاری را نقل کرده که خود از آن بزرگوار شنیده بود. (۲)

وی می گوید: همگام با برادرم در حالی که اهل و عیالش را همراه داشت، چهار مرتبه پیاده به عمره مشرف شدم. یک بار ۲۶ روز، بار دگر ۲۵ روز، دگر بار ۲۴ روز و آخرین بار ۲۱ روز طول کشید. (۳)

اوضاع نابسامان مردم در عصر امام کاظم علیه السلام

خاندان بنی عباس و اطرافیان آنها و نظامیان برجسته و زمینداران بزرگ که از قبایل مختلفی از ملیت های غیر عربی به اسلام روی آورده بودند، از طبقه حاکم دوران هارون الرشید به شمار می آمدند.

رؤسای این قبایل همچنان به حال خود باقی بودند و چون در گذشته، کشاورزان و بازرگانان و پیشه وران را استثمار می کردند و با طبقه بلند پایه جامعه؛ یعنی تاجران و زمینداران بزرگ و نظامیان و بیش از همه با خلفای بنی عباس همکاری و همدستی داشتند. همه اینها در مکیدن خون محرومان و به بردگی گرفتن طبقه محروم یکدست بودند و این در حالی رخ می داد که بیشتر مسلمانان در محرومیت کامل به سر می بردند.

ص: ۱۶۶

۱- ۱. الارشاد، شیخ مفید، ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲- ۲. همان؛ عمده الطالب فی انساب آل ابيطالب، ص ۲۴۱.

۳- ۳. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، ص ۱۲۲.

بسیار دشوار بود در چنین وضعیتی که بهره مندی از آسایش و ثروت و پادشاهی فراوان از ویژگیهای آن به شمار می آمد، رهبر یا رئیس قبیله ای یافت شود که حکومت، او را با پول نخریده باشد.

بسیاری از علویان که تا دیروز ماهیتی انقلابی داشتند و چه بسا کسانی که پدران و برادران و خویشانانشان به دست عباسیان به قتل رسیده بودند، سرانجام در دام مادیات آنها شکار شدند.^(۱)

یکی از کسانی که در قبال صد هزار درهم اسرار امام را برای هارون الرشید آشکار ساخت و در شهادت آن حضرت همدست آنها گردید، محمد بن اسماعیل بن جعفر نوه امام صادق علیه السلام بود.

علی بن جعفر در روایتی چنین می گوید: عمره رجب را گزارده و در مکه بودیم. محمد بن اسماعیل بن جعفر (نوه امام صادق علیه السلام) نزد من آمد و گفت: عمو جان، می خواهم به بغداد بروم و دوست دارم با عمویم ابوالحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) خداحافظی کنم. دلم می خواهد تو نیز همراهم باشی.^(۲)

من با او به سوی برادرم که در منزل «حُوبَه» بود، رهسپار شدیم. اندکی از مغرب گذشته بود که به آنجا رسیدیم. من در زدم. برادرم جواب داد و در را باز کرد و فرمود: کیستی؟

ص: ۱۶۷

۱- ۱. ر.ک، امامان شیعه و جنبشهای مکتبی، محمدتقی مدرّسی، ترجمه حمیدرضا آژیر، صص ۲۰۹ _ ۲۰۸ .
۲- ۲. از این بیان روشن می شود که علی بن جعفر نزد برادرش امام کاظم _ علیه السلام _ دارای قرب و منزلتی خاص بوده، به گونه ای که اگر کسی می خواست با امام _ علیه السلام _ ملاقات کند، وی را واسطه قرار می داد.

گفتم: علی.

فرمود: اکنون می آیم (و برای وضو گرفتن به اندرون خانه رفت) و او وضو را طول می داد.

گفتم: شتاب کنید.

فرمود: شتاب می کنم، سپس آمد در حالی که پارچه رنگ کرده ای به گردنش بسته بود و پایین آستانه در نشست.

من به جانب او خم شدم و سرش را بوسیدم و گفتم: من برای کاری آمده ام که اگر تصویب فرمایی از توفیق خداست و اگر غیر از آن باشد، ما خطای بسیار داریم.

فرمود: چه کار است؟

گفتم: این برادرزاده شماست که می خواهد با شما خداحافظی کند و به بغداد رود.

فرمود: بگو بیاید.

من او را که در کناری ایستاده بود، صدا زدم. او نزدیک آمد و سر حضرت را بوسید. و گفت: قربانت، مرا سفارشی کن.

فرمود: سفارشت می کنم که درباره خون من از خدا بترسی!

او پاسخ داد: هر که بدی تو را خواهد، خدا آن بدی را به خودش رساند. (محمد پیوسته به بدخواه او نفرین می کرد تا) باز سرش را بوسید و گفت: عمویم! مرا سفارشی کن.

فرمود: تو را سفارش می کنم که درباره خون من از خدا بترسی!

گفت: هر که بدی شما را بخواهد، خدا به خودش رساند، به خودش

باز سرش را بوسید و گفت: ای عمو! مرا سفارشی کن

فرمود: سفارشت می کنم که درباره خون من از خدا بترسی!

باز او بر بد خواهش نفرین کرد و به کناری رفت.

من نزدیک برادرم رفتم، وی به من فرمود: علی، اینجا باش.

من ایستادم. حضرت به اندرون خانه رفت و مرا صدا زد. من نزدش رفتم. کیسه ای که صد دینار در آن بود، به من داد و

فرمود: به پسر برادرت بگو، این پول را در سفر کمک خرجش سازد.

من آن را گرفتم و در حاشیه عبایم گذاشتم، باز صد دینار دیگرم داد و فرمود: این را هم به او بده. سپس کیسه دیگری داد و

فرمود: این را هم به او بده.

گفتم: قربانت! اگر بدانچه فرمودی، از او می ترسی، چرا او را بر ضد خود کمک می کنی!؟

فرمود: هر گاه من به او بیوندم و او از من ببرد، خدا عمرش را قطع می کند، سپس یک کیسه دیگری که سه هزار درهم

خالص داشت، برگرفت و فرمود: این را هم به او بده.

من نزد محمد رفتم و صد دینار اول را به او دادم. بسیار خوشحال شد و عمویش را دعا کرد. سپس کیسه دوم و سوم را دادم،

چنان خوشحالی کرد که گمان کردم، باز می گردد و به بغداد نمی رود. باز سه هزار درهم را به او دادم ولی او راه خود را

پیش گرفت و نزد هارون رفت و به عنوان پذیرش خلافت وی به او سلام کرد و گفت:

من گمان نمی کردم که در روی زمین دو خلیفه باشد تا آنکه دیدم مردم به عمویم موسی بن جعفر علیه السلام به عنوان خلافت سلام می کنند!

هارون صد هزار درهم برایش فرستاد. ولی خدا او را به بیماری خنازیر و خناق مبتلا کرد و نتوانست به یک درهم از آن اموال نگاه کند و دست برساند. (۱)

آری این نمونه ای بود از افراد زیادی که سعادت ابدی خویش را به دنیای زودگذر فروختند و آب به آسیاب دشمن ریختند. و امام بحق را تنها گذاشتند. هارون الرشید نیز که در پی فرصت بود تا بزرگترین سدّ راه خوشگذرانیها و چپاولگریهایش را بردارد. با سعایت امثال وی به نقشه های شومش نزدیکتر می شد. تا اینکه سرانجام آن امام همام علیه السلام را مسموم و شهید کرد.

در محضر امام رضا علیه السلام

بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام گروهی چنین پنداشتند که وی از دنیا نرفته و نمی میرد تا اینکه شرق و غرب زمین از آن او گردد و گیتی آکنده از ستم را، پر از عدل و داد کند و او مهدی «قائم» است!

بعضی شهید شدن آن امام را انکار کرده، گفتند: خداوند او را نزد خود به آسمان برده، در هنگام قیامت دوباره باز می گرداند. این گروه را

ص: ۱۷۰

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، صص ۴۰۰ _ ۴۰۲؛ و اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال کشی)، ص ۲۶۳ و ۲۶۴، حدیث ۴۷۸. با کمی تفاوت. و عیون اخبار الرضا علیه السلام، صدوق، ج ۱، ص ۷۲، حدیث ۲، مختصر آن را آورده است.

«واقفه» نامیدند، چون بر امامت موسی بن جعفر علیه السلام توقف نموده، پس از وی امامی را نپذیرفتند. (۱)

امّا علی بن جعفر علیه السلام به سبب درست تربیت شدن در مکتب برادر بزرگوارش، پیرو هیچ یک از گروههای انحرافی نشد و امامت بحق فرزند برادرش امام رضا علیه السلام را پذیرفت و از مدافعان وی بود. او از کسانی است که سخن گرانقدر برادرش امام کاظم علیه السلام را در تعیین و نصب امام رضا علیه السلام بر منصب امامت و جانشینی پدرش نقل نمود.

حسن بن فضال می گوید: از علی بن جعفر شنیدم که می گفت: نزد برادرم موسی بن جعفر علیه السلام بودم در حالی که او _ به خدا سوگند _ بعد از پدرم، حجت خدا در روی زمین بود، ناگاه فرزندش علی علیه السلام وارد شد برادرم به من فرمود: ای علی! این صاحب (امر امامت و ولی) تو است. او نسبت به من به منزله من است نسبت به پدرم. [همانطوری که من جانشین پدرم امام صادق علیه السلام می باشم، او بعد از من جانشین من است و امر امامت به او سپرده می شود.] خداوند تو را بر دین او ثابت قدم بدارد. پس من گریستم و با خود گفتم: به خدا سوگند، پیام مرگ خود را می دهد!

باز فرمود: ای علی! ناچار حکم پروردگار درباره من جاری می شود. من [نیز] به راه رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می روم. آن حضرت سه روز قبل از

ص: ۱۷۱

اینکه هارون الرشید دوباره او را جلب نماید، این سخنان را با من در میان گذاشت. (۱)

علی بن جعفر در روایتی دیگر چنین می گوید: مردی بر برادرم امام کاظم علیه السلام وارد شد و گفت: قربانت شوم، بعد از شما صاحب امر امامت کیست؟

برادرم فرمود: بعد از وفات من آنها فتنه می کنند و می گویند او «قائم» است در حالی که «قائم» سالها بعد از من خواهد آمد. (۲)

امام علیه السلام پیشاپیش معجزه گونه، گمراهی واقفیه را خبر می دهد. و علی بن جعفر علیه السلام و جمعی از خواص آن حضرت با آگاهی کامل، از آنها دوری می جویند و امامت امام رضا علیه السلام را می پذیرند.

زکریا بن یحیی می گوید: شنیدم علی بن جعفر به حسن فرزند حسین بن علی بن الحسین چنین می گفت: خداوند ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام را یاری نمود، زمانی که برادرها و عموهایش بر او ستم روا داشتند. (۳)

جنبش ها در زمان امام رضا علیه السلام

در عصر امامت آن بزرگوار، نهضت‌های فراگیری بر ضد جورپیشگان حاکم شکل گرفت و نفوذ بعضی از آنها تا کوفه، واسط، بصره، اهواز، حجاز و یمن گسترش یافت. نوشته اند: علی بن جعفر علیه السلام به

ص: ۱۷۲

۱-۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۳۸.

۲-۲. اختیار معرفه الرجال کشی، ص ۴۵۹، حدیث ۸۷۰؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۶.

۳-۳. سفینه البحار، محدث قمی، ج ۲، ص ۲۴۴.

همراه عده ای از علویین در بعضی از این جنبشها چون قیام ابن طباطبا به فرماندهی ابوالسرایا، (۱۹۹ ه. ق.) (۱) و خروج محمد دیباج (۲۰۰ ه. ق.) (۲) شرکت داشته است. (۳)

برخی این را دلیل بر ضعف عقیده وی نسبت به امامت امام رضا علیه السلام دانسته اند (۴)! اما با کمی دقت روشن خواهد شد که بر فرض شرکت وی در این قیامها دلیل ضعف عقیده اش نیست. زیرا ائمه علیهم السلام بعد از امام حسین علیه السلام با اینکه خود در هیچ یک از این نهضتها شرکت نکردند و گاهی نسبت به روشها و خطاهای قیام کنندگان اعتراض می کردند، هیچ گاه آنها را از نظر دور نداشتند

ص: ۱۷۳

۱-۱. در این سال محمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن علی علیه السلام ملقب به ابن طباطبا با دستگیری و سپهداری ابوالسرایا در کوفه قیام کرد. پس از گرفتن کوفه، ابن طباطبا ناگهان مرد و ابوالسرایا به جای وی طفلی از علویان به نام محمد بن محمد بن یحیی بن زید ابن علی بن حسین علیه السلام را برگزید. و قدرت در دست ابوالسرایا بود. مأمون چندین بار با وی درگیر شد و بالاخره با سپاه فراوانی که داشت، بر او پیروز شد و قیام وی را فرو نشاند و این قیام ده ماه طول کشید و محمد در سال ۲۲۳ ه. ق فوت کرد. ر.ک: قیام خونین شیعه در طول تاریخ اسلام، عبدالصمد اسلامی، صص ۹۹ - ۱۰۰.

۲-۲. در این سال محمد بن جعفر (الصادق علیه السلام) عموی امام رضا علیه السلام در مکه قیام کرد و حجاز را گرفت و وی به علت جمال و رونق و جلوه کمالی که داشت به نام دیباج نامیده می شد. او پس از جنگهایی دستگیر و پیش مأمون فرستاده شد. مأمون او را امان داد و با خود به گرگان برده، وی در آنجا ناگهان وفات یافت. (۲۰۳ ه. ق.). ر.ک: قیام خونین شیعه در طول تاریخ اسلام، صص ۱۰۰ - ۱۰۱.

۳-۳. مقاتل الطالیین، ابوالفرج اصفهانی، صص ۳۵۶ و ۳۶۰.

۴-۴. معرفه الحدیث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشیعه الامامیه. محمدباقر بهبودی، ص ۱۷۲.

و خیلی از آنها را مخفیانه تأیید می کردند.^(۱) چنانکه از امام کاظم علیه السلام نقل شده، هنگامی که پسر عمویش، حسین بن علی معروف به قتیل فحّ (۲) برای وداع نزد آن حضرت آمد، امام علیه السلام به او فرمود: «ای پسر عمو! تو کشته می شوی! پس ضربه را محکم فرود بیاور، زیرا که این گروه فاسقند، به ایمان تظاهر می کنند و شرک خود را پنهان می دارند. انا لله و انا الیه راجعون. پاداش شهیدان را برای تو و یارانت از خدا می خواهم.»^(۳)

و از حضرت امام رضا علیه السلام درباره نهضت علوی ابن طباطبا چنین نقل شده است: «محمد بن اثرم که در زمان ابوالسرایا از جانب محمد بن سلیمان علوی سردسته نگهبانان مدینه بود، می گوید: همه افراد خاندان ابن طباطبا و دیگر مردم از قریش، به گرد او جمع شدند و با وی بیعت کردند و به او گفتند: خوب است برای ابو الحسن علیه السلام پیغامی بفرستی که به جمع ما درآید. زیرا دعوت ما یکی است.»

سلیمان به من گفت: به سوی او برو و سلام برسان و بگو: افراد

ص: ۱۷۴

-
- ۱- ۱. ر.ک: تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام محمد جواد فضل الله، ترجمه سید محمد صادق عارف، ص ۱۵۲.
 - ۲- ۲. ابی عبدالله حسین بن علی بن حسن مثّث معروف به قتیل فحّ از اصحاب امام صادق علیه السلام و از بزرگان بنی هاشم بود، به نقل تجارب السلف از تحمل جور و ستم به تنگ آمده، در سال ۱۶۹ ه. ق در مدینه قیام کرد و در همان سال با گروه بسیاری از یارانش در فحّ که محلی میان مکه و مدینه است، شهید گردید. ر.ک: تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، زیرنویس ص ۱۵۲؛ ماهیت قیام شهید فحّ، سید ابوفاضل رضوی اردکانی، ص ۱۶ و ۱۲۴.
 - ۳- ۳. مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۸؛ ماهیت قیام شهید فحّ، ص ۱۲۴.

خاندان تو گرد هم آمده اند و دوست دارند که شما هم با آنان باشی. اگر مصلحت می دانی، قدم رنجه فرما.

محمد بن اثرم می گوید: من نزد آن حضرت شرفیاب شدم و او در «الحمراء» بود. سلام کردم و پیام را به او رساندم.

حضرت فرمود: سلام مرا به او برسان و بگو: پس از گذشت بیست روز نزد تو خواهم آمد.

او می گوید: پاسخ وی را رساندم. چند روزی درنگ کردم؛ چون روز هیجدهم شد، ورقا، فرمانده جلّودی وارد شد. من از مدینه خارج شدم و به جانب «صورین» فرار کردم. در آن هنگام کسی مرا آواز داد: ای اثرم! چون روی به جانب او کردم، دیدم ابوالحسن علیه السلام است و می فرماید: «بیست روز گذشته یا نه؟!»^(۱)

از این بیان چند نکته بخوبی روشن می شود:

۱. این نهضت در دفاع از عدالت و دفع جور و ستم شکل گرفته و افرادی از خاندان اهل بیت علیهم السلام و علویانی که نسبت به اسلام درد و سوزی داشتند، گرد هم جمع شدند و انگیزه ای جز ادامه راه ائمه علیهم السلام نداشتند.

۲. امام علیه السلام با صراحت نهضت را رد نکرد و حرکت و جنبش را مردود نشمارد. پس با اصل جنبش و قیام در مقابل ستمگران مخالف نبوده است؛ لکن بنابر مصالحی از شرکت در آن سرباز زد. شاید

ص: ۱۷۵

۱- ۱. تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، ص ۱۴۹، به نقل از عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۸.

همراهی آشکار امام علیه السلام با آنها با آن مراقبتهای شدیدی که برای حضرت بود، باعث می شد که آنها نه تنها به اهداف خود نرسند، بلکه زودتر شکست بخورند.

۳. امام علیه السلام با بینش دقیقی که نسبت به حوادث داشت، می دانست این حرکتهای که ابتدا با یک شور و هیجان زیادی آغاز می شود، با رودر رویی سپاه مجهز و قوی حاکمان جور سست شده، صحنه را خالی می کنند و قیامها بدون نتیجه مطلوب سرکوب می شود. چه اینکه اگر امام علیه السلام تشخیص دهد که تعداد انگشت شماری یار باوفا دارد، خود در مقابل حاکمان جور قیام می کند. به علاوه که، این قیام گرچه به ظاهر به آرمانهای خود نرسیدند، اما آثار نیک فراوانی داشتند که نمی توان نادیده گرفت. لرزه ای که در پی این انقلابها بر اندام حکومت وارد می شد و جبهه های مختلفی که در شهرهای متعدد ایجاد می گردید، بعضی از آن نتایج است که امر ساده ای نبود. جبهه هایی که در مدت استمرارش پیوسته حکومت عباسی را وادار می داشت تا در جنگ با انقلابیون تقاضای آتش بس کند.^(۱) پس همراهی علی بن جعفر علیه السلام با بعضی از این قیامها دلیلی بر ضعف عقیده وی نیست.

تسلیم ولایت

بزرگترین فضیلت علی بن جعفر علیه السلام این است که نه تنها امر امامت و ولایت را خوب شناخت و آن را از ارزشهای ظاهری جدا

ص: ۱۷۶

۱- ۱. ر.ک: امامان شیعه و جنبشهای مکتبی، ص ۲۶۱.

دانست که خود را تسلیم ولایت کرد و برای امام معصوم علیه السلام ارج و منزلت ویژه ای قایل شد.

بدین سبب امامت برادرش امام کاظم علیه السلام و فرزند برادرش امام رضا علیه السلام را به خوبی پذیرفت و در مقابل آنها سر اطاعت و تسلیم فرود آورد. اما تبلور این فضیلت هنگامی است که وی در کهنسالی بعد از آنکه خود عالمی بزرگ، دارای منزلتی عظیم و شخصیت اجتماعی والایی است، در مقابل فرزند فرزند برادرش، امام جواد علیه السلام، در حالی که بیش از هشت بهار از عمر شریفش نگذشته، سر تعظیم فرود آورده، او را امام خویش معرفی می کند و به گونه ای احترامش می کند که برای دوستانش تعجب انگیز است. بر او خرده می گیرند. اما او بر صحت رفتار خود تأکید می نماید.

محمد فرزند حسن بن عمار گوید: «من دو سال نزد علی بن جعفر بن محمد (عموی امام رضا علیه السلام) بودم و هر خبری که او از برادرش، موسی بن جعفر علیه السلام، شنیده بود، می نوشتم. روزی در مدینه خدمتش نشسته بودم که ابوجعفر محمد بن علی (حضرت جواد علیه السلام) در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او وارد شد. علی بن جعفر علیه السلام برجست و بدون کفش و عبا نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد. ابوجعفر علیه السلام به او فرمود: ای عمو! بنشین، خدایت رحمت کند! او گفت: آقای من! چگونه من بنشینم و شما ایستاده باشی؟!»

چون علی بن جعفر به جایگاه خود برگشت، اصحابش او را

سرزنش کرده، گفتند: شما عموی پدر او هستید و با او این گونه رفتار می کنید؟! او دست به ریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید! اگر خداوند عزوجل (صاحب) این ریش را سزاوار (امامت) ندانست و این کودک را شایسته دانست و به او چنان مقامی داد، من فضیلت او را انکار کنم؟! پناه به خدا از سخن شما، من بنده او هستم. (۱)

آری! اگر کسی بنده خدا باشد، در مقابل انتخاب خداوند اعتراض ندارد و تسلیم محض است.

حسن (۲) فرزند موسی بن جعفر علیه السلام می گوید: در مدینه خدمت ابو جعفر (امام جواد علیه السلام) بودم، که علی بن جعفر علیه السلام و مردی بیابانی از اهل مدینه نیز نشسته بودند. آن مرد در حالی که با دستش به حضرت اشاره می کرد، به من گفت: این جوان کیست؟

گفتم: او جانشین رسول الله صلی الله علیه و آله است.

گفت: سبحان الله! رسول خدا صلی الله علیه و آله حدود دویست و اندی سال پیش، از دنیا رفت و او جوانی بیش نیست. چگونه جانشین پیامبر خواهد بود؟!

گفتم: او وصی علی بن موسی (الرضا علیه السلام) است. و علی وصی موسی بن جعفر علیه السلام، و موسی وصی جعفر بن محمد، و جعفر وصی محمد بن علی و محمد وصی علی بن الحسین و علی

ص: ۱۷۸

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، صص ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲- ۲. در بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۴ به جای او حسین فرزند موسی بن جعفر علیه السلام ذکر شده است.

وصی حسین بن علی و حسین وصی حسن بن علی و حسن وصی علی بن ابیطالب و علی وصی رسول الله عليهم السلام است.

(در این هنگام) طیب آمد، خواست (برای مداوا) او را رگ زند(۱)، پس علی بن جعفر بلند شد و گفت: سرورم (اجازه دهید) اول رگ مرا قطع کند تا اینکه قبل از شما تیزی آهن را بچشم.

او می گوید: به (علی بن جعفر) گفتم بر تو مبارک باشد. سپس روی به سوی اعرابی (یا طیب) کرده، گفتم: او عموی پدرش است.

بدین ترتیب رگ علی بن جعفر علیه السلام زده شد. سپس امام جواد علیه السلام بلند شد تا آنجا را ترک کند، علی بن جعفر علیه السلام نیز بلند شد و کفشهای امام را جفت کرد تا بپوشد.(۲)

در روایت دیگر آمده است:

علی بن جعفر علیه السلام گفت: مردی که او را واقفی می پنداشتم از من پرسید: برادرت امام کاظم علیه السلام چه شد؟ گفتم: از دنیا رفت.

گفت: به چه دلیل این را می گویی؟!

گفتم: اموالش تقسیم شد. همسرانش زندگی جدید شروع کردند و امام بعد از وی تعیین گردید.

گفت: امام بعد از او کیست؟

ص: ۱۷۹

۱-۱. در قدیم رگ زدن و خون گرفتن یکی از راههای درمان بعضی از امراض بوده است.

۲-۲. اختیار معرفه الرجال، المعروف به رجال الکشی، ص ۴۲۹ و ۴۳۰؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۴.

گفتم: فرزندش علی.

گفت: او چه شد؟

گفتم: او نیز از دنیا رفت.

گفت: از کجا می دانی وفات کرده است؟!

گفتم: اموالش تقسیم شد و زنانش به خانه های جدید رفتند و امام بعد از وی معلوم گردید.

گفت: امام بعد از او کیست؟

گفتم: فرزندش ابو جعفر.

گفت: شما با این سن زیاد و قدر و منزلت و در حالی که فرزند امام صادق علیه السلام هستید درباره این نوجوان چنین می گویی؟!

گفتم: تو را جز شیطان چیز دیگری نمی بینم. چه کنم اگر خداوند او را برای (امامت) شایسته دیده، اما این ریش سفید را برای آن، اهل ندانسته است. [\(۱\)](#)

و نیز چنین نقل شده است: که ابو جعفر، محمد بن علی بن موسی (امام جواد علیه السلام)، بر علی بن جعفر عریضی وارد شد. وی از جا برخاست و آن حضرت را بر جای خود نشاند و هیچ سخنی نگفت تا اینکه آن امام بزرگوار برخاست. اصحاب و دوستان علی بن جعفر گفتند:

آیا با امام جواد علیه السلام در حالی که عموی پدرش هستی، این گونه تو اضع می کنی؟!

ص: ۱۸۰

علی بن جعفر دستی به ریش خود زد و گفت: وقتی خداوند این ریش سفید را برای امامت اهل نداند، من آن را برای سوختن در آتش شایسته بدانم؟! (۱)

ناچار از حکم قیافه شناس!

زکریا بن یحیی می گوید: از علی بن جعفر علیه السلام که برای حسن بن حسین بن علی علیه السلام سخن می گفت، چنین شنیدم: به خدا سوگند! خداوند متعال، ابوالحسن حضرت رضا علیه السلام را یاری کرد.

حسن گفت: آری به خدا، قربانت گردم، همانا برادرانش نسبت به او ستم کردند.

علی بن جعفر علیه السلام گفت: آری به خدا، ما عموهایش هم به او ستم کردیم.

گفت: [عموهایش به وی گفتند] هرگز در میان ما خاندان امامی (۲) کسی که رنگش دگرگون باشد، نبوده است.

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: او پسر من است.

آنها گفتند: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله، به حکم قیافه شناس داوری فرمود (۳)، میان شما و ما هم قیافه شناس، داور باشد (تا)

ص: ۱۸۱

۱- ۱. مسائل علی بن جعفر، صص ۲۴ _ ۲۵، به نقل از عمده الطالب، ص ۲۴۱.

۲- ۲. مقصودشان این بود که امام محمد تقی علیه السلام به شما شباهت ندارد.

۳- ۳. اسامه سیاه رنگ بود و پدرش زید از پنه سفیدتر، مردم جاهلیت در نسب او طعن می زدند تا آنکه قیافه شناس حکم کرد که او پسر زید است و ملت عرب هم سخن قیافه شناس را پذیرفتند، به این سبب پیامبر اسلام (ص) نیز مسرور گشت؛ زیرا طعن آنها به آن حضرت نیز مربوط می شد (اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص ۱۰۹).

معلوم شود که حضرت جواد علیه السلام فرزند شماس است).

حضرت فرمود: من دنبال آنها نمی فرستم، شما بفرستید و به آنها اطلاع ندهید که برای چه دعوتشان می کنید و شما در خانه خود باشید.

چون که آنها آمدند. ما همه در باغی نشستیم و عموها و برادران و خواهران امام رضا علیه السلام صف کشیدند و به حضرت رضا علیه السلام لباس کهنه و کلاهی پشمین پوشانیدند و بیلی بر دوشش گذاشتند و گفتند: به صورت باغبانی در باغ مشغول کار شود. سپس ابو جعفر علیه السلام را آوردند و به قیافه شناسان گفتند: این پسر را به پدرش منسوب کنید.

آنها گفتند: پدر او در اینجا نیست ولی این و این عموی پدر او هستند و این عموی خود اوست و این عمه او می باشد. اگر او را در اینجا پدری باشد، همین صاحب باغ است که قدمهای او با قدمهای این پسر یکسان است و چون حضرت رضا علیه السلام برگشت، گفتند: همین شخص، پدر اوست. (۱)

ص: ۱۸۲

۱- ۱. گویا ابتدا از آثار قدم حضرت که روی زمین نقش بسته بود احتمالی دادند، سپس خود آن حضرت را که دیدند، یقین کردند. توضیح: قیافه شناسی آن است که شخص قیافه شناس از روی آثار و علایم صورت و دست و پا و سایر اعضا شباهت دو نفر را به یکدیگر می فهمد و نسبت و قرابت میان آنها را تشخیص می دهد. این علم در شرع مقدس اسلام اعتباری ندارد و هیچ گونه نسبتی با آن ثابت نمی شود. بلکه برای تعیین انتساب در اسلام موازین و مقررات دیگری است. ولی در صورتی که به مسلمانی تهمتی زنند، او می تواند برای دفع تهمت از خود به قیافه شناس رجوع کند. و حضرت رضا علیه السلام چون درباره پسرش مورد تهمت واقع گشت، به حکم قیافه شناس تن داد و پس از آنکه حق روشن شد، امام رضا علیه السلام از قول رسول خدا (ص) خبر غیبی ظلم و فتنه انگیزی بنی عباس را نسبت به فرزندانش که منتهی به غیبت و پنهان شدن حضرت مهدی (امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گردد، بیان کردند (اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۲، ص ۱۰۹).

علی بن جعفر گوید: من برخاستم و لب ابو جعفر علیه السلام را چنان بوسیدم که آب دهانش را مکیدم و به او عرض کردم: گواهی می دهم که تو نزد خدا امام من هستی.

پس حضرت امام رضا علیه السلام گریه کرد و فرمود: ای عمو، مگر نشنیدی که پدرم می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پدرم فدای پسرِ بهترین کنیزان، پسر کنیز نوبیه (۱) که دهانش خوشبو و زهدانش نجیب زاست... (۲).

از فرزندان اوست آن غایب و خونخواه پدر و جدش، آن کس که از دیده ها پنهان شود، پس مردم بگویند، مُرد، یا اینکه هلاک شد، یا در کدام بیابان و صحرا گم گشته است!؟

عرض کردم: راست گفתי قربانت شوم. (۳)

ص: ۱۸۳

۱-۱. نوبه از شهرهای بزرگ سودان است که بلال حبشی هم از اهال آنجا بود.

۲-۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۳-۳. الارشاد: ج ۲، ص ۲۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۱.

علی بن جعفر، یکی از راویان بزرگواری است که فقها و محدثان در فضیلت و وثاقت و اعتماد بر روایتش، اتفاق نظر دارند.^(۱)

رجال شناس معروف احمد بن محمد بن خالد برقی (متوفی ۲۷۴ یا ۲۸۰ ه. ق.) او را از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام شمرده است^(۲) و این در حالی است که وی تا کسی را مورد اطمینان نداند، او را از اصحاب امام نمی شمارد.

ابوالحسن محمد بن احمد بن داوود (وفات ۳۷۸ ه. ق.) وی را در ردیف موثقین نام برده است و او را به بزرگواری ستوده است.^(۳)

شیخ مفید محمد بن نعمان (متوفی ۴۱۳ ه. ق.) چنین می گوید: «علی بن جعفر و برادرش اسحاق دو شخصیتی هستند که هیچ کس در فضل و تقوایشان اختلاف نکرده است.»^(۴) وی در جای دیگر می گوید: «علی بن جعفر از کسانی است که بسیار حدیث نقل کرده و روشی استوار داشته است. بسیار پارسا و دانشمند و در خدمت برادر ارجمندش، امام موسی بن جعفر علیه السلام، بوده و خبرهای زیادی از آن حضرت نقل

ص: ۱۸۴

-
- ۱- ۱. ر.ک: به فهرست شیخ طوسی، زیرنویس ص ۸۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، صص ۲۸۹-۲۹۲؛ و تنقیح المقال، ج ۲، صص ۲۷۲-۲۷۳؛ و بهجه الآمال، فی شرح زبده المقال، ملا علی علیاری، ج ۵، ص ۳۸۶؛ مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۳، ص ۶۲۶.
 - ۲- ۲. رجال البرقی، صص ۲۵-۵۹.
 - ۳- ۳. رجال ابن داوود، ص ۲۳۸.
 - ۴- ۴. الارشاد، ج ۲، ص ۲۰۸.

نموده است.» (۱)

نجاشی (۳۷۲ _ ۴۵۰ ه. ق) می گوید: «علی بن جعفر کتابی درباره حلال و حرام دارد که از راههای گوناگونی به ما رسیده است.» (۲)

گویا فضیلت و تقوای علی بن جعفر علیه السلام در نزد نجاشی به گونه ای آشکار بوده است که آن را لازم ندانسته است. (۳)

شیخ طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰ ه. ق) درباره وی این گونه اظهار نظر می کند: «علی بن جعفر، برادر موسی بن جعفر صلوات الله علیهم _ شخصی بزرگوار و مورد اطمینان است. کتاب «مناسک و مسائل» از اوست.» (۴)

وی در کتاب رجالش، علی بن جعفر را از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام می داند و او را مورد اطمینان و صاحب کتاب معرفی می کند. (۵)

رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸ ه. ق) می گوید: «علی بن جعفر یکی از افراد مورد وثوق امام کاظم علیه السلام بود.» (۶)

علامه حلّی (۶۴۸ _ ۷۲۶ ه. ق) درباره او چنین آورده است: «علی بن جعفر برادر امام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام، از اصحاب امام

ص: ۱۸۵

۱- همان، ص ۲۰۶ _ ابو الحسن علی بن عیسی اربلی (۶۹۳ ه. ق) نیز وی را چنین ستوده است. کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۳۹۸.

۲- رجال النجاشی، ص ۱۷۶.

۳- ر.ک: تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۷۳.

۴- الفهرست، شیخ طوسی، ص ۸۷.

۵- رجال، شیخ طوسی، ص ۳۵۳ و ۳۷۹.

۶- المناقب، ج ۴، صص ۳۲۵ _ ۳۲۱.

رضا علیه السلام و مورد اطمینان است.

مرحوم کشی درباره او روایاتی آورده است که بر صحت عقیده و ادب وی با امام هادی علیه السلام دلالت دارد و شأن وی برتر از این ها می باشد.^(۱)

ابن عنبه (متوفی ۵۸۲۸ ه. ق) می گوید: «علی غریضی کوچکترین فرزند امام صادق علیه السلام عالمی بزرگوار می باشد که از برادرش، امام موسی بن جعفر علیه السلام و پسر عموی برادرش شهید حسین بن زید روایت نقل کرده است.»^(۲)

علامه ملا محمدباقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ه. ق) می گوید: «علی بن جعفر بسیار با فضیلت و با تقوا و استوار بود و از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام احادیث زیادی نقل کرده است، به تربیت وی رشد نموده و تاکنون مورد احترام شیعیان بوده، چهار یا پنج امام معصوم علیهم السلام را درک کرده است. درباره اش چنین نقل شده که: از نظر پارسایی و فضیلت کسی به منزلت وی نمی رسید.»^(۳)

محدث قمی (۱۲۹۴ _ ۱۳۵۹ ه. ق) می نویسد: «جلالت شأن و عظمت قدر آن بزرگوار بیشتر از آن است که ذکر شود و بالاتر از آن است که بر کسی پوشیده بماند. آن بزرگوار تربیت شده برادر ارجمندش امام موسی بن جعفر علیه السلام است و از بزرگان راویان

ص: ۱۸۶

۱- ۱. رجال العلامة الحلی، ص ۹۲.

۲- ۲. عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۲۳۱.

۳- ۳. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

و صاحبان تصنیف بوده، چهار امام را درک نموده [و] خدمت کرده [است] و تمامی علمای رجال او را ستایش بلیغ نموده اند. (۱)

علی بن جعفر از نظر وثاقت و فضیلت به مقامی رسیده که بعضی از مخالفین نیز وی را به عظمت و بزرگی ستوده اند. شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (متوفی ۵۷۴۸ ه. ق) (۲) و ابو الفلاح عبدالحی بن العماد حنبلی (متوفی ۱۰۸۹ ه. ق) (۳) وی را از بزرگان سادات و از اشراف می شمارند. شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲ ه. ق) (۴) می گوید: علی بن جعفر ... هاشمی و علوی است و از پدر و برادر و پسر عموی پدرش حسین بن زید بن علی بن الحسین علیهما السلام حدیث نقل می کند.

اساتید و شاگردان

اساتید

در علم رجال، به افرادی که راوی از آنها حدیث نقل می کند، «مشایخ» یا «اساتید» گفته می شود. علی بن جعفر علیه السلام از این نظر ویژگی خاصی دارد، که شاید کمتر کسی بدین شرافت و افتخار رسیده باشد.

وی پنج امام معصوم علیهم السلام را درک کرده، از محضر سه تن از آن بزرگواران بهره مند گردیده است.

ص: ۱۸۷

۱- ۱. تحفه الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب، محدث قمی، ص ۳۲۰.

۲- ۲. العبر فی خبر من عَبر، ذهبی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳- ۳. شذرات الذهب، ابن العماد، ج ۲، ص ۲۴۰.

۴- ۴. تهذیب التهذیب، عسقلانی، ج ۷، ص ۲۹۳.

۱ - پدرش، امام صادق علیه السلام:

بنابر تصریح جمعی از محدثان بزرگوار چون برقی، شیخ مفید، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب، ابن داوود^(۱) رحمه الله علیهم علی بن جعفر از پدر بزرگوارش امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده و لذا از اصحاب وی محسوب می شود.

۲ - برادرش، امام کاظم علیه السلام:

علی بن جعفر علیه السلام بیشترین بهره علمی و اخلاقیش را از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام گرفت و در مکتب وی رشد نمود و به درجات عالی رسید.

حاصل آن همه تلاش، علاوه بر رشد انسانی خود کتاب (المسائل) وی می باشد که امروز یکی از مأخذ فقهی شیعه است و او اکثر روایاتش را از برادر بزرگوارش نقل نموده است.^(۲)

۳ - فرزند برادرش، امام رضا علیه السلام:

علامه حلی و شیخ طوسی و بعضی دیگر^(۳)، علی بن جعفر علیه السلام را از اصحاب امام رضا علیه السلام دانسته و می گویند: روایاتی از آن امام همام نقل فرموده است.

ص: ۱۸۸

۱- ۱. رجال البرقی، ص ۲۵؛ الارشاد، ص ۲۹؛ رجال شیخ الطوسی، ص ۲۴۱؛ المناقب، ج ۴، ص ۳۸۰؛ رجال ابن داوود، ص ۲۳۸.

۲- ۲. ر.ک: الارشاد، ج ۲، ص ۲۸۷؛ رجال شیخ طوسی، ص ۳۵۳؛ معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص ۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۲۶.

۳- ۳. رجال العلامة الحلی، ص ۹۲؛ رجال شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ رجال البرقی، ص ۵۹.

بدون شك، وی زمان امام جواد و امام هادی علیهما السلام را درك کرده اما مشاهده نشده است که از آن دو بزرگوار روایتی نقل کند. (۱)

علی بن جعفر مشایخ دیگری نیز داشته که عبارتند از:

۱. حسین بن زید (۲) شهید فرزند علی بن الحسین علیه السلام.

۲. سفیان بن عینه ثوری. (۳)

ص: ۱۸۹

۱- ۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۵۶ و ۵۷.

۲- ۲. حسین فرزند دوم زید شهید است که در شام متولد گردید. کنیه اش ابا عبدالله و لقبش، ذوالدمعه و ذوالعبره (صاحب اشک) می باشد. امام صادق علیه السلام بعد از شهادت پدرش، چون فرزند خود به تربیتش پرداخت. و به او دانش آموخت، شیخ طوسی و ابن شهر آشوب و علامه حلّی و دیگران وی را از روایان صاحب کتاب معرفی نموده اند، و او را شخصی مورد وثوق می شناسند. علت آنکه او را صاحب اشک لقب داده اند، این بود که او بسیار می گریست. فرزندش یحیی می گوید: زمانی مادرم به پدرم گفت: چقدر گریه هایت زیاد است؟! پدرم گفت: آیا آتش و آن دو تیر برای من خوشحالی باقی گذاشته تا بتوانم نگریم. مقصود او از آتش، یادآوری خاطره جانگداز سوزاندن جسد مقدس پدرش زید می باشد و منظور از دو تیر آن دو تیری بود که یکی به پدرش و دیگری به برادرش یحیی اصابت کرد و آن دو را شهید نمود. ر.ک: شخصیت و قیام زید بن علی، سید ابوالفضل رضوی اردکانی، صص ۵۹۲ - ۵۹۴؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۷؛ معالم العلماء، ص ۴۰؛ رجال العلامة الحلّی، ص ۵۱؛ الجامع فی الرجال، زنجانی، ص ۵۹۸.

۳- ۳. سفیان بن عینه فرزند ابو عمران میمون، در کوفه متولد گردید و در مکه اقامت گزید و در آنجا وفات کرد (۱۹۸ ه. ق، در ۹۱ سالگی). وی از هم پیمانان بنی هلال، قبیله میمونه می باشد و از تابعین تابعین و محدثان شهیر بود. و در تفسیر و احادیث نبوی توانمند بوده است. هفت هزار حدیث از زهری و غیره روایت کرده و شافعی و یحیی بن اکثم قاضی و ... از وی حدیث نقل کرده اند. خطیب بغدادی وی را بسیار ستوده است و ابن خلّکان می گوید: او هفتاد مرتبه به حج رفته است (ریحانه الادب، ج ۸، ص ۱۳۰).

۳. محمد بن مسلم. (۱)

۴. عبدالملک بن قدامه

۵. مُعْتَبَ از محبان امام صادق علیه السلام.

معتب یکی از ده موالی امام صادق علیه السلام می باشد که از همه برتر و با فضیلت تر می باشد. (۲)

۶. ابوسعید مکی. (۳)

شاگردان

کسانی که از راوی، روایت نقل می کنند، شاگردان وی محسوب می شوند. علی بن جعفر به موجب انتسابش به خاندان وحی و امامت،

ص: ۱۹۰

۱-۱. محمد بن مسلم کوفی، فرزند رباح یکی از برجستگان اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده، علما در صحت روایات وی اتفاق نظر دارند و وی را از اصحاب اجماع می شمارند (رجال کشی، ص ۲۳۸). و یکی از باتقواترین و فقیه ترین افراد زمان خویش بود و کتاب «اربعمأه مسأله فی ابواب الحلال و الحرام» از وی می باشد (رجال النجاشی، ص ۲۲۶). امام صادق علیه السلام می فرماید: محبوب ترین مردم نزد من _ زنده یا مرده _ چهار نفرند، بُرید عجللی و زراره بن اعین و محمد بن مسلم و اَحْوَل. (محمد بن علی بن النعمان معروف به مؤمن الطاق) این چهار نفر _ زنده یا مرده _ از همه مردم نزد من محبوبترند. (کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ص ۷۶). وی چهار سال در مدینه از محضر امام باقر علیه السلام کسب فیض نمود. پس از آن از محضر امام صادق علیه السلام بهره های علمی زیادی نصیب خود ساخت. چنانکه روایت شده است سی هزار حدیث از امام باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از امام صادق علیه السلام نقل نموده است. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲-۲. اختیار معرفه الرجال، ص ۲۵۰.

۳-۳. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، صص ۵۷ _ ۵۸.

و ارتباط نزدیکش با ائمه معصومین علیهم السلام بیشتر مورد توجه بوده است و چون خورشیدی عالمتاب، گردش جمع می شدند تا از نور وجودش، راههای تاریک زندگی خویش و آیندگان را روشن نمایند.

بدین سبب تشنگان حقیقت به واسطه وی از دریای بی کران علم خاندان عصمت و طهارت، آب حیات نوشیده، مشکلات علمی و دینی خویش را حل می نمودند. از همین رو وی توفیق یافت که با پرورش شاگردان زیاد، علوم اهل بیت علیهم السلام را در اختیار آنها قرار دهد.

در کتابهای رجال و مجموعه های روایی ذکر شده است که بیش از چهل راوی از خوان نعمت علمی وی بهره مند شدند. اسامی آنها به ترتیب حروف الفبا چنین است:

۱. احمد بزى (احمد بن زید)؛

۲. احمد بن علی بن جعفر (فرزندش)؛

۳. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛

۴. احمد بن محمد بن عبدالله؛

۵. احمد بن موسی؛

۶. احمد بن یزید؛

۷. اسحاق بن محمد بن اسحاق بن جعفر؛

۸. اسحاق بن موسی بن جعفر (فرزند برادرش)؛

۹. اسماعیل بن محمد بن اسحاق بن جعفر (فرزند پسر برادرش)؛ وی مانند استادش علی بن جعفر علیه السلام از راویان مورد وثوق

ص: ۱۹۱

و صاحب کتاب می باشد. (۱)

۱۰. اسماعیل بن همام؛

وی نیز از نظر علمای رجال مورد اطمینان بوده و دارای کتابی است. (۲)

۱۱. اسماعیل بن یسار (بشار)؛

۱۲. ایوب بن نوح؛

وی نزد امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام دارای منزلتی عظیم بود و بسیار باتقوا و اهل عبادت و مورد وثوق بود. (۳)

۱۳. الحسن بن الحسین بن علی بن الحسین؛

۱۴. الحسن بن علی بن عثمان بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام؛ (الحسن بن علی بن عمر و العمرکی)؛

۱۵. حسین بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام؛

شرح حال وی در بخش اساتید ذکر شد.

۱۶. الحسین بن عیسی بن عبدالله؛

۱۷. الحسین بن موسی بن جعفر علیه السلام (پسر برادرش)؛

۱۸. داوود بن محمد نهدی؛ که خود از راویان مورد وثوق است.

۱۹. زکریا بن یحیی بن نعمان صیرفی، بصری؛

۲۰. زید بن علی بن الحسین علیه السلام؛

ص: ۱۹۲

۱-۱. مجمع الرجال قهپایی، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲-۲. همان، ج ۷، ص ۱۰۸.

۳-۳. همان، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲۱. سلمه بن شعیب؛

۲۲. سلیمان بن جعفر؛

۲۳. عبدالجبار بن عمرو یمامی؛

۲۴. عبدالعزیز بن عبدالله اویسی؛

۲۵. عبدالعظیم حسنی؛

۲۶. عبدالله بن الحسن بن علی بن جعفر (نواده وی)؛

۲۷. عبدالله نهیکئی؛

۲۸. علی بن اسباط بن سالم؛

۲۹. علی بن حسن بن علی بن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام؛

۳۰. علی بن حسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین علیه السلام؛ (شاید این همان علی بن حسن باشد).

۳۱. علی بن محمد بن حفص، ابوقتاده قمی؛

۳۲. عمر کی بن علی بوفکی خراسانی، نیشابوری؛

۳۳. عمرو بن ابی معمر؛

۳۴. عیسی بن عبدالله؛

۳۵. محمد بن حسن بن عمار؛

۳۶. محمد بن عبدالله بن مهران؛

۳۷. محمد بن علی بن جعفر (فرزندش)؛

۳۸. موسی بن حسن؛

۳۹. موسی بن قاسم بجلئی؛

۴۰. نصر بن علی جَهْضَمی؛

۴۱. یعقوب بن یزید؛

۴۲. یونس بن عبدالرحمان؛

۴۳. هارون بن موسی. (۱)

بعضی از شاگردان علی بن جعفر از علمای بزرگ و راویان بنام و برجسته بوده اند که زندگینامه تنی چند از آنها را به طور خلاصه ذکر می کنیم:

۱. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (متوفی ۲۲۱ق): از محدثان بلند پایه شیعه و از اصحاب امام موسی بن جعفر و امام رضا و امام جواد علیهم السلام بوده و علما، روایات وی را صحیح و او را از اصحاب اجماع می دانند. کتاب «الجامع»، «ما رواه عن الرضا علیه السلام»، «المسائل» و «النوادر» از تألیفات اوست. (۲)

۲. زید بن علی بن الحسین: وی بعد از حضرت امام باقر علیه السلام از دیگر برادران خود بهتر و فاضل تر بود. شخصی عابد، پرهیزگار، سخاوتمند و شجاع بود که در پی امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی امام حسین علیه السلام با شمشیر قیام کرد. او پیوسته مشغول قرائت قرآن مجید بود و از خوف خدا می گریست.

قیام وی برای دفاع از حق امامت و ولایت بود و برادرش امام باقر علیه السلام را شایسته این امر می دانست. (۳)

ص: ۱۹۴

۱- ۱. ر.ک: مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، صص ۵۸ - ۶۵؛ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۲۷؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۱۴، ص ۲۶۳.

۲- ۲. ر.ک: بهجه الامال فی شرح زبده المقال، ج ۲، ص ۱۰۲؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳- ۳. منتهی الامال، ج ۲، صص ۵۶ - ۵۷.

۳. حضرت عبدالعظیم حسنی از محدثان بزرگوار، عالم، زاهد، عابد و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام بود و احادیث زیادی از ایشان نقل کرده است، زمانی اعتقاداتش را بر امام هادی علیه السلام عرضه می کند و حضرت می فرماید: به خدا سوگند این است دین پسندیده خدا. بر همین اعتقاد ثابت باش! خداوند متعال تو را در دنیا و آخرت ثابت قدم بدارد. (۱)

رحلت

در تاریخ وفات علی بن جعفر علیه السلام اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی چون ذهبی (۲)، ابن حجر (۳)، یاققی (۴)، ابن العماد (۵) و از متأخرین آقا بزرگ تهرانی (۶) و ... رحلت وی را سال ۲۱۰ ه. ق دانسته اند. بعضی چون ابن عنبه و ... می گویند: علی بن جعفر زمان امام هادی علیه السلام را درک نموده و تا حدود سال ۲۲۰ ه. ق در قید حیات بوده است. (۷)

مامقانی (ره) (۸) طول حیات وی را تا سال ۲۵۲ ه. ق بعید نشمرده، و مدت عمرش را ۱۲۰ سال، بلکه بیشتر از آن دانسته است.

ص: ۱۹۵

-
- ۱- همان، ص ۴۴۶ و ۴۴۷.
 - ۲- العبر فی خبر من غیر، ذهبی، ج ۱، ص ۳۵۸.
 - ۳- تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۳.
 - ۴- مرآه الجنان، یاققی، ج ۲، ص ۸۴.
 - ۵- شذرات الذهب، ابن العماد، ج ۲، ص ۲۴.
 - ۶- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۶۰.
 - ۷- عمده الطالب، ص ۲۳۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲.
 - ۸- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۷۳.

مسعودی می نویسد: «وفات علی بن جعفر مدنی روز دوشنبه سه روز به آخر ماه ذوالحجه سال ۲۳۴ هـ . ق واقع شد و در آن موقع هفتاد و دو سال از عمرش گذشته بود.»^(۱)

بعضی بدین نتیجه رسیده اند که تولد وی زودتر از سال ۱۳۵ هـ . ق و وفاتش بعد از سال ۲۲۰ هـ . ق نمی باشد. پس هنگام وفات ۸۵ ساله بوده است.^(۲) اما با تحقیقی که گذشت، تولد علی بن جعفر حدود سال ۱۳۰^(۳) و وفاتش از سال ۲۲۰ هـ . ق فراتر نبوده و سن شریف وی در هنگام وفات حدود نود سال بوده است.

مرقد شریف در عَرِیض

محدث نوری(ره) می گوید: «مرقد شریف علی بن جعفر(ره) در عَرِیض حدود یک فرسخی مدینه است، و من در بعضی از سفرها آنجا را زیارت کردم. دارای بقعه و بارگاه مجللی است.»^(۴) محدث قمی(ره)^(۵) و جمعی از نسب شناسان نیز بر همین عقیده اند.^(۶)

ص: ۱۹۶

۱-۱. مروج الذهب، مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ص ۵۳۴.

۲-۲. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۲.

۳-۳. همان، ص ۱۰۷.

۴-۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، صص ۶۲۷ و ۶۲۸.

۵-۵. منتهی الآمال، محدث قمی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۶-۶. ر.ک: اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۸، ص ۱۷۷؛ و اختران تابناک، ج ۱، ص ۳۳۶؛ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۴۳؛ گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲، ص ۳۲۴؛ ریحانه الادب، میرزا محمد علی مدرس، ج ۴، ص ۱۲۵ - ۱۲۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۹۳.

در شرق شهر مقدس قم [اواخر خیابان چهار مردان (انقلاب) جنب گلزار شهدا] بارگاهی وجود دارد که به «دربهشت» مشهور است و از آن و کاشی های نفیس مرقد و محراب و ازاره و درگاه آن در بسیاری از مآخذ داخلی و خارجی یاد شده است.

آن تربت را «علی بن جعفر عریضی» فرزند امام صادق علیه السلام می پندارند. ولی بعید است این انتساب صحیح باشد. (۱)

علامه ملا محمدتقی مجلسی (ره) (۱۰۰۳ _ ۱۰۷۰ ه. ق) می نویسد: «قبر علی بن جعفر در شهر قم مشهور و معروف است. شنیدم که اهل کوفه از او تقاضا کردند، به کوفه بیاید. علی بن جعفر دعوت آنها را پذیرفت و به کوفه رفت و مدتی در آنجا ماند. مردم کوفه از وی احادیثی آموختند و او نیز از آنها، احادیثی گرفت. سپس مردم قم از وی خواستند به قم بیاید. او به قم آمد و تا آخر عمر در آنجا ماند و بعد از رحلت در قم به خاک سپرده شد.» (۲)

محدث نوری (ره) این نظر را نادرست شمرده و برای آن چند دلیل آورده است:

۱. چگونه ممکن است علمای رجال شناس، علی بن جعفر علیه السلام را که فضل و کمالش شهرت داشته، در ردیف افرادی که وارد شهر قم شدند، یاد نکنند در حالی که بنابراین داشتند که

ص: ۱۹۷

۱- ۱. ر.ک: تربت پاکان، ج ۲، ص ۴۲.

۲- ۲. روضه المتقین، مجلسی، ج ۱۴، ص ۱۹۱.

علمایی که به شهر دیگری وارد و ساکن می شدند، نام و مشخصاتشان را ثبت کنند.

۲. چگونه علمای نسب شناس شرح حال اولاد و نوادگان علی بن جعفر را نوشته اند ولی از آمدن خود او به شهر قم هیچ یاد نکرده اند!

تاریخ نویس شهیر، حسن بن محمد بن حسن قمی که همزمان با شیخ صدوق علیه الرحمه (۲۸۱ ه. ق) بوده، کتاب «تاریخ شهر قم» را نگاشته و عموم ساداتی که به قم هجرت کرده اند، مخصوصاً سادات عریضی را در آن کتاب ذکر کرده است و می نویسد: اول کسی که از سادات عریضی وارد شهر قم شد، حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام است. و آن گاه شرح حال فرزندان علی بن جعفر علیه السلام را هر کدام جداگانه نوشته است.

اما چه شد که هیچ کس از ورود و فوت سرسلسله سادات عریضی علی بن جعفر علیه السلام به قم یادی نکرده است!

۳. علاوه بر آنها علمایی که برای شنیدن حدیث به دورترین شهرها می رفتند و رنج سفرها را تحمل می کردند، چگونه هیچ یک از آنها از علی بن جعفر علیه السلام، حدیثی نشنیده و نقل نکرده است، در حالی که وی فرزند امام صادق علیه السلام و برادر امام کاظم علیه السلام و دریای علم و معرفت بوده است! (۱)

بدین سبب، مرقد شریف وی در قم نمی باشد و آنچه امروز در قم به نام علی بن جعفر علیه السلام مشهور است، از نوادگان اوست.

ص: ۱۹۸

محدث قمی رحمه الله علیه در برشماری فرزندان علی بن جعفر چنین می گوید:

«از او چهار پسر به نامهای محمّد و احمد شعرانی، حسن و جعفر باقی ماند. از جعفر اصغر نیز فرزندی به وجود آمد که علی نام داشت. و حال وی پوشیده است. این قبری که در قم است، احتمال دارد قبر همین علی بن جعفر بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام باشد.»^(۱)

با این بیان مزار موجود در قم متعلق به نوه علی بن جعفر عریضی است. بعضی این قبر را به نواده دیگر علی بن جعفر، به نام «علی بن حسن بن عیسی علوی عریضی» منتسب دانسته اند که وی همراه پدرش از مدینه به قم آمده است.^(۲) اگر این نسبت صحیح باشد، باید وی را علی بن حسن نامید؛ مگر بگوییم وی را به اسم جدّش علی بن جعفر گفته اند.

ص: ۱۹۹

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، صص ۱۸۶ - ۱۸۷؛ در گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۲۴ آمده است: مرحوم عبدالغفار خان منجم (منجم الدوله) در کتاب خط الرجال و شدالازار. بر وجود مقبره علی بن جعفر عریضی، در عریض مدینه تصریح کرده و افزوده است: مقبره منتسب به علی بن جعفر در قم، از علی بن جعفر بن احمد بن علی بن جعفر عریضی است. ولی ظاهراً اسم «احمد» زاید باشد، چون که از احمد فرزندی به نام جعفر ذکر نشده است. ر.ک: عمده الطالب، صص ۲۳۱ - ۲۳۵).

۲- ۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۴۲، به نقل از ترجمه کتاب تاریخ قم، ص ۲۲۴ و در گنجینه آثار قم، تألیف عباس فیض، ج ۲، ص ۳۲۲ آمده: مدفون در اینجا؛ علی بن حسن العلوی ابن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر عریضی است. که در تاریخ قم، بر هجرت وی از عراق به سوی قم و رحلت وی و دفنش در نزدیکی نهر سعد، تصریح نموده است.

بنا و تزیینات بقعه «دربهشت» از نیمه نخستین قرن هشتم است. این بقعه به دستور عظاملک میر محمد حسنی بنیاد و با گچ بریهای رنگین آراسته شد. کار بنا و تکمیل و تزیین آن در سال ۷۴۰ ه. ق. پایان یافته است. (۱) سمت راست آن، این عبارت نوشته شده است:

هذا الضريح الشريف والمرقد المنيف للإمام الطاهر محمد بن الامام المعصوم موسى الكاظم؛ ابن الامام المعصوم جعفر الصادق؛ ابن الامام المعصوم محمد الباقر؛ ابن الامام المعصوم السجاد على زين العابدين؛ ابن الامام المعصوم الشهيد ابى عبدالله الحسين؛ ابن الامام المعصوم الشهيد المولى الامير المؤمنين (۲) ابى الحسن على بن ابيطالب _ صلوات الله عليهم اجمعين.

و سمت چپ آن چنین نگاشته شده:

هذا المرقد و المزار المتبرك للامام المعصوم المظلوم الراوى على العريضى؛ ابن مولانا والسيدنا (۳) الامام المعصوم جعفر الصادق، ابن الامام المعصوم محمد الباقر، ابن الامام المعصوم

ص: ۲۰۰

۱-۱. تربت پاکان، ص ۴۴.

۲-۲. بر لوح قبر، «الأمير المؤمنين» حک شده است، در اینجا هم عین همان کلمه نقل شده است.

۳-۳. بر لوح قبر المولانا والسیدنا والامیر حک شده است در اینجا هم عین همان کلمات نقل شد.

السَّجَّاد، علی زین العابدین؛ ابن الامام المعصوم الشهید المظلوم ابی عبدالله، الحسین؛ ابن الامام الشهید الامیر(۱) المؤمنین علی بن ابی طالب _ صلوات الله علیهم.

از این بیان معلوم می شود در زیر این بقعه دو تن از نوادگان امام علیه السلام مدفون هستند. علامه محمد باقر مجلسی(ره) نیز با توجه به نوشته روی قبر یکی از آن دو را به علی بن جعفر الصادق علیه السلام منتسب دانسته است، در صورتی که با دقتی که به عمل آمد، معلوم شد که این، قبر علی بن جعفر عریضی(۲) نمی باشد.(۳)

مرقدی در سمنان

در خارج شهر سمنان، در وسط باغی سرسبز و خرم، بقعه و بارگاه مجللی وجود دارد که به علی بن جعفر عریضی منسوب است.

با بیانی که گذشت، روشن شد که این مرقد نیز از آن وی نمی باشد بلکه مرقد شخص دیگری است که همانام او یا از نوادگانش است.(۴)

ص: ۲۰۱

۱-۱. کلمات المولانا والسیدنا والامیر، چنین بود که ذکر شد.

۲-۲. اگر قبل از نام علی بن جعفر کلمه دیگری نبوده باشد، باز هم ثابت نمی شود که این قبر متعلق به علی بن جعفر عریضی است. چون که معمول چنین بوده که در الواح قبور نام متوفی و جدّ اعلائی او را می نوشتند و وسایط را ذکر نمی کردند. و این لوح ها از قرن هشتم هجری یعنی چهار قرن بعد از رحلت آنان تهیه شده و هیچ گاه سند شمرده نمی شوند. ر.ک: گنجینه: آثار قم، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳-۳. اختران تابناک، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴-۴. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، صص ۶۲۷ _ ۶۲۸.

الف: یادگاری از قلم

«مسائل» علی بن جعفر علیه السلام

یکی از کتابهای معتبری که از مصادر کتاب ارزشمند «بحارالانوار» می باشد، «مسائل علی بن جعفر علیه السلام» است.

رجال شناسان بر این عقیده اند که علی بن جعفر علیه السلام کتابی دارد که مطالبش را از برادرش امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است. اما در نامگذاری آن اختلاف دارند. و همین سبب شده که بعضی گمان کنند وی دارای دو کتاب یا سه کتاب است.

محدث نوری می گوید: «کتاب علی بن جعفر علیه السلام در این زمان از کتب معتبر و اصیل است. بسیاری از علمای بزرگ از آن استفاده نموده، روایات آن را مورد توجه قرار می دهند. و این مثل جلالت و عظمت شأن او از واضحات است.»^(۱)

نجاشی وی را صاحب یک کتاب می داند. در یک جا می گوید: او کتابی در حلال و حرام دارد^(۲) و در جای دیگر آن را «المسائل» می نامد.^(۳)

ابوغالب زراری (متوفی ۳۶۸هـ. ق) در منابع کتابش، نام کتاب «مسائل علی بن جعفر علیه السلام» را ذکر کرده است.^(۴)

محمد بن علی بن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸هـ. ق) می گوید: علی بن

ص: ۲۰۲

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۲۶.

۲- ۲. رجال النجاشی، ص ۱۷۶.

۳- ۳. همان، ص ۲۱.

۴- ۴. رساله فی آل اعین، ابوغالب زراری، شرح سید محمد علی موسوی موحدی، ص ۶۵.

جعفر الصادق علیه السلام دارای کتابی به نام «مسائل» می باشد. (۱)

شیخ طوسی (ره) وی را صاحب کتابی می داند که آنچه از برادرش سؤال نموده، در آن جمع است. (۲) اما در فهرست شیخ آمده که: علی بن جعفر دارای کتابی به نام «مناسک و مسائل» است. (۳)

ظاهر عبارت آن است که وی دو کتاب دارد. از همین رو برخی با صراحت وی را صاحب دو کتاب دانسته اند. (۴)

بعضی برای او نام سه کتاب را آورده اند: ۱. «المناسک»؛ ۲. «المسائل»؛ ۳. «کتابی در حلال و حرام». (۵)

ولی همان گونه که ذکر شد؛ علی بن جعفر، یک کتاب بیشتر آن هم به نام «المسائل» ندارد که از برادرش امام کاظم علیه السلام سؤال کرده و جواب گرفته و آنها را در آن کتاب جمع آوری نموده است که شامل ابواب مختلفی از حلال و حرام می باشد. (۶)

ب: خاندان

در بعضی از کتابهای نسب شناسی، فاطمه کبری دختر محمد بن عبدالله باهر فرزند امام زین العابدین علیه السلام را همسر علی بن

ص: ۲۰۳

۱- ۱. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، ص ۷۱.

۲- ۲. رجال طوسی، ص ۳۵۳.

۳- ۳. فهرست طوسی، صص ۸۷ _ ۸۸.

۴- ۴. معجم المؤلفین، عمر رضا کخّاله، ج ۷، ص ۵۳.

۵- ۵. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۶۹، به نقل از «الجامع فی الرجال»، زنجانی، ج ۲، ص ۵۱۹.

۶- ۶. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۶۹.

جعفر علیه السلام دانسته اند.^(۱) فرزندان او به عُرَیضِیُون مشهور بوده اند و اسامی آنها بدین شرح است:

۱. محمد اکبر؛

۲. محمد اصغر؛

۳. حسن؛

۴. احمد شعرانی؛

۵. علی؛

۶. جعفر اصغر؛

۷. کلثوم (ام کلثوم)؛

۸. ملیکه؛

۹. خدیجه؛

۱۰. حمدونه؛

۱۱. زینب؛

۱۲. فاطمه.^(۲)

و بعضی فرزندی به نام عبدالله نیز برای وی شمرده اند.^(۳)

از فرزندان و نوادگان علی بن جعفر عریضی خانواده بزرگی شکل گرفت که بیشتر شهرها به سبب مهاجرت این بزرگواران بدان سرزمینها از برکت وجودشان بهره مند گردیدند.

ص: ۲۰۴

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲- ۲. مهاجران آل ابی طالب، ابراهیم بن ناصر بن طباطبا، ترجمه محمدرضا عطایی، ص ۳۰۳؛ عمدۀ الطالب، ص ۲۳۳.

۳- ۳. همان.

امروز نیز مراقد شریف بزرگانی از این خاندان در دورافتاده ترین نقاط عالم، چشم و چراغ آن دیارند. ذکر و یاد همه آنها، کتابی مستقل می‌طلبد و از حوصله این مختصر، بیرون است. ما در اینجا به ذکر تنی چند از آنها اکتفا می‌کنیم:

سید کمال الدین

مقبره اش در قریه «سین خوار» در استان اصفهان زیارتگاه مؤمنان است. بیشتر سادات شهر نظیر از فرزندان این امامزاده بزرگوار می‌باشند، از آن جمله سید ابوالمعالی و سید ابو علی است که فرزندان بزرگوارشان در اصفهان از برجستگان دین به شمار می‌روند. (۱) یکی از آنها سید ارجمند مجد الدین حلبی استاد محقق حلّی (ره) است.

نسب نامه اش را چنین نوشته‌اند: علی بن حسن بن ابراهیم بن علی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسن بن عیسی بن محمد بن عیسی (۲) بن علی بن جعفر عریضی. (۳)

ص: ۲۰۵

۱-۱. روضه المتقین، محمد تقی مجلسی، ج ۱۴، ص ۱۹۱.

۲-۲. ظاهراً بعد از عیسی، «محمد اکبر» ساقط شده است چون که از نسب شناسان کسی، برای علی بن جعفر عریضی فرزندی به نام عیسی ذکر نکرده است. علاوه بر اینکه در کتاب «مهاجران آل ابی طالب ص ۹۵» یکی از مهاجران به اصفهان را شخصی به نام ابوالحسن محمد بن عیسی اکبر نقیب، پسر محمد اکبر فرزند علی عریضی را می‌شمارد و این مجد الدین حلبی نیز از نوادگان وی می‌باشد. در منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۸۷ نیز بعد از عیسی، محمد را ذکر کرده است.

۳-۳. ریحانه الادب، ج ۵، ص ۱۸۶؛ مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۲۸؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۸۷.

این عالم متقی فرزند سید محمد اصفهانی مشهور به امامی، از شاگردان برجسته علامه مجلسی است. تألیفاتش عبارتند از:

۱. کتاب تراجیح در فقه؛

۲. ترجمه شفا و اشارات ابن سینا؛

۳. کتاب هشت بهشت، که ترجمه هشت کتاب از قبیل: خصال، کمال الدین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، امالی و غیر آن می باشد.

وی را امامی نامیدند زیرا انتسابش به امامزاده، ابوالحسن علی زین العابدین بن نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسی (ملقب به رومی) بن جمال الدین محمد بن علی عریضی، فرزند امام جعفر صادق علیه السلام می رسد که در محله جملان اصفهان مدفون است. (۱)

افراد دیگری از این خاندان که به اصفهان آمدند، عبارتند از: ابوطیب زید بن حسن بن احمد بن عبیدالله بن محمد بن علی بن عبیدالله بن احمد شعرانی پسر علی بن جعفر عریضی. و ابوالحسن محمد بن عیسی اکبر نقیب پسر محمد اکبر فرزند علی بن جعفر. (۲)

سلطان سید علی در نایین

جمعی از افراد خاندان عریضی در نایین مقیم بودند که مقابر عده ای از برجستگان آنها هم اکنون در آن شهر موجود است.

مردم نایین معتقدند نخستین فردی که از این خانواده به نایین آمد،

ص: ۲۰۶

۱- ۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۸ زیرنویس؛ ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- ۲. مهاجران آل ابی طالب، ص ۹۵.

بعد از رحلت در آن شهر مدفون گردید، علی بن عبیدالله بن احمد شعرانی فرزند ابو الحسن علی عریضی است که امروز بارگاهی به نام وی، زیارتگاه مؤمنان است. (۱)

سادات عریضی در یزد

سادات عریضی از قرن پنجم هجری در یزد مقیم بوده اند. (۲)

۱. امامزاده ابو جعفر: معروف ترین افراد از خاندان علی بن جعفر علیه السلام که در یزد می زیسته، ابو جعفر، محمد بن علی بن عبیدالله بن احمد بن علی بن جعفر عریضی است.

ماجرای آمدن امامزاده ابو جعفر محمد، به یزد در تمام کتب تاریخ یزد به یک نحو نقل شده که خلاصه آن چنین است: وی در زمان خلافت متوکل عباسی به علت بیدادی که به خاندان رسالت می شد، به طور ناشناس از مدینه به یزد آمد و به پیشه آهنگری رو آورد.

در این میان، حاکم یزد به نام «امیر او جش» دو شب متوالی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در خواب می بیند که به او می فرماید: یکی از فرزندان من در این شهر می باشد، باید مقدم او را گرامی بداری! حاکم از حال وی جو یا می شود و از محل کارش اطلاع می یابد و نزد وی می رود، دست و پای او را بوسیده، خواب خود را برای او باز می کند.

در این حال ابو جعفر نسب خود را آشکار می نماید و حاکم او را گرامی

ص: ۲۰۷

۱-۱. یادگارهای یزد، ایرج افشار، ج ۲، ص ۳۰۵؛ به نقل از تاریخ نایین، ج ۱، صص ۷۹ - ۸۱.

۲-۲. یادگارهای یزد، ج ۲، صص ۲۶۰ - ۳۰۳.

می دارد و دخترش را به ازدواج وی در می آورد و خانه ای در اختیارش می گذارد و اراضی «طَرِجَان» و «فَرَج» را برای معاش وی معین می کند. ابوجعفر محمد در سال ۴۲۴ ه. ق از دنیا می رود و در محله مصلاهی عتیق او را به خاک می سپارند. هم اکنون مقبره وی دارای بارگاه مجللی است که زیارتگاه شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می باشد و به خاطر کنیه اش (ابوجعفر) در نزد عموم مردم به امامزاده جعفر معروف است. (۱)

۲. امامزاده سید جعفر: بارگاه این امامزاده در کنار جاده اصلی یزد - تهران واقع است و تاریخ ایجاد این مزار همزمان با فوت امامزاده می باشد.

شجره نامه وی که به کوشش متولی و رئیس هیأت امنای امامزاده از کتب مختلف استخراج و بررسی شده و به تأیید دفتر حضرت آیت الله نجفی مرعشی رسیده، از این قرار است:

امامزاده سید جعفر بن علی بن عبدالله بن احمد شعرانی بن حسن بن علی عریضی فرزند امام جعفر صادق علیه السلام. (۲)

۳. سید رکن الدین: سید رکن الدین ابوالمکارم محمد قاضی حسینی یزدی، از رجال مهم و صاحب موقوفات بسیار بود. تفصیل موقوفات وی و فرزندش سید شمس الدین محمد در وقفنامه آن دو که به صورت کتابی

ص: ۲۰۸

۱- ۱. ر.ک: تاریخ جدید یزد، احمد کاتب، ص ۱۵۲؛ تاریخ یزد، جعفری، ص ۱۳۰؛ یادگارهای یزد، ج ۲، صص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ مهاجران آل ابی طالب، ص ۴۳۵، زیرنویس به نقل از تاریخ یزد، طاهری، صص ۴۱ - ۴۲؛ جامع مفیدی، ج ۳، صص ۵۲۰ - ۵۳۰؛ سیمای یزد، سرای پاسداران، مؤلف همین کتاب.

۲- ۲. بررسی سنگ نبشته مزار شهدا، کارشناسان مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۹۱.

به نام «جامع الخیرات» به چاپ رسیده، درج شده است. بدین سبب نام این دو بزرگوار تداعی بخش احیای وقف و رونق این سنت الهی است.

سید رکن الدین برای مراکز علمی و دینی خود در یزد، اصفهان، ابرقو، کازرون، قم، کاشان و حدود آن، موقوفات بسیار داشته و امّا اکنون از آن همه آثار بجز بنای مسجد جامع یزد، مسجد محله مصلاهی عتیق و گنبد مدرسه اش که محل دفن اوست، چیزی باقی نمانده است.

سید رکن الدین در سال ۷۳۲هـ. ق وفات کرد و در زیر گنبد مدرسه خود نزدیک مسجد جامع مدفون گردید و مرقدش زیارتگاه مؤمنان است. نسبنامه او چنین است:

سید رکن الدین محمد بن قوام الدین محمد بن نظام الدین محمد حسینی «نقیب» ابن ابی محمد شرفشاه بن ابی المعالی عربشاه بن ابی محمد بن ابی الطیب زید بن ابی محمد الحسن بن احمد بن عبیدالله بن ابی جعفر محمد بن علی بن عبیدالله بن احمد شعرانی بن ابی الحسن علی عریضی بن امام جعفر صادق علیه السلام. (۱)

۴. سید شمس الدین: وی فرزند سید رکن الدین محمد، می باشد که نسب نامه اش به همان واسطه ها به امام جعفر صادق علیه السلام می رسد و همچون پدر بزرگوارش باعث آثار خیر متعدد در یزد و دیگر شهرها می باشد، مهمانسرا و عمارت «نه گنبد» و مجو مرد، جو گند، عقدا، نیستانه و بعضی مهمانسراهای دیگر از آثار اوست.

سید شمس الدین در سال ۷۳۳هـ. ق یک سال بعد از فوت پدر، از دنیا

ص: ۲۰۹

رفت و در زیر گنبد مدرسه اش در محله چهار منار یزد به خاک سپرده شد و بارگاهش جزء آثار باستانی و زیارتگاه مؤمنان است.^(۱)

ص: ۲۱۰

۱-۱. همان. و تاریخ جدید یزد، ص ۱۲۹ - ۱۳۱.

۵. سید احمد حسینی اردکانی: عالمی فقیه، محدثی حکیم، فاضلی نسب شناس و معاصر فتحعلی شاه قاجار بود. از ترجمه مجلدات عوالم که در سال ۱۲۳۸ ه. ق به پایان رسانده، معلوم می شود که وفات وی بعد از این سال بوده است.

ترجمه فارسی «مبدأ و معاد» تألیف مرحوم ملاصدر را در سال ۱۲۴۲ ه. ق به اتمام رسانده و به خوبی از عهده آن برآمده است. گاه توضیحاتی از خود بر آن افزوده یا مطالبی مناسب، از کتابهای دیگر مؤلف شاهد آورده است. بدین سبب بعضی آن را «شرح مبدأ و معاد» یا «شرح و ترجمه مبدأ و معاد» دانسته اند. نثر ترجمه اغلب روان و رساست.

وی درباره شرح زندگی خود در پایان «محبوب القلوب» چنین نگاشته:

«وبالجمله مترجم این کتاب مستطاب، احمد بن محمد الحسینی العریضی به عرض برادران ایمانی و دوستان روحانی می رساند که سلسله نسب بنده حقیر به فخر سادات و مظهر و منبع سعادات، امامزاده لازم التکریم علی بن الامام الهمام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام می رسد.

سپس می افزاید: یکی از نوادگان آن بزرگوار که به «ابو جعفر» معروف بود، به موجب شدت آزار دشمنان از موطن خود هجرت نموده و به طور ناشناس وارد یزد می شود. والی یزد از حال او اطلاع می یابد و او را تکریم می نماید. و دختر خود را به او تزویج می نماید. (۱)

اولاد آن بزرگوار در آن دیار زیاد می شوند. پدران من از شهرستان یزد به اردکان می آیند و در اینجا ساکن می شوند.

ص: ۲۱۱

۱-۱. شرح آن چند صفحه قبل گذشت.

تألیفاتی که از او نام برده اند، چنین است:

۱. احوالات امام حسین علیه السلام؛
۲. احوالات امام زمان «عجل الله فرجه»؛
۳. احوالات موسی بن جعفر علیه السلام؛
۴. ترجمه جامع السعادات نراقی به فارسی؛
۵. ترجمه زیارات و دعوات به فارسی؛
۶. ترجمه عوالم العلوم والمعارف به فارسی؛
۷. ترجمه محبوب القلوب به فارسی؛
۸. سرور المؤمنین در احوال حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام؛
۹. شجره الاولیاء، یا الانساب المشجره؛
۱۰. شرح اسباب نفیسی (در طب)؛
۱۱. شرح تجرید الکلام مرحوم خواجه؛
۱۲. شرح زیارت جامعه کبیره؛
۱۳. شرح شرایع الاسلام محقق حلّی؛
۱۴. شرح کتاب مختصر؛
۱۵. ضیاء العیون در تعزیه امام حسین علیه السلام؛
۱۶. طریقہ بیضاء در بیان اجتهاد و اخبار؛
۱۷. فضائل الشیعہ؛
۱۸. کتابی در طب؛
۱۹. فضائل الصلوات؛(۱)

١-١. ر.ك: تاريخ اردكان، على سپهرى، ج ١، صص ١٩٦ - ٢٠٠؛ الذريعه، ج ٢١، ص ٢١٣ و ج ٢٠، ص ٢٣٩؛ جامع الشواهد، ص ٢؛ كشف الارتياب، آيه الله شهاب الدين مرعشى نجفى، ص ٦٦٦؛ فوائد الرضويه، محدث قمى، ص ١٣ و ١٤ و ٢٩؛ مبدأ و معاد، ترجمه احمد بن محمد حسيني اردكاني به كوشش عبدالله نوري، ص ١٤.

افراد دیگری از این خاندان به شهرهای دیگری هجرت نموده اند که اسامی تنی چند از آنها و شهرهای محل سکونتشان بدین شرح است:

مدینه: علی خواری، فرزند حسن بن علی بن جعفر عریضی که در مدینه نقیب سادات بود. (۱)

مصر: جعفر بن حسن بن عیسی بن محمد بن عیسی نقیب، فرزند محمد اکبر پسر علی بن جعفر علیه السلام.

و علی بن علی بن حسین بن محمد اکبر معروف به ابن کلثوم که فرزندانش را کلثومیون می گفتند و در مصر می زیستند. (۲)

مرو: ابوطالب جعفر، فرزند علی بن احمد بن علی بن عبدالله بن حسن بن علی بن جعفر علیه السلام.

و ابو علی احمد بن حسین جذوعی فرزند احمد بن حسین بن احمد شعرانی پسر علی بن جعفر علیه السلام. (۳)

نصیبین (۴): حسن بن احمد بن حسن بن علی عریضی. (۵)

توس: حمزه بن احمد بن حسین بن احمد شعرانی فرزند علی بن

ص: ۲۱۳

۱- ۱. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۹۲.

۲- ۲. همان، صص ۳۷۸ _ ۳۷۹.

۳- ۳. همان، ص ۴۰۲.

۴- ۴. شهری بوده است در بین النهرین سر راه موصل به شام. فرهنگ فارسی معین، ج ۶، ص ۲۱۲۶.

۵- ۵. همان، ص ۴۱۱.

نیشابور: جعفر بن حسن بن عیسی رومی فرزند محمد اشرف ازرق فرزند عیسی بن محمد اکبر، پسر علی بن جعفر و ناصر بن حسن بن علی بن حسین بن احمد بن حسین بن احمد شعرانی فرزند علی عریضی (۲).

واسط (۳): یحیی بن حمزه بن عبیدالله حسن بن محمد اکبر فرزند علی بن جعفر علیه السلام (۴).

همدان: اسحاق (بن عیسی) فرزند محمد اکبر پسر علی بن جعفر علیه السلام.

و برخی از فرزندان ابوالحسن عیسی بن ابراهیم بن عیسی نقیب، فرزند محمد اکبر پسر علی بن جعفر علیه السلام (۵).

انوار تابناکی از علی بن جعفر

در این فصل به ذکر روایاتی چند می پردازیم که علی بن جعفر علیه السلام از امامان معصوم نقل کرده است.

ص: ۲۱۴

۱-۱. مهاجران آل ابی طالب، ص ۲۹۹.

۲-۲. همان، صص ۴۱۷ _ ۴۱۸.

۳-۳. واسط اسم چند محل در عراق است، مهمترین آنها شهری بود، میان کوفه و بصره که در حدود سال ۵۸۳ ق به دستور حجاج بن یوسف بنا گردید و در روزگار بنی امیه پایتخت عراق بود و در دولت بنی عباس رو به ویرانی گذاشت. و چون فاصله این شهر تا کوفه و بصره هر یک ۵۰ فرسنگ بود، آن را واسط نامیده بودند، فرهنگ فارسی معین، ج ۶، ص ۲۱۸۲.

۴-۴. همان، ص ۴۲۵.

۵-۵. همان، ص ۴۲۹.

۱. عبدالعظیم حسنی می گوید: علی بن جعفر علیه السلام، از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش، از علی بن الحسین علیه السلام چنین نقل کرد:

با هر کس که پیش آمد، همنشین مباش چون که خداوند متعال می فرماید: «چون گروهی را دیدی که برای خرده گیری و طعن زدن بر آیات ما، گفتگو می کنند از آنان دوری گزین، تا آن زمان که در سخنی دیگر وارد شوند. و چنانچه شیطان دچار فراموشیت ساخت، بعد از آنکه به یاد کلام خدا افتادی، دیگر با گروه ستمگر مجالست نکن.» (۱) و هر سخنی بر زبان جاری مساز، چون که خدا می فرماید: «هر چه را نمی دانی متابعت و دنبال مکن» (۲)

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: خدا رحمت کند بنده ای که اگر سخن بگوید، خوبی بر زبانش جاری است و غنیمت می برد و گرنه سکوت اختیار می کند و سالم می ماند و هر سخنی را گوش مده، زیرا خداوند متعال می فرماید (۳): «همانا گوش و چشم و دل، همه مورد پرسش واقع می شوند.» (۴)

ص: ۲۱۵

-
- ۱- ۱. سوره انعام: (۶)، آیه ۶۸: «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».
- ۲- ۲. سوره اسراء: (۱۷)، آیه ۳۶: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ».
- ۳- ۳. همان.
- ۴- ۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. نصر بن جَهْضَمی از علی بن جعفر بن محمد چنین نقل می کند: برادرم موسی بن جعفر، از پدرش و ایشان از جد بزرگوارشان، علی بن ابی طالب، خبر داد که زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و فرمود: «هر کس مرا و این دو و پدر و مادر آنها را دوست داشته باشد، روز قیامت در ردیف و درجه بهشتی همراه من خواهد بود.»(۱)

خزانه داران پروردگار

۳. علی بن جعفر از برادرش و او از امام صادق علیه السلام این گونه نقل کرده است: «خداوند عزوجل... آفرینش ما را نیکو قرار داد و در آسمان و زمین ما را خزانه دار خویش ساخت... و با عبادت و پرستش ما خداوند متعال عبادت گردید و اگر ما نبودیم، خداوند پرستش نمی شد.»(۲)

ص: ۲۱۶

۱- ۱. الجامع الصحیح من سنن الترمذی، ج ۵، صص ۵۹۹ - ۶۰۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۹۰ در مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۵۰ به نقل از: تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۸۸ چنین آمده: «وقتی نصر این حدیث را نقل کرد، متوکل دستور داد او را صد تازیانه بزنند.»

۲- ۲. الاصول من الکافی، به تصحیح آیت الله حسن زاده آملی، ج ۱، ص ۱۴۹. * خداوند متعال در میان بندگانش افرادی را به عنوان امام و پیشوای دیگران برگزید، که از نظر صورت و سیرت بهترین وجه را داریند. اینها ایند که تا بالا-ترین درجه قدرت بشری در شناخت خداوند متعال پیش رفته اند و با عبادت و بندگیشان پروردگار عالمیان عبادت می شود. اگر ائمه معصومین علیهم السلام نبودند، هیچ کس خداوند متعال را عبادت نمی کرد و زندگی انسانها از اطاعت امیال و غرایز فراتر نمی رفت. بدین سبب امامت و ولایت رکن اصلی هدایت بشر است و شناخت آن و اطاعت از آن از عالیترین معارف و اعمال می باشد. علی بن جعفر از افراد شایسته ای است که بدین معارف بلند امامت دست یافته، آن را برای آیندگان نیز نقل نموده است.

یعنی به سبب شناخت پرستش ما نسبت به خدا و هدایت و راهنمایی ما، مردم به پرستش خداوند روی می آورند. (۱)

فرمانی که پیروی نشد

علی بن جعفر می گوید: امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله [در خواب] دید که تیم و عدی و بنی امیه بر منبر او می نشینند، هراسناک و غمگین شد. خدای تبارک و تعالی آیه ای چنین نازل فرمود تا مایه دلداریش باشد: «و چون به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، همه سجده کردند مگر ابلیس که از این فرمان سرپیچی کرد.» (۲) سپس به پیامبر خدا وحی کرد که: «ای محمد! من امر می کنم، فرمان نمی برند، پس اگر تو هم درباره وصی و جانشین امر کردی و فرمان نبردند، بیتابی نکن.» (۳)

منزلت امیر مؤمنان علی علیه السلام

۵. علی بن جعفر از امام رضا علیه السلام روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال مرا همراه شخصی، از

ص: ۲۱۷

۱- ۱. همان.

۲- ۲. سوره طه: (۲۰)، آیه ۱۱۵: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى.»

۳- ۳. اصول کافی، ج ۲، صص ۲۹۹ - ۳۰۰.

پشت های پاکی از صلب آدم علیه السلام آفرید، تا اینکه از صلب پدرمان متولد شدیم. پس از آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشت سیبیه را به وسطی چسباند و فرمود: من به اندازه بلندی این انگشت بر آن فرد همراهم، پیشی گرفتم و آن «نبوت» است.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد: آن شخص همراه شما که بود؟ فرمود: علی بن ابی طالب. (۱)

گفتاری به هنگام وفات

۶. علی بن جعفر علیه السلام می گوید: پدرم یک سال قبل از رحلتش، هنگامی که اهل بیتش نزد او جمع بودند، می فرمود: خداوند متعال به بندگانش درباره چیزی جز اقرار به امامت این اندازه تأکید نفرمود، و بندگان نسبت به هیچ چیز جز همین امر این قدر انکار و تکذیب روا نداشتند. (۲)

غیبتی که به طول انجامد

۷. علی بن جعفر می گوید: برادرم موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: زمانی که پنجمین فرزند از هفتمین [امام] ناپدید گشت، شما را به خدا، شما را به خدا، مواظب باشید، کسی بی دیتان نکند.

پسر جان! صاحب الامر بناچار غیبتی دارد، به گونه ای که افراد معتقد به

ص: ۲۱۸

۱- ۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۱۹، به نقل از امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۵۰.

۲- ۲. همان، ص ۳۲۱ به نقل از قرب الاسناد، ص ۱۲۳.

او از اعتقادشان برمی گردند. و این غیبت از جانب خدا وسیله ای است که بندگان خویش را با آن می آزماید. و اگر پدران و نیاکان شما، دینی را درست تر از این دین می شناختند، از آن پیروی می کردند... (۱)

۸. علی بن جعفر می گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم: تأویل این قول خداوند که می فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاوُءُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (۲) چیست؟

فرمود: منظور این است؛ هنگامی که امامتان غایب شود و شما او را نبینید، چه می کنید؟! (۳)

و در بعضی روایات آمده: زمانی که امامتان غایب شود، چه کسی امام جدید برای شما می آورد. (۴) یعنی غیبت امام علیه السلام به فرو رفتن آب که مایه حیات است، تشبیه شده است.

۹. علی بن جعفر می گوید: برادرم امام کاظم علیه السلام فرمود: «خداوند متعال دو گونه علم دارد:

اول _ علمی که ملائکه و پیامبران را به آن آگاه ساخته است. پس آنچه ملائکه و رسولانش را به آن آگاه نموده، ما هم می دانیم.

ص: ۲۱۹

۱- ۱. ر.ک: الغیبه، نعمانی، با ترجمه فهری، ص ۱۷۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، صدوق، ص ۳۵۹؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۰۴؛ الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- ۲. سوره ملک: (۶۷)، آیه ۳۰، یعنی: [ای رسول ما] بگو: اگر آب که مایه زندگی است، در صبحگاهی همه به زمین فرو رود [جز خدا] کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد؟

۳- ۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۶۰.

۴- ۴. الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۷۴.

دوم _ علمی که به خودش اختصاص دارد. هر گاه در موضوعی از آن علم تغییر نظری حاصل شود، ما را آگاه سازد و بر امامان پیش از ما نیز عرضه می شد.»(۱)

۱۰ _ وی می گوید: برادرم موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: ما (امامان) در علم و شجاعت هم‌رتبه هستیم، و در بخشیدن (علم و مال به مردم) به هر اندازه که دستور داریم، می بخشیم.(۲)

۱۱. علی بن جعفر از برادرش و او از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل فرمود: ای علی! بین دوستداران و کسانی که چیزهای دیگر را روشنی چشمان خود قرار داده اند، جز دیدار مرگ فاصله ای نیست. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت کرد: «رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ».(۳) یعنی: دشمنان علی زمانی که، وارد آتش می شوند، می گویند: خدایا، ما را از آتش نجات ده، عمل صالح انجام می دهیم. یعنی: ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را می پذیریم و غیر آنچه تاکنون عمل می کردیم، عمل می کنیم. یعنی: دیگر با علی علیه السلام دشمنی نمی کنیم.

پس به آنها جواب داده می شود: مگر به اندازه ای که به خود آید به شما عمر ندادیم؟! و یا کسی که چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شما را هشدار دهد، نیامد؟! پس آتش را بجشید که برای ستمگران به

ص: ۲۲۰

۱- ۱. اصول کافی با ترجمه، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲- ۲. همان، ج ۲، ص ۲۱.

۳- ۳. سوره فاطر: (۳۵)، آیه ۳۷، یعنی: خدایا ما را باز گردان تا عمل صالح انجام دهیم غیر آنچه تاکنون عمل می کردیم.

حقوق آل محمد، یاوری نیست و حجاب و نجات دهنده ای از آتش برای آنها وجود ندارد. (۱)

۱۲. علی بن جعفر می گوید: امام حسن علیه السلام، روز شهادت امیرالمؤمنین، خطبه خواند و فرمود: ما از اهل بیتی هستیم که خداوند متعال دوستی ما را بر هر مسلمانی واجب کرده است. خداوند می فرماید: «لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا». (۲) «اقتراف حسنه»؛ یعنی: دوستی ما اهل بیت. (۳)

۱۳. و در روایت دیگر از علی بن جعفر چنین آمده که امام حسن مجتبی علیه السلام روز شهادت پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه خواند و فرمود:

«در این شب شخصیتی از دنیا رفت که گذشتگان در دانش و معرفت از وی سبقت نگرفتند و آیندگان به پایه وی نمی رسند. از خود طلا و نقره ای جز هفتصد درهم که قصد داشت برای خانواده اش خادمی بخرد، بر جای نگذاشت.

سپس فرمود: ای مردم! هر کس مرا می شناسد که می شناسد و هر کس نمی شناسد، من حسن بن علی فرزند بشارت دهنده و هشدار

ص: ۲۲۱

۱- ۱. البرهان فی تفسیر القرآن، البحرانی، ج ۳، ص ۳۶۶؛ مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۲۸.

۲- ۲. سوره الشوری: (۴۲)، آیه ۲۳، یعنی: «من از شما اجر (رسالتم را) نمی خواهم، جز اینکه دوستدار آل محمد باشید و هر که کار نیکو انجام دهد، ما بر نیکویش می افزاییم».

۳- ۳. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۲۸ از تأویل الآیات الظاهره، ج ۲، ص ۵۴۲.

دهنده ام. فرزند کسی که به اذن خدا، مردم را به سوی او دعوت می نمود و چراغ روشن هدایت بود. (۱)

من از خاندانی هستم که جبرئیل در میان آنان رفت و آمد داشت. و از خاندانی هستم که خداوند ناپاکیها و پلیدیها را از آنها دور ساخت و آنها را پاکیزه گردانید. (۲)

۱۴. علی بن جعفر گوید: شنیدم امام کاظم علیه السلام می فرمود: «چنین نیست هر که به ولایت ما معتقد شد، مؤمن باشد، بلکه آنها همدم مؤمنان هستند. مؤمنان راستین از کمی افراد خود هراسناک نشوند. چه اینکه علاوه بر اعتقاد به ولایت، عمل صالح نیز لازم است». (۳)

۱۵. علی بن جعفر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی به اصحاب خود فرمود: آیا می دانید ناتوانی چیست؟ عرض کردند: خدا و رسولش داناترند.

فرمود: ناتوانی سه چیز است:

اول: کسی که خوراکی برای رفیقش آماده کند و او خلف وعده کند و برای صرف غذا پیش او نیاید.

دوم: یکی از شما با دیگری رفیق شود یا با او همنشین گردد و دوست داشته باشد، بداند او کیست و اهل کجاست، اما پیش از آشنایی از او جدا شود.

ص: ۲۲۲

۱- ۱. تضمینی از آیه ۴۶ از سوره احزاب.

۲- ۲. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، از تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۵۸.

۳- ۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

سوم: درباره کار زنان است که یکی از شما با همسر خود درآمیزد و قبل از رضایت وی، خود کامروا شود و از او فاصله گیرد...^(۱)

۱۶. علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به یارانش فرمود: آگاه باشید که بیماری امتهای پیش از شما به سوی شما روان است و آن حسد است. [آن گونه که تیغ زداینده مو است] حسد زداینده دین بلکه از بین برنده دین است. و تنها راه نجات، این است که آدمی دست خود را باز دارد و زبانش را در بند کند و خرده گیر و عیبجوی برادر مؤمن خود نباشد.^(۲)

منظور آنکه دست و زبان را تحت کنترل عقل و دین قرار دهد تا موجب اذیت دیگران نشود و در راه خیر گام نهد.

۱۷. علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام چنین نقل کرده است: خداوند دلهای مؤمنان را پیچیده و بسته به ایمان آفرید. [یعنی مانند نامه لوله شده و خانه دربسته که جز نویسنده نامه و صاحبخانه کسی نداند در آن چیست] و هنگامی که بخواهد آنچه در آن است، بدرخشد با باران حکمت آبیاری اش کند و بذر علم در آن بنشانند و زارع و سرپرست آن پروردگار است.^(۳)

آری، توفیقات و پیشرفتهای مؤمن از عنایت و لطف پروردگار

ص: ۲۲۳

۱- ۱. همان، ج ۴، ص ۴۹۷.

۲- ۲. امالی شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مترجم حسین استاد ولی، ص ۳۹۳.

۳- ۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۴۹.

۱۸. علی بن جعفر می گوید: از برادرم ابوالحسن شنیدم که می فرمود: هر کس برادر مؤمنش در پی حاجتی نزد او آید، رحمتی است که خداوند متعال برای او فرستاده است. پس اگر او را بپذیرد، همین امر، وی را به ولایت ما پیوند دهد و ولایت ما به ولایت خدا پیوسته است. و اگر با وجود آنکه می تواند حاجتش را برآورد، او را رد کند. خدا در قبر ماری از آتش بر او مسلط گرداند که تا روز قیامت او را نیش زند، چه گناه دیگری داشته باشد یا نداشته باشد...^(۱)

۱۹. علی بن جعفر می گوید: از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس مردی از برادران مؤمنش به او رو کند و در پاره ای از گرفتاریهایش به او پناه آورد. و او پناهِش ندهد با اینکه قدرت بر آن دارد، همانا پیوند خود را با خدای متعال بریده است.^(۲)

۲۰. علی بن جعفر می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت دستور داده می شود که مردانی را به سوی آتش ببرند. پس خداوند متعال به مالک (خازن دوزخ) می فرماید: به آتش بگو: قدمهای آنها را نسوزاند، چون با آن به سوی مساجد می رفتند! و چهره آنها را نسوزاند، چون برای دعا به سوی بالا رو می کردند! و زبانهایشان را نسوزاند، چون قرآن زیاد تلاوت می کردند. پس خازن دوزخ می گوید: ای بدبختها، چرا به این حال درآمده اید؟! می گویند: ما تمام

ص: ۲۲۴

۱- ۱. اصول کافی، با ترجمه، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲- ۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۷۲.

این اعمال را برای غیر خدا انجام می دادیم! پس گفته می شود: مزد اعمالتان را هم از کسانی بگیری که برای آنها عمل را انجام می دادید. (۱)

۲۱. علی بن جعفر می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاجت کسی که دستش به من نمی رسد، به من برسانید، زیرا هر کس حاجت شخصی را به صاحب قدرتی برساند، در حالی که خود او دستش از چاره کوتاه است، خداوند متعال او را بر صراط، ثابت قدم می دارد. (۲)

۲۲. علی بن جعفر می گوید: برادرم امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: زمانی پدرم دستم را گرفت و فرمود: ای فرزندم، روزی پدرم امام علی بن الحسین علیه السلام دست مرا گرفت و فرمود: ای فرزندم، هر کس از تو خیری خواست به جای آور. اگر او از اهل خیر باشد که بجا انجام داده ای و اگر از اهل خوبی نباشد تو از اهل خیر هستی.

و اگر شخصی از طرف راست تو را دشنام داد سپس طرف چپ تو قرار گرفت و عذرخواهی کرد، عذرش را بپذیر. (۳)

۲۳. علی بن جعفر می گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: در روزی که سایه ای جز آن نمی باشد، سه گروه در سایه عرش الهی هستند: مردی که برادر مسلمانش را زن بدهد یا او را خدمت کند، یا رازی از او را پنهان دارد. (۴)

ص: ۲۲۵

۱-۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۱ به نقل از ثواب الاعمال، ص ۲۶۶.

۲-۲. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۲ از قرب الاسناد، ص ۱۳۲.

۳-۳. الروضه من الکافی، ج ۸، صص ۱۵۲ - ۱۵۳.

۴-۴. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۳، از خصال، ص ۱۴۱.

۲۴. وی می گوید: برادرم از پدرش نقل کرد که خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی، به زیادی مال خوشحال مباش و یاد مرا در هیچ حالی فراموش مکن زیرا زیادی مال گناهان را به فراموشی می سپارد و ترک یاد من، دلها را سخت می کند. (۱)

۲۵. علی بن جعفر می گوید: امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: بهشت بر سه دسته حرام گردیده است: سخن چین، شراب خوار و فاسق بد کردار. (۲)

۲۶. علی بن جعفر از اجدادش نقل می کند که خداوند متعال هنگامی که بخواهد اهل زمین را دچار عذاب کند، می گوید: اگر آنهایی که به بزرگی و جلال من عشق می ورزند و مساجد مرا آباد می کنند و سحر گاهان در حال استغفار به سر می بردند، نبودند عذاب خود را نازل می کردم. (۳)

۲۷. علی بن جعفر، از امام باقر علیه السلام نقل کرد که زمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه علی علیه السلام آمد و فرمود: ای علی! امشب این آیه بر من نازل شد «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ» (۴) و من از خدا خواستم که این آیه را درباره تو قرار دهد. و خداوند متعال پذیرفت. (۵)

ص: ۲۲۶

-
- ۱-۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، از علل الشرایع، ص ۸۱.
 - ۲-۲. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۹، از عقاب الاعمال، ص ۲۶۲.
 - ۳-۳. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۴ از علل الشرایع، ص ۵۲۱.
 - ۴-۴. سوره الحاقه: (۶۹)، آیه ۱۲، یعنی: «غرق کفار و نجات مؤمنان را مایه عبرت و پند شما قرار دادیم» ولی آیا گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند شنید؟!.
 - ۵-۵. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۳۰، از تأویل الآیات الظاهره، ج ۲، ص ۷۲۸.

یعنی تو ای علی، آن هوشمندی هستی که از غرق شدن کفار (مانند فرعونیان) و نجات مؤمنان پند گرفته، متذکر خواهی بود و یقین می کنی که باطل نابود شدنی و حق پیروز است و خداوند پیوسته در کمین ستمکاران است.

۲۸. علی بن جعفر، از پدرش از اجدادش چنین نقل می کند که امام سجاد علیه السلام به فرزندانش می فرمود: با اهل دین و معرفت همنشین شوید اگر آنها را نیافتید، به تنهایی خو کنید تا سالم بمانید، و اگر ناچار باید با مردم مجالست داشته باشید، با جوانمردان همنشین گردید زیرا در بین آنها ناسزاگویی وجود ندارد.^(۱)

۲۹. علی بن جعفر می گوید: برادرم موسی بن جعفر علیهما السلام از پدرش امام صادق علیه السلام چنین نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هنگامی که قیامت برپا می شود، منادی ندا می دهد؛ ای بندگان! چشمهایتان را فرو نهید و سرهایتان را به زیر افکنید تا فاطمه علیها السلام دختر محمّد صلی الله علیه و آله بگذرد. و او اولین کسی است که پوشیده می شود و وارد بهشت می گردد و دوازده هزار حورالعین از فردوس و پنجاه هزار فرشته بر اسبهایی از یاقوت، با بالها و افسارهایی از لؤلؤ با طراوت با رکابهایی از زبرجد و زینهایی از دُر، بر هر کدام پارچه ای از سندس نهاده، سوارند و به استقبال وی می آیند و او را وارد بهشت فردوس می کنند. پس از آن اهل بهشت وارد می شوند. و فاطمه

ص: ۲۲۷

بر کرسی ای از نور و دیگران دور او می نشینند. سقف جنت فردوس، عرش رحمان است و در آن یک قصر سفید و یک قصر زرد از لؤلؤ وجود دارد. در قصر سفید هفتاد هزار خانه است که محل استقرار محمّد و آل محمّد است و در قصر زرد هفتاد هزار خانه است که از آن ابراهیم و آل ابراهیم است. سپس خداوند متعال برای فاطمه علیها السلام فرشته ای می فرستد که قبل از آن برای هیچ کس نفرستاده است و بعد از آن نیز برای کسی نخواهد فرستاد.

پس آن فرشته می گوید: [ای فاطمه] پروردگارت به تو سلام می رساند و می فرماید: [آنچه دوست داری] از من بخواه.

حضرت فاطمه علیها السلام جواب می دهد، همانا خداوند نعمتش را بر من تمام کرد و کرامتش را بر من ارزانی داشت و بهشتش را در اختیارم نهاد و بر همه آفریدگانش برتریم بخشید. تقاضا دارم فرزندان و نوادگان و دوستداران آنها و نگهدارندگان آنها را نجات بخشد.

از جانب خداوند متعال به آن فرشته در همان حال وحی می شود: به فاطمه خبر بده که من شفاعتش را درباره فرزندان و نوادگان و دوستداران و حافظان آنها پذیرفتم.

پس فاطمه علیها السلام می گوید: سپاس خدای را که غم مرا برطرف و دیدگانم را روشن گردانید. و بدین وسیله خداوند متعال چشمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را نیز روشن می کند. (۱)

ص: ۲۲۸

۱- ۱. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۳۴۶، از دلایل الامامه، ص ۵۷.

به ترتیب حروف الفبا

ص: ۲۲۹

پس از وفات حضرت معصومه علیها السلام در شهر قم، بسیاری از سادات عالی مقام و امام زادگان بزرگوار که برای دیدار حضرت امام رضا علیه السلام و جهات مختلف دیگر از مدینه و عراق وارد ایران شده بودند در قم سکونت گزیدند. زیرا قم در آن روزگار مرکز شیعیان و طرفداران خاندان نبوت بود، و پس از وفات، در جوار کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام و در اطراف و اکناف شهر قم به خاک سپرده شدند.

نوشتار حاضر اسامی این امام زادگان به ردیف حروف الفبا می باشد. (۱)

۱. نام: آمنه خاتون

سلسله نسب: از احفاد امام سجاد علیه السلام

محل دفن: روستای فُردو (۲)

۲. نام: ابراهیم

سلسله نسب: احتمالاً از احفاد

ص: ۲۳۱

-
- ۱- ۱. تربت پاکان، ج ۱، ص ۱۷ - ۱۸؛ کامل الزیارات جعفر بن قولویه، ص ۲۶۷؛ عیون اخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه، ص ۲۶۷؛ کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد، ترجمه حسن بن علی، ج ۲، ص ۲۱۳. و ص ۲۱۵ و ۲۱۴.
- ۲- ۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

جعفر بن امام علی التقی علیه السلام و بعضی از اهالی او را از نوادگان امام عسکری علیه السلام می دانند. (این نسب وجهی ندارد).

محل دفن: در فاصله ۱۰ متری بقعه خدیجه خاتون در ۳۰ کیلومتری قم در جاده قدیم قم - اصفهان. نزدیک روستای خدیجه خاتون.

ویژگی ها: بقعه نام برده یک اتاق تقریباً ۴×۵ متر است که در بقعه هیچ نوشته و آثاری به چشم نمی خورد. ولی مشهور است که در این بقعه وی با امامزاده اسماعیل پهلوی هم می باشند. (۱)

۳. نام: ابراهیم (شاه ابراهیم)

سلسله نسب: از نوادگان امام باقر علیه السلام و بعضی او را فرزند بلافصل امام باقر دانسته اند.

محل دفن: در روستای شاه ابراهیم از مزارع قهستان نزدیک کیکوه و سیرویه.

ویژگی ها: بنای کنونی این مزار از دوره صفوی است. گنبد به بلندی ۷ متر هرمی برجی، آراسته به کاشی فیروزه ای. (۲)

۴. نام: ابراهیم (شاه زاده ابراهیم)

محل دفن: در بخش خلجستان، روستای دستگرد (دستگرد)

ویژگی ها: بنایی ساده، با گنبدی مخروطی از نیمه دوم دوره صفوی.

۵. نام: ابراهیم (شاه زاده ابراهیم)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: مزرعه نیوند از مزارع ورجان (۳)

۶. نام: ابراهیم

محل دفن: روستای ابرجس از

ص: ۲۳۲

۱-۱. با مشاهده حضوری و تحقیق از اهل محل و تربت پاکان ج ۲، ص ۲۰۶ و گنجینه دانشمندان ج ۲ ص ۴۳۴.
۲-۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۸ - ۱۸۲، گنجینه آثار قم و تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۸، ج ۲، ص ۳۱۳.
۳-۳. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱

توابع کهک (۱)

۷. نام: ابراهیم (شاه زاده ابراهیم)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: مزرعه نیوند از مزارع ورجان (۲)

۸. نام: ابراهیم بن احمد

کنیه: ابوالقاسم

لقب: موسوی

سلسله نسب: ابوالقاسم ابراهیم بن احمد (شاه چراغ)، بن موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: در جهت شرق قم، اواخر خیابان چهارمردان، مقابل گلزار شهدای در بهشت، روبه روی مشهد منسوب به علی بن

جعفر (۳)

۹. نام: ابراهیم بن احمد

لقب: سجّادی

سلسله نسب: ابراهیم بن احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن علی الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: نزدیک مشهد علی بن حسن علوی عریضی (معروف به علی بن جعفر) نزدیک نهر سعد.

ویژگی ها: بعضی وی را همراه پدرش ابوالعباس احمد در بقعه ای مجاور بقعه علی بن جعفر مدفون می دانند. (۴)

۱۰. نام: ابراهیم بن محمد

کنیه: ابو اسماعیل

لقب: بخشی و بعضی وی را (عسکری) لقب داده اند.

تولد و وفات: وفات حدود سال ۴۰۰ ه. ق.

سلسله نسب: ابواسماعیل ابراهیم،

- ۱-۱. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.
- ۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.
- ۳-۳. ر. ک: گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۶۲ - ۳۶۳. و انجم فروزان، عباس فیض، ج ۱، ص ۱۶۱.
- ۴-۴. ر. ک: گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲، ص ۳۶۲، ۳۶۳. و انجم فروزان: ص ۱۶۱.

بن ابو جعفر محمّد. ابن ابی طالب المحسن، بن ابی الحسن ابراهیم العسکری، بن موسی الثانی ابی الشّبحه، بن ابراهیم المرتضی، بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام.

محل دفن: در جهت غرب قم نزدیک ایستگاه راه آهن، در کنار پدر بزرگوارش ابی جعفر محمد بن محسن. زیر یک گنبد و بارگاه.

ویژگی ها: عالم و محدّثی بزرگ و صاحب تألیفات مانند «الامامه» و «القضاء» و دارای گنبد و بارگاه. (۱)

۱۱. نام: (نام مشخص نیست)

کنیه: ابو جعفر

سلسله نسب: ابو جعفر فرزند یحیی صوفی ابن جعفر بن امام علی النقی علیه السلام

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل اختران (۲)

۱۲. نام: ابوطالب (شاه زاده ابوطالب)

محل دفن: روستای کاسوا از توابع

خلیجستان (۳)

۱۳. نام: ابوطالب

محل دفن: روستای کهندان از توابع خلیجستان در کنار امام زاده حسین

۱۴. نام: احمد (شاه زاده احمد)

سلسله نسب: از اولاد احمد بن موسی (شاه چراغ)

محل دفن: مزرعه «نوره» از مزارع فردو (۴)

۱۵. نام: احمد (شاه زاده احمد)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای سیرو، سه

- ۱- ۱. ر. ك: عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبہ، ص ۱۸۳-۱۹۴، گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲، ص ۲۶۲ - ۲۶۵. و منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۵۴ و رجال سید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۲۴.
- ۲- ۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۶۲ و جدی فروزان، ص ۱۱۸.
- ۳- ۳. سیمای قم، ص ۹۴.
- ۴- ۴. تاریخ قم، ناصر الشریعہ، ص ۱۴۱.

نام: احمد (امام زاده احمد)

محل دفن: روستای کاسوا، از توابع خلدجستان (۲)

۱۶. نام: احمد بن اسحق

لقب: موسوی

سلسله نسب: احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: خیابان آذر، روبروی میدان کهنه (میدان زکریا بن آدم) در کنار مرقد امام زاده حمزه.

ویژگی ها: روی قبر مربعی برجسته به ارتفاع یک متر کاشی کاری شده، با کاشی های ملون، وسط آن روی قبر سلسله نسب با خط نستعلیق نوشته شده و روی آن ضریح مشبک از جنس آلومینیوم. و زیر سقف گنبد آئینه کاری شده و در کمربندی گنبد، با خط زرد بر زمینه آبی چنین نوشته: «این بنا با همّت

حاج میرزا علی بزرگ زاده و کمک افراد خیر در سال ۱۳۹۷ ق به اتمام رسید، با معماری حاج مهدی خداداد». فیض می گوید: آنچه محدث قمی در منتهی الامال احتمال داده که محل دفن وی مقابل مسجد امام حسن عسکری در مقبره معروف به ناصر الدین دفن باشد، وجهی ندارد. (۳)

۱۷. نام: احمد بن ابراهیم

سلسله نسب: احمد بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: در بقعه ای متصل به بقعه شاه زاده حمزه. (۴)

۱۸. نام: احمد بن ابی الخیر محمّد

کنیه: ابوالحسین

سلسله نسب: ابو الحسین احمد بن

ص: ۲۳۵

٣-٣. بدر فروزان، ص ١٥.

٤-٤. انوار المشعشين، ج ١، ص ٥٣٨.

ابی الخیر محمّد بن علی بن عمر بن حسن الالفطس ابن علی الاصغر ابن امام زین العابدین (ع) (پدر امام زاده خاک فرج ابوالقاسم علی حارث)

محل دفن: در اواخر خیابان خاک فرج، نزدیک مزار وادی السلام، در بقعه فرزندش ابوالقاسم علی حارث نزدیک داروخانه و بیمارستان الهادی. (۱)

۱۹. نام: احمد بن حسن

کنیه: ابو علی

وفات: پنج شنبه ماه ربیع الآخر سال ۳۷۱ ه ق.

سلسله نسب: ابوعلی احمد بن ابو محمد حسن بن احمد الخطیب الشجری، ابن علی بن محمد بن عمر الشجری ابن علی بن عمر الاشرف ابن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: مزار بابلان در اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام. ولی از قبر وی اثری نیست و جزو

بیوتات حرم مطهر گردیده است. (۲)

۲۰. نام: احمد بن علی

کنیه: ابو علی

لقب: الخطیب الشجری

سلسله نسب: ابوعلی احمد الخطیب الشجری ابن علی بن محمد بن عمر الشجری ابن علی بن عمر الاشرف ابن امام زین العابدین علیه السلام.

محل دفن: مزار بابلان در اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام ولی از قبر وی اثری نیست و جزء بیوتات حرم مطهر گردیده است. (۳)

۲۱. نام: احمد بن قاسم

محل دفن: روستای ابرجس از توابع کهک (۴)

ص: ۲۳۶

- ۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳. انوار المشعشعین، ج ۱ ص ۵۰۸.
- ۳-۳. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳، انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۷.
- ۴-۴. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف.

۲۲. نام: احمد بن قاسم

کنیه: ابو الحسین

سلسله نسب: ابو الحسین احمد بن قاسم بن احمد شعرانی، فرزند علی بن جعفر عریضی.

محل دفن: مقبره مالون در جنوب قم در محل دروازه قلعه

ویژگی ها: پرهیزکار، عابد، که همراه خواهرش، فاطمه از مدینه به قم آمد و بعضی نقل کرده اند اواخر عمر بر اثر آبله نابینا شد. دارای بقعه و بارگاه. (۱)

۲۳. نام: احمد بن محمد

کنیه: ابو عبد الله

وفات: پنج شنبه، نیمه ماه صفر ۳۵۸ ه. ق.

سلسله نسب: ابو عبد الله احمد بن ابی علی محمد اعرج بن احمد بن موسی مبرقع

محل دفن: خیابان آذر، در بقعه چهل اختران. یا در بقعه موسی

مبرقع در کنار بقعه چهل اختران

ویژگی ها: وی نقابت سادات قم را عهده دار بود. (۲)

۲۴. نام: احمد بن محمد

کنیه: ابو العباس

سلسله نسب: ابو العباس احمد بن محمد بن حسین بن حسن بن حسین بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: اواخر خیابان چهارمردان، روبروی گلزار شهدای «در بهشت» روبروی مشهد علی بن جعفر، در کنار امامزاده ابراهیم بن احمد بن موسی زیر یک گنبد و بارگاه. اما با تحقیقی که فیض در کتاب گنجینه آثار قم نموده است (۳) و قائل شده به اینکه

- ۱-۱. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۳۷، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۴ - ۳۷۵، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۸۷.
- ۲-۲. منتهی الامال، ج ۲، ص ۶۲۰، جدی فروزان، ص ۱۲۲.
- ۳-۳. ر.ک: انجم فروزان، عباس فیض، ص ۱۶۱ و گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲ ص ۳۶۲ - ۳۶۳، تربت پاکان، ج ۲، ص ۹۲.

در مجاورت علی بن حسن (معروف به علی بن جعفر) به فاصله ۵ متری بقعه ای وجود دارد که در آن ابو العباس احمد مدفون می باشد و در بقعه شاه زاده ابراهیم نمی باشد و شواهدی بر آن اقامه نموده است.

و وفات وی را بعد از سال های ۳۱۶ هجری قمری در عهد سلطنت رکن الدوله می دانند. (۱)

۲۵. نام: احمد بن موسی

کنیه: ابو علی

سلسله نسب: ابو علی احمد بن موسی مبرقع

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل اختران (۲)

۲۶. نام: اسحق

محل دفن: روستای لنگرود (۳)

۲۷. نام: اسحق

محل دفن: روستای ونارج از توابع

ص: ۲۳۸

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۹۰ - ۴۹۲.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۶۱ - ۵۶۶، لب الانساب، ص ۵۸۵.

۳-۳. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف استان قم.

کَهک (۱)

۲۸. نام: اسحاق (شاه زاده اسحق)

محل دفن: روستای نایه، از توابع خلیجستان

۲۹. نام: اسماعیل

کنیه: ابوالمعالی

لقب: سید سر بخش

وفات: ۶۱۷ ه. ق.

سلسله نسب: شاه زاده ابوالمعالی اسماعیل بن عبد الله بن حسین بن محمد بن حسین بن احمد بن محمد عزیزی بن حسین بن محمد اطروش بن علی بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام صادق علیه السلام
محل دفن: خیابان آذر، مقابل چهل اختران، در محله ای موسوم به سید سربخش.

ویژگی ها: وی از اعظام نقباء و شرفاء و فضلاء سادات در خطه خراسان بود. (۲) نقابت نقباء سادات برگزیده شد.

وی به علت مسبب بودن در عدم تسلیم مردم نیشابور در مقابل حمله امیر زاده «جته نویان» سرش را از تن جدا کردند و تن وی را در خانه مسکونیش در محله (رضا آباد) به خاک سپردند. و بعدا سروی را به آن ملحق کردند و معروف شد به سید سربخش، وی بعد از ویرانی قم به شهادت رسید. (۳)

۳۰. نام: اسماعیل

سلسله نسب: از نوادگان امام جعفر صادق. ظاهر علیه السلام ا نسب شریفش: اسماعیل بن احمد بن الحسن بن الجذوعی ابن احمد صاحب السجاده ابن حسن (حسین)

نابی) ابن احمد بن علی العریضی ابن امام جعفر صادق علیه السلام.

محل دفن: در دامنه کوه بیرقان در روستای شاه اسماعیل از توابع شهر کهک. (۴)

ویژگی ها: بنا بر اطلاعاتی ای که این اواخر بر در و دیوارهای چندین امام زاده نصب شده چنین آمده: مرحوم میرزای قمی نگاشته اند: محقق قمی صاحب قوانین اعلی الله مقامه از جهت آن که نسب شاه اسماعیل بر ایشان معلوم نبود به زیارت او نمی رفتند. بلکه مردم را هم از زیارت او منع می نمودند، تا شبی آن امام زاده بزرگوار را به هیبتی بسیار خوش و ریش سفید در خواب می بیند که به ایشان

- ۱-۱. همان.
- ۲-۲. الشجره المباركه، ص ۱۰۶، و انساب فخرى، ص ۲۷.
- ۳-۳. گنجينه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۴، ۳۸۹.
- ۴-۴. تربت پاكان، ج ۲، ص ۱۹۰، گنجينه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۹۴.

می فرماید خودت که به زیارت ما نمی آید هیچ، چرا مردم را از زیارت ما منع می کنی. از آن به بعد سالی یک مرتبه آن جناب به آستان مبارک آن امام زاده مشرف می شدند و زیارت می کردند. بدین جهت رغبت و نیل اهالی قم بدان آستان مبارک زیاد شد و هر سالی یک مرتبه غالب اهالی قم در ایام پاییز بدان آستان مشرف می شدند. (۱)

کتاب منتخب البلاد و تاریخ قم. و در کارتی که عکس بارگاه امام زاده اسماعیل چاپ شده چنین آمده: آستان مقدس امام زاده اسماعیل و امام زاده حمزه از فرزندان امام صادق علیه السلام و امام زاده محمد فرزند موسی بن جعفر علیه السلام، روستای شاه اسماعیل، کهک.

۳۱. نام: اسماعیل

سلسله نسب: احتمالاً از احفاد جعفر بن امام علی النقی علیه السلام

می باشد.

محل دفن: در فاصله ۱۰ متری بقعه خدیجه خاتون نزدیک روستای خدیجه خاتون، در ۳۰ کیلومتری قم در جاده قم - اصفهان می باشد.

ویژگی ها: وی در کنار امام زاده ابراهیم در یک بقعه ساده در اطاقی ۴×۵ متری مدفون می باشد. (۲)

۳۲. نام: اسحق بن موسی

سلسله نسب: اسحق بن موسی بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام

محل دفن: ظاهراً در روستای «مِیم» در حدود ۳۰ کیلومتری قم.

ویژگی ها: در سال ۱۲۸۰ قمری بر اثر خواب یکی از بزرگان و کندن

ص: ۲۴۰

۱-۱. این داستان در تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۷، آمده است.

۲-۲. با مشاهده حضوری و تحقیق از اهل محل و گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۴۳۴.

زمین و دیدن بدن سالم بر آن قبه و بارگاه ساختند. (۱)

۳۳. نام: ام احمد

سلسله نسب: ام احمد دختر موسی مبرقع

محل دفن: در جوار حرم حضرت معصومه علیها السلام

ویژگی ها: برخی معتقد هستند که وی همان ام محمد است. (۲)

۳۴. نام: ام سلمه

محل دفن: روستای نایه، از توابع خلیجستان (۳)

۳۵. نام: ام کلمه

محل دفن: روستای نایه از توابع خلیجستان (۴)

۳۶. نام: ام محمد دختر محمد بن علی (امام جواد علیه السلام)

کنیه: ام محمد

سلسله نسب: ام محمد بنت محمد بن علی الجواد علیه السلام

محل دفن: درمزار بابلان در روضه

حضرت معصومه علیها السلام

ویژگی ها: دارای فضل و کمال، همراه دو خواهرش، زینب و میمونه بعد از رحلت حضرت معصومه علیها السلام از کوفه به قم

آمدند. (۵)

ص: ۲۴۱

۱-۱. جدی فروزان، ص ۱۹، «میم» بر وزن عنب قریه معتبری است در کوهستان قم که در قدیم تاکستان های فراوانی داشته. و

آنجا را «می می» یعنی دریای می می خواندند. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲-۲. گنجینه آثار قم، چ ۱، ص ۳۹۳، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۵۹.

۳-۳. سیمای قم، ص ۹۴

۴-۴. سیمای قم، ص ۹۴.

۵-۵. ر. ک: کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد، ترجمه حسن بن علی، ص ۲۱۶. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۳، ص ۲۶۸، در تاریخ قم، محمد حسین، ناصر الشریعه، ص ۱۲۲ چنین آمده: وی دختر احمد بن ابو علی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام که روز پنج شنبه، ۲۱ ربیع الثانی سال ۳۴۳ قمری وفات کرد. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۵.

۳۷. نام: ام محمد

سلسله نسب: ام محمد دختر موسی مبرقع.

محل دفن: احتمالاً در مزار بابلان در روضه حضرت معصومه علیها السلام (۱).

۳۸. نام: ام محمد

تولد و وفات: ۳۴۳ ه ق.

سلسله نسب: ام محمد دختر احمد بن موسی مبرقع.

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل اختران (۲).

۳۹. نام: ام قاسم

سلسله نسب: ام قاسم دختر علی کوبی

محل دفن: در مزار بابلان، در نزدیکی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام (۳).

۴۰. نام: ام کلثوم

سلسله نسب: ام کلثوم، دختر محمد بن احمد بن موسی مبرقع فرزند

امام جواد علیه السلام

محل دفن: چهل اختران، خیابان آذر قم. (۴)

۴۱. نام: ام سلمه

سلسله نسب: ام سلمه، بنت محمد بن احمد بن موسی مبرقع، فرزند امام جواد علیه السلام

محل دفن: چهل اختران، خیابان آذر قم. (۵)

۴۲. نام: ام حبیب

کنیه: ام حبیب

سلسله نسب: ام حبیب دختر احمد بن موسی مبرقع.

-
- ١-١. گنجینه آثار قم، ج ١، ص ٣٩٢؛ انوار المشعشعین، ج ١، ص ٥٠٤.
 - ٢-٢. گنجینه آثار قم، ج ٣، ص ٥٦١ - ٥٦٦.
 - ٣-٣. گنجینه آثار قم، ج ١، ص ٣٩٣، انجم فروزان، ص ٦٢.
 - ٤-٤. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٥٦١ - ٥٦٦.
 - ٥-٥. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٥٦١ - ٥٦٦.

محل دفن: خیابان آذر قم، چهل اختران، در جوار محمد بن موسی مبرقع، یا مزار بابلان در جوار حضرت معصومه علیها السلام.

ویژگی ها: وی همراه فرزندان برادرش محمد اعرج از کوفه به قم آمد: وی بانویی پرهیزکار بود. (۱)

۴۳. نام: اهل علی

محل دفن: آبادی کوشک نصرت: از توابع بخش مرکزی قم. (۲)

۴۴. نام: امین الدین

سلسله نسب: از احفاد امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: روستای فُردو (۳)

۴۵. نام: بُریهه

سلسله نسب: بُریهه دختر علی بن جعفر بن امام هادی علیه السلام، همسر محمد بن موسی مبرقع.

محل دفن: خیابان آذر، چهل اختران.

ویژگی ها: وی همسر محمد بن

موسی مبرقع است. بعضی وی را دختر جعفر بن امام هادی علیه السلام و همسر موسی مبرقع معرفی نموده اند. (۴)

۴۶. نام: بُریهه

سلسله نسب: بُریهه دختر ابو علی محمد بن احمد بن موسی مبرقع.

محل دفن: خیابان آذر، چهل اختران.

ویژگی ها: وی همراه خواهرانش فاطمه و ام سلمه و ام کلثوم و پدرش ابو علی محمد در بقعه چهل اختران مدفون می باشند.

(۵)

ص: ۲۴۳

۱- ۱. انجم فروزان، عباس فیض، ص ۶۲. تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۱۸، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۷۱.

۲- ۲. سیمای قم، ص ۹۵.

٣-٣. تاريخ قم، ناصر الشريعة، ص ١٤١.

٤-٤. جدى فروزان، ص ٩٦؛ رياحين الشريعة، ج ٤، ص ٧٩.

٥-٥. رياحين الشريعة، ج ٤، ص ٨٠، تاريخ قم، حسن بن محمد، ص ٢١٦.

۴۷. نام: تاج الدین

سلسله نسب: از اولاد امام موسی کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای سیرو، سه فرسخی قم (۱)

۴۸. نام: پیرحسن

محل دفن: شهر قم، قسمت غربی رودخانه کوه یزدان روبروی قلعه صدری (۲)

۴۹. نام: جعفر (شاه زاده جعفر)

محل دفن: روستای ویزجان، از توابع جلستان (۳)

۵۰. نام: جعفر (شاه زاده جعفر)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: مزرعه نیوته از مزارع ورجان. (۴)

۵۱. نام: جعفر (شاه زاده جعفر)

سلسله نسب: فرزند بلافصل امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای «گیو» در

نزدیکی قریه دستجرد از توابع جلستان. (۵)

۵۲. نام: جعفر (شاه زاده جعفر)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای «راهگرد» آغاز راه فرعی روستا، از راه قم - اراک. بنای بقعه از سنگ و گچ به صورت برجی، از آثار قرن

ششم و هفتم. (۶)

۵۳. نام: جعفر (شاه جعفر موسوی)

لقب: موسوی

تولد و وفات: شهادت در سال ۶۱۷ ق در فتنه امیر زاده «جته نویان» در قتل عام قم به وسیله یورش سپاه چنگیزی.

ص: ۲۴۴

-
- ۱-۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.
 - ۲-۲. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.
 - ۳-۳. سیمای قم، ص ۹۴.
 - ۴-۴. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.
 - ۵-۵. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۰۶.
 - ۶-۶. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۸، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۱۱.

سلسله نسب: سید جلیل شاه جعفر موسوی که از نقباء و شرفای علویه در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم بوده و شجره نامه اش در دسترس نیست. ولی احتمالاتی در سلسله نسب وی داده شده:

مثل: جعفر بن علی بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن امام سجاد علیه السلام.

احتمال دیگر: جعفر الشعرانی، بن الحسین (پدر شاه زاده محمد جمال) بن علی بن محمد دیباج بن امام صادق علیه السلام

و احتمال دارد: جعفر بن حسین بن علی بن محمد بن امام جعفر صادق علیه السلام باشد که در کتب نسب شناسی تمام این احتمالات تصنیف شده بر کتیبه کاشی فیروزه رنگ چنین نوشته شده:

«هذا مشهد طاهر المطهر الشهيد

جعفر بن امام جعفر صادق بن الباقر بن امام علی زین العابدین بن امام حسین بن امام المظلوم امیر المؤمنین سید الوصیین صلوات الله علیهم اجمعین فی تاریخ محرم سبع و ستین و ستمأه ۶۷۷»

محل دفن: خیابان شاه ابراهیم در جهت غربی شهر قم، نزدیک امام زاده شاه ابراهیم در محله مزدیجان. (۱)

۵۴. نام: جعفر (معروف به شاه زاده جعفر غریب)

لقب: دقاق

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

احتمالاً: جعفر دقاق بن محمد بن احمد بن هارون بن امام موسی کاظم علیه السلام

محل دفن: در ۳ کیلومتری شرقی قم، نزدیک قبرستان بقیع، و نزدیک

ص: ۲۴۵

ویژگی ها: جدیداً تعمیر شده و ضریح آلومینیوم مشبک به رنگ مشکی بر روی قبر نصب شده، تا یک متری دیوار داخل بقعه سنگ و بقیه با گچ سفید شده و سقف داخل گنبد به رنگ سبز کم رنگ می باشد. تا چندی قبل این امام زاده در وسط یک باغ پر درختی قرار داشت و راه ورودی به امام زاده باریک بود.

در این اواخر که در نزدیکی جاده قدیم - جمکران قرار گرفته اطراف امام زاده را تستطیع نمودند و امکانات رفاهی برای مسافرین و زائرین در آن جا ایجاد شده است. (۱)

۵۵. نام: جعفر بن ناصر الدین محمد

سلسله نسب: شاه زاده جعفر فرزند ناصر الدین محمد بن ابی الفضل احمد بن ابی القاسم حمزه الاصم ابن عبدالله بن حسین بنفسیج ابن اسماعیل ابن ارقط ابن عبد الله الباهر

ابن امام زین العابدین علیه السلام

احتمال دیگر: وی فرزند علی بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن عبد الله الباهر ابن امام سجاد علیه السلام

محل دفن: روستای گرگاب، نزدیک جمکران، در چند متری بقعه هادی و مهدی و ناصر الدین محمد. (۲)

۵۶. نام: شاه زاده جمال غریب

لقب: معروف به جمال زینب

سلسله نسب: شاه زاده جمال از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام

احتمالاً محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر الصادق علیه السلام

ص: ۲۴۶

۱- ۱. بدر فروزان، ص ۵۶، انجم فروزان، ص ۲۲۵، گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- ۲. بنا بر تابلویی از تحقیقات شیخ هادی نوارئی یگانه تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۷، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۹.

محل دفن: جاده کاشان جنب قبرستان بقیع.

ویژگی ها: بر اثر « خواب نما » پدیدار شده است. (۱)

۵۷. نام: جمال الدین محمد بن علی

لقب: جمال الدین

تولد و وفات: در قرن هشتم

سلسله نسب: سید جمال الدین محمد بن علی بن محمد بن محمد بن حسن بن زید بن داعی بن مهدی بن اسماعیل بن حسن بن محمد بن نجم بن حسین بن علی بن حسن بن حسین بن حسن الأفطس بن علی الأصغر بن امام زین العابدین علیه السلام

که در سر در ورودی امام زاده نوشته شده، امام زاده محمد جمال الدین از احفاد امام موسی کاظم علیه السلام است.

محل دفن: جاده اراک، اول اتوبان کمربندی شهر قم. (۲)

ویژگی ها: دو امام زاده دیگر نیز به اسم «جمال» در قم و اطراف آن مدفون می باشند که در فهرست ذکر شده است و مرحوم ناصر الشریعه: احتمال داده که این بقعه متعلق به امام زاده محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد بن دیباج ابن امام جعفر صادق علیه السلام باشد. (۳)

۵۸. نام: جمال الدین

سلسله نسب: احتمالاً: شاه زاده محمد جمال بن جعفر بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر صادق علیه السلام.

محل دفن: در خارج دهکده لنجرود (لنجرود) ۲۰ کیلومتری

ص: ۲۴۷

۱-۱. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۱۹۵، تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۲، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۲۳ - ۵۱۹، تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲-۲. سراج الانساب، ص ۱۶۵، انوار پراکنده ج ۱، ص ۵۷۴.

۳-۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۲.

شهر قم، سر راه کاشان. (۱)

۵۹. نام: حسن بن احمد الخطیب

کنیه: ابو محمد

وفات: دو شنبه ۹ صفر ۳۴۹ ه ق.

سلسله نسب: ابو محمد حسن بن احمد الخطیب الشجری ابن علی بن محمد بن عمر الشجری ابن علی بن عمر الاشرف ابن امام زین العابدین علیه السلام.

محل دفن: مزار بابلان در اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام ولی از قبر وی اثری نیست و جزء بیوتات حرم مطهر گردیده. (۲)

۶۰. نام: حسن

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در روستای قمرو، در بقعه شش امام زاده در کنار رقیه، خالد، حمزه، قاسم، محمد. (۳)

۶۱. نام: حسن بن ابو عبد الله حسین

کنیه: ابو محمد

سلسله نسب: ابو محمد حسن بن ابو عبد الله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: بلوار ۱۵ خرداد، نزدیک بقعه شاه سید علی، که قبلاً آن را اراضی جمر و سعد آباد می نامیدند در بقعه چهار امام زاده، نزد پدرشان و دو برادر دیگر معروف به اسم خادم آنها امام زاده «ملاً آقا بابا» (۴)

۶۲. نام: حسین (شاه زاده حسین)، بعضی وی را حسن نامیده اند.

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم

ص: ۲۴۸

۱- ۱. انجم فروزان، ص ۲۲۵، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۲۳، تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۲- ۲. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳، انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۸.

- ۳-۳. دائره المعارف تشيع، ج ۳، ص ۳۶۳؛ تربت پاكان، ج ۲، ص ۱۶۹.
- ۴-۴. انساب مجدى، ص ۲۲۰؛ عمدہ الطالب، ص ۳۷۹، گنجينه آثار قم، ج ۲، ص ۴۹۷.

عليه السلام

محل دفن: روستای نیوند از مزارع ورجان (۱)

۶۳. نام: حسین

محل دفن: روستای کهندان از توابع قاهان بخش خلجستان (۲) در کنار امام زاده ابوطالب

۶۴. نام: حسین

محل دفن: روستای فردو از توابع بخش کهک (۳)

۶۵. نام: حسین بن احمد

کنیه: ابو عبد الله

سلسله نسب: ابو عبد الله حسین بن احمد بن علی بن جعفر عریضی،

و بعضی: ابو عبد الله حسین بن احمد بن حسین بن احمد شعرانی ابن علی بن جعفر عریضی دانسته اند.

محل دفن: در قم وفات کرده اما محل دفن معلوم نیست. (۴)

۶۶. نام: حسین بن احمد

کنیه: ابو عبد الله

سلسله نسب: حسین بن احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن امام موسی کاظم علیه السلام

پدر بزرگوار شاه زاده حمزه که در قم مدفون است.

محل دفن: مرحوم فیض قائل است که در بقعه فرزندش شاه زاده حمزه در خیابان آذر مقابل میدان کهنه مدفون است. (۵)

۶۷. نام: حسین بن الحسین

لقب: سید ابو الحسن

سلسله نسب: سید ابو الحسن

ص: ۲۴۹

۱-۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۷۴۰.

۲-۲. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.

۳-۳. همان.

۴-۴. انوار پراکنده، ج ۱، ص ۲۹۳ از کتاب تاریخ قم...؛ مهاجران آل ابیطالب، ص ۳۳۷.

۵-۵. بدر فروزان، ص ۱۵؛ انوار پراکنده، ج ۱، ص ۳۶۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۴۱.

حسین بن الحسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام

محل دفن: در مزار بابلان، نزدیک مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام. الآن اثری از قبر وی مشهود نمی باشد و جزء بیوتات حرم مطهر گردیده است. (۱)

۶۸. نام: حسین بن علی

سلسله نسب: حسین فرزند شاه زاده سید علی (مدفون در خارج دروازه ری - خیابان ۱۵ خرداد) ابن احمد بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد حنفیه (بن علی بن ابیطالب علیه السلام)

محل دفن: در قبرستان محمدیه در جوار فرزندش عباس بن حسین. (۲)

۶۹. نام: حسین بن علی

کنیه: ابو عبد الله

سلسله نسب: سید جلیل القدر شاه

زاده ابو عبد الله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: بلوار ۱۵ خرداد، در نزدیکی بقعه شاه سید علی، که قبلاً آن را اراضی جمر و سعدآباد می نامیدند در بقعه چهار امام زاده که سه نفر دیگر فرزندان وی می باشند و معروف به اسم خادم آنها (ملا آقا بابا). (۳)

۷۰. نام: حلیمه خاتون

سلسله نسب: از اولاد احمد بن موسی (شاه چراغ)

محل دفن: در مزرعه نوره از مزارع

ص: ۲۵۰

۱- ۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۵... انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲- ۲. انجم فروزان، ص ۱۴۵، عمده الطالب، ص ۳۲۱؛ تاریخ قم، ص ۲۳۵، ۲۳۶.

۳- ۳. انساب مجدی، ص ۲۲۰، عمده الطالب، ص ۳۷۹، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۹۷.

۷۱. نام: حلیمه

سلسله نسب: از نوادگان امام محمد باقر علیه السلام

محل دفن: روستای وشنوه. در کنار بقعه زینب، هادی، شهر بانو و... بعضی معتقدند وی همسر هادی است. (۲)

۷۲. نام: حلیمه دختر موسی

سلسله نسب: حلیمه دختر ابوالحسن موسی بن احمد ابو عبد الله، بن ابو علی محمد بن ابو علی احمد بن موسی میرقع فرزند امام جواد علیه السلام

محل دفن: روستای علی آباد نزدیک روستای چاله گنبد، حدود ۱۵ کیلومتری در روستای قلعه جم (سه راه جاده قدیم اصفهان) با فاصله ۱۷ کیلومتری از امام زاده عبد الله.

ویژگی ها: وی در کنار برادرش امام

زاده یحیی زیر یک گنبد و در یک ضریح آلومینیومی مدفون می باشد. (۳)

۷۳. نام: حلیمه

محل دفن: روستای دستگرد، از بخش خلجستان، نزدیک بقعه شاه زاده ابراهیم. (۴)

۷۴. نام: حلیمه

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در بقعه چهار امام زاده - واقع در روستای لنجرود، در قهستان قم در کنار بقعه خواهرش زینب.

ویژگی ها: روی صندوق مزارش کتیبه ای با صلوات کبیره و تاریخ «عُزّه شهر جمادی الاولی سنه اثنتین و

ص: ۲۵۱

۱-۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۰؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۹۴.

۳-۳. المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۲۹ - ۱۲۷؛ منتقله الطالبیه، ص ۵۷.

۴-۴. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۰، و تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

ثلاثین و الف من هجره النبویه صلی الله علیه و آله العبد نور الله بن حبيب الله» نوشته شده. (۱)

۷۵. نام: حلیمه خاتون

محل دفن: روستای نایه از توابع خلجستان (۲)

۷۶. نام: حمزه بن احمد الرّخ

لقب: القمی

سلسله نسب: حمزه بن احمد الرّخ بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: مزار بابلان، در مقبره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام. الآن اثری از قبر وی معلوم نیست و جزء بیوتات حرم مطهر گردیده. (۳)

۷۷. نام: حمزه

سلسله نسب: احتمالاً حمزه فرزند ابو الحسن محمد صورانی بن حسین بن اسحق بن امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در روستای قمرود، در

بقعه شش امام زاده، پهلوی رقیه، خالد، حسن، قاسم، محمد. (۴)

۷۸. نام: حمزه بن شاه زاده اسماعیل

سلسله نسب: از احفاد علی بن جعفر عریضی فرزند امام صادق علیه السلام

محل دفن: در روستای شاه اسماعیل در دامنه کوه بیرقان (بیدقان) از توابع شهر کهک در کنار پدرش شاه زاده اسماعیل. (۵)

۷۹. نام: حمزه بن حسین معروف به «شاه زاده حمزه»

تولد و وفات: وفات در اواسط قرن چهارم هجری.

ص: ۲۵۲

۱-۱. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۳۶ و گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۱۸ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲-۲. سیمای قم، ص ۹۴.

۳-۳. گنجینه آثار قم، ص ۳۹۳ و انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۶.

۴-۴. دائره المعارف تشيع، ج ۳، ص ۳۶۳ و تربت پاكان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۵-۵. گنجيه آثار قم، ج ۲، ص ۲۹۴.

سلسله نسب: حمزه بن حسین (ابو عبد الله)، بن احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام
وی نوه احمد بن اسحق است که در مجاورت بقعه جدّ خود احمد بن اسحق به خاک سپرده شده است.
احتمالات دیگری هم وجود دارد.

محل دفن: خیابان آذر، مقابل میدان کهنه، (میدان زکریا بن آدم) در مجاورت بقعه جدّ خود احمد بن اسحق.
ویژگی ها: هر کس به اسم او سوگندی دورغ و بر خلاف حقیقت یاد کند بی شبهه به جزای خود هر چه زودتر خواهد رسید.
داخل گنبد تمام سقف آئینه کاری است و دارای ضریح نقره و طلا.

سازنده ضریح مطهر: احمد و عباس پرورش قلمزنی حسین عباسپور و نجاری حاج نعمت الله
حیدرزاده اصفهانی ۱۳۷۱ ه ش. (۱)

۸۰. نام: حیدر (سلطان حیدر)

سلسله نسب: از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام
محل دفن: مزرعه نیوند از مزارع ورجان. (۲)

۸۱. نام: خواجه حسن

محل دفن: در جاده قم - اراک. روستای «راهجرد» (۳)

۸۲. نام: خالد

سلسله نسب: احتمالاً فرزند ابو جعفر محمد صورانی بن حسین بن اسحق بن امام کاظم علیه السلام
محل دفن: در روستای قمرود، در بقعه شش امام زاده، کنار رقیه، حسن، قاسم، حمزه، محمد. (۴)

ص: ۲۵۳

۱-۱. بدر فروزان، ص ۱۶، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۴۱.

۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۳-۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۴-۴. دائره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶۳ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۸۳. نام: خدیجه خاتون

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در روستای خلجستان، چهار فرسخی قم. (۱)

۸۴. نام: خدیجه

سلسله نسب: از نوادگان امام سجاد علیه السلام

و احتمال دارد از دختران ابو طالب محسن بن حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی اصغر ابن امام سجاد علیه السلام باشد.

محل دفن: در قسمت شرقی قم و جهت شرقی امام زاده طیب و طاهر در اراضی نجم آباد. در کنار سکینه و فاطمه و رقیه مدفون است. (۲)

۸۵. نام: خدیجه

سلسله نسب: خدیجه خاتون یکی از نوادگان امام جعفر صادق علیه السلام است.

بعضی: وی را از نوادگان علی بن حسن العلوی العریضی می دانند.

فیض می گوید: آنچه که اهل محل درباره وی معتقدند که نام برده فرزند بلافضل امام صادق علیه السلام و عمه فاطمه معصومه است. با هیچ مستندی وفق نمی دهد. چونکه خدیجه اولاد امام صادق نام برده نشده.

محل دفن: در قریه خدیجه خاتون، در جنوب قم در جاده قدیم قم - اصفهان، سه کیلومتر از جاده اصلی فاصله دارد.

ویژگی ها: بقعه امام زاده خدیجه خاتون بنائی هشت ظلعی، با گنبد منشوری است و یکی از هفت امام زاده ارزشمند و تاریخی قم می باشد کهبه دستور غیاث الدین امیر محمد فرزند خواجه علی

ص: ۲۵۴

۱- ۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۲- ۲. فرهنگ آبادیها و مکان های مذهبی کشور. محمد حسین پاپلی، ص ۶۱۶. و انجم فروزان، ص ۱۵۶ و انوار المشعشعین،

ج ۲، ص و تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۱.

صفی از امرای مستقل قم در سال ۷۷۰ هجری قمری بنا شده است. (۱)

۸۶. نام: دربن علی

محل دفن: روستای آبرجس (ابرگس) در مزرعه «ازناوه» در مدخل ابرجس. (۲)

۸۷. نام: دوز بن علی بن حسن

محل دفن: روستای آبرجس، از توابع کهک (۳)

۸۸. نام: رقیه خاتون

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در روستای لنجرود، در بقعه حلیمه خاتون. (۴)

۸۹. نام: رقیه

سلسله نسب: از نوادگان امام محمد باقر علیه السلام

محل دفن: روستای وشنوه در کنار زینب شهر بانو، هادی، حلیمه، رقیه و... بعضی قائلند که وی همسر هادی می باشد. (۵)

۹۰. نام: رقیه

سلسله نسب: وی از نوادگان امام سجاد علیه السلام:

احتمال دارد: از دختران ابو طالب محسن بن حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی اصغر ابن امام سجاد علیه السلام می باشد.

محل دفن: در قسمت شرقی قم در جهت شرقی امام زاده طیب و طاهر در اراضی نجم آباد. در کنار سکینه و فاطمه و رقیه مدفون است. (۶)

۹۱. نام: رقیه

ص: ۲۵۵

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۲۷، ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۷۲ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲-۲. تربت پاکان، ج ۷۲ ص ۱۸۶.

۳-۳. سیمای قم، ص ۹۳.

۴-۴. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۵۱۸ و تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۵-۵. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۴۰ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۵ و گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۹۴.

۶-۶. انجم فروزان، ص ۱۵۶، و انوار المشعشعین، ج ۲.

سلسله نسب: از فرزندان یا نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در بقعه خدیجه خاتون در روستای خدیجه خاتون در جاده سراجیه نزدیک طیب و طاهر.

ویژگی ها: وی در کنار برادرانش، عبد الرحمن و عبد الله و زینب و خدیجه و... مدفون می باشد. (۱)

۹۲. نام: رقیه خاتون

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای خلجستان، چهار فرسخی قم. (۲)

۹۳. نام: رقیه

محل دفن: روستای فردو (۳)

۹۴. نام: رقیه

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای قمرود، در بقعه شش امام زاده در کنار خالد، حسن، حمزه، قاسم و محمد. (۴)

۹۵. نام: زبیده خاتون (بی بی زبیده خاتون)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای جنداب، بیرون ده نزدیک روستای قاضی و مزرعه زیبکان در کنار شاه زاده عباس. (۵)

۹۶. نام: زکریا

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در ۲۵ متری بقعه ابراهیم و اسماعیل نزدیک بقعه خدیجه خاتون در ۳۰ کیلومتری قم در جهت جنوب در جاده قدیم قم - اصفهان.

ویژگی ها: این بقعه ساده و قدیمی

ص: ۲۵۶

- ۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۰۵ تا ۵۱۴. و تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۳.
- ۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.
- ۳-۳. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف.
- ۴-۴. دائره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۶۳ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۹.
- ۵-۵. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۱۰.

است. و قبری در وسط آن بدون نام و نشان با جدار گچی و بدون ضریح می باشد. (۱)

۹۷. نام: زکریا

سلسله نسب: فرزند امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای میدانک از توابع خلجستان (۲)

۹۸. نام: زید بن علی

سلسله نسب: زید بن علی بن علی اکبر بن محمد السلیق ابن عبید الله بن محمد بن الحسن بن الحسین الأصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: در خیابان آذر، در مجاورت بقعه چهل اختران، در بقعه ای جدا مدفون می باشد. (۳)

۹۹. نام: زید (شاه زاده زید)

سلسله نسب: از احفاد امام سجاد علیه السلام: زید بن حسن عزیزی، بن علی ابن حمزه القمی، ابن احمد

بن محمد بن اسماعیل بن محمد ابن عبدالله الباهر ابن امام الهمام زین العابدین علیه السلام (۴)

محل دفن: بازارچه شاه زاده حمزه، آخر کوچه پنجه علی دارای مرقد و مقبره کاشیکاری شده و قدیمی.

ویژگی ها: در جهت غربی بقعه، مسجد شاه زاده زید وجود دارد. (۵)

۱۰۰. نام: زینب خاتون

سلسله نسب: از اولاد احمد بن موسی (شاه چراغ)

محل دفن: مزرعه نوره از مزارع فردو (۶)

۱۰۱. نام: زینت خاتون

ص: ۲۵۷

۱-۱. با مشاهده حضوری و تحقیق از اهل محل؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۶ و گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۱۲.

۳-۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۲۵ - ۵۲۷ و تربت پاکان، ج ۲، ص ۷۶.

- ٤-٤. انوار المشعشين، ج ٢، ص ١٥٦.
- ٥-٥. گنجينه آثار قم، ج ٢، ص ٥٧٤.
- ٦-٦. تاريخ قم، ناصر الشريعه، ج ١٤١.

سلسله نسب: از احفاد امام سجاد علیه السلام

محل دفن: روستای فردو (۱)

۱۰۲. نام: زینب

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای صَرم در بقعه سلطان محمود. این روستا در جنوب شرقی قم قرار دارد. (۲)

۱۰۳. نام: زینب

سلسله نسب: از دختران امام موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: بقعه خدیجه خاتون، در قریه خدیجه خاتون در جهت شرقی قم جاده سراج، نزدیک طیب طاهر.

ویژگی ها: وی در کنار خواهرش مریم مدفون است. بر روی خشت چنین نوشته شده است: «هذا ضریح اولاد الامام المعصوم موسی بن جعفر و هما...».

و روی خشت دوم چنین نوشته شده است: «... و الاختین اسمهما زینب و مریم بنتا الامام الشهید المطهر موسی بن جعفر علیهما السلام».

و بر کتیبه سنگی ایوان شرقی بقعه این عبارت دیده می شود:

هذا مرقد المطهر المعصوم امام زادگان واجب التعظیم و التکریم شاه زاده عبد الرحمن، عبد الله ابنا موسی بن جعفر علیهما السلام، و زینب خاتون و فاطمه خاتون و خدیجه خاتون و مریم خاتون و رقیه خاتون بنات موسی بن جعفر علیما السلام».

البته امام موسی بن جعفر دختری به نام مریم نداشت از این روی احتمال می رود از نوادگان آن حضرت باشد. اصل بقعه در دوره ایلخانیان ساخته شده و در دوره

ص: ۲۵۸

۱- ۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۲- ۲. دائره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۸۶.

صفویه مرمت شده است. (۱)

۱۰۴. نام: زینب

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای وشنوه در کنار هادی، رقیه، حلیمه، شهربانو و... (۲)

۱۰۵. نام: زینب

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در بقعه چهار امام زاده واقع در قهستان قم.

ویژگی ها: بر صندوق مزارش صلوات بر معصومین که چنین ختم می یابد دیده می شود «... و الحجج القائم الخلف الصالح الامام الهمام المنتظر محمد المهدی».

و در کنار محمد، حسین، حلیمه، از نوادگان امام کاظم خفته است. (۳)

۱۰۶. نام: زینب بنت محمد بن علی (امام جواد)

سلسله نسب: زینب بنت امام جواد

علیه السلام

محل دفن: مقبره بابلان داخل روضه حضرت معصومه علیها السلام

ویژگی ها: بعد از وفات حضرت معصومه به قم آمد، و بوریای روی قبر حضرت معصومه علیها السلام را برداشت و گنبدی بر مزارش ساخت. (۴)

۱۰۷. نام: زینب

تولد و وفات: وفات ۳۲۰ ق

سلسله نسب: زینب دختر موسی

ص: ۲۵۹

- ۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۰۵ تا ۵۱۴. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۲ تا ۱۷۳.
- ۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعہ، ص ۴۰، تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۵. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۹۴.
- ۳-۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۵، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۱۸.
- ۴-۴. ر.ک: گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۱، ص ۳۹۲. و کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد، ترجمہ حسن بن علی، ص ۲۱۶.

مبرقع. بعضی وی را جدای از زینب دختر موسی بن جعفر علیه السلام ندانسته اند.

محل دفن: در کنار قبر برادرش محمد بن موسی مبرقع در چهل اختران.

ویژگی ها: بعضی معتقدند وی بعد از تصرف در اموالی که از برادرش ارث برده بود به مرمت مزار حضرت معصومه علیها السلام پرداخت. (۱)

۱۰۸. نام: ساریه خاتون

محل دفن: در جاده اصفهان نزدیک روستای نیزار (۲)

۱۰۹. نام: سکینه

سلسله نسب: احتمالاً سکینه دختر حسین بن محمد بن علی بن قاسم بن عبد الله بن موسی کاظم علیه السلام
احتمال دیگر: سکینه دختر حسین بن علی بن محمد بن علی بن قاسم بن عبد الله بن موسی کاظم علیه السلام
محل دفن: ۳۰ کیلومتری شرق قم

نزدیک جاده کنونی قم - کاشان، در حوالی روستای قاسم آباد و نزدیک دهکده زالون آباد.

ویژگی ها: وی مادر سید مطهر فرزند علی بن سلطان محمد شریف است. (۳)

۱۱۰. نام: سکینه

سلسله نسب: از نوادگان امام سجاد علیه السلام

احتمال دارد: از دختران ابو طالب محسن بن حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی اصغر بن امام سجاد علیه السلام باشد.

ص: ۲۶۰

۱- ۱. ر. ک: عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۰ و جدی فروزان، ص ۹۴.

۲- ۲. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم، و تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۰۹.

۳- ۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۱۴-۵۱۷؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۰؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۳؛ بدر فروزان، ص ۵۸.

محل دفن: در قسمت شرقی قم و جهت شرقی امام زاده طیب طاهر در اراضی نجم آباد در کنار خدیجه و فاطمه و رقیه مدفون است. (۱)

در گنجینه آثار قم، سکینه را در این جا مدفون نمی دانند. (۲)

۱۱۱. نام: سکینه خاتون

سلسله نسب: سکینه خاتون دختر ناصر الدین محمد بن ابی الفضل احمد بن ابی القاسم حمزه الاصم ابن عبد الله بن حسین بنفصح ابن اسماعیل ابن محمد ارقط ابن عبد الله الباهر ابن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: روستای گرگاب نزدیک جمکران، کنار برادرش جعفر، و نزدیکی بقعه پدرش و دو برادر دیگرش هادی و مهدی. (۳)

۱۱۲. نام: سلیمان بن سلطان محمود

سلسله نسب: سلیمان بن سلطان محمود بن محمد بن زید (مدفون)

در روبروی بقعه چهل اختران) بن علی بن علی الاکبر بن محمد السّلیق ابن عبید الله بن محمد بن الحسن بن الحسین الاصغر بن امام زین العابدین.

محل دفن: روستای صرم، در جنوب شرقی قم. در کنار مادرش زینب از نوادگان امام کاظم علیه السلام و پدرش سلطان محمود. (۴)

۱۱۳. نام: سلیمان

محل دفن: روستای صفرآباد از

ص: ۲۶۱

۱-۱. فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور، محمد حسین پاپلی، ص ۶۳۱؛ انجم فروزان، ص ۱۵۶؛ انوار المشعشعین، ج ۲؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲-۲. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۱۴.

۳-۳. بنا بر تابلویی از تحقیقات شیخ هادی نورائی یگانه؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴-۴. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۸۶؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۷.

توابع بخش مرکزی (۱)

۱۱۴. نام: سلیمان

محل دفن: روستای خورآباد از توابع کهک (۲)

۱۱۵. نام: سلیمان

سلسله نسب: فرزند امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای آوه از توابع جعفرآباد

ویژگی ها: به قسمت «موسی» مراجعه شود. (۳)

۱۱۶. نام: سه خواهران

محل دفن: روستای راهجرد، مزرعه «ریزاه»، میان روستای «دیزیجان» و «ریزاه». (۴)

۱۱۷. نام: سهل علی

محل دفن: روستای کوشک نصرت از توابع بخش مرکزی قم. (۵)

۱۱۸. نام: شهر بانو

سلسله نسب: از نوادگان امام سجاد علیه السلام

محل دفن: روستای وِشِنُوِه در کنار هادی و حلیمه و رقیه و زینب و...

بعضی معتقدند: وی خواهر هادی است. (۶)

۱۱۹. نام: شریفه خاتون (بی بی شریفه خاتون)

محل دفن: آبادی نویس، از توابع خلیجستان (۷)

۱۲۰. نام: شعیب

محل دفن: روستای ورزنده از توابع خلیجستان (۸)

۱۲۱. نام: صالح (شاه زاده صالح)

-
- ۱-۱. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.
 - ۲-۲. همان.
 - ۳-۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۹۹ - ۱۰۳.
 - ۴-۴. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۸.
 - ۵-۵. سیمای قم، ص ۹۵.
 - ۶-۶. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۴۰؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۷۸؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۹۴.
 - ۷-۷. سیمای قم، ص ۹۴.
 - ۸-۸. امام زادگاه استان قم، اداره اوقاف قم.

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: مزرعه نیوند از مزارع ورجان. (۱)

۱۲۲. نام: صالح بن مالک اشتر

لقب: علمدار

وفات: در نیمه قرن دوم هجری

سلسله نسب: امیر صالح بن محمد بن ابراهیم بن مالک اشتر نخعی، که در لشکر زید بن علی بن الحسین علمدار بود.

محل دفن: روستای کیاب از توابع خلجستان

ویژگی ها: وی پس از شهادت زید و یارانش متواری شد و از کوفه به ایران آمد و در دامنه کوه کیاب به زراعت مشغول شد و در همین مکان وفات یافت و به خاک سپرده شد. (۲)

۱۲۳. نام: صفورا خاتون

وفات: ۳۷۸ ه. ق.

سلسله نسب: برادر زاده محمد بن

جعفر بن احمد بن عبد الله بن محمد بن جعفر بن محمد بن عمر الاطرف بن امام علی علیه السلام

احتمال دیگر: برادر زاده محمد بن جعفر بن محمد بن عمر الاطرف بن امام علی علیه السلام

بعضی نام برادران محمد بن جعفر را «اسحاق» و «یعقوب» دانسته اند.

محل دفن: پشت بارگاه امام زادگان علی حارث و احمد، خاک فرج، کنار داروخانه الهادی.

ویژگی ها: به علت اختلاف در نسب وی بعضی به غلط وی را دختر حضرت شعیب پیغمبر علیه السلام دانسته اند.

وی در کنار عموی خود، محمد بن جعفر بن احمد بن عبد الله... مدفون می باشد و علت این که این بقعه را به اسم صفورا خاتون

ص: ۲۶۳

۱-۱. تاريخ قم، ناصر الشريعه، ص ۱۴۱.

۲-۲. گنجينه آثار قم، ج ۲، ص ۲۰۱.

شناخته می شود این باشد اول او در این بقعه به خاک سپرده شده است یا این که صفورا ماده تاریخ بنای بقعه و وفات صفورا خاتون است که ۳۷۸ می شود. بقعه فاقد هر گونه تزئینات و حجرات و بیوتات است که بنای فعلی را به قرن نهم و دهم هجری نسبت داده اند. و تعمیرات بعدی در سال ۱۳۳۴ ه ق به وسیله محمد رضای میرزا قاجار انجام شده. توضیح بیشتر به نام محمد بن جعفر مراجعه شود. (۱)

۱۲۴. نام: طاهر (شاه زاده طاهر)

محل دفن: روستای تقرود (یا طغرود) از توابع خلجستان که امروز از توابع جعفرآباد است بنای آن از دوره صفوی است ساده و تهی از هر گونه تزئین، در کنار بقعه میرزا رضا وزیر دفتر از رجال دوره قاجار. (۲)

۱۲۵. نام: طیب (حسین بن علی)

کنیه: ابو عبد الله و بعضی او را ابو

العباس خواندند

لقب: طیب

سلسله نسب: درایوان غربی بقعه کتیبه ای کمربندی از کاشی خشتی دارد به نستعلیق سفید چنین نوشته: بسمه تعالی، در مجلد دوم انور المشعشعین است که شاه زاده طیب و طاهر در قم حسین و محسن هستند و نسب آنها این است: حسین بن علی بن عمر بن الحسن الافطس ابن علی الاصغر ابن زین العابدین علیه السلام و محسن پسر اوست که ملقبند به طیب و طاهر.

محل دفن: در جاده قم - سراج، با فاصله دو کیلومتری خارج از جاده اصلی در بقعه ای به نام طیب

ص: ۲۶۴

-
- ۱- ۱. تربت پاکان، ج ۲، ص ۸۷؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۳۵؛ الشجره المبارکه، ص ۲۰۲؛ المجدی، ص ۲۴۹؛ انجم فروزان، ص ۱۴۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۷.
 - ۲- ۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۱ - ۲۰۲.

ویژگی ها: گنبد این مزار برجی هرمی شانزده ترکی و نمای درون آن نخست چهار گوشه که در بالا به هشت گوشه و سپس در قاعده گنبد به شانزده ضلعی تبدیل شده، بلندی سقف از سطح بقعه بیش از ده متر است. روی مرقد میان بقعه با درازای و پهنای ۲ × ۳ و بلندی ۲۰/۱ با کاشی معرق لاجوردی آراسته، که بی هیچ تردید از قرن دهم است...

روی مرقد ضریخ آلومینیوم مشبک قرار دارد. ولی در گنجینه آثار قم: وی را: ابو العباس طیب بن ابو الحسن علی ابن ابو عبد الله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام معرفی می کند.

۱۲۶. نام: طاهر (محسن بن حسین)

کنیه: ابو الحسین

لقب: طاهر

سلسله نسب: بنا بر آنچه در کتیبه کمر بندی بقعه نوشته:

وی: محسن بن حسین بن علی بن عمر بن الحسن الافطس ابن علی الاصغر ابن زین العابدین علیه السلام فرزند طیب است.

و در گنجینه آثار قم: وی را ابو الحسین طاهر فرزند ابو الحسن علی ابن ابی عبد الله حسین بن علی بن عمر بن الحسن الافطس... می داند.

محل دفن: جاده قم - سراج، با فرعی دو کیلومتری در کنار پدرش طیب در بقعه طیب و طاهر. (۲)

۱۲۷. نام: عاقب (شاه زاده عاقب)

سلسله نسب: از فرزندان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در شمال قریه جمزقان

ص: ۲۶۵

۱- ۱. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۱، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲- ۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۱.

(جیزقان) در روستای «بنابر» از توابع خلجستان.

ویژگی ها: در بازار کاشان، امامزاده ای به نام ابوالحارث بن عاقب وجود دارد که شاید پسر این امامزاده باشد. (۱)

نام: عباس (شاه زاده عباس).

سلسله نسب: عباس فرزند شاه ابراهیم، از نوادگان امام باقر علیه السلام

محل دفن: در کنار مزرعه نیوند از مزارع ورجان در جهت شرقی قم.

بعضی وی را در روستای شاه ابراهیم پهلوی پدرش مدفون می دانند. (۲)

۱۲۸. نام: عباس (شاه زاده عباس)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای جنداب، بیرون ده، نزدیک روستای قاضی پایین و مزرعه زیبکان، گنبدی ساده از نیمه

نخستین دوره قاجار. و در این بقعه بی بی زبیده خاتون از احفاد امام کاظم علیه السلام دفن شده است. (۳)

۱۲۹. نام: عباس بن حسین

کنیه: ابوالفضل

سلسله نسب: عباس بن حسین فرزند شاه زاده سید علی (مدفون در خارج دروازه ری خیابان ۱۵ خرداد) بن احمد بن محمد بن

علی بن عبد الله بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد حنفیه ابن علی ابن ابی طالب علیه السلام

محل دفن: در قبرستان محمدیه در جوار پدرش حسین بن شاه زاده سید علی. (۴)

ص: ۲۶۶

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۰۵.

۲-۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۸ - ۱۸۲؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۳-۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۷؛ گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۲۱۰.

۴-۴. انجم فروزان، ص ۱۴۵؛ عمده الطالب، ص ۳۲۱؛ تاریخ قم، ص ۲۳۵، ۲۳۶.

۱۳۰. نام: عبد الرحمن (شاه زاده عبد الرحمن)

محل دفن: خور آباد، دو فرسخی قم. (۱)

نام: عبدالرحمن

سلسله نسب: از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: در بقعه خدیجه خاتون: در جهت شرقی قم، نزدیک امامزاده طیب و طاهر در روستای خدیجه خاتون.

ویژگی ها: وی در کنار برادرش عبد الله و خواهرانش زینب، مریم، خدیجه، فاطمه، رقیه مدفون است. (۲)

نام: عبد الله

سلسله نسب: از نوادگان یا فرزندان امام کاظم علیه السلام، برادر عبد الرحمن.

محل دفن: در بقعه خدیجه خاتون، در جهت شرقی قم، نزدیک بقعه طیب و طاهر در روستای خدیجه

خاتون.

ویژگی ها: وی در کنار برادرش عبد الرحمن و خواهرانش زینب، فاطمه، رقیه، خدیجه، مریم... مدفون می باشد. (۳)

نام: عبدالله (شاه زاده عبدالله)

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

محل دفن: حدود چهل کیلومتری جنوب قم، کنار راه اصفهان، در بستر رود انار بار، غرب دهکده قلعه چم.

ویژگی ها: پیدایش این گنبد مستند به رؤیای زن صالحه ای از مردم دهکده قلعه چم در سال ۱۳۲۴ قمری. (۴)

ص: ۲۶۷

۱-۱. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۱۴.

۳-۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۰۵-۵۱۴.

۴-۴. گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج ۲، ص ۶۹۶؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۷.

۱۳۱. نام: عبد الله (شاه زاده عبد الله)

سلسله نسب: فرزند بلافضل امام موسی بن جعفر علیه السلام

احتمال دیگر: عبد الله محنف ابو عبد الله اسحق بن ابراهیم العسکر ابن موسی ابی الشُّبَّحَه بن ابراهیم المرتضی ابن امام کاظم علیه السلام این احتمال در تاریخ قم آمده که وی در آوه می زیسته و دختر دهخدا شاهین را در طریز ناهید تزویج کرد و او را پسری بود به نام احمد بن اسحق که با پسر خود حسین و پسر زاده اش شاه زاده حمزه در یک نقطه قم مدفونند.

ولی عباس فیض می گوید ابو عبد الله اسحق در ساوه مدفون است. (۱)

محل دفن: در یک فرسنگی آوه از توابع جعفرآباد. (۲)

۱۳۲. نام: عبد الله

محل دفن: بیرون کهک جلو جاده بیدهند در بقعه چهار امام زاده. (۳)

۱۳۳. نام: عبد الخالق

محل دفن: روستای راهجرد، جاده قم - اراک، اول فرعی همین روستا، در بقعه سه امام زاده (عبد الصالح، شاه زاده جعفر، و عبد الخالق). (۴)

۱۳۴. نام: عبد الصالح (امام زاده عبد الصالح)

محل دفن: روستای راهجرد، جاده قم - اراک، آغاز راه فرعی روستا، در بقعه سه امام زاده. (۵)

۱۳۵. نام: عبد الله

محل دفن: روستای فوجرد (۶)

۱۳۶. نام: عبد الله (شاه عبد الله)

سلسله نسب: از نوادگان شاه چراغ.

ص: ۲۶۸

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۱۰۱ و مجالس المؤمنین

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۹۹ - ۹۸، به نقل از مجالس المؤمنین و کتاب النقص.

۳-۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۷۳۸.

۴-۴. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۵-۵. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۶-۶. امام زادگاه استان قم، اداره اوقاف قم.

محل دفن: در یک فرسخی فردو، بر فراز کوه جنوبی مزرعه باوره (بوره) در بقعه چهار امام زاده. (۱)

۱۳۷. نام: سید عبد الله ایض

سلسله نسب: ظاهرا: شاه زاده عبد الله بن عباس بن عبد الله الشهيد بن حسن افطس بن علی بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: انتهای خیابان نیروگاه، در محله ای به نام دهکده قلعه صدری.

و بعضی می گویند: وی در شهر ری مدفون است و بقعه ای به نام عبد الله بن عباس مشهور است. و بعضی بقعه عبد الله در شهر ری را متعلق به فرزندش ابو عبد الله حسین بن عبد الله بن عباس دانسته اند. و ابو عبد الله کم کم به عبد الله تبدیل شده است و ممکن هم است که فرزند حسین عبد الله بن ابو عبد الله حسین بن عبد الله نیز در کنار پدرش در آنجا مدفون باشد و لذا به اسم فرزندش مشهور

گردیده باشد. (۲)

۱۳۸. نام: عبد الله بن محمد

سلسله نسب: عبد الله بن محمد بن عبد الله بن محمد بن ناصر الدین علی (که مقابل مسجد اما حسن عسکری مدفون است) بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبد الرحمن بن محمد البطحائی ابن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام

محل دفن: پایین پای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (۳)

۱۳۹. نام: عبد الله بن موسی

ص: ۲۶۹

۱-۱. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۶ - ۱۹۹.

۲-۲. انجم فروزان، ص ۱۶۵؛ تاریخ قم، ص ۲۲۵؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۹ - تربت پاکان ج ۲، ص ۱۶۱. عمده الطالب، ص ۳۱۵، مجالس المؤمنین، ص ۱۷۶ و الشجره المبارکه، ص ۱۷۷، تهذیب الانساب، ص ۲۵۵، منقله الطالبیه ص ۱۶۴، ۱۶۵.

۳-۳. انوار پراکنده، ج ۱، ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

کنیه: ابو الفتح

سلسله نسب: ابو الفتح عبد الله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل اختران(۱)

۱۴۰. نام: سید علی (شاه سید علی)

کنیه: ابو الحسن

سلسله نسب: سید علی بن احمد بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد حنفیه بن علی ابن ابی

طالب علیه السلام

در السنه و افواه عامه اشتباها وی به عنوان یکی از فرزندان ابو الفضل العباس فرزند امیر المؤمنین علیه السلام اشتهاار یافته، و این ناشی از این است که دو احفاد شاه زاده سید علی ابو الفضل العباس و پدر او حسین بن علی وجود دارد.

محل دفن: بلوار ۱۵ خرداد، خارج

دروازه ری(۲)

۱۴۱. نام: علی بن احمد (امام زاده خاک فرج)

کنیه: ابو القاسم

لقب: حارث

سلسله نسب: ابو القاسم علی الحارث بن ابو الحسن احمد بن ابی الخیر محمد بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی الاصغر

ابن امام زین العابدین علیه السلام

بعید نیست امام زاده فضل علی حارث و سهل علی حارث در ساوه فرزندان وی باشند.

محل دفن: خیابان خاک فرج، نزدیک قبرستان وادی السلام، کنار داروخانه الهادی. (۳)

ص: ۲۷۰

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۶۱ - ۵۶۶.

۲-۲. مهاجران آل ابی طالب، ص ۳۳۹؛ انجم فروزان، ص ۱۴۴.

۳-۳. تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۳۶؛ انجم فروزان، ص ۱۵۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۱؛ تربت پاکان، ج ۲، ص

ویژگی ها: بیرون بقعه امام زاده خاک فرج صورت سه قبر با سنگ مرمر برجسته به فاصله دو سه متری وجود دارد که نوشته های آن چنین است:

روی سنگ اول: آرامگاه مرحومه مغفوره خانم هاجر خاتون مادر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) تاریخ وفات ۱۳۳۶ هجری قمری.

روی سنگ دوم: آرامگاه مرحومه مغفوره صاحب جان خانم عمّه حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (ره) تاریخ وفات ۱۳۳۶ هجری قمری.

روی سنگ سوم: آرامگاه مرحومه مغفوره خانم مولوده آغا خواهر حضرت امام خمینی (ره)

تولد جمعه هیجده جمادی الثانی ۱۳۰۵ هجری قمری، وفات ۲۳ رجب ۱۳۴۳ هجری قمری.

۱۴۲. نام: علی رضا (معروف به امام زاده حاجی صفر)

سلسله نسب: احتمالاً: علی رضا بن محمد بن رضی الدین محمد بن محمد بن زید بن علی بن حسین بن حسن بن علی بن شرف بن علی بن محمد بن علی بن علی الحوری بن حسن الافطس ابن علی بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: یک فرسخ و نیم بالای مسجد جمکران. که به اسم خادمش «امام زاده حاجی صفر» مشهور است. (۱)

۱۴۳. نام: علی بن جعفر

کنیه: ابو الحسن

لقب: حسینی، هاشمی، علوی، مدنی، عَرِیضی

تولد و وفات: تولد حدود ۱۲۹ -

ص: ۲۷۱

۱۳۰ ه. ق. وفات: ۲۱۰ - یا ۲۲۰، یا ۲۵۲ یا ۳۳۴ هجری.

سلسله نسب: ابو الحسن علی فرزند بلافضل امام جعفر صادق علیه السلام

محل دفن: بنا بر تحقیق در عَرِیض یک فرسخی مدینه. بعضی مزار وی را در قم اواخر خیابان چهارمردان، جنب گلزار شهدا دانسته اند. و مرقدی در سمنان بدین نام است. بعضی مدفون در قم را علی بن جعفر بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام می دانند. (۱) و بعضی علی بن حسن بن عیسی بن محمد بن علی بن جعفر عریضی دانسته اند (۲).

ویژگی ها: علی فرزند امام جعفر صادق علیه السلام عالم محدث صاحب کتاب «مسائل علی بن جعفر» با ورع، تسلیم ولایت...

و علی بن جعفر مدفون در قم،

مورد احترام مردم قم و دارای بقعه و بارگاه، و ضریح مطلقاً...

در جوار یکی دیگر از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام به نام محمد می باشد. (۳)

۱۴۴. نام: علی موسی الرضا

لقب: الرضا

سلسله نسب: از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: خیابان آذر، روبروی بیمارستان نکوئی داخل کوچه.

ویژگی ها: ظاهراً بنای امامزاده مربوط به دوران قاجار است که داخل آن تعمیر شده و بدون هیچ

ص: ۲۷۲

۱- ۱. منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۸۶ - ۱۸۷؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲- ۲. تاریخ قم، ص ۲۲۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳- ۳. ر. ک: تربت پاکان، ج ۲، ص ۴۲؛ روضه المتقین، مجلسی، ج ۱۴، ص ۱۹۱؛ عمده الطالب، ص ۲۳۱؛ معجم رجال

الحديث، خوبی، ج ۲۱، ص ۲۸۹ - ۲۹۲؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

گچ بری، یا تزئین خاص است. (۱)

۱۴۵. نام: علی بن رضا (علی رضا)

سلسله نسب: آن گونه که در تابلوی منصوب به دیوار امام زاده آمده چنین است: امام زاده سیدعلی بن الرضا بن محمد بن رضی بن محمد بن زید بن مرام بن زید بن علی بن حسین بن حسن بن علی بن شرف بن علی بن محمد بن علی (ساکن آوه از توابع ساوه) بن علی حریری بن حسن افطس بن علی الاصغر بن الامام علی بن الحسین السجاد علیه السلام و در کتاب سراج الانسان در باب نسب شریف سادات آوه و توابع ساوه چنین آمده:... علی بن رضا ابن محمد بن محمد بن محمد بن زید بن داعی بن علی بن حسین بن علی بن محمد بن علی بن ابو محمد الحسن بن علی بن علی بن محمد الخزری بن علی الخزری بن حسن الافطس

بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام. (۲)

محل دفن: در فاصله چند کیلومتری جنوب غربی مسجد جمکران

ویژگی ها: دارای بقعه ای کوچک که در زیر آن صورت قبری برجسته به ارتفاع تقریبی یک متر و طول و عرض $۵/۱ \times ۲$ که با کاشی سبز و لاجوردی، تزئین شده قرار دارد و بقعه به صورت یک هشت ضلعی می باشد. در کنار آن باغی است که وقف امام زاده است و همچنین قدری از زمینهای آنجا وقف بر امام زاده می باشد.

۱۴۶. نام: علی بن حمزه

سلسله نسب: علی بن حمزه بن

ص: ۲۷۳

۱-۱. تاریخ قم، محمد حسین ناصر الشریعه، ص ۱۳۳؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲-۲. سراج الانساب، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. و قریب این سلسله نسب در تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۳ آمده است.

احمد الرّخ بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن امام زین العابدین. وی برادر محمد بن حمزه است که او نیز در اطراف حرم مدفون است.

محل دفن: در مزار بابلان، در اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام، قبر وی معلوم نیست و جزء بیوتات حرم مطهر گردیده است. (۱)

۱۴۷. نام: علی بن محمد بن حمزه

کنیه: ابو القاسم

سلسله نسب: علی بن محمد بن حمزه بن احمد الرّخ بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر ابن امام زین العابدین.

محل دفن: در مزار بابلان، در اطراف حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام ولی از قبر وی اثری نیست و جزء بیوتات حرم مطهر گردیده است. (۲)

۱۴۸. نام: عمران

محل دفن: روستای گلستان (۳)

۱۴۹. نام: غیبی (امام زاده غیبی)

محل دفن: روستای طایقان (طاقان)، از توابع خلیجستان، در ۲۵ کیلومتری قم. بر اساس «خواب نما» در سال ۱۳۵۲ پدیدار گشت. (۴)

۱۵۰. نام: حضرت فاطمه معصومه

لقب: معصومه، طاهره، رشیده، صدیقه، سیده، رضیه، مرضیه و...

تولد: اول ذی قعدة ۱۷۳ هـ. ق در مدینه در این باره احتمالات دیگری هم وجود دارد.

وفات: دهم ربیع الثانی ۲۰۱ هـ. ق در قم، درباره روز وفات وی اقوال دیگری هم هست مانند هشتم شعبان و دوازدهم ربیع الثانی.

ص: ۲۷۴

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳-۳. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.

۴-۴. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۲.

و لذا برای جمع بین بعضی از اقوال، از روز دهم تا دوازدهم ربیع الثانی، به عنوان سوگواری معصومیه در قم مراسم برگزار می شود. اما درباره سال وفات اتفاق نظر است.

سلسله نسب: فرزند بلافضل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و برادر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام. که هر دو از یک مادر به نام «نجمه» متولد شدند. برای «نجمه» نام هایی چون تُكَمَّم، خَیْزِرَان و... هم وجود دارد.

محل دفن: قم، مزار بابلان، در همین محلی که هم اکنون زیارتگاه عاشقان اهل بیت علیهم السلام است.

ویژگی ها: حضرت امام رضا علیه السلام درباره وی فرمود: مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمٍ كَمَنْ زَارَنِي. هر کس حضرت معصومه را در قم زیارت کند مانند کسی است که من را زیارت کرده است. بقیه ویژگی ها

به کتب مفصل مراجعه شود. (۱)

۱۵۱. نام: فاطمه

تولد و وفات: وفات شب پنج شنبه، ۳۴۳ ه. ق.

سلسله نسب: فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی مبرقع

محل دفن: خیابان آذر، چهل اختران.

ویژگی ها: وی از راویان حدیث است. یکی از روایاتی که اکثر افراد در سلسله سند به نام فاطمه هستند وی نیز در سلسله سند آن می باشد.

عن فاطمه بنت الحسین الرضوی... عن فاطمه بنت محمد بن احمد بن موسی المبرقع... عن فاطمه بنت رسول الله (ص) قالت قال رسول الله (ص): «أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَي حَبِّ آلِ

ص: ۲۷۵

۱-۱. مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی، ماده «فَطَم»؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۴؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۴۲؛ ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۰-۳۲؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۱.

۱۵۲. نام: فاطمه

سلسله نسب: از نوادگان امام سجاد علیه السلام

احتمال دارد از دختران ابوطاب محسن بن حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس ابن علی اصغر ابن امام سجاد علیه السلام باشد.

محل دفن: در قسمت شرقی قم، در جهت شرقی امام زاده طیب و طاهر در اراضی نجم آباد در کنار خدیجه و رقیه و سکینه مدفون است. (۲)

۱۵۳. نام: فاطمه بنت قاسم

سلسله نسب: فاطمه بنت قاسم بن احمد شعرانی فرزند علی بن جعفر عریضی. وی خواهر احمد بن قاسم است که همراه برادر به قم مهاجرت نموده است.

محل دفن: در مقبره برادرش امام زاده احمد بن قاسم در جنوب قم در محل دروازه قلعه، مقبره مالون.

ویژگی ها: وی همسر عبد الله بن حسین بن علی بن محمد دیباج فرزند امام جعفر صادق علیه السلام بود. و مادر شهید محمد عزیزی (سید سر بخش). درباره این فاطمه نظرات دیگری هم وجود دارد. بعضی: وی را دختر احمد بن قاسم بن احمد بن علی بن جعفر دانسته. و همسر عبیدالله بن عزیز بن حسین بن علی بن محمد دیباج. (۳)

ص: ۲۷۶

۱- ۱. گنجینه آثار قم؛ آثار الحجّه، محمد رازی، ج ۱، ص ۸ و ۹؛ الأوّلؤه الثمینه، محمد بن محمد بن احمد الحسینی الداغستانی، ص ۲۱۷.

۲- ۲. انجم فروزان، ص؛ انوار المشعشعین، ج؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳- ۳. ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۵؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۸۷... عمدۀ الطالب، ص ۲۳۳. خلاصه المقال، فیض، ص ۵۸۳؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۷۳؛ و احتمال هم دارد که این دو با هم متفاوت باشند و دو نفر باشند.

۱۵۴. نام: فضل

سلسله نسب: فرزند امام موسی کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای آوه، از توابع جعفر آباد

ویژگی ها: به قسمت «موسی» مراجعه شود. (۱)

۱۵۵. نام: امام زاده فاضل

محل دفن: روستای بید هند (وید هند)، بیرون روستا، بالای کوهی کوچک. (۲)

۱۵۶. نام: فخر الدین بن یحیی

سلسله نسب: فخر الدین ابن یحیی صوفی ابن جعفر بن امام علی التقی علیه السلام

محل دفن: خیابان چهارمردان، بقعه چهل اختران. (۳)

۱۵۷. نام: شاه زاده فیروز

محل دفن: خارج مزرعه نیونه کنار دهکده ورجان در بقعه هفت امام زاده (۴)

۱۵۸. نام: قاسم (شاه زاده قاسم)

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: مزرعه نیوند از مزارع ورجان (۵)

۱۵۹. نام: شاه قاسم

محل دفن: در یک کیلومتری جنوب شرقی کهک در مزرعه «نره». (۶)

۱۶۰. نام: شاه زاده قاسم

محل دفن: بالای قریه آبزجس (ابرگس) (۷)

۱۶۱. نام: قاسم

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام

-
- ١-١. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٩٩-٩٨-١٠٣.
 - ٢-٢. تربت پاكان، ج ٢، ص ١٨٨؛ تاريخ قم، ناصر الشريعه، ص ١٣٩.
 - ٣-٣. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٥٦٢.
 - ٤-٤. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٧٤٠.
 - ٥-٥. تاريخ قم، ناصر الشريعه، ص ١٤١.
 - ٦-٦. تربت پاكان، ج ٢، ص ١٨٣.
 - ٧-٧. تربت پاكان، ج ٢، ص ١٨٦.

محل دفن: روستای قمرود، در بقعه شش امام زاده کنار رقیه، حسن، خالد، حمزده، محمد. (۱)

۱۶۲. نام: قاسم (شاه زاده قاسم)

محل دفن: روستای زواریان از توابع خلجستان (۲)

۱۶۳. نام: محسن

محل دفن: روستای «قباد بزن» (۳)

۱۶۴. نام: محسن بن ابو عبد الله حسین

کنیه: ابو طالب

سلسله نسب: ابوطالب محسن بن ابو عبد الله حسین بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: بلوار ۱۵ خرداد، نزدیک بقعه شاه سید علی، که قبلاً آن را اراضی جمر و سعد آباد می نامیدند. در بقعه چهارامام زاده، نزد پدر و دو برادرش معروف به اسم خادم آنها، امام زاده «ملا آقا بابا». (۴)

۱۶۵. نام: محمد

محل دفن: بیرون کهک، کنار جاده بیدهند در بقعه چهار امام زاده. (۵)

۱۶۶. نام: محمد (شاه زاده محمد)

سلسله نسب: از اولاد احمد بن موسی (شاه چراغ)

محل دفن: مزرعه نوره از مزارع فردو (۶)

۱۶۷. نام: محمد

محل دفن: روستای رستگان از توابع خلجستان. (۷)

۱۶۸. نام: محمد بن محمد بن زید (امام زاده پیغمبر)

ص: ۲۷۸

- ۱-۱. دائره المعارف تشيع، ج ۳، ص ۳۶۳؛ تربت پاكان، ج ۲، ص ۱۶۹.
- ۲-۲. سيماى قم، ص ۹۴.
- ۳-۳. تربت پاكان، ج ۲، ص ۱۸۹؛ تاريخ قم، ناصر الشريعه، ص ۱۴۰.
- ۴-۴. گنجينه آثار قم، ج ۲، ص ۴۹۷؛ عمده الطالب، ص ۳۷۹؛ المجدى، ص ۲۲۰.
- ۵-۵. گنجينه آثار قم، ج ۲، ص ۷۳۸.
- ۶-۶. تاريخ قم، ناصر الشريعه، ص ۱۴۱.
- ۷-۷. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.

لقب: پیغمبری یا پیغمبر

وفات: در سال ۳۲۰ هجری قمری

سلسله نسب: سید جلیل محمد بن محمد بن محمد بن زید بن علی الاحول ابن محمد السلیق از احفاد امام کاظم علیه السلام

احتمال دیگر: سید جلیل احمد ابهر ابن ابی محمد حسن الدلال ابن محمد بن علی بن محمد بن ابی جعفر احمد بن عیسی الرومی از احفاد علی بن جعفر عریضی است که در دولت رکن الدوله دیلمی به استخراج نفت در اطراف کوه نمک پرداخت.

(۱)

محل دفن: روستای آوه

ویژگی ها: وی در سال ۲۹۹ در اهواز بر مقتدر عباسی خروج کرد و شهر واسط را هم تسخیر کرد و خلیفه عباسی با او مقابله کرد او متواری شد و به قم آمد و از آنجا با لباسی سفید به آوه رفت و زیبایی روی و ظاهر او باعث شد که وی را

به پیغمبر یا پیغمبری ملقب کنند.

۱۶۹. نام: سید محمد

محل دفن: در روستای «حصار سرخ» در نزدیک «نیزار» با گنبدی ساده در مزاری به نام «آقای غائب». (۲)

۱۷۰. نام: محمد بن احمد

کنیه: ابو علی

لقب: الاعرج

وفات: یکشنبه، سوم ربیع الاول ۳۱۵ ق.

سلسله نسب: ابو علی محمد الاعرج بن احمد بن موسی مبرقع.

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل اختران.

ویژگی ها: رئیس و نقیب و پیشوای سادات در قم. (۳)

۱۷۱. نام: محمد بن احمد الخطیب

کنیه: ابو جعفر

- ۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۱۰۶.
- ۲-۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۸.
- ۳-۳. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۵۶۱-۵۶۶.

سلسله نسب: ابو جعفر بن احمد الخطيب الشجری ابن علی بن محمد بن عمر الشجری ابن علی بن عمر الاشرف ابن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: مزار بابلان، در اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام. ولی از قبر وی اثری نیست و جزء بیوتات حرم مطهر گردید. (۱)

۱۷۲. نام: محمد بن ابو جعفر محمد صورانی

سلسله نسب: احتمالاً محمد بن ابو جعفر محمد صورانی بن حسین بن اسحاق بن امام کاظم علیه السلام

محل دفن: روستای قمرود، در بقعه شش امام زاده، در کنار رقیه، حسن، خالد و حمزه و قاسم. (۲)

۱۷۳. نام: محمد شریف (معروف به سلطان محمد شریف)

کنیه: ابو الفضل

لقب: شریف

سلسله نسب: علامه محمد شریف فرزند علامه سید ابوالقاسم علی بن ابی جعفر محمد بن حمزه قمی بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن الامام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: خیابان چهارمردان، دروازه قدیم قلعه، در محله ای به نام خود او مدفون می باشد.

ویژگی ها: وی شخصیتی دانشور و صاحب کرامات است. پدرش سید ابوالقاسم علی و دو جدش محمد و حمزه در مزار بابلان در جوار حضرت معصومه علیها السلام مدفون می باشند. (۳)

۱۷۴. نام: محمد بن جعفر

سلسله نسب: محمد بن جعفر بن

ص: ۲۸۰

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳.

۲-۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۹.

۳-۳. بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۰۲؛ از فهرست شیخ منتجب الدین و شهیدان راه فضیلت، علامه امینی، ص ۹۳؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۵۱.

احمد بن عبد الله بن محمد بن جعفر بن محمد بن عمر الاطرف بن امام علي عليه السلام. که با قرائن و شواهد ثابت شده است بعضی مثل عباس فیض، می گوید وی شاه زاده محمد بن عبد الله بن عمر بن علی بن ابیطالب علیه السلام است که شاید دلیل محکمی بر آن ارائه نشده است.

محل دفن: پشت بارگاه امام زادگان علی حارث و احمد مشهور به امام زاده خاک فرج، در نزدیکی داروخانه الهادی. در بقعه برادر زاده خودش صفورا خاتون .

ویژگی ها: در بقعه ای فاقد هر گونه تزئینات و حجرات و بیوتات، که بنای اصلی بقعه به سال ۳۷۸ ه. ق نوشته اند.

بنای فعلی را به قرن نهم و دهم هجری دانسته و تعمیرات بعدی در سال ۱۳۳۴ ق به وسیله محمد رضای میرزا قاجار نسبت داده است.

شکل ساختمان بقعه از خارج، شش ضلعی منتظم می باشد. بر فراز بقعه، گنبدی عرقچینی است که مزین به کاشی های آجری فیروزه رنگ به ارتفاع ۲ متر از سطح بام می باشد. (۱)

۱۷۵. نام: محمد بن حسین

کنیه: ابو علی

سلسله نسب: ابو علی محمد بن حسین (ابو عبد الله) بن علی بن عمر بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: بلوار ۱۵ خرداد، نزدیک بقعه شاه سید علی که قبلاً آن را اراضی جمر و سعد آباد می نامیدند. در بقعه چهار امام زاده، نزد پدر و

ص: ۲۸۱

۱- ۱. انجم فروزان، ص ۱۴۶، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۸؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۷؛ منتقله الطالیه، چاپ اول، نجف، ص ۲۵۸؛ الشجره المبارکه، ص ۲۰۲؛ لباب الانساب، ج ۱، ص ۲۳۰؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۳۵.

دو برادرش معروف به اسم خادم آنها امام زاده «ملا آقا بابا». (۱)

۱۷۶. نام: محمد بن حمزه

سلسله نسب: محمد بن حمزه بن احمد الرّخ بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبد الله الباهر بن امام زین العابدین.

محل دفن: در مزار بابلان، اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام. که الآن اثری از قبر وی معلوم نمی باشد و جزء بیوتات حرم گردیده است. (۲)

۱۷۷. نام: محمد بن عبد الله (امام زاده میانی)

کنیه: ابو احمد

سلسله نسب: ابو احمد محمد بن عبد الله بن جعفر بن عبد الله بن جعفر بن محمد حنفیه بن امام امیر المؤمنین علیه السلام در گنجینه آثار قم آمده: ابو احمد محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر بن عبد

الله بن جعفر بن محمد حنفیه بن امام علی علیه السلام

احتمال دیگر: ابو احمد عبید الله بن احمد بن جعفر بن عبد الله بن محمد بن حنفیه بن امام امیر المؤمنین علیه السلام. و احتمال دارد که ابو احمد عبید الله شخص دیگری باشد که در این بقعه با ابو احمد محمد دفن شده است.

محل دفن: خیابان ۱۵ خرداد، میانه بقعه های چهار امام زاده و امام زاده شاه سیدعلی. (۳) و بدین جهت به «امام زاده میانی» مشهور گشته است.

ص: ۲۸۲

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۴۹۷؛ عمده الطالب، ص ۳۷۹؛ المجدی، ص ۲۲۰.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ص ۳۹۳؛ انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۵۰۶.

۳-۳. انجم فروزان، ص ۱۴۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۱۱؛ تاریخ قم، ص ۲۳۵؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۹۲؛ تهذیب الانساب، ص ۲۶۴؛ عمده الطالب، ص ۳۵۲. و انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۶۱

۱۷۸. نام: محمد بن عبد الله

لقب: عزیزی (سید سر بخش)

سلسله نسب: محمد بن عبد الله بن حسین بن علی بن محمد دیباج بن امام جعفر صادق علیه السلام ولی بعضی قائلند که این نسبت کامل نیست، بلکه سلسله نسبت وی چنین است: محمد بن عبد الله عزیزی ابن حسین بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن محمد بن امام صادق علیه السلام.

محل دفن: خیابان آذر، روبروی چهل اختران، نزدیک امام زاده اسماعیل (سید سر بخش) که در اثر گسترش خیابان آذر بقعه و بارگاه وی کاملاً در خیابان قرار گرفته و منهدم شده و اثری از آن باقی نمی باشد.

ویژگی ها: مادر وی: فاطمه دختر قاسم بن احمد بن علی بن جعفر عریضی است که خواهر شاه زاده احمد بن قاسم است و در قبه شاه

زاده احمد بن قاسم مدفون است. سید محمد عزیزی سیدی دلاور، قوی الجثه و شجاع بود. که در اواخر قرن سوم برای زیارت عتبات عالیات با کاروانی عازم بغداد گشت. در نزدیکی نهروان با گروهی از راه زنان روبرو شدند و اهل کاروان به او متوسل شدند. و سید به مبارزه پرداخت و سرانجام او را به قتل رساندند و سر او را بریدند و برای رئیس خودشان فرستادند. سپس مردم آن را پس گرفتند و به قم آوردند. (۱)

۱۷۹. نام: محمد بن محسن

کنیه: ابی جعفر

سلسله نسب: ابی جعفر محمد، بن

ص: ۲۸۳

۱- ۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۳۴؛ الشجره المبارکه، ص ۱۰۶؛ انساب فخری، ص ۵۲۷؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۰۲؛ انجم فروزان، ص ۲۲۲ - ۲۲۱؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۳؛ تاریخ قم، ص ۱۶۴ - ۲۲۸.

ابی طالب المحسن، بن ابی الحسن ابراهیم العسکری، بن موسی الثانی ابی الشَّیحه، بن ابراهیم المترضی، بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام.

محل دفن: کنار فرزندش در مشهد امام زاده ابراهیم در طرف غرب قم، نزدیک ایستگاه راه آهن، زیر یک گنبد. (۱)

۱۸۰. نام: محمد بن موسی

کنیه: ابو جعفر

سلسله نسب: ابو جعفر محمد بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع.

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل اختران (۲)

۱۸۱. نام: محمد بن موسی

کنیه: ابو احمد

سلسله نسب: ابو احمد محمد بن موسی مبرقع، فرزند امام جواد علیه السلام

محل دفن: خیابان آذر، بقعه چهل

اختران. (۳)

۱۸۲. نام: محمد بن موسی

سلسله نسب: از احفاد امام کاظم علیه السلام

محل دفن: در روستای شاه اسماعیل در دامنه کوه بیرقان، در بقعه کوچکی در جوار بقعه شاه اسماعیل. (۴)

۱۸۳. نام: محمد بن موسی

لقب: فقیه

سلسله نسب: بنا بر سنگ نوشته روی قبر وی یکی از احفاد امام موسی بن جعفر علیه السلام است.

ص: ۲۸۴

٢٦٥ ؛ منتهى الامال، ج ٢، ص ٢٥٤؛ رجال سيد بحر العلوم، ج ١، ص ٤٢٤.

٢-٢. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٥٦١ - ٥٦٦.

٣-٣. گنجینه آثار قم، ج ٢، ص ٥٦١ - ٥٦٦.

٤-٤. گنجینه دانشمندان، ج ٢، ص ٢٩٨.

احتمالاً: محمد بن موسی پسر اسحق بن ابراهیم العسکری ابن موسی ابی السُّبحه بن ابراهیم المرتضی بن امام موسی کاظم علیه السلام باشد.

محل دفن: در بقعه علی بن جعفر در اواخر خیابان چهارمردان قم. (۱)

۱۸۴. نام: محمد مهدی

محل دفن: روستای کاسوا از توابع خلجستان (۲)

۱۸۵. نام: سلطان محمود

سلسله نسب: محمود بن محمد بن زید (مدفون در روبروی بقعه چهل اختران) بن علی بن علی الاکبر بن محمد السلیق ابن عبید الله بن محمد السحن بن الحسین الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: روستای صَرم در جنوب شرقی قم در کنار زینب از نوادگان امام کاظم علیه السلام. و در تلفظ روستایی «سلم» گفته می شود. (۳)

۱۸۶. نام: مریم

سلسله نسب: از فرزندان یا نوادگان امام کاظم علیه السلام.

محل دفن: در بقعه خدیجه خاتون در قریه خدیجه خاتون نزدیک طیب طاهر، در جهت شرقی قم.

ویژگی ها: وی در کنار زینب و فاطمه و خدیجه و رقیه و عبد الرحمن و عبد الله از فرزندان امام کاظم علیه السلام در زیر یک گنبد و در یک بقعه (۴)

۱۸۷. نام: سید معصوم

ص: ۲۸۵

۱- ۱. ر. ک: گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۲۲؛ اختران تابناک، ج ۱، ص ۳۳۳؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۱۷۷؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۱۸؛ بدر فروزان، ص ۱۷.

۲- ۲. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.

۳- ۳. دائره المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۴۴؛ گنجینه آثار قم، ج ۲؛ ص ۵۸۵؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۷.

۴- ۴. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۰۵ تا ۵۱۴؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۷۳.

سلسله نسب: سید معصوم بن احمد بن حسن بن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: آخر خیابان نیروگاه، نزدیک امام زاده عبد الله. (۱)

۱۸۸. نام: معصومه بعضی نام وی را «زینب خاتون» می دانند معروف به حضرت «معصومه علیها السلام» (۲).

سلسله نسب: از نوادگان امام موسی بن جعفر علیه السلام

محل دفن: در دامنه کوهی در شمال غربی کهک.

ویژگی ها: بنای این مزار از آثار دوره صفویه است. تعمیر آن توسط شاه بیگم، بانوی نیکوکاری که در سال ۹۶۹ وفات یافت و طبق وصیت خود در حرم حضرت معصومه دفن شد.

نمای داخلی بقعه با بلندی حدود هفت متر چهار گوشه و گرداگرد آن جز در سوی جنوبی، ایوان ها و حجرات و تالارهاست.

گنبد هرمی برجی مزار به سبک خاص تزئین یافته است. (۳)

۱۸۹. نام: معصومه (بی بی معصومه)

محل دفن: روستای آوه (۴)

۱۹۰. نام: معین

محل دفن: امام زاده معین در روستای خلیج آباد قم در جهت جنوب شهر به فاصله حدود ۲۵ کیلومتر، واقع است.

ویژگی ها: گنبد و بارگاهی که در حال ساختمان هستند. بر مرقد

ص: ۲۸۶

۱-۱. بر اساس تابلویی که در امام زاده موجود است از کتاب کنز الانساب، ترجمه سید مرتضی علم الهدی، تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۲۹؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲-۲. سیمای قم، عبد الوحید وفائی، ص ۹۳.

۳-۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۸۲؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۱۸ - ۶۲۲؛ تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۳۸.

۴-۴. سیمای قم، عبد الوحید وفائی، ص ۹۵.

مطهری روی گنبد به رنگ سبز، رنگ شده و داخل گنبد هنوز آجری و نیمه تمام است. (۱)

۱۹۱. نام: معین الدوله

سلسله نسب: از احفاد امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: روستای فردو (۲)

۱۹۲. نام: منصور (شاه منصور)

سلسله نسب: از نوادگان شاه چراغ

محل دفن: در یک فرسخی «فردو» بر فراز کوه جنوبی، مزرعه بوره (باوره) در بقعه چهار امام زاده. (۳)

۱۹۳. نام: موسی بن محمد

کنیه: ابو احمد

لقب: مبرقع

تولد و وفات: ۲۱۴ هـ. ق در مدینه متولد و ۲۵۶ هـ. ق در قم وفات یافت.

سلسله نسب: ابو احمد موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام

محل دفن: سرای خودش در خیابان آذر، محله چهل اختران.

ویژگی ها: عالم، محدث، پرهیزکار،

امانت دار، متولی موقوفات و صدقات پدرش امام جواد علیه السلام بعد از برادرش امام هادی علیه السلام.

زیبا به گونه ای که اغلب برقع بر روی می انداخت. (۴)

۱۹۴. نام: موسی

سلسله نسب: از فرزندان بلافضل امام موسی کاظم علیه السلام

محل دفن: در فاصله پانصد متری روستای آوه از توابع جعفر آباد

ویژگی ها: طبق تصریح کتاب النقص، تألیف شیخ عبد الجلیل قزوینی در سال ۵۵۶ و کتاب مجالس المؤمنین

-
- ۱-۱. تربت پاکان، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷: در اینجا نام امام زاده نیامده است. اما در لسان اهالی به امام زاده معین مشهور است.
 - ۲-۲. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۱۴۱.
 - ۳-۳. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۹۹.
 - ۴-۴. ر. ک: اصول کافی با ترجمه، ج ۲، ص ۱۱۲؛ عمده الطالب، ابن عنبه، ص ۱۷۹؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۴۶؛ راهنمای قم، ص ۱۸.

قاضی نور الله شوشتری مدفن موسی و فضل و سلیمان و چه بسا عبد الله فرزندان بلافضل امام کاظم علیه السلام می باشد. (۱)

۱۹۵. نام: میمونه

سلسله نسب: میمونه بنت محمد بن علی الجواد علیه السلام

محل دفن: در مزار بابلان در روضه حضرت معصومه علیها السلام

ویژگی ها: وی همراه دو خواهرش زینب و ام محمّد از کوفه به قم آمدند. بعد از رحلت حضرت معصومه علیها السلام بنا بر کشفی که در عصر ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳ ق) اتفاق افتاد و در قسمت پایین پای حضرت معصومه علیها السلام روزنه ای پیدا شد. دو نفر از بانوان با چراغ به سرداب رفتند. در پایین قبر حضرت معصومه علیها السلام سه پیکر مطهر، تر و تازه مشاهده کردند.

یک تن بانوان، دو تن دیگر سیاه چهره و کنیز بودند.

از بررسی کتب و قرائن به دست می آید که آن بانو حضرت میمونه دختر امام جواد علیه السلام و آن دو کنیز ۱ - ام سحاق (کنیز محمد بن موسی بن امام جواد علیه السلام).

۲ - ام حبیب (کنیز محمد بن احمد بن موسی) می باشد. (۲)

۱۹۶. نام: میمونه

سلسله نسب: میمونه دختر موسی مبرقع بن محمد بن علی بن موسی

ص: ۲۸۸

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۹۹ - ۹۸ - ۱۰۳.

۲-۲. ر. ک: کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۱۶؛ گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۳۲؛ راهنمای قم، ص ۲۰. ر. ک: حضرت معصومه، چشمه جوشان کوثر. محمد محمدی اشتهاردی، ص ۹۹، از اقامه البرهان در اصول دین، میرزا موسی فراهانی، ص ۴۷۹؛ کریمه اهل بیت، ص ۱۸۳-۱۸۷.

محل دفن: در حرم حضرت معصومه علیها السلام

ویژگی ها: وی از زنان عقیق و پرهیزکار، بعد از بریهه وفات یافت. مزارش قبل از توسعه حرم حضرت معصومه علیها السلام در کنار آن بارگاه دارای گنبدی جداگانه بود. (۱)

۱۹۷. نام: مهدی

سلسله نسب: مهدی بن شاه زاده ناصر الدین محمد بن ابی الفضل احمد بن ابی القاسم حمزه بن الاصم ابن عبد الله بن حسین بن بنفج ابن اسماعیل ابن محمد ارقط ابن عبد الله الباهر ابن امام سجاد علیه السلام

محل دفن: روستای گرگاب، قریه هادی مهدی نزدیک جمکران.

ویژگی ها: دارای گنبد و بارگاه در کنار هادی مدفون می باشد. (۲)

۱۹۸. نام: ناصر

محل دفن: بیرون کهک کنار جاده بیدهند در بقعه چهار امام زاده (۳)

۱۹۹. نام: ناصر الدین علی

تولد و وفات: زندگی در اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم. بعضی وفات وی را ۸۲۸ ه ق دانسته اند.

سلسله نسب: ناصر الدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبد الرحمن بن محمد البطحائی ابن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام

محل دفن: روبروی مسجد امام حسن عسکری علیه السلام، خیابان آذر، که سابقا به نام بقعه احمد بن

ص: ۲۸۹

۱- ۱. ر.ک: گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۳؛ کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد، ص ۲۱۶ - ۲۱۸؛ جدی فروزان، ص ۹۶.

۲- ۲. بدر فروزان، ص ۱۰؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳- ۳. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۷۳۸.

اسحق خوانده می شد.

ویژگی ها: وی سید جلیل و شخصیت والائی داشت. بقعه خالی از بیوتات و صحن می باشد. از آثار قرن دوازدهم یا اواخر صفویّه است.

این بقعه به صورت مربع مختلف الاضلاع به طول تقریبی ۴ و عرض ۵/۳ متر که در وسط آن ضریح بسیار عالی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ساخته شده است.

سازنده ضریح سید مصطفی و سلیم حمدانی و شیخ شبانی و نجّاری از حاج اکبر خموشیان در اصفهان اتمام و در سال ۱۳۷۰ بر سر تربت وی نصب گردیده است. (۱)

۲۰۰. نام: ناصر الدین محمد بن احمد

لقب: ناصر الدّین

سلسله نسب: شاه زاده ناصر الدین محمد بن ابی الفضل احمد بن ابی القاسم حمزه الاضم ابن عبد الله بن حسین بنفسیج ابن اسماعیل بن

محمد ارقط ابن عبد الله الباهر ابن امام زین العابدین علیه السلام

محل دفن: در روستای گرگاب نزدیک جمکران.

ویژگی ها: وی پیشوای شیعیان در جمکران و گرگاب بود، و مزرعه گرگاب از آن خودش بود. و در آن مزرعه به عبادت و خود سازی پرداخته و بنا بر وصیت خودش در همان مزرعه خودش به خاک سپرده شد. سپس دو فرزندش شاه زاده هادی و مهدی به خاک سپرده شدند. و در زیر یک گنبد و در یک ضریح آلومینیوم قرار دارند.

و در فاصله چند متری این بقعه، گنبد و بقعه شاه زاده جعفر و سکنیه خاتون دو فرزند دیگرش مدفون می باشند و این مکان به عنوان مرقد

ص: ۲۹۰

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۶؛ منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۶۱، انجم فروزان، ص ۱۵۶؛ عمده الطالب، ص ۲۰۵.

پنج امام زاده مشهور می باشد و روستا به نام روستای «هادی مهدی» خوانده می شود. (۱)

۲۰۱. نام: شاه نور علی

محل دفن: روستای کرمجکان، یکی از مزارع آن به نام «در باغ». (۲)

۲۰۲. نام: هادی

سلسله نسب: از نوادگان امام سجاد علیه السلام. فیض او را از نوادگان امام کاظم علیه السلام می دانند و امامزاده هادی در نزدیک جمکران از نوادگان امام سجاد علیه السلام می دانند.

محل دفن: روستای وشنوه، در کنار شهر بانو، حلیمه، و رقیه، و زینب و... (۳)

۲۰۳. نام: هادی

سلسله نسب: از نوادگان امام کاظم علیه السلام، که فیض او را از نوادگان امام سجاد معرفی می کنند و در سلسله نسب وی آمده: وی

فرزند ناصرالدین محمد بن احمد بن ابی القاسم حمزه الاصب بن عبد الله بن حسین ابن اسماعیل بن محمد ارقط ابن عبد الله الباهر ابن امام سجاد علیه السلام می باشد.

محل دفن: روستای گرگاب، قریه هادی و مهدی، نزدیک جمکران در کنار برادرش مهدی و پدرشان ناصر الدین محمد.

ویژگی ها: دارای بقعه و بارگاه و در کنار مهدی مدفون می باشد. (۴)

۲۰۴. نام: هادی (شاه زاده هادی)

ص: ۲۹۱

۱-۱. بنا بر تابلویی از تحقیقات شیخ هادی نورائی یگانه؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۹۰.

۲-۲. تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۸۸

۳-۳. تاریخ قم، ناصر الشریعه، ص ۴۰؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۹۵-۱۹۴؛ و بدر فروزان، ص ۱۰؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۵۹۴.

۴-۴. بدر فروزان، ص ۱۰؛ تربت پاکان، ج ۲، ص ۱۶۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۹۰.

سلسله نسب: از فرزندان امام کاظم علیه السلام

احتمال دیگر: از فرزندان امام سجاد علیه السلام

محل دفن: روستای جیزقان یا (جمزقان) در شمال قریه قاهان و از توابع خلجستان است.

ویژگی ها: مردم ساوه و قرای تابعه درباره وی و کراماتش اعتقاد تمام است و صحن و سرایش اکثر اوقات مرکز تجمع زائرین است. (۱)

۲۰۵. نام: یعقوب

محل دفن: بیرون کهک، کنار جاده بیدهند، در بقعه چهار امام زاده. (۲)

۲۰۶. نام: یحیی بن احمد

سلسله نسب: یحیی فرزند ابو عبد الله احمد بن ابو علی محمد بن ابو علی احمد بن موسی مبرقع فرزند امام جواد علیه السلام

محل دفن: روستای علی آباد نزدیک روستای چاله گنبد.

حدود ۱۵ کیلومتری روستای قلعه چم (نزدیک امام زاده عبدالله)

ویژگی ها: وی در کنار خواهرش حلمیه در زیر یک گنبد و ضریح آلومینیوم، و یک سنگ مرمر برجسته مدفون می باشد. روی سنگ با خط نستعلیق و برجسته چنین نوشته شده: «مرقد مطهر امام زاده یحیی و خواهر گرامیش حلیمه خاتون از احفاد امام محمد تقی علیه السلام. اتمام و نوسازی ساختمان سنه ۱۳۷۷ دفتر فنی اوقاف و عمران قم. - کتبه بخشی». وی کریم و واسع الجاه بوده است. (۳)

۲۰۷. نام: یحیی بن احمد

سلسله نسب: یحیی بن احمد بن

ص: ۲۹۲

۱-۱. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲-۲. گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۷۳۸.

۳-۳. المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۲۹ - ۱۲۷؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۶۱۸؛ ارشاد مفید، ص ۲۸۴؛ منتقله الطالبیه، ص ۵۷.

محمد بن احمد بن موسی مبرقع.

محل دفن: خیابان آذر، در بقعه چهل اختران. (۱)

۲۰۸. نام: یحیی

کنیه: ابو القاسم

لقب: عزّ الدین

وفات: حدود ۵۹۲ ه ق.

سلسله نسب: سید عزّ الدین یحیی ابن شرف الدین محمد (ابوالفضل المرتضی) ابن علی (ابو القاسم) بن ابی الفضل محمد بن ابی الحسن المطهر ابن ابی القاسم علی بن ابی الفضل محمد بن ابی القاسم علی بن ابی جعفر محمد بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل الدیاج ابن محمد الاکبر ابن عبد الله الباهر ابن الامام زین العابدین علیه السلام.

محل دفن: احتمالاً در قم، ولی جای آن مشخص نیست.

و احتمال دیگر: در تهران در محله امام زاده یحیی، خیابان ۱۵ خرداد

شرقی

ویژگی ها: وی ریاست نقیبان ری، قم و آمل را عهده دار بوده، شیخ منتخب الدین کتاب فهرس را به درخواست وی نگاشته و کتاب «الاربعین عن الاربعین فی الاربعین» در فضائل امیر المؤمنین علیه السلام به جهت وی تصنیف کرده است.

و سرانجام در حمله خوارزمشاه به ری به بهانه واهی به شهادت رسید.

هم اکنون در تهران در محله ای به اسم وی دارای مرقد و بارگاه است و مورد احترام مردم می باشد. (۲)

ص: ۲۹۳

۱- ۱. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۵۶۱ - ۵۶۶.

۲- ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۰۲؛ از فهرس منتخب الدین؛ عمده الطالب، ص ۲۴۴ - ۲۴۵؛ شهیدان راه فضیلت، ص ۹۵؛ ستارگان حرم، ج ۸، ص ۱۷۷ - ۱۹۳؛ تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، ص ۱۶۱. وی تصریح کرده که سید عزیز الدین یحیی در قم مدفون است.

۲۰۹. نام: یحیی

محل دفن: روستای نورآباد در جاده کاشان. (۱)

۲۱۰. نام: یحیی

محل دفن: روستای صفرآباد از توابع بخش مرکزی (۲)

ص: ۲۹۴

۱- ۱. امام زادگان استان قم، اداره اوقاف قم.

۲- ۲. همان.

۲۱۱. اختران تابناک یا کتب الکواکب، ذبیح الله محلاتی، تصحیح محمدجواد نجفی، اسلامیه، ۱۳۴۹ ش.

۲۱۲. الاختصاص، شیخ مفید.

۲۱۳. اختیار معرفه الرجال، المعروف برجال الکشی، محمد بن حسن طوسی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۲۱۴. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان المفید، ترجمه و شرح رسولی محلاتی، اسلامیه تهران.

۲۱۵. الاصول من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، اسلامیه تهران، ۱۳۶۲ ش.

۲۱۶. اضواء علی حیاة موسی المبرقع، کشمیری، چاپ قم.

۲۱۷. اعیان الشیعه، سید محسن امین (جبل عاملی).

۲۱۸. امالی الصدوق، محمد بن علی صدوق، اعلمی بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ق.

۲۱۹. امالی شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، ترجمه حسین استاد ولی، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.

۲۲۰. امامان شیعه و جنبشهای مکتبی، محمد تقی مدرسی، ج سوم، قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۲۲۱. انجم فروزان، عباس فیض، ۱۳۲۲ ش، قم.
۲۲۲. انوار المشعشعین، محمد علی نائینی کچوئی قمی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲۲۳. انوار پراکنده، محمد مهدی فقیه محمدی گیلانی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۲۴. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، اسلامیه، ۱۳۸۵ ه. ش.
۲۲۵. بدر فروزان، عباس فیض، انتشارات بنگاه چاپ قم.
۲۲۶. بدر مشعشع فی احوال موسی المبرقع، حاج علی نوری، چاپ سنگی، قم.
۲۲۷. بررسی سنگ نبشته مزار شهدا، کارشناسان مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور، ج اول، سحاب، ۱۳۷۰.
۲۲۸. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی البحرانی، اسماعیلیان.
۲۲۹. بهجه الآمال فی شرح زبده المقال، ملا علی علیاری، تصحیح هدایت الله مسترحمی، علمیه قم، ۱۳۶۵ ش.
۲۳۰. تاریخ اردکان، علی سپهری، چاپ دوم، کانون کتاب ولی عصر اردکان، ۱۳۶۴.
۲۳۱. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، ج ۱۴.
۲۳۲. تاریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، بهمن، تهران.
۲۳۳. کتاب تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سید جلال الدین تهرانی، چاپ مجلس.
۲۳۴. تاریخ قم، محمدحسین ناصر الشریعه، مقدمه علی دوانی، چاپ ۱۳۵۰.
۲۳۵. تاریخ طبرستان، بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار، تصحیح عباس

۲۳۶. تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، چاپ ۱۳۹۱، قم.

۲۳۷. تاریخ یزد، جعفر بن محمد جعفری، تهران، ۱۳۴۳.

۲۳۸. تاریخ یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، ترجمه ابراهیم آیتی، ج ششم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

۲۳۹. تحف العقول، ابن شعبه، ترجمه کمره ای، چاپ ۱۴۰۰ ه.ق.

۲۴۰. تحفه الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب، حاج شیخ عباس قمی، اسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲۴۱. تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، محمد جواد فضل الله، ترجمه سید محمد صادق عارف، آستان قدس رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

۲۴۲. تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح سید محمدرضا دهلوی، ۱۳۷۸.

۲۴۳. تربت پاکان، سید حسین مدرسی طباطبایی، چاپ مهر، ۱۳۳۵ ه.ق.

۲۴۴. تنقیح المقال فی علم الرجال، المامقانی، چاپ نجف، ۱۳۵۰.

۲۴۵. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج سوم، ۱۳۶۴ ش.

۲۴۶. تهذیب الانساب، ابی الحسن محمد بن شرف العبدلی، ۱۴۱۳ ه.ق، قم.

۲۴۷. تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، چاپ اول، هند، ۱۳۲۹.

۲۴۸. جامع الخیرات (وقفنامه) سید رکن الدین و سید شمس الدین، ترجمه سید جعفر غضبان، اداره کل حج و اوقاف یزد، گلبهار یزد.

۲۴۹. الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، دارالفکر، بیروت.

۲۵۰. الجامع فی الرجال، موسی زنجانی، پیروز قم، ۱۳۹۴ ه.ق.

۲۵۱. جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی یاحقی اسدی، تهران، ۱۳۴۲.
۲۵۲. حضرت معصومه علیها السلام، چشمه جوشان کوثر، محمد محمدی اشتهاردی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۵۳. حضرت معصومه، فاطمه دوم، محمد محمدی اشتهاردی، چ اول، ۱۳۸۱.
۲۵۴. خلاصه المقال، فیض.
۲۵۵. دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر، تهران، ۱۳۷۰.
۲۵۶. راهنمای قم، انتشارات دفتر آستانه قم، مهرماه ۱۳۱۷.
۲۵۷. الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی.
۲۵۸. رجال ابن داوود.
۲۵۹. رجال البرقی.
۲۶۰. رجال العلامه الحلی، حسن بن یوسف بن مطهر حلی، رضی قم، ۱۴۰۲ ه. ق.
۲۶۱. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، داوری، قم، ۱۳۹۸ ه. ق.
۲۶۲. رجال سید بحر العلوم، سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبایی، چاپ ۱۳۶۳، نجف.
۲۶۳. رجال شیخ طوسی، محمد بن حسن طوسی.
۲۶۴. رساله فی آل اعین، ابو غالب زراری، شرح سید محمد علی موسوی موحدی.
۲۶۵. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، ج ۱۴، کوشانپور، علمیه قم، ۱۳۹۹ ه. ق.
۲۶۶. الروضه من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، اسلامیه.
۲۶۷. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۶۸. ریحانه الادب، میرزا محمدعلی مدرس، چاپ سوم، حیدری، ۱۳۶۹ش.
۲۶۹. زندگانی حضرت معصومه و تاریخ قم، سید مهدی صفی، چاپ پنجم.
۲۷۰. سراج الانساب، سید احمد کیا، گیلانی، ۱۴۰۹ه.ق، قم.
۲۷۱. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، حاج شیخ عباس قمی، مهارت، ۱۳۶۳.
۲۷۲. سیره چهارده معصوم، محمد مهدی اشتهااردی، ۱۳۷۷ش.
۲۷۳. سیمای قم، عبدالوحید وفاپی، چ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
۲۷۴. شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، محمد علی عالمی دامغانی، چاپ اول، علمی، قم، ۱۳۷۱.
۲۷۵. الشجره المبارکه فی انساب الطالبیّه، فخر رازی، ۱۴۰۹ه.ق.
۲۷۶. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ابن الفلاح عبدالحمّٰی ابن العماد، بیروت، ج ۲.
۲۷۷. شهیدان راه فضیلت، علامه شیخ عبدالحسین امینی، ترجمه ف.ج.
۲۷۸. شیعه در اسلام، سید محمدحسین طباطبائی، هجرت.
۲۷۹. العبر فی خبر من غَبر، ذهبی، تحقیق صلاح الدین المنجد، چاپ کویت، ۱۹۶۰ میلادی.
۲۸۰. عمدہ الطالب فی انساب آل ابیطالب، جمال الدین احمد بن علی بن الحسین بن علی بن مهنا ابن عنبه، چ نجف.
۲۸۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن حسن، صدوق، تصحیح علمی، چاپ بیروت، ۱۴۰۴ه.ق.
۲۸۲. غایه الاختصار، تاج الدین ابن زهره حسینی.
۲۸۳. الفخری فی انساب الطالبیین، اسماعیل مروزی، چاپ اول، ۱۴۰۹ه.ق.

۲۸۴. فرق الشیعه، نوبختی، ترجمه و تعلیقات: محمدجواد مشکور، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲۸۵. فرهنگ آبادی ها و مکان های مذهبی کشور، محمدحسین پاپلی یزدی، ۱۳۶۷ ش.
۲۸۶. الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲.
۲۸۷. فوائد الرضویة، حاج شیخ عباس قمی.
۲۸۸. الفهرست، شیخ محمد بن حسن طوسی، رضی، قم.
۲۸۹. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، چاپ اسلامیة، ۱۳۷۰.
۲۹۰. قم نامه، مجموعه مقالات و متون درباره قم، سید حسین مدرسی طباطبائی.
۲۹۱. قیام خونین شیعه در طول تاریخ اسلام، عبدالصمد اسلامی، سیما آذر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۲۹۲. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، تصحیح علامه امینی، چ نجف، ۱۳۵۶.
۲۹۳. کتاب الغیبه، شیخ محمد بن حسن طوسی، اسلامیة، تهران.
۲۹۴. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ترجمه سید احمد فهری، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲.
۲۹۵. کرامات شاهزاده ناصر، انتشارات ظهور، ۱۳۸۲.
۲۹۶. کریمه اهل بیت، علی اکبر مهدی پور، قم، ۱۴۱۵ ق.
۲۹۷. کشف الارتیاب، در مقدمه لباب الالباب بیهقی، آیه الله شهاب الدین مرعشی نجفی، چاپ اول، قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۲۹۸. کشف الغمه فی معرفه الأئمة، علی بن عیسی اربلی، دارالاضواء بیروت.

۲۹۹. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی صدوق، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ه.ق.
۳۰۰. گنجینه آثار قم، عباس فیض، ج اول، ۱۳۵۰.
۳۰۱. گنجینه دانشمندان، شیخ محمد شریف رازی، ۱۳۵۲، تهران.
۳۰۲. لباب الانساب، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، چاپ قم.
۳۰۳. ماهیت قیام شهید فخر، سید ابو فاضل رضوی اردکانی، چاپ اول، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰ ه.ش.
۳۰۴. مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، تهران.
۳۰۵. مجمع الرجال، عنایت الله علی قهپایی، اصفهان، ۱۳۸۴ ه.ق.
۳۰۶. المجدی فی انساب الطالبین، علی بن ابی الغنائم العمری، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳۰۷. مرآه الجنان، یاققی.
۳۰۸. مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، علمی، ۱۳۷۰.
۳۰۹. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳۱۰. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، چاپ رحلی، ج ۳.
۳۱۱. معالم العلماء محمد بن علی بن شهر آشوب، حیدریه، نجف، ۱۳۸۰ ه.ق.
۳۱۲. معجم المؤلفین و تراجم مصنفی الکتب العربیه، عمر رضا کحّاله، بیروت، دارالاحیاء.
۳۱۳. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۴، مرکز نشر آثار الشیعہ، ۱۳۶۹.
۳۱۴. معرفه الحدیث وتاریخ و نشره و تدوینہ و ثقافته عند الشیعہ الامامیہ،

محمد باقر بهودی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

۳۱۵. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، چاپ دوم، رضی زاهدی، ۱۴۰۵ ه.ق.

۳۱۶. مناقب آل ابی طالب، رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب، چاپ چهارم، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، علامه قم، ۱۳۶۲ ه.ق.

۳۱۷. منتقله الطالبیّه، ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر بن طباطبا، ۱۳۸۸، نجف.

۳۱۸. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، چاپ علمی، ج ۲.

۳۱۹. مهاجران آل ابی طالب، ابن طباطبا، ترجمه محمد رضا عطایی، چاپ اول، قدس رضوی، ۱۳۷۲.

۳۲۰. نوادر الراوندی، فضل الله بن علی حسینی، منشورات حیدریه، نجف، چاپ اول، ۱۳۷۰ ق.

۳۲۱. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، چاپ بیروت.

۳۲۲. یادگارهای یزد، ایرج افشار انتشارات انجمن ملی، ۱۳۵۴، چاپ دوم.

ص: ۳۰۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

